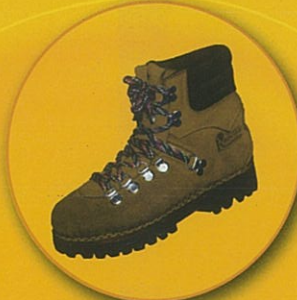




**KOUH** فوجنامه کوه - میان دهم  
Mountain Sport زمستان ۱۳۸۳ - ۲۰۰۵ آرتوران



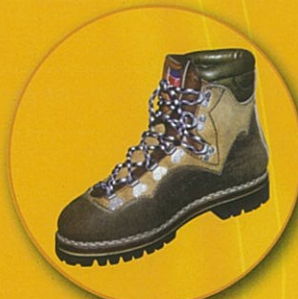
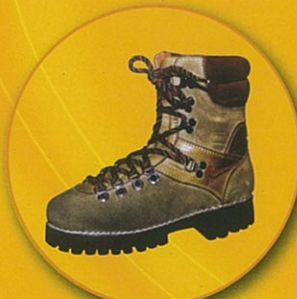
# کوهپیار



کوهی مدل آلپ کوتاه

کوهی مدل آلپ متوسط  
(اطریش)

مدل کاسنیگر آلمان



جدیدترین کوهی هیمالیا

طرح سوپرشارون فرانسه

طرح ابتکاری کوهپیار



عرضه کننده بهترین لوازم کوهنوردی ، سنگ نوردی ، کمپینگ  
طرف قرارداد با کلیه سازمانها ، اداره جات ، ارگانها و مراکز دولتی و غیردولتی

تلفن : ۶۶۴۹۰۲۳۶ - ۶۶۴۰۰۱۱۹

آدرس : تهران ، خیابان ولیعصر ، بالاتر از میدان منیریه ، جنب کوچه زعفرانچی ، پلاک ۱۲۵۷

فکس : ۶۶۴۹۰۴۹۶

Email : info @ kouhyar.com

www . kouhyar.com

# ونک اسپرت

بزرگترین فروشگاه ورزشی - تخصصی

www.vanaksports.net  
vanaksport@yahoo.com  
info@vanak sport.net

عرضه کننده کلیه لوازم

کوهنوردی

سنگنوردی

کمپینگ

اسکی

اسکیت

مجری تورهای ورزشی

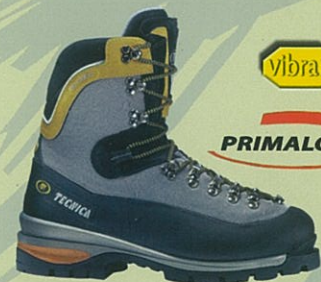
TFK 8000



Thinsulate  
INSULATION  
3M



T-Rock Thermal



PRIMALOFT  
sport  
For Footwear

Eagle GTX



فروشگاه جدید: ونک، خیابان ملا صدرا، میدان شیخ بهایی، مجتمع تجاری سنول

تلفن: ۵ - ۸۸۶۰۹۹۲۴ - فکس: ۸۸۷۹۹۱۸۳

آدرس: تهران - خیابان ولیعصر - بالاتر از میدان منیریه - نرسیده به

چهارراه سپه شماره ۱۲۹۴ - تلفن: ۶۶۹۶۶۹۴۲ - ۶۶۹۵۸۴۰۶

# پاتنید اسپرت

عرضه کننده و وارد کننده

تجهیزات کوهنوردی

سنگنوردی

کوهپیمایی

 TECNICA

TECNICA

The  
North  
Face 

KOMPERDELL

 SALEWA

آدرس: خیابان ولیعصر - بین میدان منیریه و چهارراه امام خمینی (سپه)

نرسیده به چهارراه سپه - پاساژ المپیک - طبقه اول - پلاک ۲۶

تلفن: ۴-۶۶۹۷۰۷۱۲ با مدیریت: زیرکی



بنادک

Shop Bonadak

فروشگاه تخصصی  
ورزشهای کوهستانی

عرضه کننده لوازم

کوه نوردی ، سنگ نوردی  
اسکی و کمپینگ

نماینده محصولات



فروش: ۰۵۷۰۶۶۴۶

تهران ، میدان منیریه ، خیابان ولیعصر شمالی ،  
مقابل پاساژ تابان ، شماره ۱۲۹۸

ثبت: ۲۲۹۷۶۰

# FARAZ

## کوه آفتاب **بازرگانی فراز**

واردات ، صادرات و تولیدات لوازم ورزشی کوهنوردی

نماینده فروش کوله پشتی های **HUNTER** و **ICELAND** در ایران



طرف قرارداد با کلیه

نهادهای دولتی و غیردولتی و گروههای کوهنوردی

۱- فروشگاه: خیابان ولی عصر تقاطع امام خمینی (سپه) جنب بانک مسکن فروشگاه فراز

تلفن: (خط ۳) ۶۶۹۵۰۶۶۸ - ۷ و ۶۶۴۹۲۴۷ - ۶۶۴۰۸۱۴۱ - فکس: ۶۶۴۹۴۱۰۲

۱- مرکز پخش:

خیابان ولیعصر تقاطع امام خمینی (سپه) مجتمع تجاری المپیک طبقه دوم بازرگانی فراز

تلفن: ۶۶۴۶۰۲۰۸ - تلفکس: ۶۶۹۵۰۶۶۸

[WWW.FARAZMOUNTAIN.COM](http://WWW.FARAZMOUNTAIN.COM)

[EMAIL: INFO@FARAZMOUNTAIN.COM](mailto:INFO@FARAZMOUNTAIN.COM)

شرکت طراحی و مهندسی

# هفت گوهر

سازنده ابزارهای کوهنوردی



## کلیک مدل آوارات



نوع B

طول ۵۰ سانتیمتر

وزن ۵۵۰ گرم



## پاتوم مدل شبان

طول حداقل ۶۸ سانتیمتر

طول حداکثر ۱۴۰ سانتیمتر

جنس لوله آلیاژ آلومینیوم ۷۰۷۵

ضربه گیر

دسته قابل انعطاف

نوک الماسه

دو عدد گل برف

وزن ۳۲۰ گرم



در ورزشهای میدانی اگر ابزار ورزشکار  
خراب شود، بلافاصله یک ابزار سالم  
جایگزین می گردد

در کوه نوردی... ؟

شرکت هفت گوهر سازنده ابزارهای کوه نوردی با قابلیت کار در شرایط دشوار

انتخاب با یک کلیک حق شماست.

[www.parsoon.com](http://www.parsoon.com)

99%

loading...

پرسون

ASOLO

FERRINO

Bestard<sup>®</sup>  
MOUNTAIN BOOTS

نماینده انحصاری لوازم و تجهیزات کوهنوردی معتبرترین کمپانیهای اروپائی

تهران - خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی شماره ۸۲ واحد یک

تلفن : ۶۶۴۶۲۶۱۵ - ۶۶۴۶۳۶۱۵ فکس : ۶۶۴۱۱۵۲۱

Bahram  
0912 2031 209



www.Farazmountain.com Email: info@farazmountain.com

تلفن: (۳ خط) ۶۶۹۵۰۶۶۸

تلفکس: ۶۶۴۹۴۱۰۲

آفریقا پیرترین درخت  
(قتبیل ماگایامو)

برگزار کننده تورهای کوهنوردی داخلی و خارجی  
مجری برنامه های آموزشی کوهنوردی

همراه: ۰۹۱۲۱۳۵۴۷۷۱

محمدیان



# کلیمانجارو را با ما تجربه کنید

صعود به بام افریقا قله منفرد کلیمانجارو

MANAYARA , NEGORONGRO , SERENGTI

دارالسلام - زنگبار - کنیا - تانزانیا

تهران کارگر شمالی خ فکوری خ صالحی شماره ۳۰ طبقه اول

صندوق پستی ۳۷۹ ۱۴۱۹۵ تلفن ۸۰۰۷۶۳۷ ۸۰۲۸۹۰۳

نمابر ۶۴۳۶۸۲۳ / E-mail : caravan@ircta.com

GHOGHNOUS CO.

www.ghoghnous.com  
info@ghoghnous.com

انواع پوشاک :

لباس گرتکس

پوشاک پلار

لباس استرج

لباس بادگیر

کیسه پودر

کیسه بیواک

کاور کوله

پانچو

گتد

و ...



اصفهان، خیابان رودکی، شماره ۳۱۰  
No. 310 Roodaki St. Isfahan Iran  
Tel: +98 311 7775744 - 45  
TelFax: +98 311 7759264

غوغنوس  
GHOGHNOUS CO.

INDOOR CLIMBING WALL & CLIMBING HOLDS

- ▶ Inside & Outside climbing hold
- ▶ Concrete indoor climbing wall
- ▶ 3D panels 1\*1 m 2
- ▶ 3D panels 1\*3 m 2
- ▶ Training boards
- ▶ Baby mountain

دیواره و گیره های سنگنوردی

گیره های توکار و گیره های روکار

دیواره ی سنگنوردی یک تکه

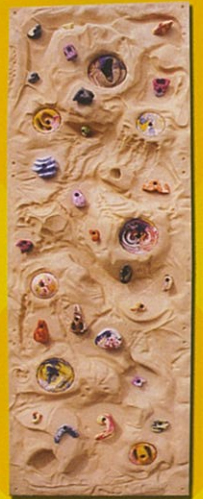
پانلهای 1\*1 m<sup>2</sup>

پانلهای 1\*3 m<sup>2</sup>

صفحه آموزش (سیمولاتور)

کوهستان کودک

MOUNTAIN  
CLIMBING  
EQUIPMENT  
PRODUCER





# Asia Shoes Group collection of the best

۵۲۳۲۸

شماره ثبت:

شرکت تولیدی کفش آسیا



Martin 307



Beret 308



Wenz 309



mountain207



mountain202



mountain203



mountain204

آدرس دفتر: تهران، خیابان ولیعصر، میدان منیریه، اول ابو سعید  
شماره ۸ کدیستی ۱۱۱۱۹۱۵۵۴۷ تلفن: ۶۶۴۰۵۵۵۴ تلفکس: ۶۶۴۰۶۲۶۹  
تلفن کارخانه: ۳۸۵۱۶۵۰۵ تلفکس کارخانه: ۳۸۲۷۶۲۶  
مدیریت کفش آسیا: سید حمزه موسوی شاد موبایل: ۰۹۱۲۷۵۰۸۱-۹۱۲۷۵۶۱۷۱

Office: No8, First Abooseaed, Monirieh Sq, Valliast Ave, Tehran, Iran  
P.O.B: 1111915567 Tel: +9821 66405554 Telfax: +9821 66406269  
Tel Factory: +98 262 3851650 Telfax: +98 262 3827626  
Manager: Seyed Hamzeh Mousavi Shad.  
Mobile: +98 912 121250810 +98 912 1354171

عنوان المكتب: طهران، شارع ولیعصر، ساحة منیریه، بداية شارع ابو سعید رقم ۸  
مفتاح البريد: ۱۱۱۱۹۱۵۵۴۷  
هاتف رقم: ۶۶۴۰۵۵۵۴ تلفکس رقم: ۶۶۴۰۶۲۶۹  
هاتف العمل: ۳۸۵۱۶۵۰۵ تلفکس العمل: ۳۸۲۷۶۲۶  
تلفکس العمل: ۳۸۲۷۶۲۶



Wreselling17



Wreselling123



Wreselling119



Official124



Official301



Official303



Official305



Wreselling178



Wreselling120



Sport121



Nurse122



Official302



Official304



Official306



Sport101



Sport103



Sport105



Sport107



Sport109



Sport111



Sport113



Sport115



Sport102



Sport104



Sport106



Sport108



Sport110



Sport112



Sport114



Sport116

# شرکت کوهنوردی کسا

اولین تولید کننده دیواره های مصنوعی سنگنوردی در ایران



طراح و مجری دیواره سنگنوردی قهرمانی آسیا



دفتر مرکزی :  
تهران - خ شریعتی - سه راه طالقانی - کوچه نقدی - مجتمع اداری رازی - واحد ۲ تلفن : ۷۷۵۱۰۴۶۳ فکس : ۷۷۵۱۰۴۶۴  
فروشگاه شماره ۱ :  
تهران - خ ولیعصر - بالاتر از میدان منیریه - نرسیده به مسجد فخریه - پاساژ فخریه تلفن : ۶۶۹۶۶۳۵۱ - ۶۶۹۶۱۱۹۳

www.kassa.ir | E-mail : info@kassa.ir

**CASSIN**  
TM ®

نمایندگی انحصاری



**NEW  
2006**

**دفتر مرکزی :**

تهران - خ شریعتی - سه راه طالقانی - کوچه نقدی - مجتمع اداری رازی - واحد ۲  
تلفن : ۷۷۵۱۰۴۶۳ فکس : ۷۷۵۱۰۴۶۴

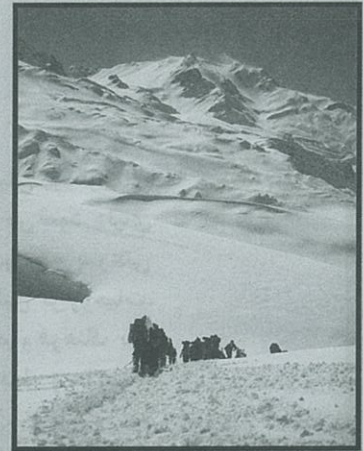
**فروشگاه شماره ۱ :**

تهران - خ ولیعصر - بالاتر از میدان منیریه - نرسیده به مسجد فخریه - پاساژ فخریه  
تلفن : ۶۶۹۶۳۵۱ - ۶۶۹۶۱۱۹۳

Web : [www.kassa.ir](http://www.kassa.ir) E-mail : [info@kassa.ir](mailto:info@kassa.ir)

به نام خداوند جان و خرد  
فصلنامه کوه

۴۱



عکس روی جلد: محمد حاج ابوالفتح

ISSN - 1027-104 - X

۵۷	کوه‌ها و آدم‌ها	۲	حرف اول
۵۹	مرتفع‌ترین گسل زمین	۴	از دریا به کرانه
۶۰	کوکوشکا	۱۱	صعود قتل ماترهورن
۶۴	در هوای رقیق	۱۲	چاه دریا
۶۸	کوه عریان	۱۴	بر فراز قله خاتانگیری
۷۲	مشخصات فنی طناب‌های کوه‌نوردی	۲۲	گفت‌وگو با مسئول جانپناه‌ناندل
۷۶	دائرة المعارف	۲۴	کوله پستی
۷۸	نکات فنی	۲۸	کمپ تابستانی در دماوند
۸۳	هنر زنده ماندن	۳۰	کلیدهای طلایی فرهنگ
۸۴	گزارش نویسی	۳۲	صعود خط الرأس دنا
۸۶	جایزه تبر یخ طلائی	۳۲	بوزسینه
۸۸	ایتترنت	۳۸	دره یخار
۸۹	مسابقات المپیک زمستانی	۴۰	جنگل نوردی
۹۰	اخبار	۴۲	دیواره آوازه
۹۳	اخبار انجمن کوه‌نوردی	۴۴	سقوط بهمن
۹۴	نامه‌های رسیده	۵۰	صاعقه زدگی در کوهستان
Irans TopDog Desert	۹۶	۵۲	دور اروپا با دوچرخه

فصلنامه کوه‌نشریه‌ای است مستقل که به هیچ سازمان یا تشکیلاتی وابستگی ندارد. مطالب مندرج در فصلنامه کوه الزام‌آنظر نشریه نیست. مقالات و عکسهای ارسالی به دفتر مجله، مسترد نمی‌شود. فصلنامه کوه در چاپ ویرایش و خلاصه کردن مقالات اختیار کامل دارد. نقل مطالب فصلنامه کوه با ذکر مأخذ مانعی ندارد. مطالب را حتی‌المقتور تایپ شده و یا با خط خوانا، با رعایت فاصله خطوط و در یک روی کاغذ ارسال نمایید و چنانچه ترجمه شده است، کپی متن اصلی را نیز همراه ترجمه آن بفرستید. مسئولیت صحت و سقم مطالب به عهده نویسنده است. گزارش معرفی مناطق کوه‌نوردی و یا خط‌الرأسی حتماً با کروکی و عکس همراه باشد تا امکان استفاده از آن جهت دیگران فراهم گردد. مسئولیت مطالب مندرج به عهده نویسندگان است.

سال دهم - زمستان ۱۳۸۴

\*\*\*\*\*

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
دکتر حسن صالحی مقدم

\*\*\*

زیر نظر شورای نویسندگان

\*\*\*\*\*

با تشکر از: جلیل کتیبه‌ای - دکتر محسن محسنین  
مهندس وارطان زاکاریان - مهدی شیرازی  
رضا چهکنویی مرتضی موسوی - مسعود اشرفی  
مهندس شاهپور صمصام - مهندس م.برزگر  
علی پارسایی که با همکاری صمیمانه در قسمت  
تحریریه و اجرایی، تلوم انتشار مجله را امکان‌پذیر ساخته‌اند

\*\*\*

گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه صبوری

\*\*\*

حروفچینی: آزاده فشاهی

\*\*\*

لیتوگرافی دیجیتال و چاپ جلد و صفحات رنگی:

چاپ فرارنگ آریا ۷ - ۸۸۳۲۰۹۲۵

پست الکترونیکی: faslnameyekouh@yahoo.com

تلفن: ۲۲۷۱۲۸۱۶

نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۹۶۱۵/۶۸۶

نمبر: ۲۲۷۱۲۸۱۷

## حکومت الکترونیکی هر اتاق مرکز جهان است

زمان حاضر را عصر انفجار اطلاعات نامیده‌اند. اطلاعات، عرصه و اعیان گسترده‌ای دارد. فرآیند اطلاعات به صور مختلف، آشکار، پنهان، مکتوب یا مصور پدیدار می‌شود. دنیای الکترونیک و به روایتی رایانه این پیشرفت و گستردگی را خواسته یا ناخواسته سرعتی سرسام آور بخشید. رعدوار حضور می‌یابد و برق آسا گذر می‌کند. زمانی منطبق بر روحیات، تفکرات و اعتقادات است و در مواردی، مخالف؛ و شاید منافاتی با آداب و رسوم و فرهنگ یک جامعه نیز داشته باشد. این گستردگی، جامعه را به یک جامعه اطلاعاتی تبدیل و حاکمیت جدیدی را بنا کرده است که به همراه خود شور، شعف، آگاهی، دلشوره، چالش، حرمان و... به همراه دارد. به عبارتی، ناسازگاری فرهنگی، فروپاشی حرمت در جامعه یا دوگانگی فرهنگی را به بار می‌آورد!

\*\*\*

اول،

شاعر و متفکر بلندآوازه مکزیکی «اوکتاویو پاز» در دورانی که هنوز جامعه اطلاعاتی و الکترونیکی متولد نشده بود، سروده است: «هر اتاق مرکز جهان است». وی کامل‌ترین و جامع‌ترین تعریف از دوران نوین را هنگامی بیان کرده که هنوز بشر قرن بیست و یکم پا به جامعه اطلاعاتی نهاده است. اکنون، هر روزه در فن‌آوری اطلاعات شاهد کودتا یا نوآوری هستیم. کلمات ناسخ و منسوخ یا تایید و تکذیب، زیاد مصرف می‌شود و در حقیقت، ثبات قوام یافته‌ای در آن نمی‌بینیم. در پاره‌ای موارد، دستاوردهای الکترونیکی و اطلاعاتی، دگرگونی، برخورد و بعضاً نابسامانی نیز به همراه دارد؛ هر چند که توسعه را نیز به ارمغان می‌آورد. اصل تکامل، تدریجی است و چنانچه از مسیر عادی خارج شود و سرعت نابسامان گیرد زیان آور است. آفت بزرگ جامعه امروز، اطلاع رسانی غیرحضور و مکاتبه‌ای است. هنوز بسیاری، بهره مندی از نرم افزارهای الکترونیکی، رایانه، اینترنت را جایز نمی‌دانند و برای خود دلایلی نیز دارند. عده‌ای از جامعه شناسان بر این عقیده‌اند که هنوز حضور انسان در بسیاری از موارد در اجتماع ضروری است - هر چند که تمامی این دستاوردها توسط بشر اختراع شده است و با واسطه به انسان بر می‌گردد - چرا که روح، نگاه، حس، صداقت، ایمان، حرمت، عشق، شعور، ایثار فقط در انسان یافت می‌شود و نه در مصنوعات ساخت بشر.

# مناظره با لیبی

روزنامه

مناظره

مناظره

مناظره و گفتگو

مناظره

ما معتقدیم بهره‌مندی از پیشرفت‌های بشری با رعایت ادب، احترام و شئون آیینی و ملی جایز است.

دسترسی به حجم وسیع اطلاعات و دستاوردهای بشری، برخورداری از امکانات و ابزارهای نوین، افق‌های جدیدی را پیش روی افراد جامعه گشوده و چشم‌انداز وسیعی را برای جوامع رو به رشد باز نموده است. در حقیقت، نظریه «دهکده جهانی» به مرحله اثبات نزدیک می‌شود.

\*\*\*

دوم،

ابزارهای حکومت الکترونیکی، رایانه، اینترنت و به تبع آن وب‌سایت است. در چند سال گذشته نوشتار، گویش، تحلیل، تجلیل، نقد اینترنتی باب شده است. بحث ما در حیطه کوهنوردی است. در جایی از این نوشتار به اطلاع‌رسانی غیرحضور یی یا به تعبیری دیگر غیررسمی اشاره کردیم. در شماره‌های قبلی از نقد، منتقد و انتقاد نوشتیم و از شرایط آن قلم زدیم. دریغ از اندکی توجه! گاهی دیده می‌شود از دست‌افزارها به نیکی استفاده و بهره‌برداری نمی‌شود؛ باری به هر جهت گفته و نوشته می‌گردد. بسیاری از مکتوبات اینترنتی و جاهت‌شرعی و عرفی ندارد. وسعت دید و سلامت اندیشه و صداقت‌گفتار در نوشتارها دیده نمی‌شود. در این‌گونه نوشتارها به کرات شاهد توهین، افترا، اهانت و بی‌بند و باری ادبی هستیم. گمان نمی‌بریم که اگر مخترع اتم حتی تصور بر انهدام مخلوق را داشت آن را به وجود می‌آورد.

فصل نامه کوه به صراحت اعلام می‌دارد: مخالف فن‌آوری، توسعه، اصلاحات، اینترنت، نقد، تحلیل محتوا و... برپایه ادب، فرهنگ، مسائل شرعی و عرفی نیست؛ ولی قایل بر این رای است که همگان وجاهت و صلاحیت ورود به این حریم را ندارند. آن چه سبب شده تا انسان اشرف مخلوقات نامیده شود، اندیشه و شعور است و به واسطه همین دو خصلت جمیع کائنات در خدمت او می‌باشند. این همه تا جایی که بر پایه تدین، انصاف، صداقت، کمال و افکار عالی انسانی باشد، پابرجاست.

«همه برای انسان، انسان برای ذات باریتعالی»

دکتر حسن صالحی مقدم

# از دریا به کرانه

جلیل کتیبه ای

کوتاه‌تر دیگر ....

## و آنگاه ...

... خودش به قلم آورده بود: «... در چنین لحظات تلخ، برای تاراندن همه مظاهر نخوست و پلشتی که پیرامونت را فرا گرفته است چه می‌کنی؟ رخت به کجا می‌کشی؟ ... کجا را داری آشناتر از آن بلندی‌های برف‌پوش، آن خلوت اهورامزدايي؟ ... غیر از کوه کجاست مامن و مآوای تنهایی و انزوا؟ کوه، آنجا، آن بلندی‌هایی که در آن‌ها جذب و شور دو چندان می‌شوند. تخیل افسار می‌گسلد و رؤیا رنگ جنون به خود می‌گیرد. آنجا که روز، باران رنگ است و نور و تا غروب می‌توان خورشید را نوشید، تا آخرین جرعه. آن جایی که می‌توان سر بر شانه ابرها گذاشت و با باد سفر کرد ...» (از یادداشت خاطره‌هایش: مشق جنون).

و در نامه‌ای برایم نوشته بود: «... خسته و رمیده‌ام، و در عین خستگی، می‌دوم. کوه ملجای خوبی است برای آدمی چون من ... برای رمیده‌ای چون من. آری، ما از رمیدگانیم ...».



عباس جعفری بر فراز یک قله ۶ هزار متری در هیمالیا. سمت چپ ماکالو ۸۶۱۱ متر

بله، این «عباس جعفری» بود که به کوه صادقانه عشق می‌ورزید و با قلم، انس و دوستی داشت. اما با وجود سنگینی و بزرگی این عشق و انس، به یک باره همه را گسست و شکست، رمید و به آنها پشت کرد. راهی دیگر پیش گرفت که گاهی سایه‌ای از کوه داشت، در حالی که می‌دانم ته دلش هنوز و همچنان با آن گذشته بود ... و در این اواخر، حتی روی خط ارتباطش با من نیز پاکشید و گم شد. بسان ماهی لیز و لغزنده‌ای که از وسط کف دست می‌گریزد، فرار می‌کند و توی آب دریا از دیدت دور می‌شود. دیگر یافتن و گرفتنش کار هر کسی نیست. باید ماهیگیری ماهر بود و دانست که تور و یا چنگک را کی، چگونه و به کجا پرتاب کند.

اما چه خوب که برای یافتن یک چنین ماهیگیری، راه و سفر درازی لازم نبود. یار در خانه بود و گردجهان گشتن نمی‌خواست.

زمین می‌گردد و شب و روز و تابستان در پی هم می‌گذرند و در این گردش‌ها و گذران‌ها، چه پیشامدهای جالبی را می‌توان شاهد بود. جامعه یک چنان ماهیگیر ماهر را به برکردن، برانداز کسی بود که در سال ۸۰، آن روزی که گام بر فراز عروس دره خومبو و کوه‌های پیرامونش (پوموری ۷۱۶۵ متر) گذاشت، هیچ از اندیشه‌اش نگذشته بود که روزی خودش عروس بلندترین قله همان دره، و بلندترین دره کوه‌های زمین خواهد شد! و یا خود ایشان می‌دانست، اما دیگران آگاهی نداشتند؟

## اورست، ماهی لغزنده و فرار، و ... ماهیگیر ماهر!

خوشحالم که زندگی این فرصت و امکان را داد که زنده باشم و از پانهادن دو تن از کوه‌بانوان صاحب افتخار میهنم بر فراز اورست بلندتر، آگاهی بیابم. کوهی که از دماوند خودمان بیش از سه هزار متر و از بلندترین چکاد پس از خودش ۲۳۷ متر، سرگردن بالاتر کشیده است، و هنوز بسیاری از کوهنوردان گیتی هستند که آرزوی صعودش را دارند.

بگذریم که درباره صعودهایی به اورست در این سال‌های اخیر، که توسط سازمان‌های گردشگری ترتیب داده شده بوده است، چیزهایی نوشته و گفته‌اند؛ اما بنده برای این بانوان پیروزمند ایرانی - و نیز بانوان دیگر همراه گروه که تا نزدیکی مرز هشت‌هزار متری بالا رفته‌اند. احترامی ویژه دارم. زیرا که اینان یک چنین تهور و اراده و نیرویی را داشتند که سدهای «ضعیفه» و «خانه‌نشینی» و «بی‌هویت» و «تنبل» و «ترسو» را بشکنند و به کاری دست بزنند که معمولاً از آن مردان دانسته می‌شده است (گرچه بسیاری از مردان نیز به این هدف رفته‌اند و شکست خورده‌اند!).

تبریک فراوان به این دو بانوی پاتلائی ایران: فرخنده صادق و دکتر لاله کشاورز و نیز به دگر کوه‌بانوان میهن‌مان که کوه‌های بلند دیگری را که بر فراز دره‌های وحشی و یخچال‌های و هم‌آور، غرور و سختی و ابهت خود را نشان می‌دهند) به زیر گام‌های شجاعانه‌شان نهاده‌اند.

... به ۵۹ سال پیش توجه می‌کنم که کوه نوردی تازه داشت در ایران خودی نشان می‌داد آن هم در رده مردان - اما به ناگهان اولین تهور و استقامت و گسستگی بند «جنس ضعیف» در این راه آشکار شد و نخستین زن ایرانی بر بلندترین کوه‌مان صعود کرد.

... از خاطرم می‌گذرد که ۵۷ سال پیش که حتی تعدادی از مردان کوه‌نوردان با حسرت به دماوند می‌اندیشیدند و آن را همان دیو سپید دهشتناک و بی‌رحم داستان‌ها می‌دانستند، پنج دختر شیردل، دعوت کوهنورد معروف و دوست دیرین محمد کاظم گیلان‌پور را پذیرفتند و دلاورانه همراه وی دشواری‌های صعود را تحمل کردند و در کنار دهانه در یخ فرورفته فراز دماوند، لبخند پیروزی بر ضعف و سستی و ترس بر چهره‌شان نشست.

... به ۵۵ سال پیش می‌اندیشم که آن سه دختر توانستند پس از گام‌نهادن بر فراز کوه تخت‌سلیمان، نخستین صعود از شمال شرقی دماوند و سپس یک هفته بعد، یکمین صعود به علم‌کوه تازه از خموشی سال‌ها بیرون آمده را به نام‌های خود رقم بزنند ... و به آن بانوان پیروزمند و شجاع دیگر فکر می‌کنم که با زمان پیش آمدند و به راه کوه‌نوردی نوین (صعود از تیغه‌ها و دیواره‌ها و یخچال‌ها) روی آوردند: سال ۳۸ = گرده شمالی علم‌کوه . ۴۳ = مون‌بلان - ۵۲ = شمال سه‌هزار متری دماوند در بهار . ۵۴ =

راه فرانسوی‌ها (علم‌کوه) - ۵۶ = یک شش‌هزار متری در آمریکای جنوبی با ۶۰۰ متر دیواره یخی . ۶۹ = تنها از گرده آلمانی‌ها در علم‌کوه ... و نیز دیگران در دیواره‌های



سبلان: در پیشانی یخچال بزرگ و زیبای سبلان، برآمدگی مشخص وجود داشت که کوهنوردان صعودکننده از این سو در سال‌های دهه‌های ۴۰ و ۵۰ همیشه به آن اشاره داشته‌اند. این برجستگی که به «پوزیخچال» معروف بود، امروز دیگر وجود ندارد. هرم داغ: یخچال شمالی این کوه نیز با نزدیک به ۹۰ درجه شیب که درست زیر قله هرم ۲، ۴۶۰۰ متری قرار دارد، در سالهای اخیر، تابستان که به پایان می‌رسد یخ کبود رنگ آن نیز بساطش را جمع می‌کند و جایش را به سنگ‌ها و سنگریزه‌های زیرینش می‌سپارد.

علم‌کوه: تمام یخچالهای بزرگ و کوچک آن بخش، در معرض فرسایش دائمی قرار دارد. حدود ۵۰ سال پیش، براساس عکس‌هایی که در آن زمان تهیه شده است، گستردگی علم‌چال از همه‌سو به خوبی دیده می‌شود. اما امروز دیگر آن وسعت وجود ندارد و زیر دیواره و پیرامون گل‌سنگ در آخر تابستان از یخ و برف تهی می‌شوند.



بخشی از یخ‌های موسوم به سربرف یخ در نزدیکی قله دماوند. عکس: پرویز حاجی محمدی

فرخنده صادق، این پیروزمند پاتالایی اورست، تور و چنگک ماهیگیری را چنان برای آن ماهی لغزنده و رمیده خسته و گریخته (عباس جعفری) نشانه گرفته بود که در بازگشت از فراز ۸۸۴۸ متری، سرانجام توانست او را رام سازد که دیگر مأوی تنهایی پیش خودشان دست «جذبه و شور و رویا» را در کنار خودشان می‌توان یافت. دیگر لازم نیست «با باد سفر کرد و سر بر شانه ابرها گذاشت». باران رنگ و نور در همین جاست. جایی که رمیده را به آرامش می‌رساند و از این پس چهار دیده‌نافذه در کنار هم، در اوج کوه‌ها، با هم از درون ابرهای میهم زندگی خواهند گذشت و به برآمدن خورشید روشنی‌بخش امروز و فردا خواهند نگریست. دوتای یگانه خواهند شد بر بادهای خواهند نشست و رویاهای گذشته را با تدبیر و فراگیری‌هایی از کوهستان، به واقعیت خواهند کشانید و راه‌خوش زندگی را خواهند یافت و ... پیروزی‌های در زندگی را.

تبریک شادمانه بر این زوج کوهستان‌های بلند: خانم فرخنده صادق و آقای عباس جعفری، با امید پیروزی‌های کوهی بیشتر برای کوه‌بانوی مان، و باز هم قلمزنی در اینجا و آنجای مطبوعات و دفترها برای کوه‌مردان.

و ... تبریک و مرحبا نیز برای آقای رئیس و گرداننده چرخ فدراسیون که به گمانم شاید بیش از هر رئیس کامروائی در گیتی، برنامه‌هایمالتا ترتیب داده و کوهنوردان مان را به شش قله بالای هشت‌هزار متر رهبری کرده‌اند، که این خود «روردی» به حساب می‌آید.

## مرگ یخ‌ها و یخچال‌ها!

در صفحه ۹ مجله کوه شماره ۲۸ اشاره‌ای شده بود به آب شدن تدریجی یخچال‌های کره زمین؛ که ضمن آن، توجه کوهنوردان جست و جوگر، و نیز دست‌اندرکاران مراکز پژوهش‌های علمی و سازمان محیط‌زیست را به وضع دگرگونی یخچال‌های کشورمان جلب کرده بودیم. از این سازمان‌های رسمی، خبری و گزارشی بررسی‌گرانه دریافت نکردیم و از کوهنوردان عزیزمان نیز متأسفانه در این باره چیزی نشنیدیم و نخواندیم، به جز از آقای پرویز حاجی محمدی کوهیار گرامی تبریزی و یار علاقمند و پویانده به صعود و تحقیق، که لطف کرده و شرحی گویا درباره بررسی روی یخچال‌های چند کوهمان تهیه دیده و فرستاده بودند که اینک از نظر خوانندگان ارجمند نیز می‌گذرد:

سهند: رشته کوهستان سهند با درازای یکصد کیلومتر، به‌طور شرقی - غربی در آذربایجان قرار دارد و کوه سلطان داغی با بلندی ۳۴۷۶ متر، سومین قله این رشته شناخته می‌شود. در شمال قله این کوه، آثار یخچال و سفت برف دیرین را تا دو دهه پیش، حتی از تبریز - فاصله ۵۰ کیلومتر - می‌شد دید. اما در این زمان، دیگر اثری از آن باقی نمانده است و یخچال‌های کوچک آنجا نیز در میانه تابستان تبدیل به آب می‌شود و ناپدید می‌گردد.

زردکوه: در جنوب شرقی قله هفت‌تنان (۴۰۱۸ متر) دره‌ای است گسترده به نام «ایلوک = ILEVEK» که حتی در تابستان‌ها نیز، درازای حدود ۱۰ کیلومتر آن، پر است از سفت برف انبوه (شاید مناسب برای اسکی کردن در تابستان؟). اما از پهنا و طول - و بی‌تردید از حجم - آن چندین متر کاسته شده است.



دره ۱۰ کیلومتری ایلوک (زردکوه) با بخشی از سفت برفش

با تشکر از آقای حاجی محمدی، می‌بینیم که کسی از دماوند، کوه بزرگمان و یخچال‌های بلند و جالبش، گزارشی و خبری نداد. با یاد گرامی نام «جلال رابوکی» می‌دانم که اگر این عاشق و قهرمان دماوند وجود داشت، بی‌تردید، بررسی تازه و جامعی روی یخچال‌های این کوه می‌کرد و به آگاهی‌مان می‌رسانید که در آنجا چه می‌گذرد و کودکان ده، دوازده ساله امروز، اما بیست سال دیگر خواهند توانست بازهم تماشگر، و یا خود تلاشگر صعود از یخ‌های سپید و آبی‌رنگ یخار، و یا دبی‌سل» و سی‌وله و ... در شمال این کوه باشند؟

در مورد یخچال‌های آلپ، کارشناسان و آگاهان نمی‌توانند امیدواری بدهند و نظر مثبت عرضه کنند. بنابر سنجش و بررسی اینان، در این بیست سال اخیر، حتی در بعضی از این یخچال‌ها، ۴۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد!



یخچال ۱۲ کیلومتری «دریای یخ» و بخشی از یخچال‌های دامنه تا قله‌هایی در آلپ فرانسه که در حال فرسایش هستند

اندیشه برانگیز دور از نور خورشید، زیاد غوطه نخورده‌ام. گرچه دیدار چکنده‌ها و چکنده‌های سحر کننده، کنجکاوی و دقت و فراست در یافتن راه‌های تجسس و عبور، هیجان و بیم گم کردن راه بازگشت، سنگینی هوای ژرفای غار، برخورد احتمالی با حیوان‌ها و حشره‌ها، برج‌های یخی، جریان‌های آب و ... همه برایم ماجراهای دوست داشتنی، همراه با دانش و دانستن و کشف کردن و در گذشته‌های دور و دورتر فرو رفتن بوده‌اند و هستند.

در ماه گذشته، در نزدیکی شهری که در آن زندگی می‌کنم (پاساو)، مراسمی بود به مناسبت یکصدمین سال پیوستن آزاد آدمیان امروز با غاری که در آنسوی مرز آلمان، در خاک کشور اتریش قرار دارد، با نام «لامپرشت = lampecht» - گرچه از زمانی که آدمیزاد به جنب و جوش زندگی کردن پرداخته و سپس غارها را یافت و شناخت، تا مدت

در سمت شمال بلندترین قله آلمان «تسوغ شپیتزه ۲۹۷۵ متر = Zugspitze» (نگاه به صفحه ۸۱ مجله کوه ۱۱) یخچالی وجود دارد که با سرمایی همیشه زیر صفر، پستوانه مطمئن است برای آب آشامیدنی، و مکانی مناسب برای ورزش اسکی در زمستان و تابستان. در ماه گذشته، در دیداری که وزیر محیط‌زیست این کشور، در بلندی سه هزار متری آنجا داشت، با صراحت و تأسف گفت: عکس‌هایی که امروز از اینجا گرفته می‌شود، در حقیقت عکس‌های جالب و تاریخی خواهند بود، زیرا با هوای گرم بالای صفر، در بیست سال دیگر، اثری از این یخچال دیده نخواهد شد. و قله کوه که معمولاً در تمام روزهای سال، درجهٔ سرمای زیر صفر را داشته است، در بیست سال بعد، ۲۵ روز کمتر به این درجه خواهد رسید.

هوای کوه‌های آلپ در این هفتاد سال اخیر، تا دو درجه گرم‌تر شده است، و یخچال‌ها سال به سال بیشتر رو به فرسایش گذاشته‌اند. همین یخچال شمال قله بلندتر آلمان، تنها در یک روز گرم تابستان، حدود ۳۵ میلیون لیتر آب از خود بیرون می‌دهد، که برابر است با آب مصرفی یکی از شهرهای درجه ۲ این کشور!

یک کارشناس یخچال از آکادمی علوم شهر مونیخ می‌گوید: فرسایش یخچال‌ها از ۱۵۰ سال پیش مورد مطالعه قرار گرفته، اما هیچ گاه یک چنین دگرگونی که در این بیست سال اخیر دیده شده، سابقه نداشته است.

فراوانی گاز CO<sub>2</sub> در فضای زمین، عامل بزرگ گرم شدن هواست. در این راستا، اقدام‌های محلی و کوچک در کم کردن این گاز، کارساز نیست. باید همهٔ کشورها با هم در یک کمربند یگانه، برای جلوگیری از گرم‌تر شدن هوای کرهٔ زمین، گام‌های محکم، مثبت، جدی و فوری بردارند.

### شنیفتگان

#### دنیا‌های بی خورشید

من خود به غارهای فراوانی وارد نشده و در این فضاها بسیار زیبا و هیجان‌آور و

## تشکر و سپاس

تقدیر الهی چنان بود که به واسطه پیش آمد حادثه ای مدت یک ماه را در بیمارستان و تا به امروز که حدود ۴ ماه است در منزل بستری باشم و وظیفه خود می‌دانم از اساتید و همکاران، پزشکان و پرستاران و دیگر پرسنل بیمارستان اختر، پیشکسوتان کوه نوردی، کوه نوردان، ریاست فدراسیون، انجمن کوه نوردان، هیات‌های کوه نوردی استان‌ها و شهرستان‌ها، دوستان و یاران که رنج سفر از شهرستان را به خود هموار کردند و با حضور در بیمارستان و یا منزل و یا تلفن و یا ارسال گل جویای حال بنده بودند صمیمانه تشکر و برایشان آرزوی سلامتی و موفقیت دارم.

در بین آمدگان که من منت پذیر آستان‌شان هستم، ره آوردی بزرگ از دیار هنر می‌باشد، او استاد مسلم خط و نقاشی است. استاد جلیل رسولی، حلاوت و شرف دیدار از عیادت خود را با هدیه ای بس ارزشمند کامل نمود. تعدادی طرح برای عنوان مجله «کوه». باشد که از میان این طرح‌ها که همگی زیبا هستند، یکی را به عنوان لوگو استفاده کنیم.

دکتر حسن صالحی مقدم

بسیار متأسفیم که با تمام تلاشی که در این مدت تقریباً طولانی (۳ سال) برای جلوگیری از افزایش قیمت مجله کردیم، در نهایت ناچار شدیم که ما هم با تورم همگام شده و قیمت مجله را افزایش دهیم. این مساله به هیچ وجه برای ما خوشایند نبود. اما با مشکلات موجود در بازار کاغذ و ... که همگی از آن اطلاع دارند چاره ای جز این نداشتیم (برای مثال کاغذ شماره ۳۷ را دو برابر شماره‌های قبل تهیه کردیم). البته یک امر ما را خوشحال می‌کند و آن حمایت معنوی خوانندگان است که با تماس‌ها و نامه‌های خود همیشه به ما دلگرمی داده و ما را در ادامه راه مصمم می‌سازند.

به امید آن که مشکلات موجود اقتصادی کمتر و از تلاطم موجود در بازار کشور کاسته شود تا باز هم مجبور نشویم تغییری در قیمت مجله به وجود آوریم.

ورودی و نیز درون غار به وجود می‌آورد... و مرا به یاد آن ۷ نفر غارنوردی انداخت که چندی پیش به غار «ویتزل = viterel» در جنوب فرانسه روی آوردند. فصل پائیز بود، و دگرگونی ناگهانی هوا، سبب ریزش باران‌های سیل‌آسا و نیز تلفاتی شد. در توی غار هم، سطح آب بالا آمد، آنگونه که ارتباط این غارپیمایان ۲۰ تا ۵۵ ساله با بیرون گسیخته گشت.

ده روز گذشت تا توانستند از بیرون غار با زندانیان درون آن ارتباط تلفنی برقرار کنند و آگاه بشوند که همه‌شان در درجه گرمای ۱۳+، تندرست هستند. البته خوراکی‌هایی که آنها با خود داشتند برای ۱۰ روز کافی نبود!

گروه نجات، که می‌بایست از یک دهانه باریک و چاه مانند وارد غار بشود. وظیفه دشواری داشت. اما سرانجام غارنوردان توانستند با یاری و تلاش توانفرسای نجات دهندگان و کوشش‌های سخت خودشان، از مهلکه‌هایی یابند. بدنیست که از این آگاهی‌ها نیز غافل نمانیم:

○ می‌دانیم که در بعضی غارها، آثار نقاشی مردمان قرن‌ها پیش وجود دارد که از



غار کتله خور عکس: سعید اردبیلی

ها بعد، این سرپناه‌ها و پناهگاه‌های طبیعی مورد بهره‌گیری او قرار گرفته بوده‌اند. تاریخچه غار لامپرشت نشان می‌دهد که از قرن ۱۷ بوده‌اند کسانی که به تحریک حس کنج‌کاویشان وارد این اشگفت شده‌اند. در زمان‌های بعد، غارشناسان و پویش‌گران حفره‌های سینه کوه‌ها و درون زمین، در این غار به استخوان‌های بازممانده از آنهایی برخورده‌اند که به هدف دستیابی، به گمان خودشان، به گنجینه‌های شوالیه لامپرشت (که نام غار به او نسبت داده شده است)، ناکام و نافرجام مانده بوده‌اند.

از سال ۱۸۹۹ میلادی (۱۲۷۸ خورشیدی) غار لامپرشت به اجاره هیأت کوه‌نوردی شهر پاساو درآمد. در آن هنگام، ساکنان دره‌ای که غار در بلندی‌های آن قرار دارد، همراه با دیگرانی از دور و نزدیک، به مناسبت پیوستگی این غار بزرگ و جالب‌ترین با کلوب کوه‌نوردی آلمان، جشن بزرگی برپا داشتند.

اما برای کلوب کوه‌نوردی شهر پاساو، موضوع ساده و آماده‌ای نبود. کوشش و زحمت و هزینه بسیار داشت تا توانستند راه رسیدن به غار را هموار بسازند. زیرا در آن زمان، دیدارکنندگان از غار می‌بایستی مسافتی را با راه‌آهن طی کنند و سپس ۳ ساعت ونیم هم پیاده‌روی را بر آن بیفزایند... که البته همه‌کس حال و حوصله و توانایی این کار و تلاش را نداشت. به همین سبب هم تعدادشان کم بود. اما از زمان آماده شدن راه و تهیه تسهیلات و امکانات در درون غار، تا به امروز، یک میلیون و پانصد هزار نفر به دیدار این غار شتافتند!

پیش از یکصد سال پیش، امکان دیدن همه جای غار نیز میسر نبود. از یک سو جریان آب در داخل غار، گذر کردن از آن بخشها را تا ممکن می‌ساخت؛ از سوی دیگر سنگ‌های پرشیب و لغزنده، سدی بود برای دیدارکنندگان عادی... و روشن است که تاریکی درون اشگفت نیز خود دشواری دیگری پیش می‌آورد.

اما پس از تغییر و تبدیل‌هایی که در غار به عمل آمد، پلکان‌های کافی برقرار شد و برای گردش کردن در راه‌های آبی، وسیله‌های ساده چوبی تهیه گردید و نیز با ۲۸۰ چراغ الکتریکی، گوشه و کنار این بخشی از دنیاهای بی‌خورشید، روشنایی کامل نصیب گشت. هرچند گهگاه بارندگی‌های شدید و بسیار، سبب بالا آمدن آب در درون غار و نیز بسته شدن راه ورودی به غار می‌شود.

در دهه‌های گذشته، پژوهشگران غارنوردی از شهر زالسبورگ اتریش و نیز از کشور لهستان، به بررسی گوشه و کنار و سوراخ‌ها و گذرگاه‌های این غار پرداختند، که روی هم ۵۰ کیلومتر راه و دلان پیدا کردند. یکی از این راه‌ها، از بلندی ۲۲۰۰ متری دیواره سنگی کوه، به نزدیکی ورودگاه غار که در ارتفاع هفتصد متری قرار دارد، می‌رسد. پیداکنندگان این راه، ۳ روز و ۳ شب برای گذشتن از این دالان، که البته ساده هم نبود - وقت صرف کردند. مراسم یادبود یکصدمین سال بهره‌گیری از غار، در کنار و دورن آن، با برگشت و دعوت گروه زیادی از اعضای کلوب کوه‌نوردی شهر پاساو (که خود حدود چهارهزار نفر عضو دارد) و غار و کوه‌نوردان دو کشور آلمان و اتریش، با نیایش پیشوای مذهبی شهر و سخن‌رانی‌ها... برگزار شد.

در بالا اشاره‌ای بود به دشواری‌هایی که گهگاه بر اثر بارندگی‌های شدید، در محوطه



تالار بلور غار قوری قلعه عکس: مهدی ملکی شجاع

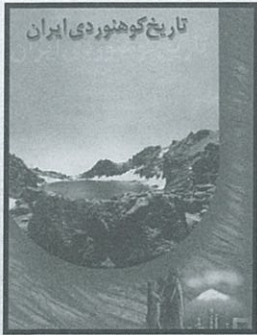
نظر باستان‌شناسی و مردم‌شناسی و نیز پژوهش‌های دیگر در غارها، بسیار جالب و ارزنده هستند و قدمت بعضی آنها به ۳۵۰۰۰ سال پیش می‌رسد.

بر دیوار غارهای «کاپووا kapova» و ایگناتیوکا Ignatievka واقع در کوهستان اورال نیز از این نقاشی‌ها نقش شده است. اما متأسفانه در حال رنگ باختن و از بین رفتن هستند. دانشمندان می‌گویند که شاید بتوانند این اثرهای باستانی ۱۹۰۰۰ ساله را از نابود شدن برهانند.

○ همان گونه که همه غارها خشک و بی‌رطوبت نیستند، غارهایی هم هستند که سکوت دورن‌شان را ریزش قطره‌ها و جریان آب‌های همراه با ریزش، می‌شکنند... و اما در بعضی از این فضاهای خیال‌انگیز و مبهوت‌کننده، می‌توان حتی به برج و ستون‌هایی بلند و گنبدهایی از یخ برخورد که در نور چراغ، ابهت و درخشش چشمگیری دارند. نمونه‌ای کوچک از این گونه زیبایی‌ها را می‌توانیم در غار یخ مراد (راه تهران به چالوس - شاپل) از نظر بگذرانیم.

در غار کوهستان «بیهور = bihor» که در کوه‌های کارپات غربی است، تیغه‌ها و ستون‌های بلند و رؤیانه‌ای از یخ بلوری وجود دارد که بیش از ۳۵۰۰ سال از به‌وجود آمدن آنها می‌گذرد. به بزرگترین و شکیل‌ترین این برج‌ها نام «سکاریزورا = scarisora» داده‌اند.

غارهای یخی، و یا بهتر گفته شود: یخ در غارها بدین صورت ایجاد می‌شود که هوای سرد زمستانی از بلندی‌های کوهستان وارد غار می‌گردد و به درون گودال‌ها و شکاف‌ها نفوذ می‌کند و در حقیقت می‌توان گفت که هوای سرد در آنجاها زندانی می‌شود. با بودن رطوبت و ریزش قطره‌ها در اینجا و آنجا، همان گونه که چکیده‌ها و چکنده‌های هوش‌را آشکار می‌شوند، توده‌های یخ جالب نیز برپا می‌گردد. البته در اینجور غارهای همراه با یخ حتی در تابستان نیز درجه سرما زیر صفر است.



تاریخ کوهنوردی ایران

دیگر که از خطر مرگ گذشته است، به او خواهد پیوست.

از دست دادن «چومی» برای آنجلو بسیار تاءثرآور بود و از عقاب دوم هم نتوانست بهره بگیرد، زیرا که پس از رهایی یافتن از چنگال بیماری، ضعیف شده بود و یاری پرواز به اوچهارا نداشت.

هوا که روی خوش نشان داد، آنجلو و ریشارد، پروازی انجام دادند، اما باز بارندگی و باد آنها را بازگردانید. شش روز دیگر انتظار. بار دیگر که

خورشید درخشید، آنها با دورخیز پر نیروتری، از فراز یخ‌های خومبو گذشتند... بالا و بالاتر... تا سرانجام در ارتفاع تقریبی نه‌هزار متری، قله اورست را در زیر بال‌های خود دیدند. ۱۵۰ متر بیشتر از اوجی که پاهای اورست‌نوردان آنجا را لمس می‌کند. در بازگشت روی دره را ابرومه فشرده‌ای پوشانیده و ارتباط تلفنی میان همراهان و این دو نیز گسیخته بود. اما دو پرندهٔ پیروزمند توانستند هدف فرود را بیابند و نزد دیگران بازگردند.

### بیگانه با نوشتن و

#### یک هزار صفحه قلمزنی!

فزون از نیم سده پیش، صفای باطنی‌ای در او سراغ داشته، که اکنون نیز پس از سالیان دراز ندیدنش، ما را از راه قلم به یکدیگر بیشتر نزدیک ساخته است. راستی که «خوبی» چه اندازه خوبست، و محبت و بی‌غل و غشی و پاکدلی و روشن ضمیری چه مقدار ارزش دارند! البته که برای این گونه صفت‌ها، ارزشی مادی نمی‌توان در نظر گرفت و برای درک کردن ارزش‌های معنوی، باید ذهنی و دیدی ژرف و قوی

## شرکت سازه خاور

### شرکتی پویا در پیشبرد ورزش کوه نوردی

امروزه که جوانان ایرانی در خطر به دام افتادن مواد مخدر می‌باشند و با توجه به این که در مناطق محروم جنوب کشورمان مساله احداث پروژه‌های پتروشیمی در جنوب کشور مشغول به فعالیت می‌باشد با تشکیل یک تیم منسجم کوه نوردی به سرپرستی آقای امین پورجعفر از پرسنل این شرکت موفق شده است با پرداختن و سرمایه‌گذاری در این رشته ورزشی سالم و مفرح تعداد زیادی از جوانان را در کنار صنعت کشور به سالم سازی جسم و روان تشویق نماید. امید داریم که دیگر شرکت‌های بزرگ کشورمان بیش از این که به درآمد هرچه بیشتر فکر کنند برای آینده جوانان این مرز و بوم نیز اهمیت قایل شوند، پیشاپیش از مدیریت محترم عامل جناب آقای مهندس صیرفی و مدیر محترم شرکت سازه خاور جناب آقای مهندس فردین ناوی قدردانی به عمل می‌آوریم.

گروه کوه نوردی شرکت سازه خاور

O یک غار با ۲۲ کیلومتر درازا و با محوطه‌هایی تا ۸۵ متر بلندی... باید جالب و دیدنی باشد! البته که پیمودن این مسافت و دلان‌های کوتاه و بلند دیگر یک چنین جایی به فرصت کافی نیاز دارد. شاید روزی هم پای غارنوردان ما به آنجا برسد و سروگوشی در آن حفره غول‌آسا به آب بدهند.

بدنیست دانسته شود که بسیاری از راهروها و دلان‌های این غار بزرگ، تنها یک بار مورد نوردش و عکس و فیلم‌برداری قرار گرفته‌اند و معمولاً کسانی که شوق دیدار زیبایی‌های آنجا را داشته‌اند، تنها کمی از غار را توانسته‌اند ببینند!

نام غار «کارلسباد = Carlsbad» است و در نیومکزیکو، در کوهستان «گوادلوپ = Guadalupe» قرار دارد.

از خاطرم گذشت:

۶۰ سال می‌شود که در ایران، کوه‌نوردان و کسانی که علاقمندی ویژه‌ای به اشگفتی‌ها دارند، از این حفره‌ها دیدن می‌کنند. در این رهگذر، تعداد زیادی غار شناسایی شده و درون آنها مورد پوشش و نوردش و بررسی قرار گرفته‌اند و دربارهٔ آنها در روزنامه‌ها و مجله‌ها و کتاب‌ها قلم‌فرسایی شده است. اما در همه این مدت، نه از سوی دستگاه‌های دولتی و نیمه دولتی (مانند جلب سیاحان، محیط زیست و مراکز علمی و پژوهشی)، نه از سوی فرمانداران و یا شهرداران مناطقی که غارهای جالبی در حوزهٔ فرمانروایی و اداره‌شان قرار دارند و نه وسیله سازمان‌های گردشگری و برانگیزانندهٔ نظر و شوق «توریست‌ها»، گاهی اندیشه‌ای، طرحی دیده و شنیده نشد که برای آماده کردن یک چند

از این غارهای زیبا و تاریخی سرزمین مان دست بلند کنند و همتی نشان بدهند.

آنگاه که می‌بینیم برای دیدار از غاری در گوشه‌ای از یک کشور، ۱/۵ میلیون نفر کوشیده‌اند و پول ورودی داده‌اند، آیا اگر در این کشور باستانی‌مان، با این همه علاقه‌مند نسبت به تاریخ و طبیعت جالب و چیزهای دیدنی و باور نکردنش، چنین فکری پیاده می‌شد، و طرحی برای جلب گردشگران داخلی و خارجی، برای مردمان جویای سرگرمی‌های سودمند و حتی آموزنده و پر از کنجکاو و دانش‌پژوهی برای شاگردان مدارس تا دانشگاه‌ها به اجرا درمی‌آمد، آیا می‌توانست کار بیهوده‌ای باشد؟

### بلندتر از قلهٔ اورست

در صفحه ۵۲ مجله کوه ۳۸، از نظر گذرانید که دو نفر با نام‌های «مردیت هاردی» و «مایلز هیلتون» توانستند در سال گذشته، به هدف گذر از فراز اورست با کایت موتوردار، به سوی این بلندترین کوه پرواز کنند. اولی به مقصود رسید و دومی در نزدیکی آن ناگزیر به بازگشت شد.

آنجلو دراگو، اهل ایتالیا نیز چنین هدفی داشت. آن هم نه به تنهایی، بلکه با یک عقاب! تمرین‌های فراوانی که وی در کوه‌های آلپ کرد، همواره با عقاب باهوش و تیز پرش بود، که به مناسبت هدف بلندش اورست = چومولونگما، عقابش را نیز «چومی» نامیده بود.

در سال ۲۰۰۳ میلادی، پس از آزمایش‌های پزشکی مفصل و برنامه‌های آمادگی بسیار، این دو یار کوه‌های بلند، از راه تبت عازم اورست شدند و از گردنهٔ جنوبی تا بلندی ۷۸۰۰ متری نیز بالا رفتند. اما باد شدید و هوای خراب چند روزه، آنها را از ادامه دادن راه بازداشت.

در بازگشت به وطنش، دراگو بهتر دید که برای «چومی» همسری برگزیند و او را از تنهایی برهاند، آن هم عقابی از کشور روسیه.

از آن پس، برنامه‌های تمرینی را «سه‌تایی» انجام می‌دادند. رفیق تازه‌کار، رفته رفته هم با آن دو، بیشتر و بهتر انس گرفت و هم با تمرین‌های ویژه‌ای که ترتیب داده می‌شد هم‌پرواز گشت، تا سرانجام همراه یکدیگر رهسپار هیمالیا شدند. در این سفر، دراگو، راه نپال را برای پرواز برگزید و به «کاتماندو» رفت. در آنجا نوعی بیماری عفونی به سراغ پرنده‌گان آمد، و هوا هم اخم کرد و رعدوبرق و بارشش شروع شد.

در ۱۶ ماه مه، که هوا روبه بهبودی گذاشت، آنجلو با یکی از دوستان همراهش «ریشارد» به سوی اورست راه افتاد، به این امید که عقاب‌ها سلامتی‌شان را بازیابند و به وی بپیوندند.

در راه به او خبر رسید که «چومی» نتوانست بیماریش را تحمل بکند، اما عقاب

داشت، همراه با سینه‌ای فراخ و قلبی به معنا گشوده ...  
 این کوه‌مرد تا اندازه‌ای به سال نشسته، چندی است به راه قلم گام گذاشته، آنهم گامی قلمی در راستای کوه. در این چند سال اخیر، درحالی که در تکاپوی تجسس و بررسی صعودهایی بود که در گذشته‌های خاک‌خورده بر دماوند کوه‌مان صورت گرفته‌اند (کوهی که خودش دو صعود زمستانی را در آستین دارد)، اغلب برایم اندوهگانه می‌نوشت که استعداد و آگاهی‌هایی برای قلم زدن ندارد و از این بابت ابراز تأسف می‌کرد ...  
 اما چیزی نگذشت که همین بی‌ریای کاوشگر، کتاب نخستش را انتشار داد، آن هم نه سبک و نحیف. چهارصد و اندی صفحه و نزدیک به یک کیلو وزن! ... که باز هم در پیشگفتار کتاب، از کم اطلاعی و ضعف قلمشان، اشاره آمده بود (این کتاب را با همکاری آقای محمدعلی ابراهیمی تدوین کرده بود، که از ایشان، در سال ۱۳۴۶ نیز کتابی دیده بودیم).

سالی دیگر نگذشته بود که در دیروقت شبی پرکار، با قلمی که از آن شوق و تصمیم و سماجت نیز بر کاغذ ریخته بود، خبرم داد: «... روی یک میز بزرگ، پر است از یادداشت و صفحه‌های نوشته شده ... و سخت درگیر آماده ساختن دومین کتاب ...»  
 در دل به همت و تصمیمش آفرین‌ها گفتم، و در نامه‌ای - به خیال خودم - تشویقش کردم به پشتکار بیشتر و امید به پیروزی (هرچند خودش نیز با همین پشتوانه‌ها کار می‌کرد) ...  
 از موعد مقرر کمی گذشت و دوستان دیگرش نیز چون من، چشم انتظار ... و این‌بار، فرزندی که تحویل جامعه داد، بیش از یک کیلو وزن داشت و بیش از هفتصد صفحه!

نمی‌دانم شما خواننده گرامی، تا چه اندازه با قلم مانوس هستید. آیا برای دوستان و کسانتان نامه‌ای می‌نویسید؟ آیا گاهی مطالبی که به ذهن و اندیشه‌تان می‌گذرد

یادداشت می‌کنید؟ و روی هم رفته در هر بار، چند خط و چند صفحه می‌توانید بنویسید؟ این کوهیار دیرین ما، روی هم در دو کتاب: ۱۱۷۰ صفحه و بیش از ۴۵۸۶۴۰ کلمه روی کاغذ آورده است. چه حوصله و تصمیم و تلاشی کم مانند، حتی اگر کسی بخواهد یک چنین حجمی را تنها رونوشت بردارد! آفرین بر این کوشش و توان و همت!  
 محتوای کتاب نخست (تاریخ کوهنوردی ایران): سیری در گذشته‌های دور، ارزش دماوند کوه و راهگشایان آن، مسئولان فدراسیون، هیات‌ها و گروه‌های کوه‌نوردی، اشاره به صعودهایی در دهه‌های ۱۳۰۰ و ...

در نوشتار پیش از متن دومین کتاب (روزشمار تاریخ کوه و غارنوردی ایران): تدوین‌کننده اشاره‌ی دارد به کمبودها در کوهنوردی‌مان، و اینکه شاید این کتاب، گامی باشد به جلو، در جهت جبران اندکی از کاستی‌ها ...

در کتاب، ابتدا از اسطوره‌ها یاد شده، سپس به سال‌ها و ماه‌ها و روزهایی که در آنها تلاش‌هایی روی کوه‌ها و یا درون غارها صورت گرفته اشاره رفته است که آخرینشان در سال ۱۳۸۰ شمسی است. در پایان نیز چند صفحه‌ای را ویژه غارها و نوردش در آنها کرده‌اند.

تهیه کننده کتاب که خودش - چنانکه در بالا آمد - نخستین و دومین صعود زمستانی (بدون اسکی) به دماوند را انجام داده است، کشش فراوانی به این کوه دارد، و روی همین علاقه بود که جست و جوی نخستین صعود ایرانی بر آن نیز پرداخت. با بررسی‌ها و کنجکاوی‌هایش، سرانجام توفیق یافت که به نخستین صعود در ۱۴۸ سال پیش بر این بلندترین کوه‌مان آگاه شود ... که البته خود این پیگیری و دستیابی نیز ستایش‌انگیز است.

تهیه تاریخ به طور کلی، کار ساده‌ای نیست. زحمت‌هایی که دیگران، پیش از ما کشیده و تاریخ‌هایی در زمینه‌های گوناگون تهیه کرده‌اند، زمینه‌ای بوده برای کار کسان دیگری که پس از آن پیشگامان، برای پرداختن همان موارد دست به قلم برده‌اند. در

**زاگروس اسپرت**  
**تولید کننده تجهیزات کوهنوردی سنگنوردی**

ZAGROS SPORT  
 WWW.ZAGROS-SPORT.COM  
 INFO@ZAGROS-SPORT.COM

تلفن: ۰۳۱۱-۴۴۶۶۲۸۷  
 فاکس: ۰۳۱۱-۴۴۶۶۲۸۷  
 همراه: ۰۹۱۳۱۱۳۶۶۸۴

اصفهان خ عبدالرزاق جنب بانک سپه پلاک ۲۵۸ بامدیریت داود طاهری



ورزش‌های مرسوم در ایران، ورزش باستانی، کشتی، تیراندازی، شنا پیشینه‌ای کهن دارند و نمی‌دانم که تا چه اندازه این ارزش‌های تاریخی گردآوری شده و به تدوین رسیده‌اند. به یاد دارم که آقای مهدی نیکخو، استاد ورزش و کوهنورد دهه‌های یکم و دوم ۱۳۰۰، رشته مطالبی جالب تهیه می‌کرد، از پیشکسوتان و کشتی‌گیران نامدار باستانی. اما در ورزش‌های دیگر که از همان هشتاد و چند سال پیش رفته رفته در ایران رواج یافتند، چون بیشترشان دارای مسابقه بودند و نتیجه مسابقه‌ها ثبت و ضبط می‌شدند، باید سوابق روشنی در اختیار فدراسیون‌ها و کمیته ملی المپیک باشد. در کوه‌نوردی باید با تأسف گفت که از همان آغاز تلاش‌ها و گسترش آن، یادداشت و رده‌بندی و نظم و ترتیبی وجود نداشته است. اگر هم چیزی بوده، در ذهن و یا روی کاغذ آورده برخی از کوه‌نوردان بوده، آن هم برای خودشان. شاید گروه آرش، تنها سازمانی باشد که دست‌کم برای خودش - و نیز آگاهی دیگران - تاریخچه‌ای دست و پا کرد، از تلاش‌های اعضایش. بدین ترتیب تدوین یک تاریخ روشن و کامل در کوه‌نوردی ما، همواره دشوار - بلکه بسیار دشوار - بوده است. اگر من در نوشته‌هایم در همین مجله، آورده‌ام که تهیه کردن یک تاریخ‌نامه برای کوه‌نوردیمان، به دریای گسترده و توفانی می‌ماند، که از سوئی گام در آن نهادن بیم‌آور است. به‌ویژه که اگر صاحب حساسیت و دقت و تعصب هم باشیم - و از دگرسو، کامل و بی‌اشتباه بودنش می‌تواند زیر پرسش برود. مرجع کامل و مطمئن نداریم و در پرس‌وجوها به مواردی بر می‌خوریم که حتی خود اجراکننده نیز از تاریخ، نحوه کار، همراهانش و ... آگاهی درستی ندارد!

این است که اگر در کتاب‌های همکار و کوهیار گرامی و پویایان ما با همه زحمت‌ها و کوشش‌هایشان کم و کسر‌ها، و گاهی به اشتباهاتی بریخوریم دلیلش همان گستردگی و پرموجی دریای کوه‌نوردی ماست و نیز نبودن و یا ناقص بودن مستندهایی در این زمینه. جالب اینجاست که در مورد فعالیت‌های خود بنده نیز (که هنوز از حافظه‌ام فرار نکرده‌اند)، به این نقص بر می‌خوریم که بی‌تردید بر اثر درگیری‌های فراوان ایشان با گردآوری و تدوین مطالب بوده است و گرنه میان ایشان و بنده تماس و رابطه صمیمانه و مداوم در این سال‌ها وجود داشته است و خودم نیز همواره آماده برای ارائه پاسخ بوده‌ام.

... و دو نکته: ۱- معمولاً در کتابهایی که چاپ می‌شود، از خوانندگان می‌خواهند اگر به نواقص و اشتباهی برمی‌خورند و یا اگر آگاهی‌های بیشتری دارند، نویسنده را مطلع بسازند تا در چاپ بعدی جبران شود و اغلب چاپ بعدی دیگر وجود نداشته است! ۲- باید



به کوشش و دقت و ریزه‌کاری بهتری پرداخت تا هرچه بیشتر، نوشته‌ها کامل باشند و بدون اشتباه ... که بنا به پیشینه، این گونه متن‌ها، چنان در مغز و حافظه خوانندگان جا خوش می‌کنند که بیرون آوردنشان کار آسانی نیست.

به هر پندار، اگر کتاب نخست که نیز با بهره‌گیری از دانستی‌ها و یادداشت‌های آقای محمدعلی ابراهیمی تهیه شد، جالب بود و نکته‌ها و آگاهی‌های فراوان برای خواندن و دانستن داشت، کتاب دوم نیز معجونی است از فرآورده‌های پرسش‌ها و نسخه‌برداری‌ها و فرو رفتن در گذشته‌های خاک‌خورده و نخورده، همراه با نظرات و دید و سنجش‌های یار گرامی کوه و قلم آقای داوود محمدی، که با شور و پشتکار و همت و صرف وقت و نیروی زیاد فراهم آورده‌اند.

تبریک به این همه تلاش و امید به دستاوردهای بهتر و دقیق‌تر و کامل‌تر ایشان برای فرهنگ کوه‌نوردی ایران، که همچنان تشنه و چشم به راه است.

## آزمایش

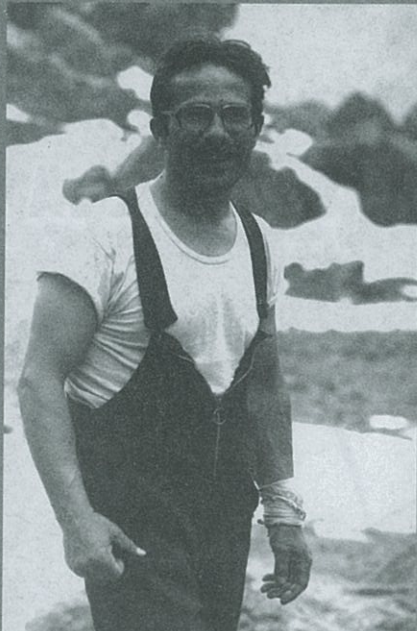
### هوش و دقت

نوشته‌های این بار بنده می‌بایست در مجله گذشته (شماره ۴۰) جای داشته باشد، اما شتاب همکاران گرامی مسئول تنظیم و تدوین مقاله‌ها برای زودتر فرستادن آنها به چاپخانه (به سبب انتشار شماره ویژه رنگین و پر حجم مربوط به پایان دهمین سال مجله)، مرا از رسیدن و همراه بودن با قافله‌مان بازداشت. به همین خاطر، یکی دو مورد هم بود که مربوط به همان شماره می‌شد، که اینک می‌ماند برای سال نو. اما این یکی، نه: چرا برای عکسی که در صفحه ۷ مجله شماره ۳۹ چاپ شده بود، نوشته بودم آن را تماشا بفرمایید، اما تقدیمتان نمی‌کنم؟ - چند نفری به وسیله تلفن و یا در نامه، حدس‌هایی زده و با ذوق و ذهن خودشان اظهار نظرهایی کرده بودند. با تشکر از این عزیزان، متأسفانه هیچکدام‌شان پاسخ درستی ارائه ندادند. در میان انبوه کسانی که مجله را می‌خوانند، بی‌تردید پاسخ‌های درست هم بوده است که بنده از آنها بی‌خبر مانده‌ام.

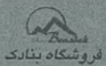
بقیه در صفحه ۴۱

## فریدون اسماعیل زاده

مرد کوه‌های ایران، به جاودانه‌ها پیوست



در گذشت مربی ارزنده کود نوردی کشور را به جامعه کود نوردان ایران تسلیم می‌گوییم



فروشگاه بناک

شرکت کفش بناک

شرکت شیفته‌گری  
انطباق کالوت

# صعود قله ماترهورن و مون بلان

گزارش: محسن گلنار\*

صعود این دو قله زیبا در منطقه آلپ برای هر کوهنوردی می تواند جذاب و دوست داشتنی باشد زیرا هر کدام دارای ویژگی های خاص خود از نظر موقعیت منطقه و صعود می باشد.

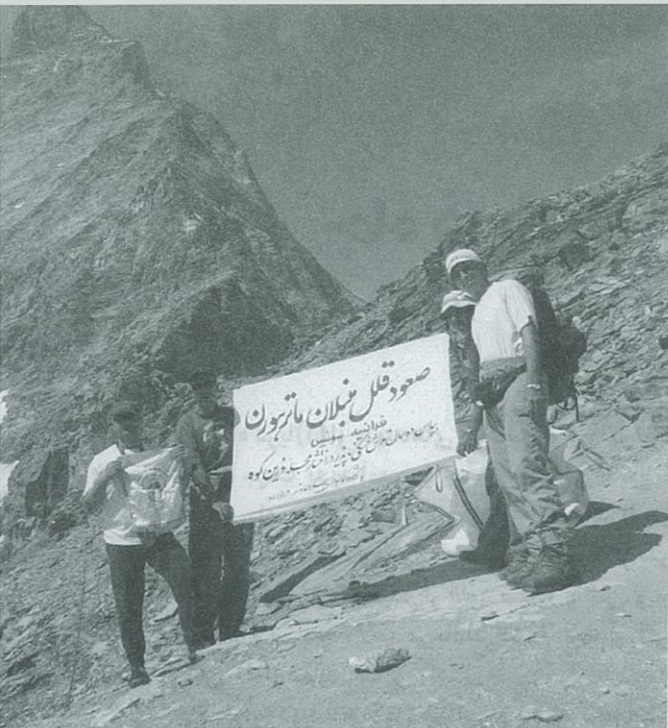
با تلاش و پیگیری درست عزیزمان آقای علی ستوده ویزای سوئیس و فرانسه آماده شد و ما اول مردادماه ۸۴ تهران را به مقصد ژنو ترک کردیم. روز بعد از ژنو با قطار عازم شهر زیبایی زرمات شدیم. زرمات شهری کوچک به ارتفاع ۱۶۰۰ متر در منطقه ای کوهستانی که مبداء صعود قله ماترهورن و مونت روزا و تعداد دیگری قله بالای ۴۰۰۰ متر است می باشد. شهری کاملاً کوهنوردی و اسکی با فروشگاه های بزرگ و اجناس و وسایل کوهنوردی و اسکی با مارک های معروف، در شهر زرمات اتومبیل وجود ندارد همه خارج از شهر پارک نموده و با قطار وارد شهر می شوند. انرژی مصرفی همه از برق است یکی از پاک ترین و زیباترین شهرهای دنیا محسوب می شود.

سه روز منتظر هوای خوب بودیم از فرصت استفاده کرده با قطار کوهستان به ارتفاعات مونت روزا و تماشای یخچال های دیدنی آن رفتیم چند ساعتی هم برای حفظ آمادگی پیاده روی و سنگ نوردی انجام دادیم.

روز سه شنبه ۸۴/۵/۴ عازم پناهگاه «هورنالی هوت» به ارتفاع ۳۲۰۰ متر شدیم. شب را در پناهگاه گذرانیدیم. ساعت ۴ صبح روز بعد صعود قله ماترهورن را شروع کردیم. مسیر قله کاملاً فنی است راهنماهای ماترهورن هر کدام فقط یک نفر را با خود می برند با قیمت ۸۰۰ هزار تومان ما خودمان در گروه های ۲ نفره بلون راهنما حرکت می کردیم در طول مسیر نیاز به کارگاه زن نیست کارگاه های مختلف با میله آهنی یا بلوک آماده است. در چند نقطه هم طناب ثابت وجود دارد. ساعت ۱۰ صبح به پناهگاه کوچک میان راه قله بنام «سول نای هوت» به ارتفاع ۴۰۰۰ متر که روی فضای کوچک دیوارهای مانند قرار داشت رسیدیم.

با استراحت کوتاهی مجدداً ادامه مسیر دادیم. جنب پناهگاه برای صعود دیواره ای کوچک بود که بعد از آن مسیر کمی ملایم می شد و مجدداً به دیواره ای بزرگ با طناب ثابت می رسید. هوای ابری و سرد و توفانی کم کم حاکم می شد تیم ها شروع به برگشت کردند حتی راهنمایان، ما تا بالای دیواره زیر قله را صعود کردیم.

ارتفاع حدود ۴۳۰۰ متر بود تا قله حدود یک ساعت بیشتر نبود ولی به علت کمبود وقت و نامساعد شدن هوا و تخلیه مسیر از کوهنوردان ساعت ۳ بعد از ظهر تصمیم به برگشت گرفتیم با فرودهای متعدد و پی در پی مسیر را ادامه دادیم. ساعت ۵ از پناهگاه کوچک سول نای هوت گذشتیم تا هنگام تاریک شدن هوا باین می آمدیم. در ارتفاع حدود ۳۷۰۰ متر روی یک شیب تند دیواره ای مانند خود را با طناب به سنگ ها حمایت نمودیم و در حال خواب و بیداری روی یک سنگ کوچک نشسته شب را به صبح رساندم. با روشن شدن هوا ساعت ۵ صبح پس از سه ساعت به پناهگاه هورنالی هوت ۳۲۰۰ متر رسیدیم پس از ۲ ساعت استراحت و خوردن مایعات به شهر زرمات آمدیم.



قله ماترهورن با ارتفاع ۴۴۶۰ متر بسیار زیبا و با عظمت است و در منطقه ای استثنائی قرار دارد. در زرمات جنب کلیسا به کشته شدگان ماترهورن ادای احترام نمودیم. پس از یک هفته اقامت در زرمات روز جمعه ۸۴/۵/۷ با قطار به شهر شامونی فرانسه آمدیم مسیر قطار کاملاً کوهستانی و جنگلی بود.

در شامونی هم ۲ روز ماندیم تا هوا برای صعود مساعد شود. یکشنبه ۸۴/۵/۹ به طرف پناهگاه «گودو کوته» به ارتفاع ۳۸۲۰ رفتیم حدود ۵ ساعت پیاده روی که نیمی از آن در مسیری مانند گرده آلمان ها بود ادامه دادیم. صبح روز بعد ساعت ۳ نیمه شب عازم قله شدیم و پس از ۵ ساعت در مسیر پربرف یا یخچال های عظیم و در هوای بسیار سرد حدود ۲۰ درجه زیر صفر قله را صعود نمودیم.

پس از گرفتن عکس و فیلم و تبریک صعود عازم پناهگاه آگودو کوته شدیم. با کمی استراحت به شهر شامونی آمدیم فردای آن روز به پناهگاه و قله آگودومیدی باتله فریک رفتیم ارتفاع ۲۸۶۰ متر از مدرسه کوهنوردی Ensa دین نمودیم و با مسئولین مدرسه گفتگو کردیم.

در شامونی موزه زیبای آلباین را هم مورد بازدید قرار دادیم. مجدداً روز بعد به منطقه یخچال های مردوگلاس و گراند ژوراس و غار یخی رفته و از نحوه آموزش مربیان فرانسوی روی یخ دین نمودیم. بعد از ظهر بعد از ناهار به طرف دیگر شهر رفتیم و با تله کابین به محلی بنام پلاندریز که مقابل قله مون بلان و قله آگودومیدی قرار دارد رفته و به تماشای مناظر و راهپیمایی در این منطقه زیبا پرداختیم.

روز جمعه ۸۴/۵/۱۴ با قطار به شهر پاریس آمدیم. با ۴ روز اقامت در پاریس و بازدید از محل های تاریخی و موزه ۸۴/۵/۱۸ به تهران بازگشت نمودیم.

۱. گزارش کامل همراه با فیلم و عکس جهت علاقمندان صعود آماده می باشد.

۲. این برنامه را به مناسبت دهمین سال انتشار مجله وزین کوه و چهل و سومین سال صعود ماترهورن و مون بلان توسط کوهنوردان باشگاه دماوند در سال ۱۳۴۱ آقایان: استاد زرین قلم - محمد اعظمی - ناصر فلاح - دکتر رشتیان و اکبر نیکقدم بود.

۳. مسیر قله ماترهورن کاملاً فنی و شبیه به گرده آلمان ها و قسمتی از مسیر فرانسوی های علم کوه می باشد که باید همان مسیر رفت را برگشت نمود.

۵. مسیر قله مون بلان تا پناهگاه حدود سه ساعت شبیه به گرده آلمان ها و از پناهگاه به بالا کاملاً یخچالی که حتماً باید با کفش دوپوش و کرامپون اجرا شود. Δ

۶. هزینه برنامه برای هر نفر ۲۵۰۰۰۰۰ ریال شد.

سرپرست برنامه و مسئول فنی: حسن زرین قلم. سایر اعضا:

وحید بهرامی، علی ستوده، محسن گلنار

\* باشگاه کوهنوردی و اسکی دماوند

# چاه دریا

مصطفی سلاخی



نمایی از جوی آب ورودی

چاه کار گذاشته‌اند که باید سیم بکسلی قوی که توان نگهداری ده تن بار با شوک‌های وارد بر آن را داشته باشد به دکل‌ها بست و سپس با استفاده از روش تیروول و به شکل پاندول وارد چاه شد. توضیح این که تمام عملیات فرود و صعود و نظارت بر آنها باید با استفاده از این سیم انجام شود. ژرفای چاه در سال ۵۴ صدمتر بوده و در حال حاضر در این مدت سی سال به علت بهره برداری بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی آب منطقه، سطح ایستابی دچار کاهش گردیده است و به نظر نگارنده باید سطح ایستابی حدود سی متر افت کرده باشد. به عنوان مثال در فاصله هفتاد متری دهانه‌دربا، چاه عمیقی به ژرفای ۲۵۰ متر حفر کرده‌اند که فقط از آب چاه دریا تغذیه می‌شود. بنابراین کوه نوردان باید خود را برای فرودی یک سره برابر صد و سی متر آماده نمایند. قبل از فرود باید دو قایق بزرگ فایبرگلاس به داخل چاه فرستاده شود تا کوه نوردان به داخل آنها فرود آیند و با استفاده از آنها به مطالعه و عکس‌برداری از درون چاه بپردازند. همراه داشتن بی‌سیم برای برقراری ارتباط از واجبات است راه دیگر ورود به غار! در روزگار گذشته کانال قنات احمدآباد واقع در مسیر رفسنجان به انار، درون چاه بود و اکنون دهانه کانال بالای سطح ایستابی قرار دارد. بازدیدکنندگان می‌توانند برای مطالعات اولیه از طریق کانال قنات به داخل چاه راه یابند.

## سخنی پیرامون نگهداری از چاه:

چاه دریا از پدیده‌های نادر طبیعت ساخته بوده و احتمالاً نظیر آن در هیچ بخش کره زمین یافت نمی‌شود و باید به مانند یک سرمایه ملی به آن نگرینست و از آن نگهداری کرد. یک اصل علمی و ثابت شده می‌گوید: افت سطح ایستابی

چاه دریا (۱) از پدیده‌های منحصر به فرد کره خاکی، چه از جهت پدید آمدن و چه از جهت ژرفا می‌باشد. دهانه چاه در زمینی مسطح که از سطح دریا هزار و پانصد متر ارتفاع دارد قرار گرفته و کیلومترها از سراسر منطقه اطرافش پوشیده از قلوه سنگ و شن و ماسه مسطح و سست ملات می‌باشد کلفتی لایه آبرفتی آن چنان که از دهانه چاه پیدا است حدود دوازده متر است. چاه دارای دو دهانه داخل هم است. دهانه یکم دایره‌ای بی‌قواره و به قطر حدود هشتاد متر است. دهانه دوم که حدود پانزده متر پایین‌تر از دهانه اول است، دایره‌ای به مانند بالایی و با قطر چهل متر می‌باشد. فاصله عمودی دو دهانه از هم حدود دوازده متر می‌باشد که با شیبی هفتاد تا هشتاد درجه و کانی‌های بسیار سست و ریزشی به هم متصل می‌شوند. چاه دریا تا دهانه دوم مورد بازدید نگارنده قرار گرفت که هیچ نتیجه‌ای در مورد اعماق آن حاصل نشد.

- جستجو و تحقیقاتی در مورد چاه از اهالی منطقه انجام شد که نتایج بسیار خوب و سازنده‌ای را در برداشت. حاصل مستند پژوهش به قرار زیر است:
- ۱- در سال ۱۳۵۴ چاه برای بررسی‌های آب‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است.
  - ۲- عمق چاه در سال ۵۴ از دهانه تا سطح ایستابی صد متر بوده است.
  - ۳- عمق آب از سطح ایستابی تا کف هشتاد و پنج متر.
  - ۴- چاه به شکل مخروط ناقص بوده و قاعده بزرگ آن سطح ایستابی و قطر دایره آن صد متر است.
  - ۵- بدنه چاه پس از حدود بیست متر مبدل به کانی‌های سنگی می‌شود.
  - ۶- بدنه چاه از دهانه تا عمق بیست متری از لایه‌های کنگلومراتی و رسی تشکیل شده.
  - ۷- در عمق حدود نود متری چاه دهانه کانالی دست‌کنده مشاهده می‌شود که گویا کانال آبگیر قنات احمدآباد بوده است.
  - ۸- شکافی سراسری و عمودی در بدنه چاه قابل مشاهده است.
  - ۹- بازدید از چاه در سال ۵۴ طبق گفته اهالی با جرثقیل صورت گرفته است.

## چگونگی بازدید از چاه:

بازدید از چاه با بستن کارگاه و فرود ساده امکان‌پذیر نیست زیرا حداقل دو دهانه سست و بسیار ریزشی بوده و کمترین تکان طناب سبب ریزش حجم بسیار زیادی آوار بر پیکر فرودرونده شده و هلاک حتمی او را به همراه خواهد داشت. در زمان‌های بررسی چاه دو دکل آهنی بتون شده در دو طرف یکی از قطرهای



دهانه بیرونی چاه دریا و موتورخانه

#### موقعیت چاه:

از جاده رفسنجان- زرند، چهار کیلومتر قبل از داوران وارد مسیر « اودرج » می شویم. سپس چهار کیلومتر قبل از اودرج وارد راه خاکی موتور آب جلال آباد شده و با طی یک کیلومتر به سمت کوه به آخرین موتور آب ناحیه رسیده و اینجا محل قرارگیری چاه دریا است. Δ

(۱) معرف چاه آقای رسول زندی از کوه نوردان کرمان است که نشانی های ایشان کمک بزرگی به پیدا کردن دهانه چاه نمود.

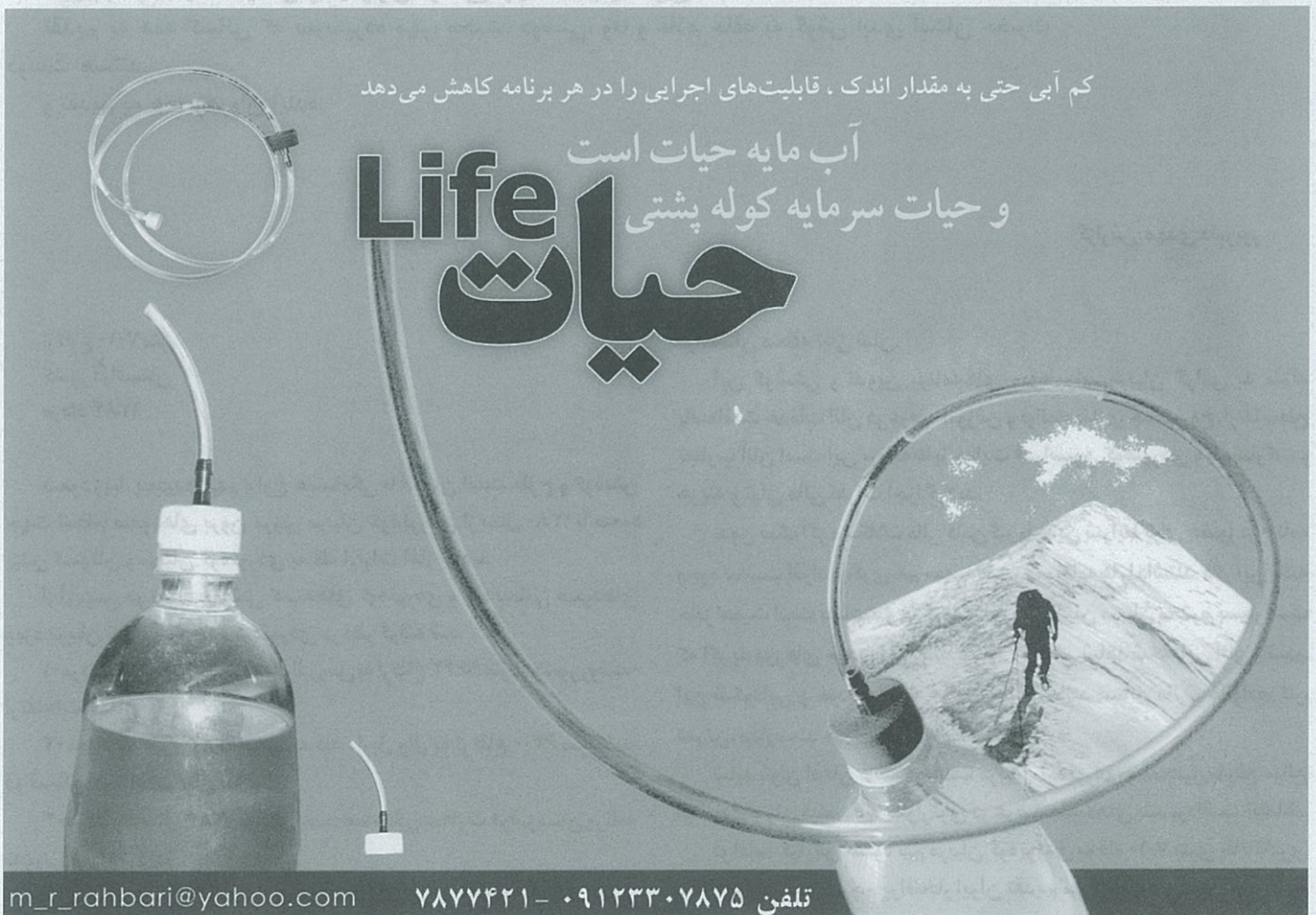
در غارهای آبی و چاه های ریزش حتمی آنها را در بلندمدت سبب می گردد. بنابراین کوه نوردان کرمان با کمک گیری از سازمان آب آن دیار باید حتما و قطعا اقدام به بستن و کور کردن چاه عمیق بغل چاه دریا بنمایند تا از پایین رفتن بیشتر سطح ایستابی و در نتیجه ریزش حتمی چاه و تبدیل آن به یک گودال جلوگیری شود. دیگر این که با بتون ریزی مناسب از دهانه پایین تا دهانه بالا از ورود کانی های فرسایشی به درون چاه و از اصالت افتادن آن جلوگیری نمایند. نکته مهم این که: چاه از مناسب ترین محل ها برای گردشگری و مطالعات علمی بوده و می توان با استفاده از آسانسور و دیگر روش ها درون آن را تبدیل به یک قطب توریستی منحصر به فرد نمود.

#### چگونگی زایش چاه:

آیا چاه آهک ساخته و یا اسید ساخته یا دهانه آتشفشانی خاموش است؟ جواب کاملا منفی است و هیچ نشانی از فعالیت های فوق در دهانه و اطراف آن و همچنین بخش های اولیه به چشم نمی خورد. کوتاه سخن این که در اثر فعالیت های ماگمایی درونی و تاثیر آن بر روی سفره های زیرزمینی آب و بیرون رفتن آب محتوی محلول کانی ها از شکاف های درون چاه فضای درونی اولیه زایش یافته و سپس در اثر تاثیر آب بالا آمده از اعماق چاه بر روی کانی های درهم و سست ملات لایه بالایی، این لایه به تدریج فرو ریخته و چاه به بیرون راه یافته است. در گذشته دهانه چاه بسیار تنگ تر و محکم تر از امروز بوده به طوری که اهالی منطقه می توانسته اند از بالا آب درون چاه را نظاره کنند و بنا به این مشاهدات آن را دریا نامگذاری نمایند. در حال حاضر آب انتهایی چاه از دهانه به هیچ وجه قابل مشاهده نیست.

کم آبی حتی به مقدار اندک ، قابلیت های اجرایی را در هر برنامه کاهش می دهد

آب مایه حیات است  
و حیات سرمایه کوله پشتی  
**Life**  
**حیات**



m\_r\_rahbari@yahoo.com

تلفن ۰۹۱۲۳۳۰۷۸۷۵ - ۷۸۷۷۴۲۱

# گامی دیگر بر فراز قله خانتانگیری

صعود تیم مربیان کوه نوردی



تقدیم به همه آنانی که فعل خواستن را می‌توانند صرف نمایند: اما! دست و سیلی تقدیر، بازی سرنوشت و صدها پدیده دیگر آنان را اسیر روزمرگی‌های زندگی نموده است. تقدیم به همه نیک‌اندیشان و امیدواران، از صبح ازل تا شام ابد تاریخ. تقدیم به همه کسانی که سرسپرده مهر، محبت، دوستی، وفا و غلام حلقه به گوش ابدی آستان حضرت دوست هستند. و تقدیم به همه رهروان آینده.

گزارش: مهدی داوریور

قزاقستان منطقه تیان شان.

این کوشش و تدوین برنامه‌های ویژه برای مربیان گرامی به منزله پاسداشت خدمات آنان در عرصه آموزش و توانمندسازی جسم، روح، ارتقا سطح تجارب آنان است این برنامه‌ها با حمایت فدراسیون کوهنوردی و با مشارکت و هزینه و توان مالی نفرات اجرا گردید.

بدون شک اگر مشکلات مالی دامن گیر واجدین شرایط برای حضور در برنامه وجود نداشت افراد دیگری هم سهم حضور در برنامه‌ها را داشتند. ذکر این نکته حائز اهمیت است بضاعت و علاقمندی سرشار در بین مربیان محترم بسیار است که اگر به مرزهای خودباوری رسیده شود می‌توان شاهد شکوفایی آنان باشیم. این شکوفایی و خودباوری به عوامل مختلف مانند مسائل مالی، خانواده، کار، تمرین، ممارست، خویشن داری و... بستگی دارد.

شاید بتوان اذعان داشت با همت مربیان کوه نوردی و همچنین با رفح موانع اقتصادی بتوان قدم‌های استوارتری در عرصه صعودهای بلند برداشت. انشاء... در ادامه گزارش صعود تیم مربیان کوه نوردی به قله ۷۰۱۰ متری خانتانگیری و به اهتزاز درآمدن پرچم پرافتخار ایران تقدیم می‌گردد.

ارتفاع ۷۰۱۰ متر  
کشور قزاقستان  
مرداد ۱۳۸۴

صعود زیبا، پیچیده، مهم و اوج همسایگی با آسمان است. طرح و کوشش جهت انجام صعودهای برون مرزی مربیان کوه نوردی از سال ۱۳۸۰ با صعود پیش کسوتان و مربیان کوه نوردی به قله آرارات آغاز گردید.

از آن پس در تقویم ورزشی کمیته‌های کوه نوردی و کوه پیمایی صعودهای ویژه مربیان کلیه رشته‌های کوه نوردی در نظر گرفته شد.

۱- مرداد سال ۱۳۸۱ صعود به قله آلبروس به ارتفاع ۵۶۴۲ متر در کشور روسیه - ارتفاعات قفقاز.

۲- مردادماه سال ۱۳۸۲ صعود به قله ماربل وال به ارتفاع ۶۴۰۰ متر کشور قزاقستان- ارتفاعات تیان شان.

۳- مردادماه سال ۱۳۸۳ به دلیل عدم هماهنگی سفارت قرقیزستان برنامه تدوینی اجرا نگردید.

۴- مرداد سال ۱۳۸۴ صعود به قله خانتانگیری به ارتفاع ۷۰۱۰ در کشور

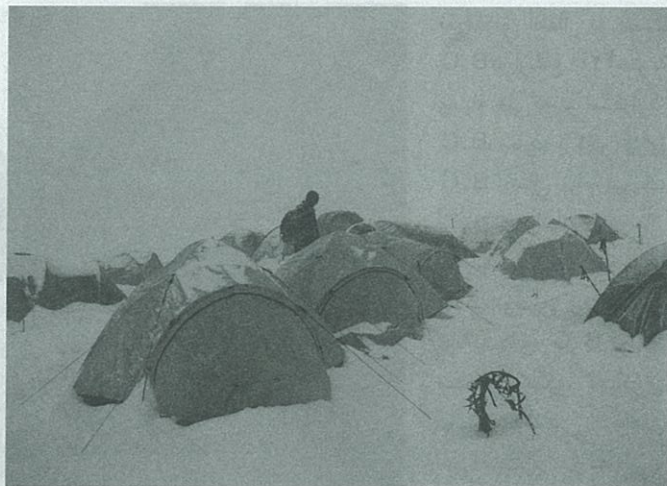
تلاش به یادمانندی است.

### چگونگی اعزام تیم

پس از تصویب تقویم ورزشی کمیته کوه نوردی مبنی بر اجرای برنامه‌های مصوب به ویژه صعود برون مرزی مریمان کوه نوردی با حمایت فدراسیون کوه نوردی، البته در صورت تامین بودجه و مشارکت اعضای منتخب تیم، برنامه‌های تمرینی با حضور علاقه‌مندان شرکت در برنامه و با شرایط مندرج در بخشنامه‌ها اعلام و انجام پذیرفت. چهار برنامه انتخابی با اهداف مشخص جسمی، روحی و فنی در مناطق مختلف و با جدیت کامل طراحی و اجرا و نهایتاً اسامی اعضا تیم اعلام گردید، که به دلیل عدم تامین بودجه توسط فدراسیون (به لحاظ مشکلات مالی) تنها ۴ نفر به قصد صعود قله ۷۰۱۰ متری خانتانگیری هفتم مرداد سال جاری عازم کشور قزاقستان شدند.

ذکر این نکته حائز اهمیت است، قله مصوب در تقویم ورزشی سال ۱۳۸۴ قله لنین به ارتفاع ۷۱۳۴ متر در کشور قرقیزستان بود ولی به لحاظ بروز مشکلات و تحولات سیاسی در کشور مربوطه و عدم تایید وزارت امور خارجه، هماهنگی اجرائی با شرکت خانتانگیری در کشور قزاقستان به عمل آمد و برنامه فوق‌الذکر اجرا گردید.

شایان توجه است که در مرداد سال جاری مجموعاً ۳ تیم از ایران برای صعود به قله خانتانگیری و پوبدا عازم کشور قزاقستان شده‌اند تیم مستقل استان خراسان به سرپرستی آقای حسین امانی قله پوبدا و قله خانتانگیری - تیم مستقل استان همدان به سرپرستی آقای جواد گیاه‌شناس، تیم مریمان کوه نوردی به سرپرستی مهدی داوورپور و رضا ایاز از لرستان که در منطقه حضور



### معرفی قله خانتانگیری

«سلطان ارواح»

رشته کوه تیان شان از شرق به غرب در حد فاصل کشورهای چین، قرقیزستان و قزاقستان کشیده شده است. رفیع‌ترین نقطه این رشته کوه قله پوبدا یا پیروزی با ارتفاع ۷۴۳۹ متر در خاک کشور قرقیزستان قرار دارد. خانتانگیری با ارتفاع ۷۰۱۰ بلندترین کوه کشور قزاقستان و دومین قله مرتفع رشته کوه تیان شان است، که در بین دو یخچال انیلچیک شمالی به طول ۲۸ کیلومتر و انیلچیک جنوبی به طول ۴۶ کیلومتر قرار گرفته است.

کوه خانتانگیری Khan-Tengen همچون هرمی سه وجهی است که از شمال و جنوب غربی یا به صورت دیواره‌ای و از سمت جنوب شرقی توسط یخچال طولی محصور شده است. جنس سنگ این کوه گرانیت سیاه می‌باشد و از ارتفاع ۶۲۰۰ متر به بالا، شکل آن تغییر کرده و به صورت سنگ‌های آهکی زردرنگ درمی‌آید و این رنگ غروب، خانتانگیری را چون مشعلی آتشین می‌نمایاند. بومیان محلی معتقدند ارواح شب هنگام بر فراز کوه، آتش می‌افروزند و همان‌ها نام کوه را خانتانگیری به معنی سلطان ارواح نهادند.

نخستین بار در سال ۱۹۳۱ کوهنوردانی از اوکراین موفق شدند از طریق یخچال انیلچیک جنوبی و دهلیز جنوبی خود را به تیغه غربی کوه رسانند و از آن طریق قله را فتح نمایند. مسیر جنوبی در خاک قرقیزستان قرار دارد. و مسیری بسیار خطرناک و بهمنی است. در سال ۱۹۷۵ روس‌ها از طریق جبهه شمالی این کوه و پس از دستیابی به قله فرعی چایایف به ارتفاع ۶۱۹۵ متر توانستند خود را به گردنه غربی رسانند و از این راه قله را صعود کنند.

این مسیر به رغم شیب‌های تند و بهمنی و درگیری با سنگ و یخ تنها مسیر معمولی در جبهه قزاقستان به شمار می‌رود، که همه ساله کوه نوردان بسیاری از طریق آن به سمت قله یورش می‌برند و در نهایت دشوارترین و سرسخت‌ترین جبهه این کوه دیواره شمالی آن است که به رغم دشواری نتوانسته از گزند کوه نوردان جسور بلوک شرق در امان باشد و نزدیک به ۷ مسیر در دل آن گشوده‌اند. کوه خانتانگیری را تنها دوبار در سال‌های ۱۹۸۸ و ۲۰۰۱ کوهنوردانی از

روسیه و قزاقستان در زمستان بالا رفته‌اند که این تلاش آنها را می‌توان جزء نادرترین کارهای کوه نوردی دانست (۱). از ایران نیز تاکنون ۵ تیم این قله را صعود نموده‌اند. تیم مریمان کوه نوردی ایران متشکل از چهار کوه نورد در تابستان ۱۳۸۴ اقدام به صعود این قله نمود. آنچه در پی می‌آید گزارش گوشه‌هایی از این

## لوازم کوهنوردی دونا

عرضه وسایل کوهنوردی - کوهپیمایی - کمپینگ - سنگنوردی  
کتاب - نشریات - CD آموزشی - نقشه و کارت پستال های زیبای انحصاری  
فروش لوازم کوهنوردی شما بصورت امانی

نشانی: بزرگراه رسالت - روبروی بنی هاشم - جنب پل عابر

شماره ۱۳۹ - زنگ ۱ - عصر تا ۱۰ شب

۲۰۲۱۶۸۲ - ۰۹۱۲ - ۲۲۵۰۴۵۶۴

کیانوش فرهادی نژاد

Email: kianooshfn@yahoo.com

داشتند.

معرفی اعضا تیم  
مربیان

- ۱- علی علیمحمدی
- استان مرکزی- اراک
- ۲- محسن حسنونند
- استان لرستان- خرم آباد
- ۳- ید... نگهدار
- استان کردستان- سنندج
- ۴- مهدی داوریپور
- سرپرست تیم استان
- تهران- شمیران

گزارش صعود

جمعه هفتم مرداد  
ساعت ۶ بامداد فرودگاه  
مهرآباد



نفرات و انتقال به سمت  
B.C در ارتفاع ۴۲۰۰ متر به  
وسیله هلی کوپتر، استقرار در  
B.C، معارفه با کادر اجرایی  
B.C ارسال پیام تبریک  
برای تیم خراسان که در حال  
فعالیت بر روی قله پوبدا  
بودند توضیح زمان بندی  
برنامه های B.C توسط  
مسئول کمپ، گفتگوی  
دوستانه با تمامی همراهان  
اعضا محترم تیم همدان و  
مربیان و مرور شرح وظایف  
تیمی توسط آقایان مهدی  
داوریپور و جواد گیاه شناس  
برنامه ریزی برای روزهای  
آتی، نصب پرچم ایران با

مقدمات مربوطه در B.C، بررسی مسیر صعود کسب اطلاعات لازم از مسئول  
کمپ و همچنین دیگر تیم ها، تماس با ایران از اهم کارهای امروز بود. B.C بر  
روی یخچال اینلیچیک واقع شده است. امکانات جانبی کمپ شامل آشپزخانه  
مرکزی با امکانات مجهز به دو چادر بزرگ، راهنما، باربر، پزشکی، بی سیم، بوفه،  
حمام و سونای خشک، چادرهای دوفره برای استقرار تیم ها، تلفن ماهواره ای،  
پذیرایی چند وعده شامل صبحانه، ناهار، عصرانه و شام در صورت حضور در کمپ  
B.C. استفاده از برخی از امکانات منوط به پرداخت هزینه می باشد مانند راهنما،  
باربر، تلفن، بوفه. پس از شام و ارائه برنامه فردا تمامی دوستان در چادرهای  
خود مستقر شده و خود را برای استراحت آماده نمودند.

**دوشنبه ۱۰ مرداد ساعت ۸/۳۰ بامداد**  
برنامه امروز پس از صرف صبحانه حرکت بر روی یخچال اینلیچیک و مرور  
عملیات فنی و تکنیکال فنی. تست لوازم فنی، پوشاک و آشنایی با مسیر صعود  
کمپ اول بود و انجام آن بسیار ضروری چرا که حال و هوای منطقه بر جدیت کار  
افزوده بود. در ادامه پس از بازگشت و صرف ناهار، بسته بندی مواد غذایی،  
تدارکات تیمی جهت حمل بار به کمپ دوم، مرور برنامه های فردا، بررسی مسائل  
جانبی تیم، کنترل لوازم، امور انفرادی، بررسی و تحلیل، کسب اطلاعات لازم،  
صرف شام و استراحت انجام پذیرفت.

**سه شنبه ۱۱ مرداد ساعت ۷ بامداد**  
پس از انجام امور انفرادی، بسته بندی لوازم، جمع نمودن کوله ها، صرف صبحانه  
در ساعت ۸/۳۰ و هماهنگی کامل با مسئول کمپ، ساعت ۹/۳۵ به سمت کمپ  
اول به ارتفاع ۴۹۰۰ متر و بریایی چادر، هم هوایی، انتقال بارهای دیگر کمپ ها  
حرکت نمودیم. بارها شامل: مواد غذایی، وسایل فنی، چادر، لوازم انفرادی.  
مجموع نفرات تیم همدان و مربیان به دو گروه تقسیم شده و با فاصله پانزده  
دقیقه از هم حرکت نمودیم زمان صرف شده از B.C کمپ تا کمپ اول ۳ ساعت  
و ۳۰ دقیقه. حداکثر شیب ۷۵ درجه، مسیر دارای شکاف، تله های برفی و  
بهمن های متعدد و ۶۰ درصد یخ.

عرض یخچال اینلیچیک به طور متوسط ۴۰۰ متر و طول آن ۴۶ کیلومتر که

سرانجام پس از هموار نمودن تمامی موارد و مسائل نظیر: اخذ مجوزها،  
استعلام ها، ویزا، تدارکات و... کلیه اعضای تیم در فرودگاه مهرآباد حضور به هم  
رسانده و پرواز با کمی تأخیر و با بدرقه آرام به سمت آلماتی، پایتخت سابق کشور  
قزاقستان انجام پذیرفت. استقبال توسط نمایندگان شرکت خانتانگیری، ارسال  
بارها به سمت کمپ کاراکارا، عقد قرارداد با شرکت خانتانگیری در دفتر شرکت،  
هماهنگی اداری با سفارت ایران و بازدید کوتاه از شهر، اخذ ویزای قرقیزستان،  
صرف شام و اقامت در هتل، در همین روز صورت پذیرفت.

**شنبه هشتم مرداد ساعت ۹ بامداد**

پس از صرف صبحانه در هتل محل اقامت، تنی چند از دوستان برای تهیه  
لوازم فنی، کپسول EP و پوشاک به اتفاق نماینده شرکت به یکی از فروشگاه های  
معتبر کوه نوردی رفته و پس از تأمین وسایل مورد نیاز به هتل بازگشتند. ساعت  
۱۱ به وسیله یک دستگاه مینی بوس اعضا تیم به اتفاق تیم استان همدان به  
سمت کاراکارا به راه افتادند. ناهار در بین راه صرف شد چشم اندازهای مسیر بسیار  
زیبا و دل انگیز بود. در ادامه مسیر می بایست از کشور قرقیزستان گذر نماییم.  
زیبایی منطقه کاراکارا همه را محسوس خود نموده است. پس از استقرار در کمپ  
کاراکارا و معارفه کوتاه با کازبک ولی اوف رییس شرکت خانتانگیری و رییس  
فدراسیون کوه نوردی قزاقستان، تحویل بار از انبار انجام پذیرفت پس از دقایقی  
استراحت، طی مراسمی خاص و با تلاوت کلام... مجید و اجرای سرود ملی  
پرچم پرافتخار ایران در محل کمپ به اهتزاز درآمد. البته این عمل توسط تیم  
اعزامی استان خراسان نیز اجرا شده بود. تدوین برنامه های روز آتی، گرفتن  
عکس، نصب پلاکاره، معارفه با کادر اجرایی کمپ و دیگر تیم ها، پرس جوهای  
کنجکاوانه در منطقه، بسته بندی بارها، صرف شام، گپی دوستانه، استراحت،  
پایان برنامه های امروز بود.

**یکشنبه ۹ مرداد ساعت ۸۴ بامداد**

شروع روز با ورزش صبحگاهی و صرف صبحانه در سالن پذیرایی کمپ  
کاراکارا انجام پذیرفت بسته بندی نهایی بارها، کشیدن و وزن نمودن بارها و



داریم و جایشان را سبز می‌داریم. آنانی که این صعود تقدیم‌شان شد.

#### پنجشنبه ۱۳ مرداد ساعت ۳ بعدازظهر

پس از انجام کارهای جاری روزانه در کمپ و بستن کوله با وسایل شب‌مانی و صرف ناهار به سمت کمپ اول حرکت نمودیم. زمان طی شده از B.C تا کمپ اول ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه بود. تیم به دلیل هم‌هوایی دو روز قبل، قبرا، سرحال و سریع‌تر از روزهای اول برنامه به کمپ اول رسید. برنامه تیم برای روزهای آینده شامل انتقال بار به کمپ دوم و شب‌مانی در ارتفاع ۵۵۰۰، صعود به قله چاپایف به ارتفاع ۶۱۰۰ متر برای هم‌هوایی و بارگذاری و نهایتاً بازگشت به B.C بود. چشم‌انداز منطقه از کمپ اول بسیار زیبا و بالهت است، کم‌کم روز سپری می‌شود و همه برای استراحت آماده می‌شوند. بارش برف هم آغاز شده گهگاه صدای ریزش بهمین نیز به گوش می‌رسد.

#### جمعه ۱۴ مرداد ساعت ۹/۳۰ بامداد

بارش برف شب گذشته این تردید را به وجود آورد تا تیم‌های مستقر در کمپ اول حرکت خود را به سمت کمپ دوم کمی به تعویق اندازند. تیم مشترک ایران در ساعت ۹/۳۰ صبح در قالب دو تیم اول و دوم به سمت کمپ دوم حرکت نمود، کوله‌ها بسیار سنگین و تا حدودی اضطراب بر این سنگینی افزوده است. بارهای کمپ دوم و سوم باید مجموعاً حمل می‌شد. شیب زیاد شروع، که با طناب ثابت آغاز می‌شد تا رسیدن به کمپ دوم ادامه داشت دقایقی بعد تیم دوم نیز حرکت

دارای شکاف‌های عظیم می‌باشد کمپ اول بر روی گرده‌ای سنگی که آن را نقابی برفی به عرض ۱۵ متر و طول تقریبی ۵۰۰ متر در آغوش گرفته است. امروز به لحاظ سنگینی بارها سرعت حرکت کند بود قسمت انتهایی مسیر که مشتمل بر ۵ طول طناب ثابت می‌باشد، می‌بایست از خود حمایت و یومار بهره برد. ساعت ۱ به کمپ اول رسیدیم. کمپ برپا شد. استراحتی کوتاه، صرف ناهار و بازگشت به سمت B.C بسیاری از برنامه‌های دیروز بعدازظهر، امروز نیز تکرار گردید.

برنامه‌های تیمی و انفرادی، صرف عصرانه و شام و استراحت. آسمانی صاف، پرتوافشانی ستارگان همچون شب‌های کویر.

#### چهارشنبه ۱۲ مرداد ساعت ۷ بامداد

اگرچه در دستور کار امروز استراحت تعیین شده است ولی همراهان صبح زود از خواب برمی‌خیزند کارهای روزمره دیگر تکرار می‌گردد. بسیاری از دوستان برای سرگرمی مطالعه و تعدادی دیگر از دستگاه‌های سمعی و بصری خود استفاده می‌کنند، عکاسی، فیلم‌برداری هم خالی از لطف نیست. گپ دوستانه، بازی‌های سرگرم‌کننده، زمزمه آوای ملی سرزمین مادری کمک به سپری نمودن روز می‌نمایند. به طور متوسط در روزهایی که هوا صاف و آفتابی است هلی‌کوپتر یک پرواز برای حمل و نقل وسایل، لوازم مصرفی کمپ، جابه‌جایی کوه‌نوردان به منطقه را دارد. صدای آمدن هلی‌کوپتر و آمدن چهره‌های جدید کوه‌نوردان، تنوع به همراه دارد. در روزهای آفتابی صدای غلتش و غران رودهای بزرگ و کوچک آشکار است در هر فرصتی یادی از هم‌نوردان خود

در ارتفاع ۵۵۰۰ رسیدیم. بام برفی بسیار زیبایی در منتهی علیه شیب‌های زیاد قیف و سینه ستبر خانتانگیری، مکانی وسیع برای برپایی ده‌ها چادر و فرود اضطراری هلی‌کوپتر، چشم‌اندازی با قله‌های سر به فلک کشیده مانند ماربل وال ۶۴۰۰ متر، دیواره‌ها، یخچال انیلچیک همچون اتوبانی عظیم. کمپ دوم برپا شد مقدمات برای تهیه آشامیدنی گرم و غذا مهیا شد. با بی‌سیم با تیم همدان ارتباط برقرار کردیم و از حال هم باخبر بودیم. آنان امروز بازگشت به B.C را برای استراحت و تجدیدقوا در دستور کار خود قرار داده بودند و بنا داشتند دوشنبه هفدهم مرداد و سه‌شنبه هجدهم مرداد را در کمپ اصلی به استراحت بپردازند. چندین تیم خارجی در کمپ دوم استقرار داشتند. دو تیمی که برای هم هوایی به قله چاپایف رفته بودند در حال بازگشت بودند. شب بسیار سردی بود.

#### یکشنبه ۱۶ مرداد ساعت ۸ صبح

امروز شاهد هوای صاف و آفتابی هستیم. پس از صرف صبحانه هماهنگی لازم با اعضا تیم به ویژه آقای علی علیمحمدی، تدارکات لازم برای بستن کوله‌ها آغاز شد. حال دو نفر از اعضا تیم برای هم هوایی، بارگذاری به قله چاپایف در ارتفاع ۶۱۰۰ متری مساعد نبود. آنان به استراحت و تجدیدقوا پرداختند.

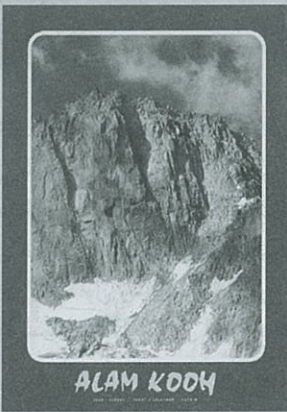
ساعت ۱۱ صبح حرکت ما به سمت چاپایف آغاز شد. تمامی لوازم مربوط به کمپ سوم را به همراه داشتیم دو تیم جلوتر از ما در ساعت ۱۰ صبح حرکت خود را آغاز که در ارتفاع ۵۸۰۰ تصمیم به بازگشت نمودند. تیم دونفره ما به حرکت خود ادامه می‌دهد. گذر از یخچال‌های اول مسیر که در اطراف آن شکاف‌های نسبتا

نمود. طناب‌های ثابت یخ زده و زیر ریزش برف شب گذشته مدفون شده بود. حرکت یومار روی طناب‌های یخ‌زده و کارگاه‌های نه چندان مطمئن، مسیر را مخاطره‌آمیز کرده بود. سنگینی بارها و عدم یکسان بودن اعضا، ارتفاع، ازدهام مسیر باعث ایجاد فاصله بین اعضای تیم شد. این فاصله به دو ساعت می‌رسید. بارش برف و مه‌گرفتگی سبب شد تا سرپرستی تیم همدان پس از جاگذاری بار خود در چندین نقطه دستور بازگشت به کمپ اول را صادر نماید. تیم مریبان به دلیل شرایط جوی در مکانی نسبتا مناسب تصمیم به برقراری کمپ میانی و شب‌مانی می‌نماید. این در حالی بود که کم کم به انتهای روز نزدیک می‌شدیم و حال و توان یکی از اعضای تیم برای بازگشت مناسب نبود. شب برای اعضای تیم در کمپ اول و تیم مریبان در ارتفاع ۵۳۰۰ متری سپری شد. موارد ایمنی گوشزد و اجرا گردید. آماده‌سازی کمپ به لحاظ ناهموار بودن برف، ساعتی به طول انجامید. دانستن این نکته حائز اهمیت است. در فاصله مابین کمپ اول و دوم در مواردی شب مسیر به ۸۰ درجه می‌رسید. تیم‌های اتریش و کره که صبحگاهان جلوتر از ما حرکت نموده بودند، به ادامه مسیر پرداخته و در کمپ دوم استقرار داشتند.

#### شنبه ۱۵ مرداد ساعت ۱۰ صبح

خستگی روز گذشته باعث شد تا تیم تا ساعت ۱۰ صبح به استراحت بپردازد. ساعت ۱۱/۳۰ صبح پس از صرف صبحانه و جمع کردن لوازم و چادر، تیم حرکت خود را به سمت کمپ دوم آغاز نمود، سنگینی کوله باعث کندی حرکت ما شده بود، ساعت ۱۴/۳۰ پس از گذر از آخرین شیب بالای ۷۵ درجه به کمپ دوم واقع

50 cm



ALAM KOOCH

پوستر جدید رنگی علم کوه  
نقاط ویژه دیواره و کروکی مسیرها

12.5 cm



(۱۵ قطعه عکس)

Alam Kooch

70 cm

18.5 cm

## تورهای کوهنوردی سال ۸۴ و ۸۵

( اسفند ۸۴ و فروردین ۸۵ مهر، آبان، آذر ۸۵ )

- بیس کمپ اورست، قله کالپاتار ۵۵۴۵ متر و قله گوکیوری ۵۴۸۳ متر
- بیس کمپ آنپورنا ( ۴۱۳۰ متر ) و ماچاپوچار ( ۳۷۰۰ متر )
- قله آیلند پیک ۶۱۸۹ متر Island Peak
- قله مراپیک ۶۴۷۶ متر Mera peak
- و قله زیبا و فنی آمادابلام ۶۸۵۶ متر Ama Dablam
- قلل منطقه پامیر: (لنین، خانتاینگری و پوبدا) تابستان ۸۵
- آماده‌همکاری با ارگانها و سازمانهای دولتی جهت صعودهای برون مرزی

آلبوم رنگی  
علم کوه

برای اطلاعات بیشتر با ماتماس بگیریر

Email: zarrin81@yahoo.com

تلفن ۰۵۱۱۸۵۴۸۴۸۰

همراه ۰۹۱۵ ۳۱۰ ۳۲۰۱

WWW:Aftabtrek.com



مشهد، زرین

و کروکی صعود به قله منطقه (حصارچال، علم چال و منطقه هفت خان)

زیادی وجود داشت، هیچان کار را دوچندان می‌نماید. در طول مسیر به نقاطی می‌رسیم که بسیار مهیب و در منتهی علیه دو یخچال قرار دارد و حرکت در نوک هرم می‌باشد. تمامی طول مسیر دارای طناب ثابت است که باید قبل از استفاده کنترل شود. شیب ما بین کمپ دوم و قله چاپایف در برخی نقاط به ۸۰ درجه نیز می‌رسد.

در پاره‌ای از موارد مسیر ترکیبی می‌شود (سنگ و یخ). باید مواظب فرود احتمالی نفرات که از چاپایف سرازیر می‌شوند بود چرا که ریزش سنگ و برف را در پی دارد. به همراه داشتند مایعات شیرین و گرم خستگی را از تن می‌زداید. ساعت ۱۸ قله چاپایف صعود و بارگذاری انجام شد و پس از دقایقی بازدید منطقه، یخچال‌های اطراف، قله پوبدا، کمپ سوم، قله خانتانگیری و یاد تمامی عزیزان. برای آقای علی علیمحمدی که برای اولین بار به ارتفاع ۶۱۰۰ متر گام می‌نهاد لحظه‌ای بسیار شیرین بود و برای من هم تیز. آن‌گاه به سمت کمپ دوم حرکت نمودیم. فرود در بسیاری از موارد به سبک روسی انجام می‌گرفت انداختن خود حمایت و بیچیدن طناب دور دست و سپس گام‌برداری، و در مواردی هم فرود با شکل هشت. در فرود نیز کارگاه‌ها مجدداً کنترل و مقداری از کارگاه پایین‌تر، اقدام به فرود می‌نماییم زیرا امکان درآمدن را دارد. با نهایت دقت و سرعت حرکت نمودیم، پس از رسیدن به کمپ دوم به دیدار دوستان خود رفتیم هنوز حداکثر توان و شادابی خود را به دست نیاورده‌اند. پس از ارتباط با B.C و تیم همدان و صرف نوشیدنی گرم، گپی با دوستان در کیسه خواب به استراحت پرداختیم.

#### دوشنبه ۱۷ مرداد ساعت ۸ بامداد

حال یکی از دوستان مساعد نیست. ضریب هوشی پایین و توان جسمی کم است. از پزشک روسی مستقر در کمپ دوم خواسته شد ایشان را معاینه نماید. نظر مساعدی نسبت به حال ایشان نداشت. با هماهنگی و هم‌فکری با آقای جواد گیاه‌شناس در B.C موضوع بررسی و توسط ایشان با فدراسیون کوه‌نوردی ارتباط برقرار شد، هماهنگی اداری به عمل آمد و تقاضای هلی‌کوپتر و امکانات جانبی شد. در این فاصله با راهنمای روسی نیز هماهنگ شد تا در صورت عدم پرواز هلی‌کوپتر به گونه‌ای دیگر عمل نماییم. در این فاصله هم‌نورد ما مورد عنایت پزشک روس قرار دارد. بالاخره هلی‌کوپتر رسید و عملیات انتقال انجام پذیرفت. در کارکارا ما زیاد دلشوره نداشتیم زیرا تیم استان خراسان به اتفاق پزشک تیم در آن‌جا مستقر بودند. آن‌گاه ما هم کمپ دوم را ترک کرده به سمت کمپ اول و سپس به B.C رفتیم. روز بسیار سخت و سنگینی بود. اما به خیر گذشت. تنی چند از اعضا محترم تیم همدان و آقای رضا ایاز در ابتدای مسیر کمپ اول به پیشواز ما آمده بودند، که باعث دلگرمی شد. اعضای محترم تیم خراسان مستقر در کارکارا از هم‌نورد ما پرستاری می‌نمودند و حال او روبه بهبود بود. گپی دوستانه، بازخوانی عملکرد چند روز دوری از کمپ اصلی و دوستان، تجدیدقوا، تغذیه، استراحت پایان کارهای امروز بود.

#### سه شنبه ۱۸ مرداد ساعت ۸/۳۰ بامداد

امروز استراحت در کمپ اصلی و ارسال لوازم و مدارک هم‌نورد به کارکارا جهت انتقال به ایران، همراه با تیم استان خراسان رضوی. خاطرنشان می‌گردد حال ایشان روبه بهبود است. خدا را شکر.

#### چهارشنبه ۱۹ مرداد ساعت ۸۴ ساعت ۷ صبح

دیشب نیز شاهد هوای خراب بارش برف بودیم که تا ساعاتی از نیم روز ادامه داشت. امروز برنامه تیم، نیز استراحت در کمپ اصلی بود.

تیم همدان نیز پس از صرف ناهار با برنامه‌ریزی و تجدید قوای جسمی در قالب ۲ گروه قصد صعود به کمپ اول را دارد. با دعای خیر ما بدرقه می‌شوند.

#### پنج شنبه ۲۰ مرداد ساعت ۱۴

پس از انجام امور روزانه کمپ، بستن کوله، B.C را به قصد استقرار در کمپ اول ترک نمودیم هم‌نورد دیگری هم از ادامه مسیر بازماند و در B.C باقی ماند. تیم ۲ نفره ساعت ۱۶/۳۰ به کمپ اول می‌رسد. امروز به دلیل هوایی مطلوب مسیر سریع‌تر طی می‌شود حرکت تیم همدان به سمت کمپ دوم و استقرار در ارتفاع ۵۵۰۰ متری انجام می‌پذیرد. ما هم از این بابت مسروریم. آقای ایاز نیز در معیت تیم همدان به کمپ اول رسیده برای هم هوایی بیشتر در کمپ اول می‌ماند.

#### جمعه ۲۱ مرداد ساعت ۱۰ صبح

حرکت به سمت کمپ دوم آغاز می‌گردد. ضمن این که آقای ایاز که در کمپ اول مانده تا هم هوایی خوبی داشته باشد، با هم همراه می‌شویم. بار ایشان سنگین است. حرکت تیم دوفره به لحاظ هوای خوب سهل‌تر و سریع‌تر است. مسیر برایمان آشناست ساعت ۱۷/۴۵ به کمپ دوم می‌رسیم. امروز هم‌نوردان همدانی ما در کمپ دوم استراحت می‌نمایند و در تدارک حرکت به سمت قله چاپایف در روزهای آتی.

#### شنبه ۲۲ مرداد ساعت ۸ بامداد

امروز به دلیل بارش شدید برف که دیشب صورت گرفته است به استراحت می‌پردازیم. مضاف بر این کارهای روزمره مخصوص ارتفاع، تحلیل ویژه‌ای ادامه مسیر، برنامه غذایی، حمل بار با بستن کوله و... را برای انجام دادیم.

#### یکشنبه ۲۳ مرداد ساعت ۹/۳۰ صبح

حرکت تیم مشترک در ساعت ۹/۳۰ در قالب دو گروه با فاصله زمانی ۱۵ دقیقه به سمت قله ۶۱۰۰ چاپایف که توسط تیم صعود شد. حداکثر شیب ۸۵ درجه. قسمتی از مسیر ترکیبی از سنگ و یخ پس از گرفتن عکس و استراحتی کوتاه انتقال بارها به داخل کوله به سمت کمپ سوم در ارتفاع ۵۹۰۰ متری حرکت نمودیم. قله سر به فلک کشیده چاپایف اصلی سمت راستمان قرار دارد. در آستانه یال منتهی به قله پس از آماده‌سازی محل کمپ، چادرها برپا شد. به لحاظ ورزش باد شدید مجبور بودیم چادرها را در ارتفاع پایین‌تری از سطح برف برقرار نماییم. برای رسیدن به این کمپ می‌توان از کشور قرقیزستان نیز اقدام نمود. کمی پایین‌تر از این کمپ چندین اتاق برفی وجود دارد. چشم‌انداز کمپ سوم بسیار زیبا است ابهت قله خانتانگیری پوبدا، چاپایف اصلی، ماربل وال و قلل دیگر آشکار می‌شود. چندین گروه دیگر نیز در کمپ مستقر هستند. در آستانه پایان امروز هماهنگی‌های لازم برای برنامه فردا فی مابین دوستان انجام پذیرفت.

#### دوشنبه ۲۴ مرداد ساعت ۴/۴۵ بامداد

در ظلمت شبی سرد همه چیز مهیا برای ادامه حرکت به سمت قله خانتانگیری. تدابیر لازم اندیشیده شده است. تعداد زیاد نفرات باعث شد، تا تیم به دو گروه تقسیم شدند تا با فاصله حرکت نمایند. تنوع و سختی مسیر با وجود دیواره‌ها، یخچال‌ها، صخره‌ها، طناب‌های ثابت، شیب‌های تند آشکار می‌گردد. امروز روز هفتم رجب است. شب میلاد امام محمدتقی جوادالائمه (ع) و در آستانه میلاد امام عارف و عاشق مولانا علی (ع) قرار داریم به وجود مقدسشان متوسل

می شویم، زیرا در این وادی انسان به مویی بند است به ناگاه معادلات و محاسبات به هم می‌ریزد، اگر حمایت معنوی نباشد. از محضرشان استعداد می‌طلبیم، چشمان بسیاری در ایران منتظر، دل‌های زیاد در طپش به یاد این راهیان است. جهانی می‌گوید یا علی مدد و ما هم. ساعت ۱۹/۴۵ زمان طلایی پایان انتظار و کوشش چندین ماهه، لحظه شیرین پیروزی، هنگام اجابت دعا، گامی دیگر توسط ایرانیان بر روی قله رفیع خانتانگیری به ارتفاع ۷۰۱۰ متر. همه دوستان به نوبت و با فاصله زمانی کوتاه بر روی قله می‌رسند. اگرچه صعود به دیروقت کشید ولی به سلامت انجامید. منطقه تیان شان زیر گام‌های ایرانیان قرار دارد. اشک شوق سرازیر. یادمانی از همه حق‌داران در این عرصه انجام می‌پذیرد. پرچم ایران بر روی قله و در بالای سه پایه نشانه قله به اهتزاز درمی‌آید. برگشت به سمت کمپ سوم در شب انجام گرفت. بارش برف نیز آغاز شده است در امتداد طناب‌های ثابت بودن از خطرات مسیر کمی می‌کاهد. فرود از قله ساعت ۲۰/۳۰ آغاز و تا ساعت ۵/۳۰ بامداد روز ۸۴/۵/۲۵ به طول انجامید. این خود به منزله تلاش دیگر برای صعود به قله است. سعی و کوشش ۲۵ ساعت از کمپ سوم تا قله خانتانگیری، بازگشت به کمپ سوم که با حداکثر توانمندی جسمی، روحی، فنی و دقت انجام گرفت. خاطر نشان می‌گردد تنها در ارتفاع حدود ۶۴۰۰ متری مکان تقریباً مناسبی برای برپایی کمپ میانی و چهارم وجود دارد اما به لحاظ عدم اطلاع دقیق از حضور دیگر تیم‌ها در این مکان از کشور قرقیزستان نمی‌توان ریسک حضور در این کمپ را پذیرفت. در این کمپ تنها می‌توان ۳ چادر مطمئن برپا نمود.

#### سه شنبه ۲۵ مرداد ساعت ۱۱ صبح

پس از استراحتی نه چندان طولانی، جمع‌آوری کمپ و انتقال آن به کمپ دوم آغاز می‌گردد. قله چاپایف دوباره صعود می‌شود. نگاهی عمیق از بالای قله چاپایف به منطقه تیان شان. خستگی فعالیت چندروز گذشته، باعث کندی سرعت تیم می‌شود. گروه اول پس از رسیدن به کمپ دوم و جمع‌آوری لوازم به سمت کمپ اول حرکت می‌نمایند. گروه دوم شب را در کمپ دوم سپری می‌نمایند. خاطر نشان می‌گردد ارتباط تیم همدان و مرییان و تشریک مساعی و همکاری آنان ستودنی است.

#### چهارشنبه ۲۶ مرداد ساعت ۹ صبح

تیم اول کمپ اول را به سمت B.C ترک می‌نماید. تیم دوم کمپ دوم را به سمت کمپ اول ترک. و آن‌گاه پس از جمع‌آوری کمپ اول به سمت B.C حرکت می‌نماید و سپس استقرار در B.C.

#### پنج شنبه ۲۷ مرداد ساعت ۸/۳۰ صبح

استراحت مرور خاطرات صعود، گپ دوستانه با دیگر تیم‌ها، انجام امور فردی، کنترل، خشک نمودن، جمع‌آوری و بسته‌بندی لوازم و تجهیزات.

#### جمعه ۲۸ مرداد ساعت ۸/۳۰ صبح

استراحت در B.C منتظر هوای خوب جهت پرواز هلی‌کوپتر برای بازگشت به کار کارا، انجام امور روزانه همانند روز قبل.

#### شنبه ۲۹ مرداد ۸۴ ساعت ۷ بامداد

جمع‌آوری کامل لوازم و تجهیزات و انتقال به محل فرود هلی‌کوپتر و صرف صبحانه، گرفتن آخرین عکس‌های یادگاری و حرکت به کار کارا.

#### یکشنبه ۳۰ مرداد

اقامت در کار کارا

#### دوشنبه ۳۱ مرداد

خداحافظی با کارکنان فعال شرکت خانتانگیری و همچنین منطقه زیبا و سرسبز کار کارا و حرکت به سمت آلمانی و اقامتی ۵ روزه همراه با گشت و گذار در شهر آلمانی.

#### جمعه ۴ شهریور

حضور در فرودگاه و پرواز به سمت ایران عزیز.

#### ره آورد

##### چند تجربه

- بهتر است، برای تمامی لوازم مورد استفاده، اعم از فنی و غیرفنی، پوشاک، چراغ پیشانی، عینک و... تدبیر کامل، برای حمایت اندیشیده شود.

- بهتر است، برنامه‌های تمرینی مناسب با شرایط اقلیمی و جوی مشابه در تمامی ابعاد، (شبیه‌سازی) طراحی و اجرا شود.

- بهتر است، تدارک غذایی مناسب با ذائقه افراد تیم انجام پذیرد.

- بهتر است، تمامی تیم‌های برون مرزی با یک پزشک آشنا با پزشکی کوهستان همراهی شوند.

- بهتر است، از بین اعضای تیم‌های صعودهای برون مرزی که ملبس به لباس‌های متحدالشکل و با آرم ایرانی هستند یک و یا دو نفر از آنها با لباس شخصی تیم را همراهی نمایند، تا در هنگام بروز مشکلات اداری آنان بتوانند به رفع و رجوع مشکلات بپردازند.

- بهتر است، تمامی اعضای تیم قبل از اعزام وضعیت جسمی و روحی آنان مورد بررسی پزشکی قرار گیرند.

- بهتر است، برای عزیمت به کشورهای که در آنجا وضعیت بحرانی است از وزارت امور خارجه استعلام گرفته شود.

- بهتر است، سرپرستان اعزامی در تمامی جهات به ویژه مسائل دیپلماتیک و مدیریت بحران مجرب باشند.

- بهتر است، تیم‌های اعزامی قبل از عزیمت دارای بیمه برون مرزی و یا بین‌المللی باشند.

- بهتر است، سرپرست تیم اعزامی برای هزینه‌های ضروری نیز ارز به همراه داشته باشد.

- بهتر است، تیم‌ها از تلفن ماهواره‌ای و بی‌سیم بهره‌مند باشند.

- بهتر است، خویشتن داری و مطیع بودن اعضای تیم در ارتباط با سرپرست، بررسی کامل قرار گیرد.

#### افق بعدی

حفظ بقا راز هستی است. تلاش برای ماندن، اساس فعالیت‌های بشری است. ماندگاری فلسفه بسیاری از تلاش‌های روزانه ما را شکل می‌دهد. کوشش می‌کنیم، طراحی می‌نماییم، به آب و آتش می‌زنیم، می‌سازیم، تا جاودانه بمانیم. کارگزاران عرصه کوه‌نوردی به ویژه مرییان گرامی نیز می‌توانند در زمینه صعودهای بلند و فعالیت‌های برون مرزی حضور چشم‌گیر داشته باشند. بستر برای فعالیت مهیا است. فعل خواستن باید صرف شود، نوعی دیگر باید دید، بزرگی و حضور در صحنه، هزینه‌های گوناگون دارد، می‌توان با حلقه مودت هزینه‌های وابسته، اعم از مادی، معنوی، جسمی، روحی، و... را تامین نمود، اگرچه راه طولانی و پر از فراز و نشیب، ولی پیمایش آن با هم، هموار می‌شود. با بحث و گفتگو آغاز و با طرح برنامه، پژوهش، اندیشه‌ها و برنامه‌های دور از دسترس، ساماندهی و اجرا می‌گردد. خلق دورنمای روشن مقدمه‌ای برای آفرینش اهداف پایدار است. ۷.

# گروه کوه نوردی شرکت سایپا



## صعود به قله کازبیک گرجستان شهریور ۱۳۸۴

بر اساس تقویم تنظیمی گروه کوهنوردی شرکت سایپا در سال ۱۳۸۴ بر نامه صعود برون مرزی کازبیک واقع در کشور گرجستان در دستور کار گروه قرار گرفت به همین منظور به دلیل وضعیت و شرایط موجود در مسیر صعود به قله برای اعضای گروه در ابتدای سال برنامه آموزش یخ و برف مقدماتی و پیشرفته انجام گرفت. سپس جهت بالا بردن توان قدرتی اعضای تیم از دوهای آمادگی شامل صعود به قله دماوند، آزادکوه، علم کوه، ناز و چهار بر گزار گردید و نهایتاً تعداد ۲۱ نفر جهت صعود به قله کازبیک معرفی و شناخته شدند. روز شمار برنامه: گروه در تاریخ ۸۴/۶/۱۶ به تبریز اعزام و در مقابل ترمینال راه آهن با مسئول شرکت آذر کوه آقای اقایابی ملاقاتی داشته و سپس با اتوبوس عازم مرز بازرگان شدیم. پس از عبور از مرز ترکیه و حرکت مجدد به سمت مرز گرجستان صبح روز ۸۴/۶/۱۸ وارد کشور گرجستان شده و از آنجا به شهر زیبای تفلیس رسیدیم. روز ۸۴/۶/۱۹ از تفلیس به شهر کوهستانی کازبیک رفته و در هتل زیبای آن شهر اقامت گزیدیم. صبح روز ۸۴/۶/۲۰ توسط خودروهایی دودیفرا تسلی مسافتی از راه تا کلیسای کازبیک را طی کرده و از آنجا اعضای تیم به همراه تعداد ۸ نفر راهنما با کوله های سنگین به طرف پناهگاه کوهپیمایی را آغاز و در ساعت ۱۸ همان روز به پناهگاه در ارتفاع ۳۷۰۰ متری رسیدیم که دارای امکانات نسبتاً خوبی (اتاق های استراحت، آشپزخانه و سرویس بهداشتی) بود. روز ۸۴/۶/۲۱ بعد از یک کوهپیمایی ۴ ساعته جهت هم هوایی تمرین کرامپون و حرکت روی یخچال اعضای تیم بقیه روز را استراحت کردند.

ساعت ۳ بامداد روز ۸۴/۶/۲۲ با تجهیزات فنی (صندلی، کرامپون، کفش دوپوش) به طرف قله حرکت کردیم پس از ۲ ساعت کوه پیمایی به توصیه راهنماها در ۴ حلقه طناب تقسیم شده و صعود کرده ای از ارتفاع حدود ۴۰۰۰ متر انجام شد، (به دلیل شکاف های یخچالی و برف و توفان لازم است جهت احتیاط صعود کرده ای انجام گیرد) علی رغم باد شدید و سرمای زیاد به نظر راهنماها روز بسیار خوبی برای صعود بود. پس از ۲ ساعت حرکت به توصیه راهنماها اعضای تیم مجهز به گرامپون شدند و شیب قله رفته رفته زیاد گردید و سرعت باد به حدی بود که خیلی سریع جای پا از برف پر می شد. به هر ترتیب در ساعت ۱۰ صبح بر روی خط الزاس اصلی قرار گرفته و از آنجا با طی شیب بالای ۶۰ درجه یخی در ساعت ۱۱ صبح روز ۸۴/۶/۲۲ تمامی اعضای تیم و راهنماها بر روی قله کازبیک قرار گرفته و سرود ای ایران را دسته جمعی خوانده و در حالی که پرچم کشور عزیزمان بر روی قله برافراشته شده بود عکسی به یادگار انداخته و پس از چند دقیقه به طرف پناهگاه حرکت کردیم، در ساعت ۱۸ همان روز تمامی اعضای تیم به پناهگاه باز گشتیم. صبح روز ۸۴/۶/۲۳ ساعت ۷ صبح از پناهگاه به طرف شهر کازبیک حرکت نمود و از آنجا با اتوبوس به شهر تفلیس عزیمت کردیم.

روز ۸۴/۶/۲۴ (پس از شب مانی در هتل) به طرف مرز کشور گرجستان حرکت و پس از عبور از مرز گرجستان وارد کشور ترکیه و از آنجا به مرز بازرگان در صبح روز ۸۴/۶/۲۵ رسیدیم، ساعت ۸ صبح به فرودگاه تبریز رفته و در ساعت ۱۰ صبح در فرودگاه مهرآباد تهران با استقبال گرم مسئولین و خانواده های اعضای صعود به پایان رسید.

**(IHDM)**  
قالبهای بزرگ صنعتی ایران

شرکت سازه گستر سایپا

**سایپا**

## اعضای صعود کننده به قله کازبیک گرجستان

- |                      |                      |                      |                      |                      |                      |
|----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|
| <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو |
| <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو |
| <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو |
| <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو | <br>مهدی یکتا<br>عضو |

موسسه فرهنگی - ورزشی و گروه کوه نوردی خودروسازی سایپا

# گفت و گو با مسئول جانپناه و خانه کوهنورد ناندل (جبهه شمالی دماوند)

نرگس روحانی سراجی

جانپناه فلزی ناندل در ارتفاع ۴۰۰۰ متری و ۵۰۰۰ متری جبهه شمالی که در سال ۱۳۶۰ تا ۶۳ در مساحتی حدود ۱۵ مترمربع توسط کوهنوردان و عده‌ای از اهالی روستا ساخته شده است که بعدها در سال ۶۸ الی ۷۹ توسط اعتبارات فدراسیون کوه‌نوردی مرمت شد.  
ظرفیت خواب هر جانپناه ۱۲ نفر می‌باشد و زمان موردنیاز جهت رسیدن از روستا به آن جانپناه ۷ ساعت در تابستان و زمان لازم از پناهگاه تا قله در تابستان ۴ ساعت می‌باشد.  
خانه کوه‌نورد ناندل در مساحتی حدود ۵۰ مترمربع در روستای ناندل قرار دارد که در سال ۱۳۵۸ ساخته شد که ظرفیت خواب آن حدود ۳۰ الی ۴۰ نفر می‌باشد که دارای آب و برق و تلفن و امکانات رفاهی می‌باشد. از این محل به جبهه شمالی دماوند، شمال شرقی دماوند و یال داغ می‌توان دسترسی داشت.



۵۵ کیلومتری آمل در ناحیه کهرود از اتوبوس پیاده شدم. دماوند در میان یالهای رشته‌کوه البرز پنهان شده بود. از کهرود تا ناندل ۲۱ کیلومتر را به کمک یکی از دوستان پیر دماوند طی کردم. جاده‌ای بسیار ناهموار که زمستانهای سختی را پشت‌سر گذرانده بود اگر جاده را از طرف دیگر بکشد این راه دقیقاً نصف می‌شود. تمام مسیر را جناب سرهنگ توضیح می‌داد جنگل‌های سوزنی‌شکلی که به علت چرای بی‌رویه کاملاً توخالی شده بود و مسیر جاده‌ای که نیمه‌تمام رها شده بود. به منزل پیر دماوند رسیدم زمانی که به صورت او نگاه کردم پیرمردی باصفا با صورتی آفتاب سوخته که حاکی از زحمات و مشقاتی که در ده ناندل و پناهگاه برای کوه‌نوردان کشیده است چه کوه‌نوردانی که اگر آقای صالحی به آنها کمک نمی‌کرد با کوله‌پشتی‌های سنگین خود حتی تا ۱۵۰ متر نمی‌توانستند به جبهه شمالی صعود داشته باشند.

آقای صالحی چند سال دارید؟

متولد ۱۳۰۶ در روستای ناندل هشتم ۷۸ سال تقریباً از خدا عمر گرفته‌ام.

چند فرزند دارید؟

۶ پسر و ۱ دختر

چند نوه دارید؟

۲۱ نوه

آیا فرزندان به شما کمک می‌کنند؟

چند تن از فرزندانم در تهران و مازندران زندگی می‌کنند اما هوشنگ و ماشاءالله راهنمای کوه‌نوردان هستند و آنها کمک می‌کنند.

-از چه سالی متولی پناهگاه ناندل شده‌اید؟

قبلاً "خانه من اقامتگاه کوه‌نوردان بود ولی از زمان ساخت پناهگاه مسئول آن هستم.

تابه حال تشویق‌نامه‌ای دریافت کرده‌اید؟

زمانی که ریاست فدراسیون تیمسار صادق‌یان بود از او تشویق‌نامه گرفته‌ام از رئیس فدراسیون فعلی هم تقدیرنامه گرفته‌ام.

چندبار به قله دماوند صعود کرده‌اید؟

تا به حال به قله نرفته‌ام اما صدها بار تا ارتفاع ۴۵۰۰

برای راهنمایی کوه‌نوردان بالا رفته‌ام.

در مدت ۳۰ سال متولی پناهگاه ناندل، حقوق دریافتی شما افزایش داشت؟

حقوق؟ بصورت روزمره و یا حق‌العمل مبلغ بسیار مختصری داده‌اند اما حقوق بصورت ماهیانه دریافت نکردم.

ده ناندل چند خانوار دارد؟ و آیا از اهالی روستا به قله

دماوند از این جهت صعود داشته‌اند؟

مسئولین دارید؟

حدود ۳۰ سال است که متولی این پناهگاه هستیم اما تا به حال بیمه نبوده‌ام خانم بنده هم بیمار است و خودم مبتلا به بیماری قلبی تنفسی شده‌ام از آنها درخواست می‌کنم که ما را بیمه کنند تا شاید به ما کمکی بشود. از مسئولین نیز تقاضا دارم به وضعیت روستا از جهت آسفالت جاده و سیستم آبرسانی و نبود پزشک در خانه بهداشت کمکی کنند. این ده در زمان صعود جبهه شمالی کوهوردان خارجی و توریست‌ها پذیرای آنهاست و وضعیت روستا اگر مناسب باشد تعداد دفعاتی که می‌آیند بیشتر می‌شود. غروب شده و خورشید در حال فرو رفتن در پشت کوه‌های سر به فلک کشیده البرز است از صفا و محبت آقای صالحی تشکر می‌کنم و از خانواده ایشان هم ممنونم. △



## راحتی صعودهای دشوار با محصولات



منتظر  
محصولات  
جدید ما  
باشید.



تهریز:

خیابان داراتی جدید  
نرسیده به خیابان مفتح  
(ایستگاه پاسگاه)  
دریوند جامبورلار  
پلاک ۲۴  
تلفن: ۰۴۸۱-۳۳۳۰۳۲  
همراه: ۰۹۵۴ ۳۱۲ ۱۴۲۱



در ظرفیت‌های ۵۰ - ۳۰ لیتری



به صورت دائمی حدود ۱۲۰۰ خانوار در ناندل زندگی می‌کنند که شاید از جوانها حدود ۲۵-۳۰ نفر به قله دماوند از این جبهه صعود داشته‌اند.  
شغل اهالی روستا چیست؟  
دامداری

در حال حاضر هم به ارتفاعات صعود می‌کنید؟  
حدود ۳ سال است که دچار بیماری قلبی و تنفسی شده‌ام و دیگر نمی‌توانم بالا بروم  
کوه‌نوردان کشورهای دیگر که به این قله از این جبهه صعود داشتند را بیاد دارید؟

کوه‌نوردان بسیار قدرتمندی بودند مثل کوه‌نوردان روسیه، لهستان، آمریکا، سوئد، پرتغال، مجارستان و انگلستان که آنها را تا ۴۵۰۰ متری راهنما بودم حتی بعضی از آنها الان یادی از من می‌کنند.  
تاریخ اولین صعود را به خاطر می‌آورید؟

اولین صعود از جبهه شمالی در اردیبهشت سال ۱۳۵۲ و به سرپرستی آقای امین نیا و توسط تیم هیمالیا انجام شد.  
اولین صعود زمستانی قله دماوند را بیاد دارید؟  
توسط چه کسانی صورت گرفت؟

خدا رحمت کند آقای رابوکی راه آقا جلال سال ۱۳۵۴ همراه آقای محمود غزنوی، اکبر پارسا، تقی فخر فاطمی از طرف باشگاه خانه کوه‌نوردان تهران اولین صعود زمستانی را از این جبهه شمالی انجام دادند و هم‌ایشان بود که راهگشای خانه ما شدند.

آیا خاطره‌ای خاص در ذهن از کوه‌نوردانی که برای این جانپناه زحمت کشیده‌اند بخاطر دارید؟  
مرحوم محمد داوودی نیز از کسانی بودند که بسیار زحمت کشیدند و چند بار در هنگام ساختن این محل شب‌ها را اینجا ماندند.

برای جبهه غربی هم شما قاطر می‌بردید؟  
برای جبهه غربی خیر ولی برای پناهگاه تخت فرینون در شمال شرقی به وسیله قاطر بار حمل می‌کنیم.  
چه درخواستی از فدراسیون کوه‌نوردی و سایر



# کوله پشتی، خانه کوچک کوه نورد

از  
کوله پشتی  
خود  
به  
خوبی  
استفاده  
کنید

ترجمه و تدوین: وحید عرفانی

گنجایش یک کوله پشتی را بر مبنای حجم آن به لیتر حساب می‌کنند. این حجم حداکثر مقداری است که می‌توان بار در کوله پشتی جای داد.

اضافه نمودن جیب‌ها و قسمت‌های جدای دیگر در کوله پشتی بستگی به سلیقه فردی دارد؛ اما مزایای آن‌ها این است که به شما امکان می‌دهد تا به برخی از وسایل و مواد، بدون باز کردن قسمت اصلی کوله پشتی دسترسی داشته باشید و حتی بتوانید چراغ گازی و سوخت آن را از پوشاک، غذا و غیره جدا نمایید. جیب‌های کناری کوله پشتی محل مناسبی برای جادادن وسایل ضروری که در مدت اجرای برنامه کوه‌نوردی به آن‌ها نیاز داریم، می‌باشند. در ضمن دو عدد جیب اضافی هم بر روی کوله پشتی وجود دارند که بیشتر هنگامی قابل استفاده می‌باشند که کوله پشتی پر نباشد، چرا که در صورت پر بودن، فشار اجناس درون کوله پشتی، جایی برای جیب‌های روی در باقی نمی‌گذارند. معمولاً این جیب‌ها بهترین محل بادگیر و لوازم ضروری (مانند لوازم کمک‌های اولیه) است.

لبه کوله پشتی و لبه جیب‌ها باید به اندازه کافی بزرگ باشد، تا مانع نفوذ باران به داخل کوله پشتی شوند. کوله پشتی باید از پارچه ضدآب ساخته شود. این بدان معنی است که هم در آنها و هم مواد سازنده‌شان، عایق باشند. با وجود این هیچ کوله‌ای کاملاً ضد آب نیست، از این رو باید آستر پلی‌تن به کار برد. کمربند باسن در کوله پشتی باید به سرعت سفت و شل شود. در کوله پشتی‌های زین‌دار این کمربند می‌تواند برای تقسیم بیشتر بار روی باسن‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

### توصیه‌های ساده و سودمند:

- لازم است هنگام خرید کوله پشتی توجه نمایید که کوله پشتی مورد نظر دارای بند و بست مخصوص برای بستن و حمل زیرانداز و کلنگ باشد، چرا که در غیر این صورت حمل این دو وسیله در جایی دیگر با مشکل و دردسر همراه خواهد بود. همچنین بندهای مربوط به روی شانه در کوله پشتی به اندازه کافی پهن و دارای لایه نرم و مناسب باشد. این مساله جهت حمل بار بسیار مهم است.

یکی از دشوارترین تجربه‌های برنامه‌های اردویی و کوه‌نوردی، توانایی و تفکیک و چیدن وسایل و مواد غذایی ضروری و مورد نیاز در کوله پشتی به طور صحیح برای اجرای برنامه بهتر است. هیچ چیز نمی‌تواند به اندازه عرق ریختن زیر بار سنگین و خسته شدن از به کول کشیدن مواد و وسایل غیر ضروری داخل کوله پشتی، حال انسان را بگیرد. کاری که افراد مبتدی و کم تجربه انجام می‌دهند احتمال بروز حوادث و آسیب‌های جدی را افزایش می‌دهد.

به طور کلی یکی از مهمترین نکاتی که یک کوه‌نورد باید به آن دقت و توجه کافی داشته باشد. انتخاب صحیح و دقیق تجهیزات و لوازم است که در این میان انتخاب و به کارگیری کوله پشتی «یا به عبارتی خانه کوچک قابل حمل» ایده‌آل و مناسب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نظم و ترتیب و چگونگی قراردادن و چیدن وسایل و مواد مورد نیاز در داخل کوله پشتی هم به همان نسبت حائز اهمیت بود و نیاز به تجربه کافی دارد. تمیز بودن و صحیح قرار گرفتن کوله پشتی بر روی دوش کوه‌نورد نشانه سلیقه و دقت صاحب کوله پشتی می‌باشد.

### ویژگی‌های یک کوله پشتی خوب:

کوله پشتی باید راحت و جادار باشد و برای جلوگیری از وارد آمدن فشار به ناحیه پشت به وسیله میله آلومینیومی (زین) فاصله‌ای بین پشت کوه‌نورد و کوله ایجاد می‌گردد که فشار بار را به قسمت بالای ران‌ها منتقل می‌کند. در نتیجه فشار کمتری به کمر و شانه‌ها وارد می‌گردد. کوله پشتی‌ها باید بلند باشند، نه پهن. همچنین مرکز ثقل یا سنگینی آن بالای کوله قرار داشته باشد، نه در پایین آن. اگر وزن کوله روی شانه‌ها و ستون مهره‌ها و باسن‌های کوه‌نورد تقسیم شود، کمتر خسته‌کننده است تا این که به پایین کشیده شود و شانه‌های او را درد آورد.

گنجایش کوله پشتی باید متناسب با کاربرد مورد نظر باشد. برخی کوله‌پشتی‌ها از این بابت قابل تغییر می‌باشند و بندهای فرعی برای تغییر شکل و اندازه دارند.

۱- کوله پشته بایستی به آسانی روی دوش سر جای خود قرار گیرد و بار را بلند و چسبیده به نفر نگه دارد.

۲- بهتر است هر فرد در برنامه‌های یک روزه زمستانی وسایل خود را درون کوله پشته شخصی حمل کند. کوله‌های یک روزه و کوچک حدود سی لیتر گنجایش دارند و برای جای دادن و حمل پوشاک، آب، مواد غذایی (خوراک‌های مقوی و انرژی‌زا) و دوربین مورد استفاده قرار می‌گیرند. کوله پشته مخصوص برنامه‌های چندروزه با ظرفیت ۵۰ لیتر به بالا درست می‌شوند. در این کوله‌ها محلی برای حمل کیسه خواب در نظر گرفته شده است. این محل در بعضی از کوله‌ها یک قسمت مجزا با زیپ جداگانه در پایین کوله پشته می‌باشد و در بعضی دیگر قسمت جداگانه‌ای وجود ندارد و کیسه خواب در ته کوله پشته جای می‌گیرد.

### اشکال و اندازه‌های گوناگون کوله پشته

کوله پشته‌ها در شکل‌های گوناگون ساخته می‌شوند. کوله پشته‌ها در اندازه‌های مختلف (قابل تنظیم با اندازه‌های افراد) به فروش می‌رسد.

### ۱- کوله پشته‌های سبک و بدون جیب:

معمولاً در راه‌پیمایی‌های یک روزه از کوله پشته‌های سبک و بدون جیب استفاده می‌شود. این نوع کوله پشته ارزان قیمت و سبک است. طرح آن زیاد مهم نیست، زیرا برای برنامه‌های سبک یک روزه به کار می‌رود.

### ۲- کوله پشته سنگ‌نوردی:

این نوع کوله پشته به اندازه و اشکال گوناگون تهیه می‌گردد. از داخل دارای زینی است که از چسبیدن بیش از اندازه کوله پشته به پشت و عرق زیاد بدن جلوگیری می‌کند. ویژگی این کوله پشته در این است که باید باریک و بلند باشد. به عبارت دیگر دارای ساختمانی بلند و کم عرض است و معمولاً عرض آن کمتر از عرض بدن می‌باشد و شکل آن طوری است که به آسانی در دیواره‌های سنگی حمل می‌شود. محل تماس کوله پشته که به پشت بدن، ابردوزی شده و قسمت برخورد کوله به کمر، نرم می‌باشد. کوله سنگ‌نوردی نباید جیب داشته باشد، زیرا ممکن است در هنگام بالا رفتن از سنگ و یا فرود آمدن به صخره گیر کند. تسمه‌های شانه کوله پشته باید در قسمت پایین دارای سگکی باشند که به راحتی بتوان کوله را از پشت درآورد، نه این که مجبور باشیم با طناب آن را به پشت ببندیم. سطح زیرین و خارجی کوله پشته سنگ‌نوردی باید از جنس محکم و ضد آب باشد. سر این نوع کوله‌ها حلقه D شکلی وجود دارد که می‌توان آن را به حمایل بست یا این که با طناب آن را بالا کشید. علاوه بر این تسمه‌هایی برای بستن چکش سنگ‌نوردی یا کلنگ کوه‌نوردی، کرامپون و نیز تسمه‌ای برای بستن کوله به کمر داشته باشد. در برنامه کوه‌نوردی مشکل، استفاده از این نوع کوله پشته، ضروری است و باید هر قدر که ممکن است سبک باشد.

### ۳- کوله پشته بزرگ:

کوله پشته‌های بزرگ، برای حمل بار سنگین به کار می‌روند و به خوبی کوله زین دار نیست. این کوله پشته دارای اسکلت فلزی خارجی یا اسکلت فلزی داخلی است. کوله پشته بزرگ معمولاً فرمی در پشت دارد که باعث می‌شود تا کوله با پشت زیاد تماس نداشته باشد و به این ترتیب پشت عرق نمی‌کند و حمل بار با آن آسان است. کوله پشته بزرگ برای صعود خوب نیست زیرا ممکن است به صخره گیر کند و مرکز ثقل کوله را از بدن ما خارج کند و باعث پرت شدن کوه نورد از کوه شود. بنابراین جهت پیشگیری از بروز چنین پیش‌آمدی، در هنگام استفاده از کوله پشته بزرگ به این نکته کاملاً توجه گردد. حمل بار با کوله پشته بزرگ، آسان است. بلندی آن ۳۷ سانتی‌متر و ۴۲ سانتی‌متر مناسب است.

جنس پارچه کوله پشته بزرگ نباید زیاد کلفت باشد. ته آن از نوع چرم انتخاب شود تا بر استحکام کوله پشته افزوده گردد. همچنین دارای برگه بزرگی باشد، که به خوبی روی کوله پشته را بپوشاند. این کوله دارای دو جیب طرفین باشد و بندهای آن پهن و زیر آن از نمد یا اسفنج پوشیده باشد. کوله پشته بزرگ برای کوه‌نوردی‌های طولانی و آسان و یا برای حمل نیازمندی‌ها به پناهگاه‌ها، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ۴- کوله پشته زین دار:

کوله پشته زین دار، دارای زینی است که فشار بار را به قسمت باسن منتقل می‌کند، در نتیجه فشار کمتری بر کمر و شانه‌ها وارد می‌شود. این نوع کوله‌ها از آنجایی که ممکن است در حال حرکت به جایی گیر کند و یا هنگام ضربه زدن به آن، شدت ضربه وارده را افزایش دهند، از این رو، آنها جهت انجام برنامه‌های کوه‌نوردی و سنگ‌نوردی توصیه نمی‌شوند و کاربرد آنها بیشتر مناسب برنامه‌های کوه‌پیمایی است. این نوع کوله پشته برای راه‌پیمایی‌های بلند و طولانی برنامه‌ریزی شده است.

مزایای اصلی کوله پشته زین دار، این است که حمل بار را در سطحی بالاتر ممکن می‌گرداند. همچنین وزن بار را به صورت یکسان بر شانه‌ها، پشت و باسن‌ها تقسیم می‌کند و عبور هوا را از فضای بین بسته و پشت کوه‌نورد ممکن می‌گرداند. تنظیم کمر بند مخصوص باسن و بندهای شانه برای راحتی و ثابت نگه داشتن کوله، امری حیاتی است.

در شرایط اضطراری می‌توان کوه‌نورد مجروح را روی آن گذاشت تا در تخت طنابی، پشت فرد آسیب دیده خم نشود. کوله پشته زین دار، بهترین وسیله حمل بار

## تیریز کسری

تولید کننده راحت ترین و بادوام ترین

کفشهای کوهنوردی و سنگ نوردی

اولین تولید کننده کفشهای زمستانی با سبک خارجی

### مدل کفشهای تولیدی

- ۱- مدل سنگین جایگزین دویوش خارجی، کاملاً ضد آب با مواد خارجی تزریق می‌شود، داخل کفش نمد طبیعی می‌باشد مخصوص صعودهای زمستانی ارتفاعات بلند
- ۲- مدل طرح ایتالیایی
- ۳- سبک کوهنوردی طرح جدید
- ۴- کوهپیمایی سبک و راحت
- ۵- کتانی سنگ نوردی

تبریز - خیابان اول ثقة الاسلام - نرسیده به آرامگاه شهرداری

تلفن: ۰۴۱۱-۵۲۳۹۷۱۱-۰۴۱۱ جباری اقدم

نماینده‌ها  
تهران: فروشگاه پورجم (۰۶۶۹۵۰۷۷۰)  
کرمانشاه: فروشگاه بهستون (۰۷۲۹۲۵۴۴)

یادتان باشد انجام این اعمال صرف نظر از این که ناراحتی و تقسیم نابرابر وزن را به دنبال می‌آورد، می‌توانند برای همراهان شما و حتی خودتان، خطرناک باشند. هیچ‌گاه با کفش روی کوله پشتی نروید. کوله پشتی را در داخل آب نگذارید. همچنین آن را روی زمین و سنگ نکشید. کوله پشتی را بیش از اندازه گنجایش پر نکنید. وسایل و مواد غذایی آبدار و مرطوب کننده و یا آلوده را در میان لوازم خشک و یا آنچه تمیز بودنشان اهمیت دارد، قرار ندهید (مثلا قرار دادن گوجه فرنگی در میان پیراهن و یا پنیر در وسط حوله و نیز شیشه نفت را در کنار نان).

**چگونگی بسته‌بندی و جادادن وسایل خود در داخل یک کوله پشتی**  
چگونگی جا دادن و چین وسایل درون کوله می‌تواند تاثیر زیادی در آسانی حرکت و راحتی حمل آن داشته باشد همچنین توجه به این امر در لذت بردن از یک برنامه کوهنوردی نقش دارد. وسایل یا موادی که در هنگام کوهنوردی یا سریعاً پس از رسیدن به محل (پناهگاه یا قله) موردنیاز هستند، بایستی در بالای بار یا داخل جیب‌های کناری باشند (مانند غذای روز، جعبه کمک‌های اولیه، چادر و چیزهایی از این قبیل). همچنین وسایلی مانند دستکش، کلاه، عینک آفتابی و نقشه که ممکن است بیشتر استفاده شوند را در جیب‌های کناری و بالای کوله پشتی جای دهید و یا می‌توانید آنها را در جیب‌های کاپشن و کت خود جاسازی کنید. اجاق و سوخت را در یک کیسه دربسته پلی‌تن، حفظ و در جیب جداگانه‌ای به دور از مواد غذایی قرار دهید شوند. لازم است کوله پشتی‌تان از یک پوشش پلی‌تن برخوردار باشد. جهت جلوگیری از تراوش بوی غذا، آن را داخل کیسه‌های پلاستیکی نموده و در قسمت بالای داخل کوله پشتی جای دهید. بطری‌های مایع در جیب بغل کوله پشتی قرار می‌گیرند. چادر کوهنوردی به

خیلی سنگین و بسته‌های بد بار است.  
**توصیه‌های ساده و سودمند:**  
در هنگام حرکت با کوله پشتی، وزن خود را متعادل کنید و از آویزان نمودن اشیاء و وسایل دارای لبه تیز یا نوک تیز بر پشت خود خودداری نمایید.  
در هنگام استراحت قسمت پشتی کوله پشتی و نیز پشت بدن خودتان را که از عرق مرطوب شده‌اند در برابر آفتاب قرار بدهید تا خشک شوند. کوله پشتی‌هایی با الیاف مصنوعی رطوبت را به خود نمی‌گیرند.  
هنگامی که به کوله پشتی نیاز ندارید، آن را خالی نموده و به صورت پشت رو، تمیز و خشک قرار دهید و بگذارید خوب هوا بخورد.  
هنگام زمین گذاشتن کوله پشتی فرم دار باید دقت کرد، زیرا گوشه‌های آن زود خراب می‌شود. لازم به یادآوری است که وجود فرم در پشت کوله پشتی باعث می‌شود که کوله زیاد با پشت بدن، تماس نداشته باشد و به این ترتیب ناحیه پشت بدن عرق نمی‌کند و حمل بار با آن راحت است.  
هرگز کوله پشتی سنگ‌نوردی را نباید با اضافه کردن حلقه‌ها و تسمه‌ها و... که تقریباً هیچ سودی ندارد، سنگین کرد؛ زیرا یک کوهنورد هرچه دارد درون کوله قرار می‌دهد و چیزی اضافه بر آن، روی کوله آویزان نمی‌کند.  
کوله پشتی خود را در روی قله، در جای مطمئنی بگذارید که یک باره به جایی پرت نشود که شما از آنجا ساعت‌ها پیش با زحمت زیاد، بالا رفته‌اید. این گونه پیش‌آمدها می‌توانند حوادث بدی باشند!  
مطمئن شوید که کوله شما اندازه است، همچنین بندهای آن نرم و طول آنها قابل تنظیم باشد.  
از آویزان نمودن یا بیرون زدن بار و وسایل زیاد خود از کوله پشتی خودداری نمایید.

# GPS

## سیستم موقعیت یاب جهانی

**Rino 120**



**Rino 130**



**Rino 530**



- بی سیم و GPS در یک دستگاه
- 24 MB تا 56 MB حافظه نقشه
- قطب نما الکترونیکی
- ارتفاع سنج بارومتریک
- اطلاعات هواشناسی از ماهواره
- صفحه سیاه و سفید و رنگی
- دارای برد ۸ تا ۱۴ کیلومتر
- رمز کننده بی سیم
- وایر اتور
- شماره گیری بین یکدیگر
- امکان دریافت و نمایش موقعیت
- سایرین روی نقشه
- و تجهیزات استاندارد

**Etrex**



**Etrex Vista**



**Etrex Summit**



- طول و عرض جغرافیایی و ارتفاع
- ثبت مختصات جغرافیایی
- نمایش سرعت لحظه ای و متوسط
- محاسبه فاصله طی شده و مانده
- ثبت مسیر و زمان مسافت
- محاسبه زمان طلوع و غروب
- محاسبه مساحت
- مقاوم در برابر آب و گرد و غبار
- ...
- تجهیزات استاندارد
- کتابچه فارسی و کارت راهنما
- کابل کامپیوتر
- بند کمربند و بند دست

شرکت مهر آفرین سهیل  
(C) L.W. Wildervan

آدرس: تهران - میدان انقلاب - ابتدای آزادی - کوچه جنتی - پلاک ۳۳  
تلفن: ۶۶۹۳۲۲۵۹ - ۶۶۹۴۹۵۰۴ - ۰۹۱۲۱۹۶۸۲۶۱ فکس:  
۶۶۹۴۹۳۸۹

دلیل سنگین بودن و سریع تر مورد نیاز بودن در بالای کوله پشتی بسته می شود. زیرانداز کیسه خواب، هم می تواند جهت حفاظت از کیسه خواب به دور آن پیچیده شده یا این که به طور جداگانه در زیر کوله پشتی قرار گیرد. کیسه خواب در قسمت بیرونی و زیر کوله پشتی بسته می شود.

بطری حامل سوخت چراغ را در جیب بغل کوله پشتی قرار دهید و برای جلوگیری از نشت مواد آن، از بطری های محکم که در آن به خوبی سفت شود، استفاده نمایید. اگر از کوله پشتی بدون فرم استفاده می کنید، قسمت هایی که با پشت تماس دارد، با پوشاک و وسایل نرم ببوشانید. کنسرو و وسایل پخت و پز و دیگر لوازمی که به پشت آسیب می رسانند را نباید در این قسمت گذاشت.

کیسه های پلاستیکی برای بسته بندی وسایل و لوازم کم حجم و کم وزن و یا برای محافظت از کیسه خواب و پوشاک مفید است. همچنین کیسه های پلاستیکی یا بسته های نایلونی می توانند محافظین خوبی برای محتویات درون کوله پشتی باشند، به ویژه در هنگامی که در هوای بارانی و برفی ناچار به برپا کردن کمپ یا استراحت کردن باشید. بسیاری از تولیدکنندگان کوله پشتی، روکش های ضد آب برای کوله ها درست می کنند. بعضی از کوهنوردان هم یک کیسه زیاله بزرگ را به عنوان پوشش داخلی درون کوله پشتی استفاده می کنند. دوربین عکاسی و چشمی را می توان در قسمت بالای کوله پشتی در لای پوشاک قرار داده تا از ضربه خوردن آنان نیز جلوگیری شود.

جعبه کمک های اولیه باید در محلی قرار گیرد که امکان دسترسی به آن سریع و راحت باشد. چنانچه این جعبه در جیب بغل کوله پشتی جای نگیرد، قسمت بالایی کوله پشتی (روی پوشاک) محل مناسبی برای آن است.

چراغ قوه، فندک، کبریت و قطب نما را می توان در جیب بغل کوله پشتی جای داد. همچنین ابزار و وسایل متفرقه مانند چاقو، قاشق، در بازکن را می توان در یک کیسه یا قوطی قرار داده و در جیب دیگر کوله پشتی قرار دهید.

به طور کلی از درون کوله پشتی به گونه ای برای جادادن وسایل بهره بگیرید که هم فضای خالی بی ارزش در میان آن ها به وجود نیاید و هم قسمت پشت کوله پشتی که روی کمر شما قرار می گیرد، زایدی نداشته و صاف باشد. در غیر این صورت مشکلات کوله پشتی، موجب بروز آسیب و زخم شدن پشت بدن می شود.

#### توصیه های مهم:

- از کوله پشتی، به ویژه از بندها، درزها و چنانچه دارای فرم و پوشش داخلی می باشد، هر چند وقت یک بار بازدید کنید. اگر جایی از کوله پشتی سوراخ شده یا آسیب دیده است هر چه سریع تر، به ویژه قبل از شرایط بارانی و برفی آن را تعمیر نمایید تا در برنامه کوهنوردی بعدی وسایل داخل کوله خراب نشوند.

- چنانچه هوا سرد باشد، کلاه، دستکش ها و بادگیر و کت پر، بایستی در محلی قرار گیرند که دسترسی به آنها آسان باشد.

- هرگز وسایل یا تجهیزاتی که از کوله آویزان باشند، همراه خود نداشته باشید.

- وسایل سنگین خود را در قسمت نزدیک به کمر خود جای دهید و مرکز ثقل آنها را پایین بیاورید تا در حفظ تعادل و تحمل بیشتر به شما کمک کند.

- در کوله پشتی شما باید یک رشته طناب ۷ میلی متری که اندازه آن ۱۰ تا ۱۵ متر داشته باشد، قرار دهید که می تواند در موارد گوناگون برنامه کوهنوردی از آن بهره گرفت.

- تمام چیزهایی که در کوله پشتی قرار داده می شود باید توسط صاحب کوله پشتی، یعنی فردی که آن را به دوش می گیرد، در جاهای مشخص جاداده شوند که حتی در هنگام تاریکی بدانند که هر کدام از آنها در کجا قرار گرفته است و به راحتی و هر چه سریع تر بتواند آن را از درون کوله پشتی بیرون بیاورد. برای تمرین می توانید هنگام روز، در خانه و با چشمان بسته این را انجام دهید.

- کل بار داخل کوله پشتی نباید بیش از یک سوم وزن بدن کوهنورد باشد. برای مثال برای یک گروه از جوانان کوهنورد ۱۵ کیلوگرم، حداکثر وزن باری است که پیشنهاد می شود. البته باید در نظر داشت رطوبت باران و برف کمی بر وزن می افزاید.

- چیزهایی که در داخل کوله پشتی قرار می دهید باید برحسب اهمیت و مورد استفاده از آنها، به طور منظم و قابل دسترسی سریع و آسان، گذاشته شوند. به عبارت دیگر در چیندن بارها درون کوله پشتی علاوه بر تقسیم صحیح آن ها، باید به گونه ای آنها را سازمان دهی کنید که دسترسی به این چیزها ساده و راحت باشد. Δ

#### فهرست منابع:

- 1- John cleare: Mountaineering, Blandford Press, ۱۹۸۰
- ۲- Mountaineering A Manual for Teachers & Instructors, D.T.Roscoe, London
- ۳- Safety on The Mountain, From Mt. Kenya Map and Guide, Wielochowski and Savage, ۲۰۰۱
- ۴- Safety on the Mountain, National Botanical Institute Sa, ۲۰۰۱
- ۵- Mc Manners: The omtdoor adventure Handbook, Dorling Kidersley, ۱۹۹۶

۶- آموزش کوهنوردی، تالیف آلن بلاکشاو، ترجمه م. شریفی و همکاران، نشر روستا

۷- الفبای کوهنوردی، جلیل کتیبه ای، چاپ سوم، ۱۳۷۳، شرکت ایران کوه رو

۸- تربیت بدنی عمومی، تالیف مهدی نمازی زاده و بهمن سلحشور، چاپ سوم، ۱۳۶۹، انتشارات سمت

۹- کوهنوردی و سرپرستی، نوشته اریک لانگمیر، ترجمه سید جواد صالحی، چاپ اول، ۱۳۶۹، انتشارات راهگشا

۱۰- کوهنوردی لذت آزادی در اوج بلندی ها، جلد اول، ترجمه رحیم دانایی، چاپ اول، ۱۳۸۳، انتشارات روان

#### کمک های اولیه - هدایت و سرپرستی گروه و ...

کوهنوردی را ... بیاموزید

مشاوره، طراحی و اجرای دوره های آموزش کوهنوردی در سراسر کشور

آموزش کوهنوردی در گرایش های کوهپیمایی، سنگنوردی، یخ و برف، غارنوردی در سطوح مختلف از مبتدی تا پیشرفته

با اعطاء گواهینامه رسمی از فدراسیون کوهنوردی ج.ا.ا

آماده ارائه خدمات به نهادها، ادارات، دانشگاهها و مراکز فرهنگی - آموزشی

عباس بهرامی نیا : همراه : 09123770354

Email : abbas376@yahoo.com

ارتفاع زدگی - اصول برقراری کمپ و ...

# کُتَل خور

مصطفی سلاحي



نمایی از یکی از دخمه های غار

غار در مسیر اصلی به پایان می‌رسد. دالان و تالارهای دیگری از این مسیر جدا می‌شوند که همگی در حاشیه قرار داشته و راه به جای دیگری ندارند. غار شامل سه طبقه است که از راه دهلیزهای چاه مانند به یکدیگر ارتباط می‌یابند. طبقه دوم شامل دو بخش جدا از هم است که هر یک از راه جداگانه‌ای به طبقه اول وصل می‌شوند. بخش غربی طبقه دوم از طریق یک دهلیز به طبقه سوم متصل می‌شود عمیق‌ترین بخش غار در انتهای طبقه سوم قرار داشته و فاصله عمودی آن تا دهانه ورودی پنجاه متر است. (۲)

کتل خور از پیچیده‌ترین غارهای ایران از دیدگاه زایش و غار سنگ بوده و از بیشتر غارهای ایران در خودنشانی دارد. آن جا که با چکیده غول پیکر شیرینی رنگ (الپه نگهبان) روبرو می‌شویم نشان از چکیده آدمک در غار کرفتو می‌بینیم. جای دیگر که با بلورهای زایش یافته درون دخمه‌ها برمی‌خوریم نشان از چاه غار بگلیجه پدیدار است و در تالار ستون‌ها، مانند این است که در غار کهک هستی و با مشاهده آبشار سنگ‌های رنگارنگ خود را داخل غار علی سرد تصور می‌کنی. غار در منطقه‌ای آهکی به وسعت (۲۰۰۰×۱۵۰۰) متر با گسل‌ها و ترک‌های متقاطع یکدیگر و در ارتفاع ۱۷۰۰ متر از سطح دریا پدید آمده است دو عملکرد در زایش غار نقش داشته‌اند یکی آب‌های فرور و و اسیدی حاصل از بارندگی و دیگر نفوذ آب چشمه‌ای ماگمایی از اعماق زمین به همراه گازها و بخارهای حاصل از فعالیت‌های گسل درونی که با نیروی محرکه خود آب‌های فرو رو منطقه را به بالا فرستاده

**تاریخچه کوتاهی از غار:** غار در سال ۱۳۳۰ توسط زنده‌یاد آقای اسدا ... جمالی از پایه‌گذاران و پیشکسوتان ورزش کوه‌نوردی زنجان مورد شناسایی قرار می‌گیرد. سپس در سال ۱۳۳۱ کوه‌نوردان باشگاه نیرو و راستی به راهنمایی آقای اسدا... جمالی غار را مورد بازدید فنی قرار می‌دهند. وجود دهلیز سقف کوتاه چهار صد متری ورودی غار که باید نشستند از آن عبور کرد همیشه مانعی سر راه ورود به غار بوده و همین مشکل ورود سبب سالم ماندن غار سنگ‌ها از تاراج بازدیدکنندگان بوده است. از سال ۱۳۶۵ به بعد غار توسط گروه‌های کوه‌نورد از همدان مورد بازدید مکرر قرار می‌گیرد و در این بازدیدها از کله پلنگ و اسکلت دو گوسفند و بقیه جاذبه‌های غار عکس برداری می‌شود. و از همه جالبتر نقشه‌توسط یکی از گروه‌های بازدیدکننده درون غار ترسیم می‌شود که زینت بخش چاپ اول کتاب غارهای ایران بود. در سال‌های بعد تصمیم به توریستی کردن غار گرفته می‌شود و با گشاد کردن دهلیز چهار صد متری ورودی به ابعاد (۳\*۴) متر و اقدامات دیگر غار را به شکل امروزیش درمی‌آورند.

## ساختمان:

غار کتل خور از یک ورودی دهلیز مانند به درازای چهار صد متر و تعدادی دالان اصلی دنبال هم که در بعضی از بخش‌ها دالان‌ها وسعت یافته و به تالارهای وسیعی تبدیل می‌شوند تشکیل شده است. این استخوان‌بندی ادامه یافته تا

غار کتل خور در ۱۵۵ کیلومتری جنوب استان زنجان و ۱۷۳ کیلومتری شمال همدان و ۷۰ کیلومتری شرق بیجار و پنج کیلومتری (روستا-شهر) گرماب قرار گرفته است.

## معرفی:

در گویش فارسی کُتَل به معنی کم ارتفاع و خور کوه شده خور شید است؛ پس «کُتَل خور» یعنی کوه خور شید و نام غار برگرفته شده از نام این کوه است که درون آن زایش یافته است. این نام با معنا با توجه به وجود چند گور نزدیک دهانه و یافت شدن تعدادی سفال شکسته در درون غار، چند احتمال را در مورد گذشته غار پیش می‌آورد. یکی آن که با توجه به یافت شدن جمجمه پلنگی درون یکی از گودال‌های غار و نبود هرگونه استخوان دیگری از پلنگ شاید غار مکان مورد احترامی بوده و همانند غار بابا جابر در آن مراسم آیینی انجام می‌شده است. احتمال دیگر این است که درون غار ماده مومیایی (۱) که معالجت شکستگی استخوان و امراض دیگر بوده و مالکیت آن در اختیار شاهان قرار داشته، یافت می‌شده زیرا نام دیگر کوه که سقزو (دارنده سقز) است موید وجود ماده‌ای قابل تغییر و انعطاف مانند موم است که مومیایی به آن شباهت دارد و نزدیک منطقه قرارگیری غار در کوه چنگ، الماس یافت می‌شود. به هر حال غار از گذشته‌های دور شناخته شده بوده و نام پرمعنا و پر رمز خور شید بر آن بر فزون ارزشی آن دلالت دارد.

است فعالیت این چشمه همراه افزایش و کاهش فراوان در طول زمان بوده است. چشمه پس از ایجاد استخوان بندی غار حرکتی بسیار آهسته اما سراسری در تمام پهنه غار را آغاز می کند که نمود عینی آن موارد زیر است. قارچها و ستون تقریباً چهار گوش تالار عروسی و اسکلت بیضی شکل کیک سقفی که موادرسی و غیر قابل انحلال و باقیمانده فعالیت های اولیه فضا سازی غار بوده اند. در این زمان در اثر عبور بسیار آهسته آب محتوی بی کربنات کلسیم با غلظت اشباعی از اطراف آنها و قانون جاذبه مولکولی، مقداری از کربنات کلسیم در حین گذر آب به وسیله آنها جذب شده و چتر زیبای قارچها پدید می آید و ستون درای سر ستون می شود و اما پایه قارچها بدون پوشش می ماند زیرا در حرکت افقی در محیط های بسته حرکت آب در سطح انجام می شود نه در عمق. فرآیند گردش آب حاوی بی کربنات کلسیم و تماس آن با دیوارهای غار سبب زایش لبه های قرنیز مانند و پوشش لایه شیری رنگ در دو سطح آنها می شود. این عملکرد به شکل افقی و هم سطح در سراسر غار قابل مشاهده است. وجود سقف کاملاً افقی و شیری رنگ در بخشی از غار که در تالار نیم طاق کریستال ها مشاهده می شود و وسعتی حدود سیصد متر مربع دارد. عملکرد ابتدایی فضا سازی غار در اثر حرکت آب اسیددار و سپس ایجاد پوشش کربناته شیری رنگ را در بخش بالایی غار به نمایش می گذارد. احتمالاً بنا به علل درون زمینی نیروی محرکه آب چشمه ماگمایی تقلیل یافته و دریایی از آب با غلظت اشباعی از بی کربنات کلسیم و سایر املاح درون اسکلت ساخته شده غار حالت سکون نسبی یافته و حرکت دیگری که زایش کریستال ها در دخمه ها و برخی دهلیزها و کف بوده آغاز می شود. (به خاطر داشته باشیم برای زایش یک تکه کوچک الماس تحت شرایط لازم یک میلیون سال لازم است) در حین انجام فرآیند بلور سازی ورود آب از طریق چشمه ماگمایی به درون غار به تدریج فروکش کرده و با خروج آب موجود در غار از مسیر چشمه غار ساز و در نتیجه تخلیه آن از آب فرآیند سنگ سازی در فضاهایی که قبلاً به علت وجود آب ممکن نبوده آغاز می گردد. در پایان با کاهش آبدی چشمه ماگمایی، آب موجود در غار از مسیر چشمه غار ساز تهی گردیده و غار به شکل امروزی درمی آید. ضمن آنکه عملکرد آب های فرو رو در غار تا امروز ادامه داشته و چشمه ماگمایی نیز به کل از حرکت باز نایستاده است. ورودی چشمه ماگمایی احتمالاً در اعماق غار است اما چشمه غار ساز (۳) همان سراب قرار گرفته در مسیر غار است و آب آن از طریق چشمه ماگمایی و آب های فرو رو بالاتر از سطح ایستایی تامین می شود، فعال می باشد.

#### ویژگی:

سراسر غار مملو از ویژگی و پدیده های خاص است اما در بین آنها کیک سقفی و قارچها منحصر به فرد می باشند. دیگر نیم کره هایی هستند در کف غار که همانند پاتیل نبات سازی می باشند. داخل این پاتیل ها مملو از بلورهای زیبا بوده که اکنون تهی شده آنها باقی مانده است و با جستجوی بیشتر درون دهلیزها می توان نظیر آنها را یافت و از همه جالبتر گودال های آب است که پیش آمدگی لبه ها و رنگ های


گونگون لایه های آنها تغییرات سطح ایستایی را در مقاطع مختلفی از زمان نشان می دهد.

**توصیه:** غارهای محلی بی نظیر و جهانی بوده و سرمایه ملی و مانا است که باید برای استفاده نسل های چند هزار سال آینده باقی بماند. هر نوع حفاری در محیط غار حداقل به شعاع ده کیلومتر و برای استحصال آب از درون زمین در منطقه باید ممنوع شود و هر نوع انتقال آب به ناحیه باید سطح ایستایی آن پایین تر از سطح ایستایی سراب پایین غار باشد تا از نفوذ آب به درون غار جلوگیری شود. غار یک مجموعه زنده و مرتبط به هم است که هر آسیبی به یکی از بخش های آن اثرش در تمام مجموعه منعکس خواهد شد. اخیراً برنامه های برای ساختن سدی مماس با دیواره بیرونی غار در دست احداث است که آب آن از محلی دیگر تامین و به داخل سد منتقل خواهد شد. آب موجود در سد قطعاً و حتماً براساس دلایل علمی که

توسط اینجانب به ارگان های مسئول ارائه شد به داخل غار نفوذ کرده و آن را تبدیل به دریاچه ای مملو از آب خواهد نمود و این اثر طبیعی جهانی را نابود خواهد ساخت.

- به هر حال توصیه می شود مسئولین سد از آگیری آن خودداری و محل آن را در جایی که حداکثر ارتفاع دیوار سد پایین تر از چشمه غار و یا سراب روستا باشد انتخاب کنند.
- (۱) مومیایی ماد های آلی است که از دیوار و سقف بعضی غارها همانند چکنده ترشح می کند.
- (۲) نقشه های غار کار مشترک گروه زمین شناسی دانشگاه شیراز و گروه غارنوردان آلمانی است که توسط آقای مایکل لومن از غارنوردان آلمانی در اختیار نگارنده قرار داده شده و بدون هیچ دخل و تصرف از نظر خوانندگان می گذرد.
- (۳) چشمه غار ساز چشمه ای است که آب حاوی بی کربنات کلسیم محلول را از داخل غار به بیرون انتقال داده و سبب زایش فضای غار گردیده است. ▽

## باتوم پاسا تکیه گاهی مطمئن در تمام فصول



### یخ شکن پاسا همراه مطمئن کوهنوردان

از نتایج کاربرد باتوم پاسا:  
کاهش ۸ کیلوگرم فشار وارد بر مفاصل در هر قدم به هنگام صعود و ۱۳ کیلوگرم به هنگام فرود، یعنی یک عمر کوهنوردی همراه با سلامتی

محصول کارگاه تولیدی صنعتی پارس تلاش  
تلفن مرکز پخش ۵۵۸۵۷۰۰۰

## مهارت های پرسشگری

تهیه و تنظیم: مهدی داورپور

### آیا می توانید از یک گروه سؤال کنید؟

بدون تحلیل روانشناختی فردی و توسل به دینامیک گروه، می توانیم بگوییم که سؤال می تواند توهینی نسبت به فرد، گروه و یا جامعه تلقی گردد.

### تقدیرگرایی و مرگ سؤال

وقتی به کارمندان اجازه سؤال داده نمی شود یا سؤال کردن به نتیجه نمی رسد، حسی از فرسودگی و بدبینی و بی تفاوتی ایجاد می شود. بسیاری از موارد تقدیر از عوامل زیرمجموعه باعث مرگ سؤال و کند ذهن می شود. آنان از چالش ها دور می شود به ساحل به ظاهر امنیت پناه می برند.

### مهارت در پرسشگری

مهارت اول: چه چیزی را بپرسیم؟

چیزی را بپرسید که لازم است بدانید و اگر ندانید چیزی از زندگی تان کم می شود. در هنگام سؤال نمودن ارزیابی نیازها را به یاد بیاورید.

مهارت دوم: سؤال سازی انبوه

اولین تمرین در مهارت یافتن برای تفکر، سؤال سازی است. گوناگون بودن سؤال ولی مرتبط با موضوع ذهن را فعال و زنگ زدایی می نماید. هرچه سئوالات بیشتر و در زمان کمتری طرح شوند بهتر است.

مهارت سوم: تجزیه و ترکیب سؤال

اگر با یک سؤال به نتیجه نرسیدی شاید با چند سؤال به نتیجه برسی. عکس این هم ممکن است درست باشد. همچنین اگر با یک شکل پرسیدن جواب نمی آید شاید با تغییر شکل آن پاسخ حاصل شود.

پرسشگران می دانند که مسئله بیشتر، درست سؤال کردن است نه سؤال درست پرسیدن.

درست سؤال کردن یعنی با طرف مقابل همگامی کردن نه عمل کردن بر ضد او سؤال محرکی قوی است که واکنش های قدرتمندی را موجود می شوند. طبقه بندی و برنامه ریزی برای طرح سؤال به شما کمک می کند تا حرکت روبه جلو باشد.

جریان سؤال باید با سئوالات مختصر و مفید و ترجیحاً با آهنگی سریع شروع شود. پاسخ به اولین سؤال باید آسان باشد. سؤال اگر در غالب یک درخواست طرح شود بهتر است.

مهارت چهارم: طبقه بندی سئوالات (ضروری - لازم - بهتر)

در برخورد با موضوعات سؤال برانگیز سؤال نکنید. در این هنگام هر سئوالی را نپرسید بلکه موثرترین و راهبردی ترین سئوالات را مطرح کنید. ابهامات و مواضعی که پیش روی شماست به سؤال تبدیل کنید. بیش از حد پاسخگویی، خود را با سئوالات زیادی درگیر نکنید. مهم ترین سئوالات را طرح کنید.

مهارت پنجم: از کی بپرسیم؟

قبل از طرح سؤال، باید مطمئن باشید شخص و یا اشخاص مناسبی را مورد خطاب قرار می دهید. باید به فهرستی از همه افرادی که ممکن است جواب سؤال شما را بدانند

### علم گنج و کلید آن سؤال است، پس سؤال کنید. حضرت محمد(ص)

اصولی ترین و کارآمدترین راه متعالی شدن فرهنگی، مقابله با تهاجم فرهنگی و سالم سازی جامعه و گسترش خودآگاهی و خداآگاهی است. به زبانی دیگر سرنوشت یک گروه، یک تیم، یک جامعه و یا یک ملت را عرفان و شناخت رقم می زند و آن پدیده با پرسشگری و آگاهی پدیدار می گردد. سؤال دروازه آگاهی از فلسفه است. با افزایش معرفت، شناخت و هوشیاری مسائل به ظاهر پیچیده انسان و جوامع بشری خود به خود حل می شود، با گسترش و بند بسط عقلانی است که متکی بر اعتقادات آئینی و ملی می باشد، پیشرفت و پرورش همه جانبه آغاز می گردد. سؤال چیست؟ به زبانی بسیار ساده کنشی است که واکنش آن جواب است.

### کاربرد سؤال چیست؟

۱. ذهن را فعال و پویا می سازد. ذهنی که سؤال ندارد و ذهنی مرده است. ذهن پر قدرت ترین موتور جستجو است. جستجوی دانایی.
۲. ذهن را متمرکز می کند و کمک به تفکر راهبردی می نماید.
۳. امکان گزینش اطلاعات مورد نظر را فراهم می سازد.
۴. مسئله را قابل حل می نماید.
۵. روش ها و راه های تفکر همان سؤال می باشد.

### چرا سؤال نمی پرسیم؟

برای پرسیدن هر سئوالی، زمانی لازم است و پرسیدن سئوالی مثبت فکر لازم دارد. فکر و زمان دو عاملی هستند که مدیران کمبود آنها همیشه احساس می نمایند. کنجکاوی و اطلاع از موضوع ما را به سؤال کردن وامی دارد. سؤال کردن آسان ولی درست پرسیدن سخت است. برای پرسش سازنده موانع دیگری هم وجود دارد برخی آشکار و برخی پنهان. آنچه در ذیل می آید موانع موجود برای سؤال های باز و صادقانه در محیط کار و زندگی شخص می باشد.

### ۱. ترس از به دردمس افتادن

وقتی مشکلی پیش می آید، سیل سؤال براه می افتد چرا؟ کجا؟ کی؟ چگونه؟ و.... فشار روانی ناشی از سؤال منفی اغلب باعث می گردد، فکر کنید که می خواهید کنترل زندگیتان را به دست بگیرید. گاهی ممکن است یک سؤال کل مکالمه را زخمی کند. هنر مثبت سؤال کردن، یعنی هنگام پرسش احترام بگذارید.

### ۲. ترس از رویارویی

وقتی دنبال آگاهی و اطلاعات هستید با این خطر مواجه آید که منیتان جریحه دار شوند.

### چرا نمی توانید از ریاستان سؤال کنید؟

برخی مدیران سؤال فعال را تهدیدی برای رسمیت و خلاف احترامی می دانند که فکر می کنند باید داشته باشند. بسیار از مدیران ردای نامرئی قدرت را به تن دارند. این ردا سئوالات را در نطفه خفه می کند.

تهیه نمائید. شما دنبال کی هستید که اجازه و اختیار پاسخگویی را داشته باشد: کسانی که مایل به پاسخ دادن هستند، جواب را می‌دانند، تبحر و صداقت در گفتار را دارند. مهارت ششم: کی و کجا باید سؤال کنیم؟

ایجاد فضایی مناسب برای سؤال کردن، بدین معنا که نحوه عملکرد با موقعیت و شخصیت طرف مقابل تنظیم کنیم. اولین مسئله موضوع سنجی است. هر سؤالی اگر در زمان نامناسب پرسیده شود، جواب نمی‌گیرد. شما باید مخاطبین را ارزیابی کنید. باید شیوه کلامی و غیر کلامی خود را نیز ارزیابی کنید، تا مطمئن شوید به زبان مخاطب صحبت می‌کنید. هنگام صحبت نمودن و سؤال کردن به واکنش طرف مقابل توجه کنید و به اشارات توجه نمایید (حرکات دست، سر، صورت، نگاه و آهنگ صدا). ایجاد فضای گرم و صمیمی به این معنا نیست که گارد خود را کنار بگذارید. باید مراقب باشید که طرف مقابل را مسخره نکنید. لحن بازجویانه را انتخاب نکنید. زمان و مکان را برای سؤال نمودن در نظر بگیرید. همه چیز را در ذهن مرور کنید. پس از سؤال به جواب خوب گوش فرا دهید.

چگونه می‌توان دانست که سؤال مورد نظر مؤثر بوده است. پرسیدن سؤالات درست بعضاً به جواب درست نمی‌انجامد. ما یک سؤال می‌پرسیم و جوابهای متفاوت از آنچه تصور می‌کنیم، می‌شنویم و به جای گوش کردن خود را برای پاسخ‌هایی آماده می‌کنیم که جواب را تحلیل، تجلیل و یا تحقیر می‌کنند. پرسش هوشمندانه نشان از پیگیری شما نسبت به موضوع می‌دهد. شما با طرح چند سؤال می‌توانید به فرد نشان دهید که به عقاید و مشکلاتش اهمیت می‌دهید. آموختن و گوش دادن با ایجاد تعادل بین حرف زدن و گوش دادن شروع می‌شود. یک روش خوب برای اینکه نشان دهید شنونده خوبی هستید این است که حرف گوینده را به این ترتیب خلاصه کنید: اگر درست شنیده باشم، منظورتان این است که ... به تمام جواب گوش فراد دهید. قطع نمودن صحبت دیگران خلاف ادب است. جوابها را طبقه‌بندی کنید و در موقع لزوم از آنها بهره بگیرید. صید جواب درست

با گوش نمودن تمام و کمال، امکان پذیر است. پس از هر سؤال و یا گرفتن هر جواب چند ثانیه مکث کنید. این کار مجال گفتگو را فراهم می‌آورد. با محبت سؤال کنید و آنگاه جواب را بشنوید. با چشمان خود گوش دهید. شما نمی‌توانید جوابی را که می‌خواهید تقاضا کنید. بلکه باید حقیقت را آنطور که طرف مقابل می‌بیند، ببینید. مهارت هشتم: چه مواقعی سؤال نکنیم؟

وقتی موضوع به اندازه کافی روشن است. پرسش باعث مبهم شدن موضوع می‌شود.

وقتی سؤال بیشتر از ظرفیت پاسخگو باشد.

وقتی سؤال را خود دریافت نکرده‌ایم و در واقع سؤال به ما رسیده باشد.

وقتی سؤال قوام یافته و از پختگی برخوردار نیست.

چند توصیه: نیکو بپرسید تا نیکو جواب بگیرید (حضرت رسول (ص))

گاهی سؤال بهتر از جواب است. (افلاطون)

هرچه سؤال بیشتر ذهن زنده‌تر(?)

سؤال کلید تفکر است و تفکر کلیدی از کلیدهای دانایی (?)

پس بیاییم درست، سنجیده، نیکو، بجا و متعالی بپرسیم.

مهم‌ترین سؤال: از کجا آمده‌ام آمدنم بهره چه بود؟ جواب با شما Δ

منابع: بانندی تلخیص و برگرفته از مجموعه آموزشهای سوپر تکنیک تفکر، مدیریت‌های زمان، تفکر، مجله هنر زندگی متعالی، کاربردی، مدیر یک یک دقیقه‌ای.

## بیایید

از کوه بالا برویم  
با کوه بالا برویم

منتشر شد منتشر شد منتشر شد منتشر شد منتشر شد منتشر شد

## کوهنوردی لذت آزادی در اوج بلندی‌ها

بزرگترین، جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب کوهنوردی جهان در چهار جلد

**جلد اول،** کوهنوردی، شامل فصل‌های: اولین گامها، پوشاک و ساز و برگ، کمپ و غذا، موقعیت جسمانی، ناوبری یا هدایت مسیر، سفر به طبیعت وحشی، هیچ اثری از خود برجای نگذارید. مباشرت و دسترسی... ۲۱۶ صفحه، قطع وزیری، قیمت ۲۰۰۰ تومان.

**جلد دوم،** سنگ نوردی، شامل فصل‌های: سیستم اساسی ایمنی، حمایت کردن، فرود، تکنیک‌های سنگ نوردی کوهستانی، میانی‌های سنگ نوردی، صعود نفر اول، سنگ نوردی مصنوعی... ۲۴۰ صفحه مصور، قطع وزیری، قیمت ۲۷۰۰ تومان.

**جلد سوم،** حرکت و صعود بر روی برف و یخ، شامل فصل‌های: حرکت و صعود بر روی برف، حرکت بر روی یخچال‌ها و نجات از شکافهای یخچالی، یخ نوردی کوهستانی، صعود آبشارهای یخی و صعودهای ترکیبی (میکس)، صعودهای حیاتی... ۲۴۸ صفحه مصور، قطع وزیری، قیمت ۲۵۰۰ تومان.

**جلد چهارم،** پیش‌گیری، امداد، محیط کوهستان، شامل فصل‌های: سرپرستی، ایمنی، کمک‌های اولیه، امداد کوهستان، زمین‌شناسی کوهستان، دگرپسی برف، هوای کوهستان، سیستم‌های درجه بندی، واژه نامه اصطلاحات کوه... ۱۶۵ صفحه مصور، قطع وزیری، ۱۸۰۰ تومان.

نوشته: چهل نفر از کوهنوردان آمریکا و با اتکاء به تجربه هزاران کوهنورد در سراسر دنیا، ترجمه: رحیم دانایی

منتشر شد منتشر شد منتشر شد منتشر شد منتشر شد منتشر شد

**اصول عکاسی دیجیتال،** نوشته: بیل کوربت، ترجمه: رحیم دانایی، ۱۹۲ صفحه مصور، قیمت ۲۰۰۰ تومان  
**کتاب کوچک درباره ویدیو دیجیتال،** نوشته: مایکل رایبِن، ترجمه: رحیم دانایی، ۱۸۴ صفحه مصور، قیمت ۱۹۰۰ تومان

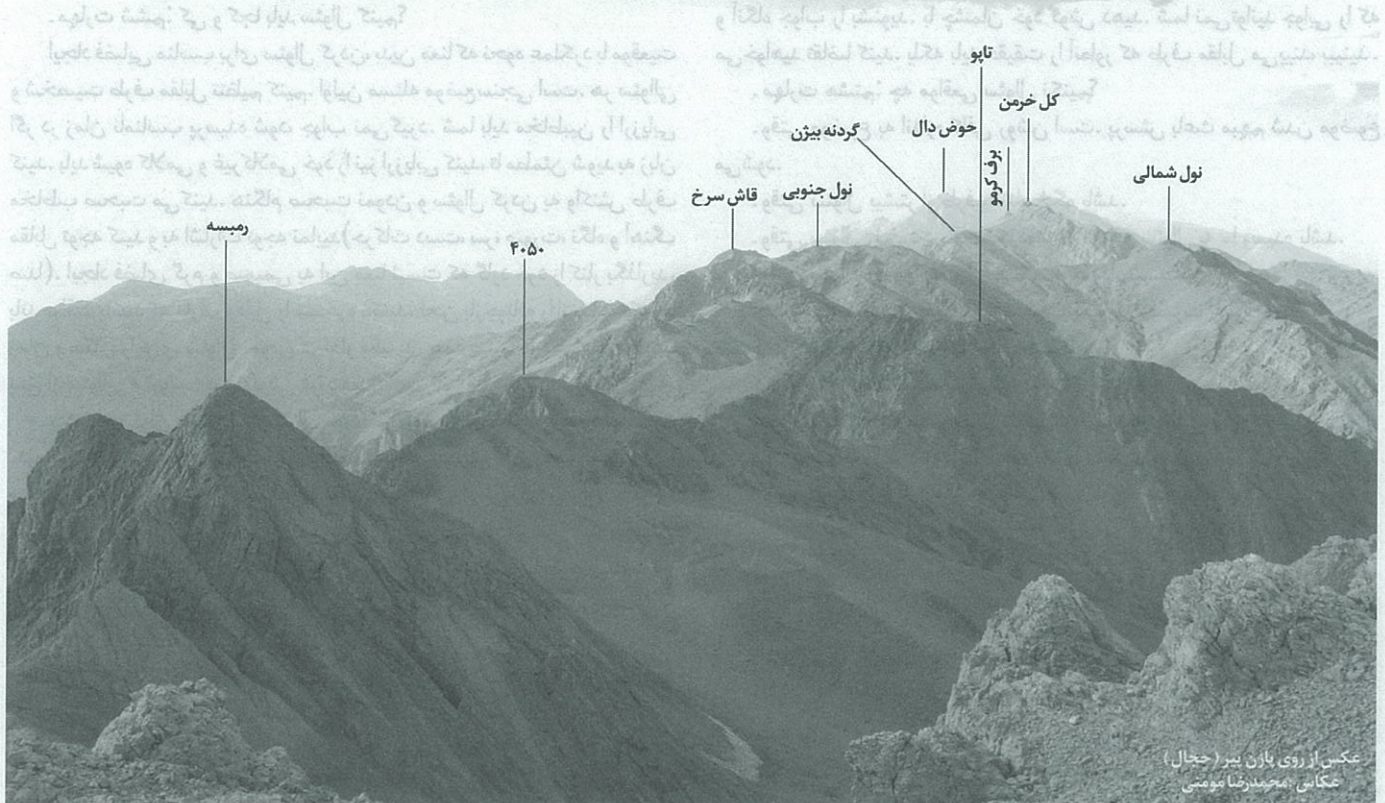
**قبلاً منتشر شده است:** سنگ نوردی از الفبا، کتاب اول، ۱۲۰۰ تومان. کتاب دوم، ۲۰۰۰ تومان. آموزش نوین کوهنوردی، ۱۵۰۰ تومان. عکاسی با دوربین‌های اتوماتیک، ۸۰۰ تومان. آموزش نوین عکاسی، ۱۸۰۰ تومان. اصول فیلمبرداری با دوربینهای ویدیو دیجیتالی DV، ۱۴۰۰ تومان. کتاب کوچک درباره عکاسی دیجیتال، ۱۲۵۰ تومان. آموزش فیلمبرداری دوربینهای ویدیویی، ۱۹۵۰ تومان. جایی برای زنان بر روی قله آناپورنا، ۲۲۰۰ تومان...

منتشر می‌شود: **صدا و یک راه برای بهتر کردن عکس** نوشته: رحیم دانایی  
شیوه‌های عملی برای بالا بردن کیفیت عکس‌های آماتورها همراه با آموزش اصول عکاسی

محل فروش کتابهای کوهنوردی: فروشگاه‌های معتبر لوازم کوهنوردی در تهران و شهرستان‌ها  
کتابهای عکاسی: کتابفروشی‌های معتبر

فروش کتاب‌های بالا از طریق پست برای سراسر ایران: لطفا جهت کسب اطلاعات با تلفن ۰۲۱)۴۴۱۳۸۹۰۰ تماس حاصل فرمائید.  
این تلفن بطور ۲۴ ساعته آماده‌ارایه اطلاعات لازم است.

# گزارش صعود خط الرأس دنا از گردنه بیژن تاروستای دژگرد



رشته کوه دنا قسمتی از سلسله جبال زاگرس می‌باشد. این رشته که از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد دارد، مرز مشترک استانهای اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد و فارس می‌باشد، دامنه‌های شمالی و شرقی دنا در استان اصفهان، جنوبی و غربی در استان کهگیلویه و بویراحمد و جنوب غربی در استان فارس قرار دارد. بیش از ۴۵ قله بالای ۴۰۰۰ متر در این رشته کوه قرار دارد که بسیاری از آنها به دلیل مجاورت با قله‌های سر به فلک کشیده و نامدار دنا کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

گزارش: محمد رضا مومنی

مهمترین قله این بخش عبارتند از پازن پیر، کل خرمن، رُمبسه، نول شمالی و جنوبی، تابو، برف کرمو و قاش سرخ که قله پازن پیر (حجال) به ارتفاع ۴۲۸۸ متر بلندترین قله این بخش می‌باشد.

مبدا صعود این قله روستای شهید در استان اصفهان، روستای کاکان در استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد.

دنا سرچشمه رودخانه‌های متعددی است از جمله رودخانه ماربر که در شمال دنا از جنوب شرقی به شمال غربی جریان دارد که پس از عبور از چند روستا و تنگ خراسان به رودخانه خراسان تغییر نام می‌دهد این رود نهایتاً پس از عبور از تنگه‌های باریک به رودخانه بشار که در جنوب دنا قرار دارد می‌ریزد. محل پیوند رودخانه‌های خراسان و بشار، ناحیه‌ای جنگلی است که زیبایی خیره‌کننده‌ای دارد.

دنا منطقه حفاظت شده‌ای است با تنوع گیاهی و حیوانی بسیار که در این خصوص منابع اطلاعاتی مناسبی وجود دارد.

**نگاهی دقیق تر به بخش دوم رشته کوه دنا: (از گردنه بیژن تا گردنه خطیر سوخته)**

برای دستیابی به گردنه بیژن از استان اصفهان بایستی به سمیرم و سپس به روستای بیده که در دامنه شمالی دنا واقع شده و از استان کهگیلویه و بویراحمد بایستی به ناحیه توریستی سی سخت در فاصله ۳۵ کیلومتری شمال غربی یاسوج که

گردنه بیژن این رشته کوه را به دو قسمت اصلی تقسیم می‌نماید: الف: از گردنه میمند در شمال غرب تا گردنه بیژن در مرکز رشته کوه دنا، که این بخش را می‌توان به سه قسمت به قرار زیر تقسیم نمود:

۱- قله شمالی، که مهمترین این قله عبارتند از کل قُدویس، کل شیدا، کل نقره ای و کل بلبل که قله کل قُدویس به ارتفاع ۴۳۵۰ متر بلندترین قله این بخش و مبدا صعود این قله از استان اصفهان روستای آب ملخ و سیور می‌باشد.

۲- قله مرکزی، که مهمترین این قله عبارتند از قاش مستان، موروگل، برج آسمانی، ماش ولوکوره‌ها که قله قاش مستان به ارتفاع ۴۴۵۰ متر بلندترین قله این بخش و رشته کوه دنا می‌باشد. مبدا صعود این قله از استان اصفهان روستای خفر است.

۳- قله جنوبی، که مهمترین این قله عبارتند از حوض دال، سی چانی، کُرُسمی و چرا که قله حوض دال به ارتفاع ۴۲۸۸ متر بلندترین قله این بخش است. مبدا صعود این قله از استان اصفهان روستای بیده و از استان کهگیلویه

و بویراحمد روستای سی سخت می‌باشد.

گردنه بیژن به ارتفاع ۳۲۰۸ متر در میانه راه جاده ای خاکی که این دو روستا را به هم متصل می‌نماید مکان مناسبی برای صعود قله این بخش است.

ب: از گردنه بیژن در مرکز رشته کوه دنا تا گردنه خطیر سوخته در جنوب که

در دامنه جنوبی دنا قرار دارد رفت. در فصل پاییز روی خط الرأس آب وجود ندارد و تنها می توان از برفچال ها استفاده نمود لازم به ذکر است قبل از گردنه بیژن در ارتفاع ۲۶۳۹ متری می توان از چشمه میشی آب برداشت.

خودروهایی مابین روستای بیده و سی سخت در فصولی که گردنه باز است در تردد هستند که به وسیله آنها می توان به گردنه بیژن رفت و از این گردنه طی یک برنامه یک روزه می توان به ترتیب قله برف کرمو (۴۱۴۹ متر)، نمک (۴۰۵۹ متر) و کل خرم (۴۲۳۸ متر) را صعود نمود. گردنه مابین قله نمک و کل خرم به ارتفاع ۳۸۹۲ متر کمترین ارتفاع مابین این سه قله می باشد.

پس از قله کل خرم، گردنه نول به ارتفاع ۳۷۴۸ متر قرار دارد که پایین ترین نقطه روی این بخش از خط الرأس دنا می باشد. با کمی دقت می توان از سمت جنوب زیر خط الرأس به گردنه مابین قله نول شمالی و نول جنوبی دست پیدا کرد با احتساب استراحت های بین راه می توان از قله کل خرم، قله نول شمالی (۴۱۳۴ متر) را ۴/۵ ساعته طی نمود. قله نول جنوبی (۴۰۹۱ متر) پس از طی نیم ساعت از روی نول شمالی صعود می گردد.

پس از یک ساعت قله قاش سرخ (۴۰۲۵ متر) را از روی نول جنوبی صعود کرده و راهی گردنه قاش سرخ که در ارتفاع ۳۸۸۸ متری قرار دارد می شویم. روستاهای شیبانی، بیده، نقل، دنگزولو و چند روستای کوچک دیگر در ضلع شمالی به راحتی دیده می شوند و در صورت بروز مشکل می توان از یکی از دره ها به سمت آنها فرود آمد. قله تاپو (۴۰۶۸ متر) دارای سنگهای ریزشی و شیب نسبتاً تند است و صعود آن کمی وقت گیر است بنظر می آید بهتر است از همان ابتدا بر روی خط رأس آن صعود نماییم این قله را می توان از روی قاش سرخ ۳ ساعت صعود نمود.

برای رسیدن به قله رمبسه (۴۱۶۶ متر) ابتدا به گردنه تاپو به ارتفاع ۳۹۲۷ متر فرود می آییم سپس می توان دو قله فرعی به ارتفاع ۴۰۵۰ متر و ۴۰۵۹ متری را صعود نموده و پس از ۲ ساعت از روی قله تاپو قله رمبسه که در مجاورت قله پازن پیر قرار دارد را صعود نمود. در جنوب، یاسوج به راحتی دیده می شود. به واسطه اینکه ضلع جنوب و جنوب شرقی رمبسه صخره ای است و برای فرود نیاز به کار فنی دارد از همان مسیر صعود برگشته و قله رمبسه را دور می زنیم مابین رمبسه و پازن پیر می توان از آب حاصل از برفچال استفاده نمود ارتفاع در این نقطه ۳۹۶۹ متر می باشد به سمت گردنه مابین رمبسه و پازن پیر حرکت نموده و از طریق پاکوبی خود را به یال متصل به قله پازن پیر (۴۲۸۸ متر) می رسانیم، از زیر قله رمبسه قله پازن پیر را ۱/۵ ساعته می توان صعود کرد. در این بخش از خط الرأس بیش از ۱۵ قله بالای ۴۰۰۰ متر وجود دارد. (زمانهای اعلام شده جهت صعود با سرعت متوسط و هوای خوب و عدد های ارتفاعی در طول این بخش با جی پی اس مدل VISTA C می باشد)

سه شنبه ۸۴/۰۸/۳:

با یک دستگاه خودرو شخصی ساعت ۴/۲۰ بامداد از اصفهان راهی یاسوج می شویم پس از عبور از شهرهای شهرضا، سمیرم و گردنه میمند ساعت ۸ بامداد به دو همورد دیگر خود در سالن ورزشی پوریا ملحق می شویم. تیم شش نفره ما بوسیله دو دستگاه خودروهای سی سخت که هزینه هر دستگاه ۲۰۰۰ تومان است ساعت ۹/۴۵ به سی سخت با ارتفاع ۲۱۷۶ متری می رسد، در ورودی سی سخت کمی بالاتر از پمپ بنزین، خودروهایی که به گردنه بیژن می روند ایستاده اند. گردنه بیژن که رشته کوه دنا را به دو قسمت تقسیم کرده بوضوح مشخص است. برگهای رنگی درختان، قله های سربه فلک کشیده منظره دلفریبی را ایجاد نموده، هوا صاف و کمی باد می آید. با یک دستگاه لندرو با توافق پرداخت مبلغ ۹۰۰۰ تومان به سمت گردنه حرکت می کنیم در راه به وسیله فلش مسیری که از طریق دره بزکش به سمت جانپناه پی دنی وسپس قله حوض دال می رود مشخص شده است. از چشمه میشی در ارتفاع ۲۶۳۹ متری آب برداشته، ساعت ۱۱ روی گردنه بیژن به ارتفاع ۳۲۰۸ متر آماده حرکت می شویم. باد تندی روی گردنه می وزد به گفته راننده خودرو تا نول یک ساعت راه است در صورتی

که طبق گزارشات حداقل یک روز راهپیمایی در پیش داشتیم. ساعت ۱۱/۱۵ به سمت جنوب شرقی حرکت می کنیم ساعت ۱۴/۳۰ زیر قله برف کرمو به ارتفاع ۳۹۳۶ متر قرار داریم مستقیم به سمت قله می رویم و ساعت ۱۵/۳۰ بروی قله برف کرمو (۴۱۴۹ متر) به نظاره قله های سی چانی، حوض دال، حرا و سایر قله دنا در شمال غرب و قله نمک، کل خرم، رمبسه و پازن پیر در جنوب شرقی می نشینم، با گرفتن عکس یادبود روی خط الرأس به سمت جنوب شرقی ادامه مسیر می دهیم و در ارتفاع ۳۹۴۲ متری ساعت ۱۶/۳۰ در محل مناسبی دوتخته چادر برپا می کنیم. هوا صاف و باد می آید دما سنج عدد ۲ درجه سانتیگراد را نشان می دهد، شب مشغول ذوب برف و یخ و غذا پختن هستیم و هوا رو به سردی می رود دمای هوا تا ۴- درجه سانتیگراد می رسد.

#### چهارشنبه ۸۴/۰۸/۴:

ساعت ۵/۳۰ بیدار شده و ساعت ۶/۳۰ حرکت خود را آغاز می نمایم. ساعت ۷/۳۰ بروی قله نمک (۴۰۵۹ متر) قرار داریم ساعت ۸/۲۵ بروی گردنه (۳۸۹۲ متر) مابین قله نمک و کل خرم صبحانه را خورده و راهی قله کل خرم می شویم برای صعود این قله بایستی از سمت راست (سمت جنوب قله) قله را دور زد. ساعت ۱۰/۴۵ قله کل خرم (۴۲۳۸ متر) را صعود می کنیم و به سمت گردنه نول (۳۷۴۸ متر) که پایین ترین نقطه روی این خط الرأس است حرکت می نمایم شیب نسبتاً تندی را بایستی طی نماییم ساعت ۱۲ بر روی گردنه هستیم پس از رسیدن به زیر یال منتهی به قله نول شمالی از مسیر پاکوب که ابتدای آن با سنگ چین مشخص شده در جهت جنوب قله بر روی طاقچه دوم که زیر تیغه های سنگی می باشد قرار می گیریم این مسیر ما را به گردنه مابین نول شمالی و جنوبی می رساند شیب زیر قله کل خرم از اینجا بسیار تند بنظر می آید. ساعت ۱۵/۴۵ قله نول شمالی (۴۱۳۴ متر) را صعود کرده و ساعت ۱۶/۲۰ به نول جنوبی می رسیم. زیر قله نول جنوبی در ارتفاع ۴۰۵۷ متری مکان مناسبی جهت چادرها ایجاد کرده به شب مانی می پردازیم. هوا صاف و دما سنج دمای هوا را ۱-

## شیلر

شیلر نامی برتر در تولید بهترین پوشاک

گورتکس آب بندی شده در شرایط

دشوار ارتفاعات ۷۰۰۰ متری پامیر

و تیان شان مطابق با اصول

و طرح های اروپایی

\*\*\*

کاپشن - شلوار گتردار - کیسه خواب - بادگیر

کاپشن های فصلی و دیگر لوازم

\*\*\*

آماده سفارش برای کلیه اداره جات و سازمان ها

تلفن: ۰۹۱۲۳۵۷۶۰۷۱ - ۳۳۳۱۰۱۹۷

ایوب وند

درجه سانتیگراد نشان می دهد. از برفچال واقع در جنوب قله نول جنوبی مقداری یخ جهت تامین آب بر می داریم.

### پنج شنبه ۸۴/۰۸/۵

ساعت ۵ بیدار شده و ساعت ۶ به سوی قله قاش سرخ راهی می شویم ساعت ۷/۵ بر روی قله قاش سرخ (۴۰۲۵ متر) هستیم پس از فرود آمدن به سوی گردنه قاش سرخ (۳۸۸۸ متر) راهی قله تاپو می شویم به اشتباه از مسیر پاکوب زیر تیغه ها تاروی گردنه ای حرکت می کنیم که بنظر می رسد بایستی از همان ابتدا ویا در میانه مسیر پاکوب به سوی قله حرکت نمود، تصمیم می گیریم از شکافی سنگی با شیبی تند به بالا رویم که کمی ما را معطل می کند سر انجام ساعت ۹/۴۵ زیر قله تاپو مشغول صرف صبحانه می شویم و ساعت ۱۰/۴۵ قله تاپو (۴۰۶۸ متر) را صعود می نماییم قله رُمبسه وپازن پیر از اینجا فوق العاده بنظر می آید. ساعت ۱۱/۱۰ روی گردنه تاپو (۳۹۲۷ متر) به سمت دو قله فرعی به ارتفاع ۴۰۵۰ و ۴۰۶۰ متر رفته و ساعت ۱۲/۵۰ قله رُمبسه (۴۱۶۶ متر) را صعود می کنیم ابهت این قله زیبا با آنکه مجاور قله پازن پیر است بسیار دیدنی است. به دلیل آنکه ضلع جنوب شرقی رُمبسه که به قله پازن پیر وصل است سنگی و نیاز به کار فنی دارد از مسیر صعود شده بازگشته و رُمبسه را از پایین دور می زنیم ودر کنار آب حاصل از برفچال زیر رُمبسه و پازن پیر (در ارتفاع ۳۹۶۹ متر) نهار را خورده از طریق پاکوب روی گردنه مابین رُمبسه و پازن پیر به روی یال متصل به قله پازن پیر (۴۲۸۸ متر) می رویم ساعت ۱۵/۳۰ به قله رسیده ودر شمال غرب تا دوردستها بار دیگر به نظاره قله های استوار دنا می نشینیم، در جنوب قلل رنج ودر شمال شرق روستای شهید دیده می شوند باگرفتن چند عکس از زیر یال شرقی قله به پایین می رویم و در ارتفاع ۳۷۴۷ متری در زیر دشت گرگی مجاور آب حاصل از ذوب برف چال شرقی قله پازن پیر در ساعت ۱۷/۳۰ به شب مانی می پردازیم. هوا صاف ودمای

هوا ۲- درجه سانتیگراد است آب جاری در حال کم شدن و یخ زدن است بایستی آب برداشت.

### جمعه ۸۴/۰۸/۶

ساعت ۵ بیدار شده و ساعت ۶ از طریق پاکوب زیر یال شرقی مسیر را ادامه می دهیم ساعت ۸ به چشمه آبی در ارتفاع ۳۲۴۸ متری می رسیم که نشان از حضور عشایر را دارد. پس از صرف صبحانه ساعت ۱۰ در حالی که مسیر ما کاملاً شرقی شده به چند درخت و چشمه پر آبی در ارتفاع ۲۶۶۵ متری رسیده و در ساعت ۱۲ به رودخانه ای که از جنوب به شمال جاری است (در ارتفاع ۲۳۵۹ متر) و به نظر ما ربر می باشد می رسیم بنظرمان می آید جاده خاکی مجاور رودخانه به سمت جنوب راه مناسبی جهت رسیدن به روستای کاکان است در حالی که از روی تپه مجاور جاده خاکی در سمت شمال روستای شهید دیده می شود. ما برای رسیدن به روستای کاکان مسیر جنوب را انتخاب می کنیم جاده های خاکی متعددی به این جاده وصل و منشعب می گردند به دلیل رسیدن فصل سرما عشایر در منطقه نیستند و ما پس از سه ساعت و طی حدود ۱۲ کیلومتر به چند چوپان در منطقه برخورد می کنیم از گفته های آنها متوجه می شویم برای رسیدن به کاکان حداقل ۷ الی ۸ ساعت دیگر بایستی راه برویم واین به معنای اضافه شدن یک روز به برنامه می باشد. به طور اتفاقی توسط دو پاترول ساعت ۱۷/۳۰ راهی روستای دژکُرد شدیم ساعت ۱۸/۳۵ دقیقه در روستای دژکُرد به ارتفاع ۲۱۲۵ متر از خودروها پیاده شده و ساعت ۱۹/۴۵ توسط یک وانت نیشان پس از عبور از روستای کاکان و گردنه خطیر سوخته در ساعت ۲۱ به یاسوج رسیدیم.

پس از صرف شام و خداحافظی با هموردانمان ساعت ۲۲/۳۰ به سوی اصفهان حرکت کردیم ساعت ۲/۱۵ به اصفهان رسیدیم.

در اینجا از همکاری آقای زرافشان رئیس گروه تربیت بدنی که کیلویه و بویراحمد، آقای هاشمی و آقای والی و دوستانشان که ما را به روستای دژکُرد آوردند تشکر می نماییم.

مختصات جغرافیایی و ارتفاع برخی از نقاط مهم خط الرأس گردنه بیژن به قله پازن پیر:

SISAKHT	N۳۰ ۵۱.۱۰۱ E۵۱ ۲۸.۰۵۵	۲۱۷۶ m
CHESHME MISHI	N۳۰ ۵۲.۳۳۶ E۵۱ ۳۰.۳۲۷	۲۶۳۹ m
GARDANE BIJAN	N۳۰ ۵۲.۶۸۴ E۵۱ ۳۱.۴۴۶	۳۲۰۸ m
BARFKERMU	N۳۰ ۵۱.۸۷۸ E۵۱ ۳۳.۰۲۴	۴۱۴۹ m
NAMAK	N۳۰ ۵۰.۹۵۵ E۵۱ ۳۴.۳۰۱	۴۰۵۹ m
GARDANEH	N۳۰ ۵۰.۶۵۵ E۵۱ ۳۴.۵۵۶	۳۸۹۲ m
KALKHARMAN	N۳۰ ۵۰.۳۴۸ E۵۱ ۳۵.۱۲۰	۴۲۳۸ m
GARDANE NEVEL	N۳۰ ۴۹.۹۱۲ E۵۱ ۳۵.۸۱۶	۳۷۴۸ m
NEVELE SHOMALI	N۳۰ ۴۹.۳۵۹ E۵۱ ۳۶.۷۸۴	۴۱۳۴ m
NEVELE GNOBI	N۳۰ ۴۸.۹۴۲ E۵۱ ۳۶.۴۸۱	۴۰۹۱ m
GHASHE SORKH	N۳۰ ۴۸.۴۳۷ E۵۱ ۳۶.۸۴۴	۴۰۲۵ m
GARDANE GHSH	N۳۰ ۴۸.۱۴۸ E۵۱ ۳۷.۲۷۰	۳۸۸۸ m
TAPU	N۳۰ ۴۸.۱۶۱ E۵۱ ۳۷.۸۱۴	۴۰۶۸ m
GARDANE TAPU	N۳۰ ۴۷.۹۹۱ E۵۱ ۳۷.۹۲۰	۳۹۲۷ m
ROMBECEH	N۳۰ ۴۷.۴۲۹ E۵۱ ۳۸.۴۸۲	۴۱۶۶ m
PAZAN PIR	N۳۰ ۴۷.۳۱۰ E۵۱ ۳۸.۹۶۰	۴۲۸۸ m
CHESHME	N۳۰ ۴۶.۸۴۵ E۵۱ ۴۱.۸۱۸	۳۲۴۸ m
CHESHME	N۳۰ ۴۶.۷۶۰ E۵۱ ۴۳.۰۸۰	۲۶۶۵ m

شرکت کنندگان در برنامه: امید نوایی، مسعود ابوطالبی، امیر جوانی، بهروز امین پور و امیر حلاج.

جهت دریافت فایل gdb مسیر با ایمیل [momen@yahoo.com](mailto:momen@yahoo.com) می توانید تماس بگیرید. Δ

## جهان پیر است و بی بنیاد،

از این فرهادگش فریاد

فریدون اسماعیل زاده، تندر کوه های کشور  
به پروازی ابدی رفت.

کوه نوردی همدان پروازش را به خواهران  
و برادران و همبستگانش و کوه نوردان ایران  
تسلیت گفته و پیوسته در صعود به ستیغ  
کوه های رفیع میهن و در اعماق غارهای آن  
یادش را گرمی خواهند داشت.

کوه نوردان همدان



# شرکت قنوس افتخار دارد

## برای اولین بار

### دیواره های سنگنوردی مقاوم

# به آتش و اشعه

## را ارائه نماید.

### دیدار ما در چهارمین نمایشگاه بین المللی ورزش

### محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران

### ۱۲ الی ۱۵ بهن ماه ۸۴



Ghoghnous Co. دکدوقا  
اصفهان، خیابان رودکی، شماره ۳۱۰  
تلفن: ۴۵-۷۷۷۵۷۴۴-۳۱۱  
تلفکس: ۳۱۱-۷۷۵۹۲۶۴  
www.ghoghnous.com  
info@ghoghnous.com

# بوز سینه

آی بوتون وارلغی گورچک  
دلی وور غوننار اباش چک

گزارش: علیرضا جعفری بارانی

در میان کوه‌های آذربایجان غربی بوزسینه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این ویژگی به لحاظ ارتفاع مسیرهای متعدد صعود، موقعیت جغرافیایی، گرده و یخچال‌های شمالی، وضعیت متفاوت جوی و... باعث گردیده تا همواره نگاه متفاوتی را به این کوه داشته باشیم. این کوه همواره عرصه جولان کوه‌نوردان و علاقه‌مندانی بوده که در تمام فصول سال قصد صعود قله را دارند و در این برخورد رویارو گاهی کوه‌نوردان با بخت خوش یار می‌شوند و روی خوش می‌بینند و پای بر قله می‌نهند و گاهی با توفان و بوران شدید مواجه و مجبور به بازگشت می‌گردند. پاییز و زمستان سال ۸۲ از آن سال‌هایی بود که بوزسینه تصمیم داشت ایهت و قدرت خود را به رخ کوه‌نوردان بکشد. در ۲۸ آذرماه صعود مشترکمان با دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در دلانپر با بخت بد همراه و به ناکامی می‌کشید. در دی و بهمن ماه همان سال مجدداً در دو نوبت تصمیم به صعود قله بوزسینه می‌گیریم که در هر دو بار باز این کوه است که پیروز می‌شود و به ما اجازه صعود نمی‌دهد و ما را پس می‌راند. حتی در بعضی مواقع مسیر عادی غربی آن چنان دچار خشم و بدهوایی می‌شود که از نزدیکی‌های قله کوه‌نوردان را مجبور به بازگشت می‌نماید.

مسیر شمالی مسیری بسیار زیبا و گرده‌ای می‌باشد که صخره‌ها و یخچال آن برای کارهای ترکیبی بسیار ایده‌آل است.

و حیفم آمد که گزارشی از منطقه بکر و زیبا و سرسخت بوزسینه نداشته باشم تا علاقه‌مندان هر چه بیشتر با مناطق زیبای ارومیه آشنا شوند. بد نیست یادآور شوم که عمده مسیر صعود قله بوزسینه و قله زیوه یکسان بوده و در صورت آمادگی کوه‌نوردان می‌توانند هر دو قله را در یک برنامه صعود کنند.

اطراف دریاچه بوزسینه

وجه نام‌گذاری بوزسینه را می‌توان این‌طور بیان داشت. بوز در زبان آذری به معنی یخ و بوزسینه یعنی سینه یخی. یخچال‌های دایمی شمالی مشرف به آبادی‌های محل که در تمام فصول سال در سینه قله خودنمایی می‌کنند و می‌درخشند باعث شده است تا اهالی این کوه را به نام پرمختوای بوزسینه بشناسند. بررسی‌های صورت گرفته بیشتر بر روی این معنی تأکید دارد تا معنی سینه خاکستری، چرا که بوز در زبان آذری معنی خاکستری هم می‌دهد. ارتفاع قله به ۳۴۹۶ متر می‌رسد که حدوداً ۵۰ متر از دلانپر بلندتر می‌باشد. گسترش قله دارای امتداد غربی به شرقی بوده که شیب غربی آن نسبت به جهت مخالف ملایم‌تر بوده و مسیر صعود عادی نیز پس از طی جاده کوهستانی از امتداد نیمه غربی بوده و از این راه می‌توان به قله دسترسی پیدا کرد و جنوب آن به مراتب ییلاق نشینان اشنویه و مسیر شرقی که دارای شیب تندتری نسبت به این دو می‌باشد. به کوه «مرگه یارت» ختم می‌شود. مسیر شمالی دارای چند گرده سنگی مجزا از هم همراه باد و مسیر یخچالی می‌باشد که بوزسینه را به کوهی با مسیرهای متفاوت تبدیل کرده است. به واسطه نزدیکی

روستای کوله بهی نرسیده به کوله بهی بعد از اتمام شب گردنه ماشین رو در سمت چپ یک جاده خاکی لندرو و جیب رو شما را تا نزدیکی های قله هدایت و باقی راه از مسیر غربی قابل تشخیص و صعود است.

چشمه های متعدد آب در کنار چادرهای بیلاق نشینان در چپ و راست مسیر صعود (جاده خاکی) در دره های اطراف موجود است تا در زمان صعود علاوه بر بهره مندی از سایر زیبایی ها از خنک بودن آب این چشمه ها نیز بی نصیب نمانید. اما مسیر دیگر این قله که به یخچال های شمالی و گرده آن منتهی می شود مسیر دره ملیان که باید از آن به عنوان مسیر ختمی ها یاد کرد چرا که این گل های زیبا در تمام موقعیت مسیر دره با رنگ های صلح خواهانه خود در طول تابستان همواره خودنمایی کرده و زیبایی خاصی را به مسیر می بخشند.

بعد از روستای گسیان عازم روستای چریک آباد شده سپس مسیر روستای خرابه ملیان می باشد. تنها جاده موجود در طول دره را در پیش گرفته و پس از روستا تنها یال موجود، شما را به مسیر شمالی خواهد رساند. البته این قسمت از مسیر به علت شیب تند و درگیری با سنگ در صورت عدم تراورس به مسیر عادی و شرقی مشکلات خاص خود را خواهد داشت. چشمه های متعدد آب و آبهای جاری علاوه بر کثرت چادر نشینان باعث رونق کار کشاورزی شده که در طول مسیر یک لحظه از چشم ها دور نمی شوند. این مسیر طولانی تر از مسیر عادی بوده اما دارای زیبایی های بی شمار می باشد که هر علاقه مندی را برای دفعات مکرر صعود از این مسیر به تأمل واداشته و به سوی خود می کشد.

زمان صعود از مسیر عادی از روستای گسیان در فصل تابستان ۵ الی ۶ ساعت و برگشت نهایت به ۳/۵ ساعت و در زمستان حداقل به هشت ساعت زمان جهت صعود نیاز است.

تاکید این نکته با توجه به موقعیت منطقه هماهنگی با هیات های شهرستان ارومیه جهت صعود الزامی و ضروری می باشد. Δ



بوزسینه از مسیر دره ملیان

به دلانپر متاثر از آب و هوای آن بوده به نحوی که نوع پوشش گیاهی، گونه های جانوری، سطح بارش و... دارای وجه مشترک می باشند. پوشش گیاهی مناسب و مراتع سرسبز باعث شده تا بیلاق نشینان همراه با گله های کوچک و بزرگ از آخر فصل بهار تا پایان تابستان در دامنه های آن در کنار رودها و چشمه های جاری در چادرهای بزرگ و کوچک اتراق نمایند. وجود یخچال های دایمی در مسیر شمالی قله و اطراف آن باعث ایجاد دریاچه های کوچکی شده که در فصل بهار و تابستان با گرم شدن هوای منطقه برف و یخ این دریاچه ذوب گردیده تا از جمله زیبایی های بوزسینه قلمداد شوند. نظر به بارش مطلوب برف و باران، بوزسینه یکی از سرچشمه های رودخانه «بار اندوز چایی» بوده که در گزارش دلانپر به آن اشاره شده است. همچنین بوزسینه از جمله سرچشمه های رودخانه گدار چایی نقده نیز محسوب می شود.

مسیر عادی صعود از مبدا شهرستان ارومیه با عزیمت به بخش زیوه - دیزج - گسیان برای هر علاقه مندی امکان پذیر است در فاصله بین جاده روستای گسیان و

# فروشگاه اورست

عرضه کننده لوازم تخصصی کوه نوردی و سنگ نوردی

TECNICA



حسین زیرکی

همراه: ۰۹۱۲ ۲۰۹۳۴۲۶

فروشگاه شماره ۱: تجریش، روبروی بیمارستان شهداء، پاساژ میری

تلفن: ۲۲۷۱۴۷۷۲

طبقه همکف بازار، پلاک ۲۳

## دره یخار: بهشت منجمد

گزارش: کیوان بصیریان\*



**دره یخار دره‌ای است عمیق حدفاصل یال شمال شرقی و یال «تلو» موسوم به دره «تلو» و یا به قولی برج‌های یخار که خود مشتمل بر چندین دهلیز یخی و گرده و دیواره می‌باشد.**

در کتاب‌های مختلف و همین طور بین کوهنوردان فنی تقسیم بندی‌های متفاوتی برای دهلیزها یا زبانه‌های یخی دره یخار وجود دارد ولی به طور ساده می‌توان گفت سه زبانه اصلی وجود دارد که هر کدام چند زبانه فرعی دارند اولین زبانه یخار در ارتفاع ۴۰۰۰ متر از دره اصلی به سمت جنوب جدا می‌شود و به صورت نسبتاً باریک در مقایسه با دو زبانه دیگر امتداد می‌یابد و از بین دو سوزنی یخار به یال شرقی می‌پیوندد. این زبانه نسبت به دیگر زبانه‌ها ریزش بسیار کمتری دارد و طول صعود آن نیز کمتر می‌باشد.

زبانه دوم از ارتفاع تقریبی ۴۴۰۰ متر از دره اصلی جدا می‌شود و به صورت نسبتاً وسیع و با شیب تند اوج می‌گیرد و در بین گرده شرقی به پنج زبانه فرعی تقسیم می‌شود و ریزش سنگ آن بسیار زیاد می‌باشد و عرض زبانه‌ها نیز کم می‌باشد و در بعضی نقاط یخچال توسط قسمت‌های سنگی که ریزشی نیز می‌باشد قطع می‌شود.

زبانه سوم یا دهلیز مرکزی که شاخص‌ترین دهلیز دره یخار می‌باشد از ارتفاع تقریبی ۴۴۰۰ متر و از محل دو شاخه شدن دره به زبانه دوم شروع می‌شود و در ارتفاع تقریبی ۴۷۰۰ تا ۴۸۰۰ با یک انحنای به سمت جنوب منحرف شده و با شیب تند و گستره وسیع اوج می‌گیرد و به بام برفی دماوند می‌پیوندد. رخ این دهلیز به سمت شمال می‌باشد و از روی یال شمال شرقی در قسمتی از مسیر بین جانپناه و قله کاملاً مشخص است و به صورت دل‌انگیزی خودنمایی می‌کند. چند زبانه فرعی با شیب کم از سمت شمال از دهلیز مرکزی جدا می‌شود و به یال شمال شرقی می‌پیوندد که طول صعود کوتاهی دارند و یخ آن نیز یخ بلور یا به اصطلاح یخ سبز نمی‌باشد و در قسمت‌هایی حالت برفچال دارد. دهلیز مرکزی نیز ریزش سنگ بسیار زیادی دارد هم از طرف انتهای خود دهلیز و هم از زبانه‌های فرعی آن به سمت دهلیز مرکزی که صعود آن را با مشکل مواجه می‌کند تقریباً طولانی‌ترین مسیر صعود را دارد و توأم با یال شرقی به بالای تپه گوگردی و قله دماوند می‌پیوندد. در اینجا یادآوری این نکته ضروری است که یخچال یخار نیز مانند تمام یخچال‌های دیگر همچون یخچال شمالی سبلان و یا یخچال سیوله در فصول مختلف سال وضعیت

متفاوتی دارد، مثلاً در فصل بهار به علت وجود برف روی آن صعود آن بسیار ساده‌تر و دستیابی به خود دهلیز از طریق ابتدای دره یخار نیز بسیار ساده‌تر و سریع‌تر است و یخ دهلیز نیز به صورت یخ سبز نمی‌باشد و وجود برف صعود را بسیار آسان می‌کند این نکته را حتماً کوهنوردانی که یخچال شمالی سبلان را در فصول مختلف صعود کرده‌اند به وضوح دریافته‌اند.

ولی در پاییز یخ دهلیز کاملاً حالت بلور پیدا می‌کند و به اصطلاح حالت سبز دارد و بسیار شکننده می‌باشد و از ابتدای دهلیز یخ‌نوردی واقعی شروع می‌شود و صعود آن مستلزم آشنایی با فنون یخ‌نوردی و تجربه کافی می‌باشد.

راه دستیابی به دره یخار از مسیر صعود یال شمال شرقی و از «ده گزانه» می‌باشد که پس از رسیدن به «پهن چشمه» می‌توان از مسیر جداگانه دره یخار که البته کاملاً مشخص و واضح نیست ادامه مسیر داد، البته از «آبادی ملار» و از پایین‌تر از «معدن پوکه ملار» نیز می‌توان صعود کرد که مسیر آن نامشخص‌تر می‌باشد و برای کسانی که تجربه صعود آن را ندارند ایجاد مشکل می‌کند و در ضمن ابتدای ورودی آن به یخار به علت سیلاب توسط سنگ‌های بزرگ شده است.

بعد از حرکت از «پهن چشمه» تقریباً از «محاذات شن اسکی» معروف شمال شرقی به صورت تراورس وارد دره می‌شویم و از اینجا مشکل اصلی شروع می‌شود و همانا حرکت بر روی «مورن‌ها یخچالی» می‌باشد که دارای سنگ‌های کوچک و بزرگ و شن ریزه می‌باشد و حرکت را آهسته و بسیار خسته کننده می‌کند و شیب آن در بعضی مناطق زیاد می‌باشد و در ضمن می‌بایست دائماً مراقب ریزش سنگ از بالا و از یال‌های چپ و راست بود.

بعد از «پهن چشمه» دیگر دسترسی به آب وجود ندارد، مگر به طریقه آب کردن یخ و یا گهگاهی در روزهای گرم آب شدن قسمت‌هایی از یخچال و جاری شدن رگه‌های باریک آب می‌باشد. آب رودخانه پایین دست دره به خاطر محتویات گوگردی آن مزه ناخوشایندی دارد و به همین خاطر به نام «تلخ رود» مشهور می‌باشد.

نکته بعدی در مورد محل‌های شب مانی در دره می‌باشد. به علت ریزش مدام سنگ از جهات مختلف محدودیت زیادی در مکان‌های شب مانی وجود دارد به طوری که فقط در

پناه دیوارهای محدود موجود در دو طرف دره می‌توان این کار را کرد که در چند قسمت دره بیشتر موجود نمی‌باشد که به ترتیب:

۱- در ارتفاع ۳۷۰۰ تا ۳۸۰۰ متر ۲- در ارتفاع ۴۰۰۰ متر ۳- در ارتفاع ۴۴۰۰ متر ۴- در ارتفاع ۴۷۰۰ متر از ابتدای ورود به دره تا انتهای دهلیز یخی و روی قله دائماً بوی گوگرد به مشام می‌رسد و هر چه ارتفاع بالاتر می‌رود آزار دهنده‌تر می‌شود و تقریباً این خصوصیت نسبت به بقیه مسیرهای صعود قله دماوند منحصر به فرد می‌باشد.

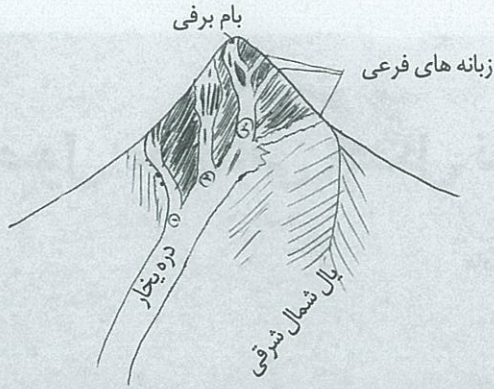
#### پنج شنبه ۸۳/۷/۱۶

بعد از خوردن صبحانه داخل باغ‌های «ده گزانه» ساعت ۷/۳۰ حرکت خود را آغاز کردیم. مه غلیظی منطقه را فرا گرفته بود و هوا خنک بود کوله‌هایمان به خاطر داشتن ابزار فنی و کفش‌های پلاستیکی بسیار سنگین بود. ساعت ۱۰ «پهن چشمه» بودیم علی‌رغم وزن کوله‌ها سرعت خیلی خوبی داشتیم. تصمیم بر این بود که در صورت امکان تا انتهای دره و نزدیک دهلیز مرکزی پیش برویم و کمپ یک را حذف کنیم. در این صورت یک روز کامل جلو بودیم. بعد از «پهن چشمه» تراورس کردیم و از یال سمت شمال دره که شیب تندی داشت بالا رفتیم و ساعت ۱۱ جهت استراحت «محاذات شن اسکی» شمال شرقی توقف کردیم. از این محل دیگر راه به صورت تراورس و فرود به طرف دره می‌باشد. هوا در مدت زمان کوتاهی دگرگون شده رعد و برق و بارش تگرگ و برف شروع شد و جالب این که به محض شدید شدن رعد و برق ریزش‌های بسیار شدیدی از دو طرف دره یخار به سمت عمق دره ایجاد شد که با صدای وحشتناکی توأم بود.

کمی صبر کردیم تا هوا باز شود ولی خبری نبود به ناچار مجبور شدیم چادر بزنیم تا بیشتر از این خودمان و وسایل خیس نشود. بارش برف به مدت حدود ۳ تا ۴ ساعت ادامه یافت به طوری که تمام دامنه‌ها و از جمله دره یخار و دهلیزهای یخی پوشیده از برف شد. این کمپ را هوای خراب به ما تحمیل کرد و مجبور شدیم شب را در این مکان یعنی در ارتفاع ۳۲۰۰ متر با امید به فردا به صبح برسانیم.

#### جمعه ۸۳/۷/۱۷

صبح مه غلیظی منطقه را پوشانده بود ولی در دور دست‌ها نشان از هوای خوب بود. بعد از خوردن صبحانه و جمع کردن چادر ساعت ۹/۳۰ دقیقه به طرف دره حرکت کردیم. به خاطر باز شدن هوا روحیه تیم تقویت شده بود و حرکت خیلی سریع بود. ساعت ۱۲ به ارتفاع ۳۸۰۰ متر رسیدیم که برای ناهار یک منطقه امن را پیدا کردیم و با آب کردن یخ جای درست کردیم و استراحت مختصری کردیم و مجدداً به حرکت ادامه دادیم. حرکت روی (مورن‌ها) بسیار پر دردرس و با کوله‌های سنگین طاقت‌فرسا بود. ساعت ۴ در ارتفاع ۴۰۰۰ متر یعنی بالاتر از زبانه اول یخار و کنار قسمتی که جهت شب مانی استفاده می‌شد استراحت مختصری کردیم و ساعت ۵ در ارتفاع ۴۴۰۰ متر بودیم. از ارتفاع تقریبی ۳۹۰۰ متر به بالا حرکت ما بر روی خود یخچال شروع می‌شود که کار را کمی راحت‌تر می‌کند ولی نیازی به کرامپون نمی‌باشد که در هر صورت از حرکت بر روی «مورن‌ها» بهتر است. به دنبال مکانی جهت شب مانی می‌گردیم در سمت راست دره بالای یک گردنه کوچک یک شکار خواب را می‌یابیم که با نیم ساعت کار به محل خوبی برای چادر تبدیل می‌شود. (ارتفاع ۴۴۰۰ متر) شب سردی را پشت سر می‌گذاریم صبح ساعت ۴ از خواب بیدار می‌شویم هوا



سرد است و باد می‌وزد صبحانه مختصری می‌خوریم و بعد از پوشیدن صندلی صعود و برداشتن لوازم فنی حرکت می‌کنیم.

تا ارتفاع ۴۸۰۰ متر را با وجود شیب زیاد و وجود یخ بلور بدون طناب صعود می‌کنیم تا در وقت صرفه جویی شود. از ارتفاع ۴۸۰۰ با حمایت صعود می‌کنیم. طول‌های اول، شیب نسبتاً زیادی دارند دهلیز مرکزی را به صورت مستقیم صعود می‌کنیم و با توجه به امکان ریزش سنگ از مناطقی که به نظر امن می‌رسد صعود می‌کنیم. چندین بار ریزش سنگ داشتیم که دو بار آن در مسیر صعود قرار داشت و سنگ‌های بسیار بزرگی داشت به همین خاطر سعی می‌کردیم در کارگاه‌ها «خودحمایت» نداشته باشیم تا بتوانیم از ریزش فرار کنیم و یک بار نیز همین کار باعث شد از حادثه جان سالم به در ببریم چون سنگ بسیار بزرگی که در حال ریزش بود درست از روی کارگاه عبور کرد.

صعود ما سریع و بدون اتلاف وقت بود و در کارگاه‌ها فقط نفر «سر طناب» عوض می‌شد. تقریباً مدت زیادی از صعودمان مه کاملاً غلیظی منطقه را پوشانده بود و گهگاهی به علت باد هوا باز می‌شد و ما مسیر صعود را مشاهده می‌کردیم.

از ارتفاع ۵۱۰۰ متر نیز با توجه به اینکه از توانایی یکدیگر اطلاع داشتیم بدون حمایت صعود کردیم تا زمان را از دست ندهیم. شیب یخچال نیز نسبت به ابتدای صعود کمتر شده بود. بالاخره ساعت ۴ روی قله بودیم و خوشحال از صعود به یکدیگر تبریک گفتیم.

به سرعت به سمت بارگاه سوم حرکت کردیم در گرگ و میش به آنجا رسیدیم. شب سردی را به صبح رساندیم شدت باد خیلی زیاد بود صبح زود حرکت کردیم و در مسجد دوستانمان به استقبال آمدند و با آنها به «رینه» بازگشتیم.

در پایان جا دارد از آقایان علی یوسفی و علی سلیمانی به خاطر کمک‌های بی‌شائبه در جهت انجام برنامه و همراهی ما تا کمپ ۴۴۰۰ و حمل وسایل از کمپ تا «پهن چشمه» تشکر و قدردانی فراوان به عمل آوریم و از فرهاد خلیلی که راهنمایی‌های بسیار مفیدی از دره یخار در اختیار ما گذاشتند.

نفرات تیم: دکتر کیوان بصیریان - کرج - محمد جلالی فراهانی - اراک - علی سلیمانی - اراک - علی یوسفی - اراک

\*گروه کوهنوردی شقایق کرج

## کوپر

اولین عرضه کننده استرچ پلار  
ایرانی در سایز و رنگ های متفاوت

فروش به صورت کلی و جزئی



۰۲۱-۸۸۴۴۷۷۸۴  
۸ شب به بعد، دادرس  
و ۸۸۴۴۷۷۸۵

فراخوان ثبت نام اولین دوره مسابقات چهارگانه

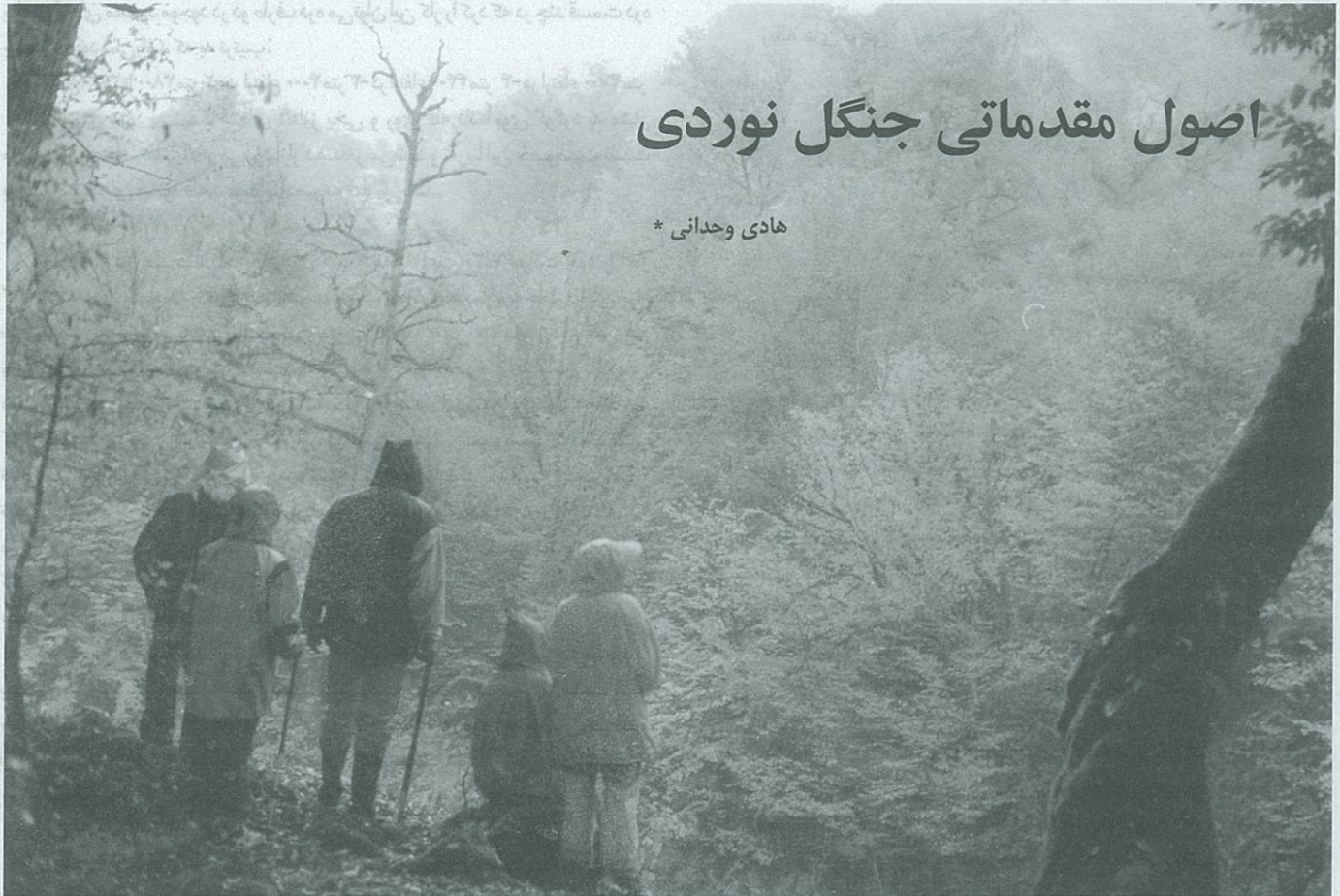
## جام زاگرس کوه گستران

جهت کسب اطلاع با شماره تلفن های زیر  
تعاس حاصل فرمایید.

۶۶۶۱۹۴۳۰  
۶۶۴۸۶۹۸۰  
۰۹۱۲۱۸۷۹۰۷۹

# اصول مقدماتی جنگل نوردی

هادی وحدانی \*



بدن را در تماس با خار و شاخه‌های درختان محفوظ نگه دارد. لباس‌های نخی برای این مناطق مناسب نیست و باید از پوشاکی با الیاف مصنوعی استفاده کرد، همان طور که کوه‌نوردان معمولاً از لباس‌هایی با رنگ‌های روشن استفاده می‌کنند در جنگل‌ها نیز رنگ لباس به دلیل محدوده دید کمتر اهمیتی دوچندان دارد. پیدا کردن فردی بیهوش در جنگل کاری بسیار پیچیده خواهد بود و چه بسا از دو متری هم نتوان وی را تشخیص داد. پوشاک و کوله در این مناطق باید بدون وسایل اضافی و خارجی باشد که با درختان و شاخه‌ها درگیر نشود.

به دلایل گفته شده فاصله بین نفرات در جنگل‌ها نباید زیاد باشد و از طرفی کم بودن این فاصله هم خطر برخورد شاخه‌های درختانی که به فرد جلویی گیر کرده را بیشتر می‌کند. استفاده از عینک در چنین شرایطی ضروری بوده و در شرایط خاص می‌توان از ارتباط کلامی استفاده کرد. همراه داشتن یک سوت هم می‌تواند در مواقعی قابل استفاده باشد. این وسیله در بسیاری مواقع به کمک کوه‌نوردان می‌آید مشروط بر آن که قبلاً اعلام قراردادی را بدانیم.

طرز کلی گام‌برداری به این صورت است که باید روی جای پای نفر جلویی حرکت کرد این موضوع به دلیل ایمنی بیشتر و همین طور حفظ پوشش گیاهی و احتمالاً جانوران ریزتر است. رعایت سکوت در هنگام حرکت در جنگل‌ها امری ضروری است (جز در مواقع خاص) این امر شانس شما را برای مشاهده جانوران انسان‌گریز بیشتر کرده و احتمال برخورد با حیوانات خطرناک را کاهش می‌دهد. پرندگان جانورانی هستند که خیلی سریع محل حرکت شما را ترک خواهند کرد.

البته باید توجه داشت که پوشش جانوری مناطق و همین طور اطلاعات لازم در خصوص ویژگی‌های جانوران، محل زندگی، زمان زاد و ولد، روش مقابله با حملات احتمالی بحث مفصلی است که گرچه در دوران ما اهمیتی کمتر نسبت به گذشته دارد ولی لازم به فراگیری است.  $\Delta$  PV-PVA/TI

\*گاهنامه کوه‌نوردی فراز رشت

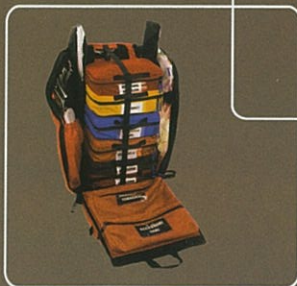
آمادگی جسمانی و معلومات دو نیاز اساسی هر کوه‌نورد است که شاید انتخاب یکی به عنوان مهم‌ترین کمی مشکل به نظر برسد. هر دو از شروط موفقیت است و شیوه دستیابی به آنها نیز متفاوت، یک کوه‌نورد آماده از لحاظ بدنی باید مسایلی را خوب بداند. طرز بستن کوله، گزینش وسایل، انتخاب مواد غذایی، شیوه‌های گام برداری و حرکت در انواع مسیرهای برفی، یخی، سنگی، شنی، جنگلی و شریاطی چون: بارانی، کولایی، مه، شب و... و همچنین مشکلات احتمالی در هر یک از آنها. در این مقاله به مسایل مختلفی از نحوه حرکت در جنگل‌ها و مناطق مملو از پوشش گیاهی خواهیم پرداخت.

اگر در مناطق پوشیده از درختان و گیاهان انبوه حرکت کرده‌اید حتماً به پیچیده بودن آن پی برده‌اید. راه‌یابی در جنگل و خصوصاً در راه برگشت مساله‌ای مهم و حیاتی است. دقت و ابتکار شرط اساسی موفقیت است. یکی از مسایلی که فرد راه‌یاب باید انجام دهد این است که هر چند دقیقه یک بار به عقب برگردد و مسیر برگشت را در ذهن مرور کند، زیرا مسیر برگشت مسیری کاملاً متفاوت با مسیر رفت است به ویژه پس از هر دو راهی باید نگاهی به عقب کرد. این مطلب اصلی است که نباید فراموش کرد. درخت‌هایی با اشکال خاص، سنگ‌ها و مسیر رودها از عوامل طبیعی مؤثر در راه‌یابی در این مناطق است. همچنین می‌توان از تغییر دادن شکل ظاهری دو راهی‌ها (به نحوی محسوس برای کوه‌نوردان و نه جلب توجه برای سایرین) این مسیرها را برای برگشت از هم متمایز کرد. به عبارت دیگر می‌توان این تغییرات را به گونه‌ای اعمال کرد که کمترین اثرات تخریبی را داشته باشد و در عین حال تغییری قابل درک و ملاحظه باشد و همچنین از عواملی که می‌توانند تاثیر داشته باشند مانند حیوانات و افراد بومی دور باشد. چه بسا این علامت‌ها هیچ معنا و مفهومی برای افراد محلی و بومی نداشته باشد و به سادگی توسط آنها و یا دام‌هایشان دچار تخریب شوند.

بهترین پوشش در مناطق جنگلی لباسی یکسره با آستین‌های بلند است که



# Mosaffa Company



**MILLET**



## شرکت ساز و ساخت مصفا

نماینده انحصاری **CAMP & Millet** در ایران

تهران : خیابان انقلاب • نرسیده به خیابان سپاه

کوچه فروغی • شماره ۴۷ • طبقه اول

فکس : ۷۷۶۵۲۴۷۱ - ۷۷۶۵۲۷۸۲ تلفن : ۷۷۵۲۸۷۹۴

E-mail: [homb7576@yahoo.com](mailto:homb7576@yahoo.com)

### تلفن فروشگاه ها

۶۶۴۶۰۵۷۰  
۶۲۷۰۴۱۷  
۵۲۶۰۳۶۲  
۲۵۲۳۴۹۸  
۷۲۹۲۵۴۴  
۲۳۳۷۲۹۶  
۲۲۲۱۲۵۰  
۶۶۷۲۴۴۳  
۲۲۳۳۸۹۸  
۲۲۵۰۲۳۰  
۲۲۳۹۱۴۵  
۶۰۶۵۸۳۲

### اسامی فروشگاه ها

فروشگاه بنادک  
شرکت ناجیان شرق  
فروشگاه صخره  
فروشگاه قزل کوه  
فروشگاه زرین  
فروشگاه حق نگهدار  
فروشگاه رضایی  
فروشگاه سلو  
فروشگاه پیک لج ور  
فروشگاه شاهو  
فروشگاه ک۲  
اولین ستاره شرق

تهران  
یزد  
زنجان  
همدان  
کرمانشاه  
شیراز  
خرم آباد  
اصفهان  
اراک  
سنندج  
کرمان  
مشهد

# طبیعت لمس طبیعت لمس طبیعت لمس

[www.kalvan.ir](http://www.kalvan.ir)

[info@kalvan.ir](mailto:info@kalvan.ir)

طبیعت گردی در مناطق بکر و ناشناخته

متخصص در اکوتوریسم

برگزارکننده تورهای یکروزه و چندروزه

آدرس:

تهران - خیابان فاطمی - مقابل وزارت کشور  
کوچه سوم - پلاک ۶ - واحد اول غربی

تلفکس: ۸۸ ۹۵ ۳۴ ۷۸

۰۳۵۴ ۳۷۷ ۰۹۱۲

۰۹۱۲ ۳۲۶ ۶۱۶۷





# فروشگاه شقوه

تولید و عرضه کننده لوازم کوهنوردی و کمپینگ  
نماینده انحصاری کمپش سنگ نوردی کشوری



عرضه کننده کمپش LA SPORTIVA

شعبه ۱ : فیابان ولیعصر نرسیده به فیابان امام خمینی

روبروی پاساژ المپیک پلاک ۳۳۱

تلفن : ۶۶۴۰۴۶۵۶

تلفکس : ۶۶۴۸۷۰۵۵

شعبه ۲ : فیابان ولیعصر نرسیده به فیابان امام خمینی

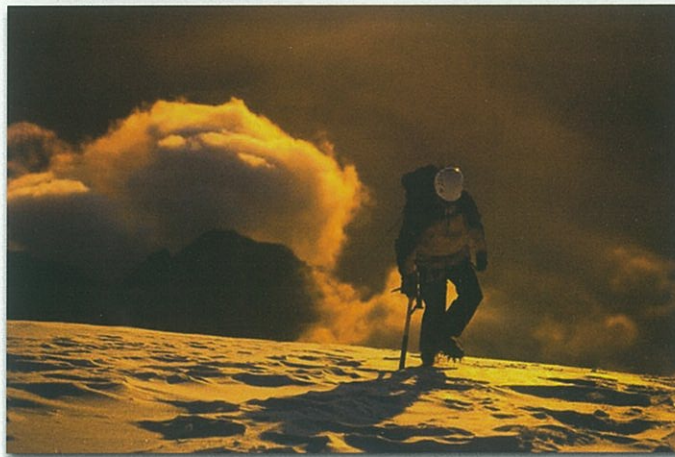
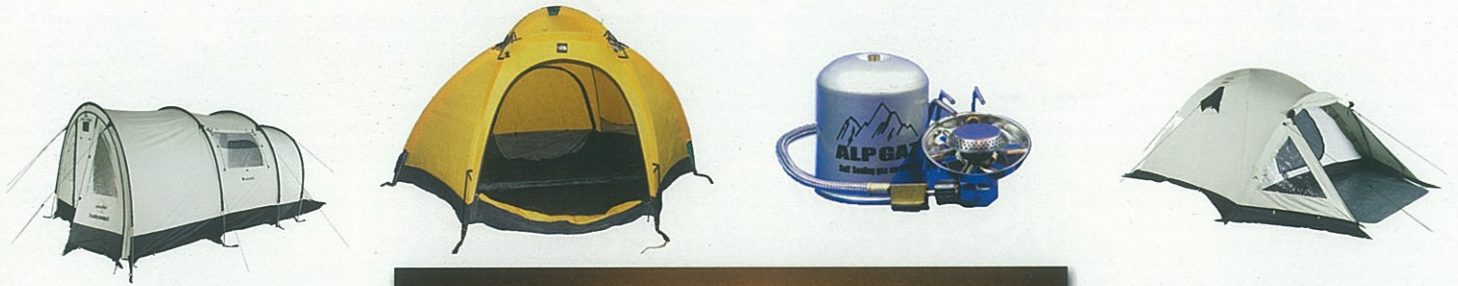
جنب پاساژ المپیک پلاک

تلفن : ۶۶۴۰۲۸۴۲

۰۹۱۲۱۹۵۶۱۸۴

# ALPAY *tour*

Adventure Sports & Travel Agency



نماینده فروش محصولات دیوتر آلمان

پفش محصولات LAFUMA-ASOLO-MEINDL

و سایر مارکهای معتبر اروپایی

**(ارگانیزاتور تورهای آرات و شاه داغ آذربایجان)**

آدرس: اورمیه-ف ورزش- روبروی سالن شش هزار نفری

تجهیزات کوهنوردی آلپای



Address:  
Varzesh St. Urmia-Iran  
Tel&Fax: +98 441 3465797  
GSM:+98 914 441 2128  
+98 914 441 3735  
E-mail:info@alpaytour.com

## ارائه لوازم و تجهیزات تخصصی کوهنوردی سنگنوردی - یخنوردی و صنعتی

مشاوره تخصصی در مسائل کوهنوردی  
توسط مربیان فدراسیون و اعضاء تیم ملی کوهنوردی



تهران: میدان انقلاب - ضلع جنوب شرقی

کوچه آب رو - شماره ۳ طبقه دوم - واحد ۳۸

تلفن: ۶۴۸۶۹۸۰ - تلفکس: ۶۴۱۹۴۳۰

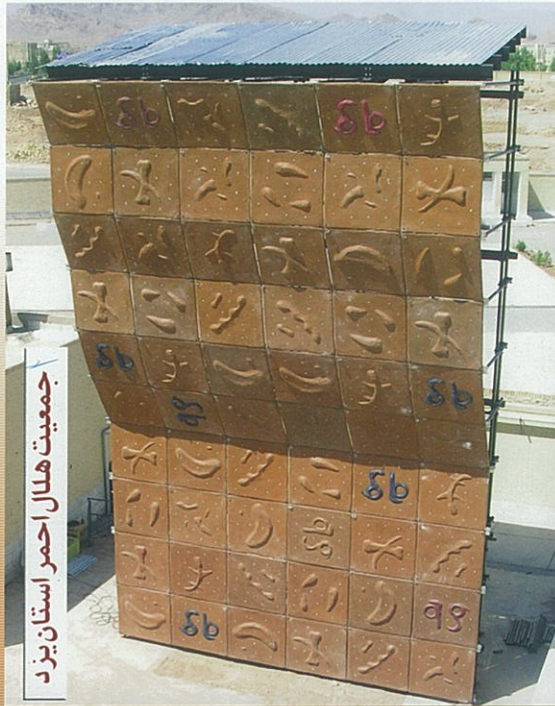
همراه: ۰۹۱۲۱۸۷۹۰۷۹ - ۰۹۱۲۱۴۸۶۳۱۸



SOLO Trading Co.

www.solo-shop.com

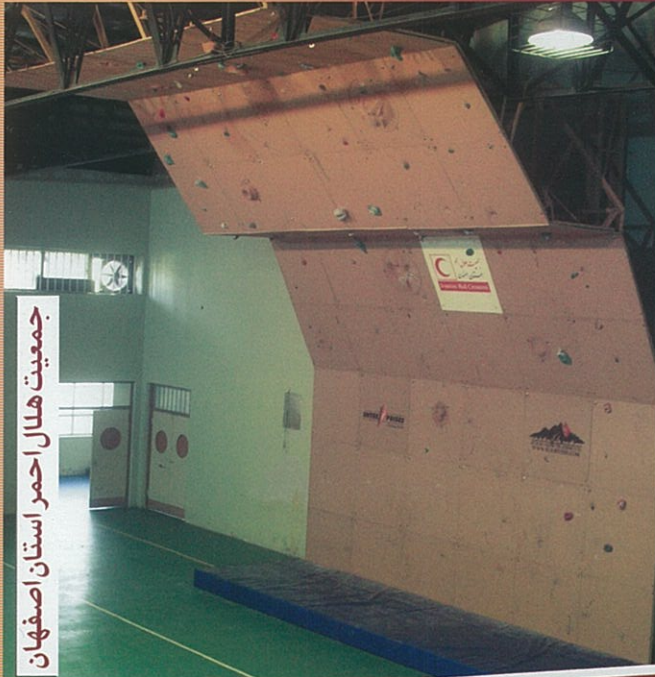
Email :info@solo-shop.com



جمعیت هلال احمر استان یزد



سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی استان اصفهان



جمعیت هلال احمر استان اصفهان



دانشگاه بوعلی سینای استان همدان

# فروشگاه سلو

عرضه کننده لوازم کوهنوردی ، سنگنوردی ، اسکی  
غواصی و تخصصی امداد و نجات

واردکننده گیره و دیواره های سنگنوردی خارجی

تولیدکننده گیره و دیواره های سنگنوردی فایبرگلاس و چوبی ایرانی

اصفهان - خیابان چهارباغ بالا - مجتمع تجاری پارک - بازار ارکید - پلاک ۴۸۲

تلفکس: ۶۶۷۲۴۴۳ (۰۳۱۱) همراه: ۵۸۹۰ ۳۱۳ ۰۹۱۳



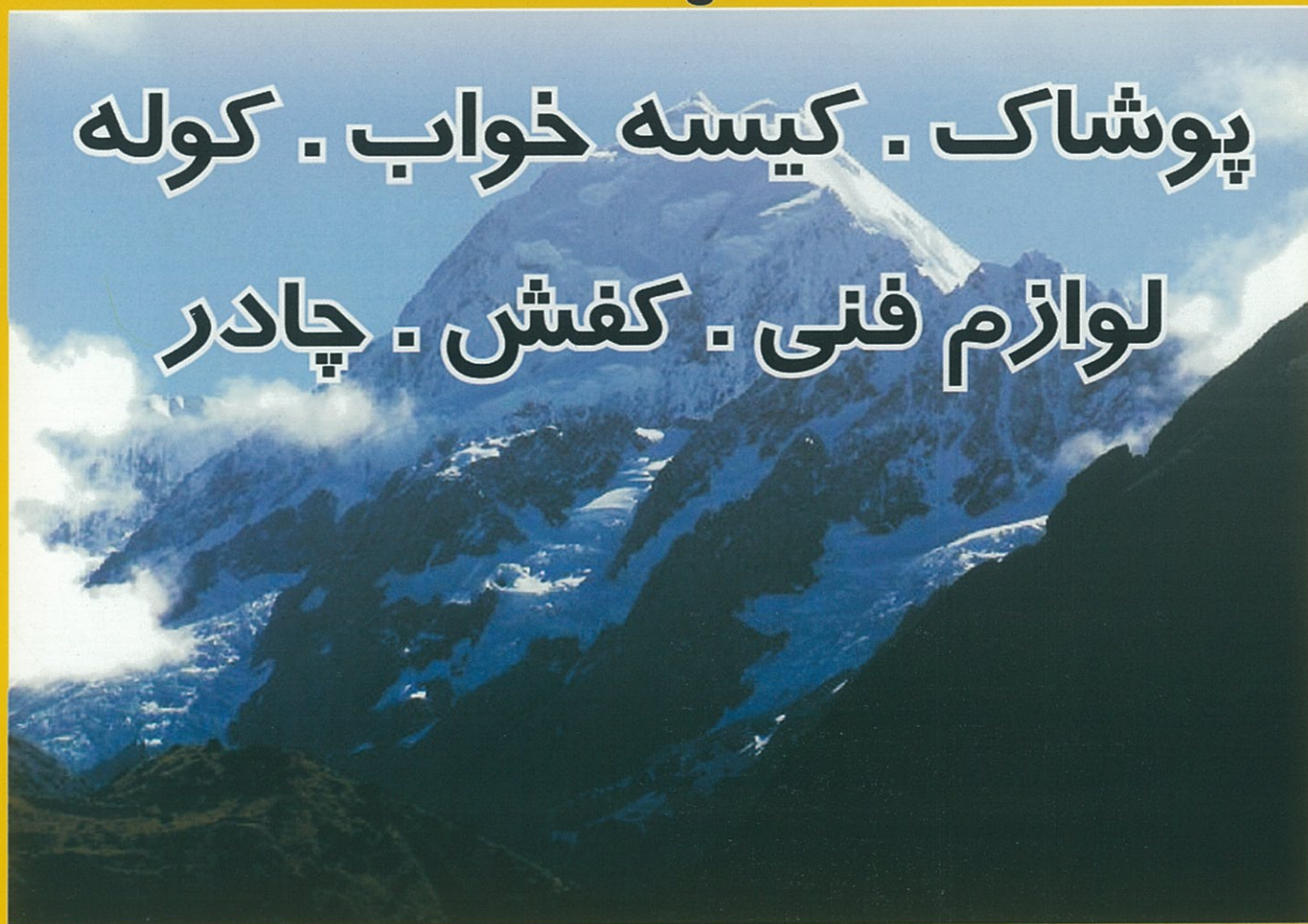
تولید و عرضه لوازم کوهنوردی



# اسپیلت

پوشاک . کیسه خواب . کوله

لوازم فنی . کفش . چادر



خیابان مفتح جنوبی - بین سمیه و انقلاب - اول پل زیر گذر - پلاک ۷۸ - طبقه همکف

تلفکس : ۸۸۳۰۱۰۸۴

تلفن : ۸۸۳۱۳۳۹۷

کد پستی : ۱۵۸۱۸

Espilat@yahoo.com



تولیدی کفش کشوری



# کشوری کنایه سنگ نوردی

خلاقیت در محصولات

پایداری در خدمات

پیشرو در فن آوری

[www.keshvarishoe.com](http://www.keshvarishoe.com)

۰۲۱-۵۵۶۰۳۱۴۴.۵۵۵۷۶۶۱۵ ۰۹۱۲۳۲۶۰۹۳۲	دفتر مرکزی - تهران
۰۲۱-۶۶۴۰۲۸۴۲.۶۶۴۰۴۶۵۶	فروشگاه شکوه - تهران
۰۱۳۱-۳۲۳۳۶۰۰	عشقی - رشت
۰۳۱۱-۷۷۷۵۷۴۴-۵	شرکت ققنوس - اصفهان
۰۸۱۱-۲۵۲۳۴۹۸	قزل کوه - همدان
۰۸۶۱-۲۲۳۳۸۹۸	پیک لجور - اراک
۰۳۴۱-۲۲۳۹۱۴۵	K2 - کرمان



# Ecotour Iran

TOUR & TRAVEL AGENCY

شرکت متخصصین طبیعت گردی

## اکوتور ایران

### برگزار کننده تورهای متفاوت خارجی :

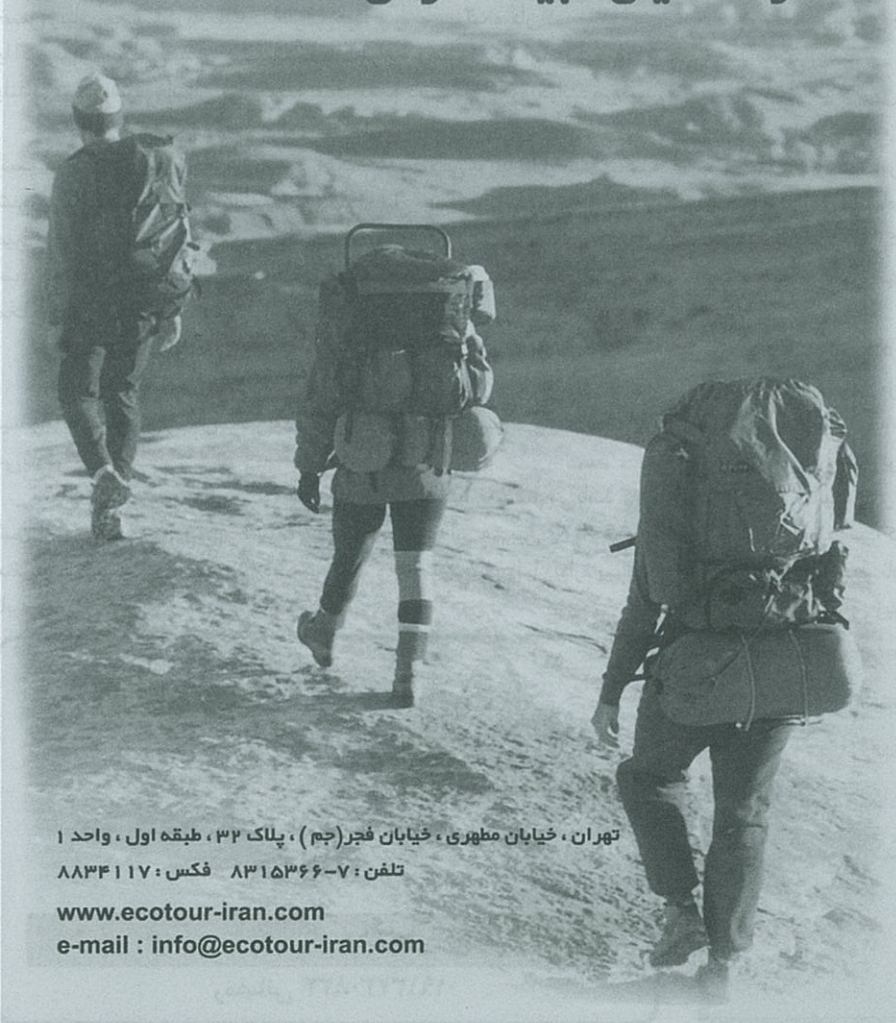
تورهای حیات وحش و فرهنگ آفریقا، هندوستان، چین، روسیه، آمازون و ...

### تورهای داخلی و ورودی :

حیات وحش، تماشای پرندگان، عکاسی از طبیعت، زندگی عشایر، فرهنگ و طبیعت، کوهپیمایی، کویر، غواصی، تورهای ماجراجویانه و ...

### برگزار کننده دوره های تخصصی

### راهنمایان طبیعت گردی



تهران، خیابان مطهری، خیابان فجر (جم)، پلاک ۳۲، طبقه اول، واحد ۱

تلفن: ۷-۸۳۱۵۳۶۶ فکس: ۸۸۳۴۱۱۷

www.ecotour-iran.com

e-mail : info@ecotour-iran.com

### از دریا به کرانه

بقیه از صفحه ۱۰

آن عکس همان گونه که می‌دانید و نوشته بودم، از دماوند کوه زیبایمان بود، اما نه شایسته هدیه و تقدیم کردن. زیرا چهره راستین این هیبت باشکوه را نشان نمی‌داد. آن عکس «پشت و رو» چاپ شده بود. یعنی فیلم عکس را در هنگام چاپ کردن عکس، پشت رو در دستگاه چاپ گذاشته بودند و در نتیجه، سوی چپ عکس باید در سمت راست و سوی راست عکس باید در سمت چپ باشد و البته خود جبهه‌ای که روبروی دید است، جابه جا شده‌اند و نمای واقعی دماوند را نشان نمی‌دهند.

و اینک یک آزمایش هوش و دقت دیگر: عکسی که در اینجا چاپ شده، مربوط به کدام کوه است :

۱. از قله‌های سنگی اشتران کوه (کدام قله؟)

۲. از اینسوی و آنسوی علم کوه (نام آن؟)

۳. از تیغه‌های زردکوه (کدامشان؟)

۴. در راه صعود خط‌الرأس رشته دنا (میان

کدام قله‌ها؟)

در عکس برداری، بسیار پیش آمده است که دو عکس پی‌درپی، روی یک فیلم ثبت شده است که گاهی هم جالب و بامعنی ... شاید در دوربینهای نوع تازه، از این اشتباه‌ها خبری نباشد. عکسی که در زیر ملاحظه می‌کنید، یکی از آن گونه خلاف کاری‌های دوربین، و مال ۶۰ سال پیش است، برفراز قله توچال، که در آن از چپ به راست: مهندس اسد قاضی‌زاده، جلال مفیدی (دبیر ورزش)، ...، «خودبنده»، ابراهیم صدیقی محمود اجل دیده می‌شوند، با بازمانده برف زمستان و بهار، در زیر پاها در تابستان! Δ



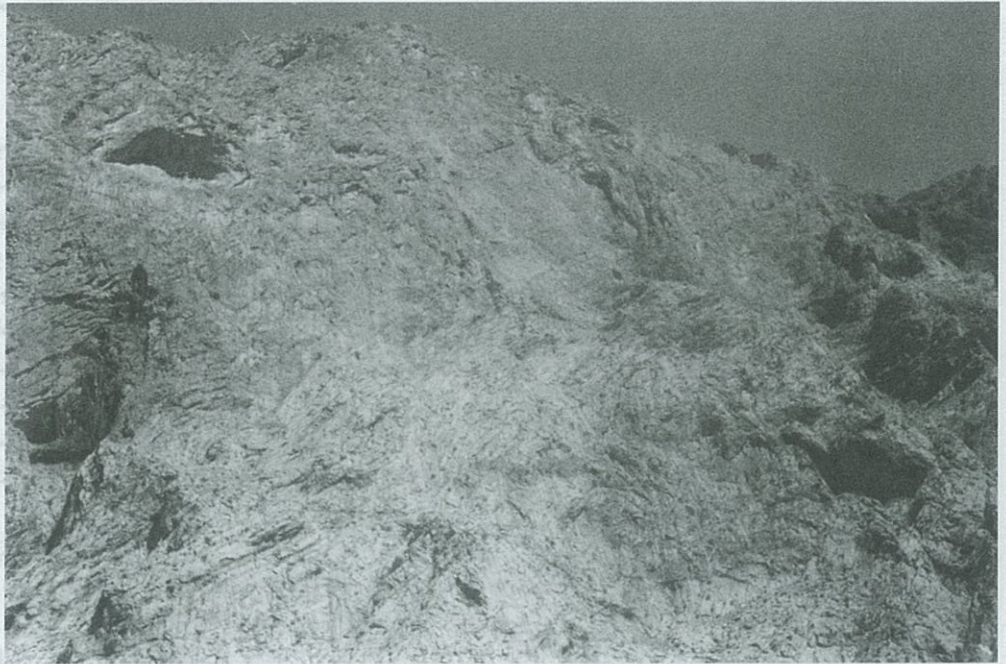
### گامی بر ناشناخته‌ها

عنوان کتابی است تألیف

آقای حسین نظر که دارای اطلاعاتی مفید

در مورد ۳۰ قله ایران می‌باشد.

# دیواره آوازه



تهیه و تنظیم: مهدی عزیزی

وجود یک آبشار و چشمه زیبا در میان دیواره و یک قسمت جنگلی کوچک زیبایی آن را دو چندان کرده است و در فصل بهار به علت فراوانی آب و چشمه استراحتگاه مناسبی برای مسافری و ساکنان اطراف آن تلقی می‌شود. در مقابل آن غاری با دهانه بزرگ وجود دارد که معلوم نیست تا کجا کشیده شده و چند متر می‌باشد.

شرایط اقلیمی این منطقه سرد و کوهستانی می‌باشد و بهترین زمان برای سنگ‌نوردی و دیدن آن در ماه‌های فروردین، اردیبهشت و اوایل خرداد می‌باشد. با وجود گستردگی این دیواره کاملاً از دسترس سنگ‌نوردان به خصوص سنگ‌نوردان کرمانشاه و همدانی به دور بوده و جز چند میخ که بالای آثار باستانی و زیر آبشار کوبیده شده است و دو طول کوتاه که در پایین دیواره توسط سنگ‌نوردان تهران (گروه کوهنوردی آرش) باز شده چیز دیگری به چشم نمی‌خورد.

در میان دیواره، چند کلاهدک بزرگ و کوچک منفرد نیز وجود دارد. کمبود شکاف در سطح دیواره برای ابزار گذاری باعث گردیده تا درجه کار بر روی این دیواره بالا برود. بنابراین باید توجه داشت در صورت گشایش مسیر بر روی این دیواره کوبیدن رول بهترین و راحت‌ترین راه می‌باشد. البته شاید بتوان نتیجه‌گیری کرد که یکی از دلایل عدم فعالیت روی این دیواره، همین بالا بودن درجه سختی کار باشد. در پایان امید است که با کمک کوه‌نوردان و میراث فرهنگی استان، آثار باقیمانده تاریخی دیواره از خطر نابودی و تخریب بیشتر نجات یافته، شاهد شروعی برای کار و گشایش مسیرهای زیبا و متعدد بر روی آن باشیم. Δ

استان کرمانشاه یکی از محدود مناطقی است که دارای دیواره‌های بزرگی همچون بیستون است که از سال‌های قبل سنگ‌نوردان به شیوه‌های مختلف روی آن کار کرده‌اند. ولی در همین استان یک سری دیواره‌های بلند و بکر وجود دارد که ضمن زیبایی بخشیدن به طبیعت اطراف خود، از چشم سنگ‌نوردان دور مانده است یا اگر هم نیم نگاهی به آن داشته‌اند بسیار گذرا بوده است. یکی از این دیواره‌های بلند در شمال شرقی استان قرار گرفته است که به نام محلی آوازه خوانده می‌شود. نکته قابل توجه این است که این دیواره از جاذبه‌های تاریخی زیبایی برخوردار است که مهم‌ترین آنها چند اتاق سنگی، یک غار و دالانی با پایه‌های سنگی کنده شده، می‌باشد. اینها بقایای سلطه جویی حسن صباح می‌باشد که بدون توجه سازمان میراث فرهنگی رو به نابودی می‌رود. در بالای اتاق‌های قدیمی سنگی، کتیبه‌ای است که دارای خط ناخوانا و فرسوده‌ای است که به نظر می‌آید بقایای آتشکده یا محلی برای عبادت بوده است.

## موقعیت دیواره آوازه

این دیواره عظیم در شمال شرقی استان واقع گردیده که با گذشتن از شهر بیستون به سمت شهرستان سنقر بعد از تقریباً ۲۰ کیلومتر در سمت چپ جاده نمایان می‌شود.

ارتفاع مرکز دیواره بالغ بر ۳۵۰ متر و عرض آن تقریباً ۸۰۰ متر می‌باشد که از شمال شرقی به جنوب شرقی کشیده شده است و شیب آن هم بین ۸۰ تا ۹۰ درجه متغیر است. سنگ‌های این دیواره آهکی بوده و همنشینی آن را با دیواره بیستون تایید می‌کند.

## فروشگاه البرز



عرضه کننده کلیه تجهیزات کوهنوردی و کمپینگ در مازندران

نوشهر بازار روز ورزشی البرز

رمضانی ۰۱۹۱۳۲۳۰۸۳۳

بدینوسیله از ریاست فدراسیون کوه‌نوردی

و اعضای فدراسیون، گروه‌های کوه‌نوردی همدان

و فروشگاه‌ها و شرکت‌ها و تمامی عزیزانی که

در ضایعه درگذشت پدر اینجانب اظهار همدردی نموده‌اند

کمال تشکر را دارم.

علیرضا امزاجردیان



## دعوت به همکاری

تجربیات شما را ارج می نهیم

شرکت خدمات ایرانگردی و اکوتوریسم نسیم کلوان از کلیه راهنمایان کوهستان در سراسر ایران و کسانی که در زمینه مناطق طبیعی جذاب از قبیل کوه ها، کویر ها، دریاچه های کوهستانی، قلعه های تاریخی، تالاب ها و پارک های ملی، شناخت و اطلاعات کاربردی به منظور اجرای گشت های طبیعی دارند دعوت به همکاری می نماید.

استان و شهرستان خود را به تمام ایران و جهان معرفی کنید

علاقمندان می توانند خلاصه ای از سوابق و مشخصات خود را به آدرس این شرکت ارسال نموده و یا فرم مربوطه را در پایگاه اینترنتی نسیم کلوان تکمیل نمایند. دفتر این شرکت در ساعات اداری ایام هفته آماده پاسخگویی به کلیه سوالات علاقمندان می باشد.

آدرس: تهران خیابان فاطمی - مقابل وزارت کشور

کوچه سوم - پلاک ۶ - واحد اول غربی

تلفکس: ۸۸۹۵۴۴۷۸

همراه: ۰۹۱۲۳۷۷۰۳۵۴ و ۰۹۱۲۳۲۶۶۱۶۷

[www.kalvan.ir](http://www.kalvan.ir)

[info@kalvan.ir](mailto:info@kalvan.ir)

## آنچه باید یک رئیس هیات کوهنوردی بداند:

تهیه: یوسف صمدی زنوز

۱- تاریخچه ورزش کوهنوردی محل خدمت، ساختار سازمانی در هیات، فدراسیون، سازمان تربیت بدنی، تشکل های کوهنوردی.  
۲- علایق ورزشکاران در سطوح الف - همگانی ب - آماتور ج - حرفه ای  
۳- وسعت روابط عمومی سازمان در رسانه های گروهی  
۴- شرایط احراز مدیریت: مقبولیت، اخلاق، روح ورزشی، شخصیت، ارتباط قوی با دیگران، تجربه، قابلیت تخصصی، وقت فعالیت، نیاز به کسب موفقیت، جلوگیری از فرصت سوزی، ترجیح دادن پاداش، نیاز به استقلال، بهره بردن از زمان، حس مسئولیت پذیری، تعهد کاری، ایجاد روحیه همکاری، جلوگیری از هرگونه تنش، ایجاد هماهنگی، قدرت بیان ارزیابی فنی و اجتماعی خود از نگاه دیگران.

۵- اصول مدیریت: برنامه ریزی، سازمان دهی، نوآوری، ایجاد انگیزه، رهبری، کنترل.  
۶- مدیریت مالی: تجهیز منابع، جذب منابع مالی، بودجه بندی، هزینه، کنترل مالی.  
۷- پیش بینی وقایع و مشکلات در آینده و برنامه ریزی برای حل آن  
۸- مدیریت امکانات: با توجه به محدودیت ها، برنامه ریزی برای مسابقات، پرورش مربی، شناخت موج منابع.  
۹- فن آوری در کوهنوردی: دانش، علم روز، رایانه  
۱۰- تربیت ورزشکاران سطح بالا و شناسایی استعدادها. △

## کوهستان خالی از خطر نیست

با آموزش، تمرین، احتیاط، خودداری از غرور بیجا و برنامه ریزی صحیح، امکان بروز حادثه را به حداقل ممکن برسانیم.

# سقوط بهمن و راه‌های حفاظت از آن برای کوه‌نوردان و اسکی‌بازان

ترجمه: وارطان زاکاریان

نمونه‌ای از برف در ارتفاع ۵۰۰۰ متری در کوه‌های زاگرس

و بکر افزایش یابد تعداد قربانیان نیز به نوبه خود اضافه خواهد شد ولی نظر به این که کوه‌نوردان در مناطقی فعالیت دارند که دسترسی مردم برای کمک به آنها به سختی امکان‌پذیر است بنابراین بیشترین آمار تلفات به کوه‌نوردان تعلق دارد. تحقیقات نشان می‌دهد تعداد کوه‌نوردانی که مناطق بهمن‌خیز را بشناسند یا شناختی از برف به تنهایی داشته باشند و بدانند که شرایط ریزش بهمن وجود دارد یا خیر، کم هستند کوه‌نوردان اغلب هنگام صعود به وسیله یک رشته طناب به هم وصل هستند بنابراین حادثه سقوط بهمن گریبانگیر تمامی اعضا می‌شود. اغلب و تشخیص و تخمین کیفیت عمل سقوط بهمن به کمترین مقدار بوده است. ولی کوه‌نوردان با تجربه وضعیت برف را می‌توانند به خوبی تشخیص دهند و می‌دانند فعالیت خود را در کجا باید انجام دهند. بهمن یک رخداد و حادثه ترکیبی و پیچیده است و با وجود پیشرفت فن‌آوری هنوز هم تعیین دقیق محل و زمان این رخداد مشکل است زیرا تجمع برف و زاویه شیب بستر برف به موقعیت مختلف جغرافیایی بستگی دارد. در بعضی از زمستان‌ها بارش برف اول فصل و ضمناً وزش باد شدید در مناطق کوهستانی احتمال سقوط بهمن را زیاد می‌کند و برعکس، بعد از بارش برف زیاد ولی بدون وزش باد شدید احتمال وقوع بهمن کم است. منطقه کلرادو آمریکا دارای وضعیت آب و هوایی کمابیش شبیه ایران است. زمستان‌های سرد همراه با بارش برف کم ولی وزش باد شدید است. این منطقه بیشترین آمار سقوط بهمن و قربانیان حاصل از آن را دربر دارد. در این حوادث ۷۰ الی ۸۰ درصد کسانی که قربانی می‌شوند کوه‌نوردان و اسکی‌بازان هستند که در مناطق کوهستانی بکر و دور از دسترس عموم فعالیت

تعریف: هرگاه توده عظیمی از برف که ممکن است حاوی یخ-سنگ-خاک و اشیاء دیگر نیز باشد از کوهستان سقوط کند آن را بهمن گویند.

سقوط بهمن برف بزرگترین خطر برای کوه‌نوردان و گردشگران کوه در زمستان و بهار می‌باشد و آنهایی که دفعات و ناآگاهانه گرفتار این مصیبت بزرگ می‌شوند اغلب جانشان را از دست می‌دهند.

با بررسی سوابق بهمن و قربانیان حوادث ناشی از سقوط آن مشاهده می‌شود اغلب حادثه دیدگان از میان مردمی هستند که در دامنه رشته کوه‌های بزرگ و به اصطلاح در سایه رشته کوه‌های بزرگ زندگی می‌کنند و یا به کار مشغولند. در این میان هستند کسانی که خانه‌های آنها و حتی تمام روستای آنها در اثر سقوط بهمن از بین رفته است. گزارشات نشان می‌دهد سقوط بهمن همراه با ریزش سهمگین خود در هر نسل یک یا دوبار فاجعه آفریده است ولی به علت عدم آگاهی مردم آن منطقه از علت وقوع این حادثه مرگبار، خود را به این قانع می‌کردند که این مشیت الهی است و با شکیبایی غم خود را تحمل می‌کردند. امروزه آگاهی در مورد علت ریزش بهمن و یا حرکت آن افزایش یافته است ولی هنوز هم بیشترین قربانیان این حادثه کوه‌نوردان و اسکی‌بازان هستند که معمولاً در مناطق دور کوهستانی فعالیت خود را انجام می‌دهند. از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۸۰ حدود ۳۰۰ کوه‌نورد و اسکی‌باز در اثر سقوط بهمن جانشان را در آمریکا از دست داده‌اند و در اروپا در همین دوره حدود ۱۰۰۰ نفر برآورد شده است. هرچه تعداد گردشگران، کوه‌پیمایان، کوه‌نوردان و اسکی‌بازان در منطقه‌های کوهستانی

از یک توده برف کوچک نمی‌توانست تشخیص دهد. در این مجموعه مقاله‌ها سعی شده است اجتناب از برخورد با بهمن، مسیریابی خوب و اجتناب از شیب‌های بهمن خیز و دوری جستن از مناطقی که فصل یا موعد ریزش و سرازیر شدن بهمن زیاد است بررسی و مطرح گردد. البته در فصل زمستان و در زمان ریزش بهمن کوه نوردان با آگاهی از مشخصات بهمن و موقعیت سقوط و ریزش آنها در محیط کوهستان باید از فاصله دور آنها را مورد مطالعه و مذاقه قرار تا قبل از مواجهه با آن چاره‌اندیشی نمایند.

#### سفر در منطقه بهمن خیز

هرگاه شخص در منطقه‌ای کوه نوردی یا اسکی می‌کند که شیب برف در آن منطقه در حدی است که امکان لغزش و سرازیر شدن آن وجود دارد، باید بداند که در منطقه بهمن خیز حرکت می‌کند و باید توجه داشته باشد که احتمال حرکت بهمن در این شیب چند درصد و عواقب آن نیز چه خواهد بود. اغلب مردم تصور می‌کنند که سقوط بهمن فقط به فصل زمستان اختصاص دارد در صورتی که یک برف شل شده به ضخامت ۵ سانتی‌متر در تابستان می‌تواند کوه نورد را تالیه صخره نیز بلغزاند و می‌تواند همان خطری را داشته باشد که یک اسکی‌باز روی یک قالب برف به عمق ۵۰ سانتی‌متر در زمستان با آن مواجه می‌شود. اولین قانون برای سفر و حرکت در منطقه بهمن خیز اجتناب از تردد در این منطقه است. برای حرکت بهمن باید برف در دامنه‌ای که دارای شیب مناسب برای لغزیدن است خوابیده باشد لذا باید عبور از دامنه‌هایی با شیب زیاد اجتناب شود.

می‌کنند و مابقی کسانی هستند که مطابق مشاغلی که دارند در مسیر سقوط و حرکت بهمن قرار می‌گیرند. حدود ۵۰ الی ۶۰ درصد کسانی که گرفتار بهمن می‌شوند نجات می‌یابند و از میان نجات‌یافتگان حدود ۶۰ درصد از آنها خود برای نجات تلاش کرده‌اند و یا به علت نمایان بودن قسمتی از بدن یا وسایل همراه نجات یافته‌اند. آمار و ارقام نشان می‌دهد که اگر شخص در زیر برف بیش از دو متر مدفون شود شانس نجات او تقریباً هیچ است. زمان مهم‌ترین عامل تاثیرگذار در حوادث سقوط بهمن است و هر شخص باید مدنظر داشته باشد. احتمال نجات شخص مدفون در زیر بهمنی که چند دقیقه از ریزش آن گذشته و ساکن شده است ۸۰ درصد است. بررسی‌های محققین اروپا در این حوادث نشان می‌دهد در مقابل هر ساعتی که شخص در زیر بهمن باقی بماند شانس زنده ماندن او نصف می‌شود. مثال اگر شخص یک ساعت در زیر بهمن مدفون باشد شانس زنده ماندن او ۴۰ درصد است و اگر دو ساعت به طول انجامد شانس زنده ماندن او ۲۰ درصد خواهد شد و اگر نیم ساعت از این زمان بگذرد شانس زنده ماندن شخص فقط ۵ درصد خواهد شد. بعضی مواقع قربانیان حادثه سقوط بهمن بی‌توجه به هشدارهای مختلف راه خود را ادامه می‌دهند و در مواقع دیگر آنها حتی از احتمال سقوط و ریزش بهمن بی‌اطلاع هستند. اغلب قربانیان نمی‌دانند برای عبور از منطقه بهمن خیز باید چه مسیری را انتخاب کنند که صحیح و بی‌خطر باشد. افراد عموماً نسبت به شیب‌هایی که بالقوه بهمن خیز بی‌اطلاع‌اند و برخی دیگر اصولاً نمی‌دانند خطرات بالقوه یک بهمن چیست؟ برای مثال شخصی را از زیر بهمن نجات دادند که او چندین سال کوه نورد و اسکی‌باز بوده است ولی تا آن تاریخ بهمن را



**تولیدی تجهیزات کوهنوردی**

# سالوک

✓ انواع پوشاک گورتکس شامل کاپشن، شلوار، دستکش و کتر

✓ کیسه خواب الیاف و پر در سایزها، مدلها و رنگهای متنوع

✓ کیسه بیواک، کاور کوله و غیره

**SALUK**  
www.salukmount.com

آدرس: خراسان شمالی - بجنورد  
صندوق پستی ۱۵۸۱ - صفری

۰۹۱۵۵۸۴۰۹۳۱ ☎

اگر کوه نورد و یا کوه نوردان برنامه صعود به ارتفاعات دامنه کوه بلندی را در نظر دارند که شب آن هم زیاد است و هم خطرناک. باید نکات بیشتری درباره تخمین خطرات سقوط بهمین را مدنظر داشته باشند. باید احتمال سرازیر شدن بهمین در زمان جاری و در آینده و خطرات آن را تعیین کند و این عمل براساس اطلاعات و معلومات او خواهد بود.

باید خود را برای رودررویی با رخدادهای در نتیجه خستگی، تاریکی شب، نقص فنی ادوات، اوضاع جوی و سقوط بهمین آماده نماید.

### برنامه ریزی برای سفر به منطقه

اگر قبلاً شما تور خارج از پیستهای اسکی یا تورهایی کوه نوردی در مناطق بکر انجام نداده باشید سعی کنید تا آنجا که ممکن است هرچه زودتر و بیشتر در این زمینه اطلاعات جمع آوری کنید. از کتاب راهنمای منطقه ای هر کتابی که بتواند اطلاعات لازم را بدهد استفاده کنید. به مجلات، انتشارات و گزارشات گروههایی که قبلاً در آن منطقه بودند و دارای آمار و ارقام هستند مراجعه کنید و از توصیههای دوستان کوه نورد که برنامههای نظیر را اجرا کرده اند و منابع اطلاعاتی خوبی هستند استفاده کنید.

مسیر خود را روی نقشه پیاده کنید. تعیین کنید مساحت آن چقدر است و برای طی مسیر چه مدت زمان لازم است. در نظر بگیرید که هنگام اجرای برنامه خود چند ساعت از نور طبیعی استفاده خواهید کرد. مسیری را که طی می کنید بر روی کاغذ نوشته و نزد آخرین معتمد محل و ساکن منطقه باقی گذارید.

اگر هنگام اجرای برنامه مواجه با مرحله ای می شوید که برای انتخاب مسیر باید تصمیم گیری جدید بنمایید. برای این کار وقت بگذارید نقشه را از داخل کوله خارج کنید و با مطالعه دقیق تصمیم جدید خود را اتخاذ کنید در این کار عجله نکنید. اما اگر عهده دار سرپرستی یک گروه هستید آن قدر مغرور نباشید که عقاید دیگران را جویا نشوید. درباره مسیرهای جایگزین با اعضا گروه بحث و تبادل نظر کنید. اغلب حوادث کوهستان شامل حوادث ناشی از سقوط بهمین در اثر خطای مستقیم یا غیرمستقیم دو اشتباه است اولی تاخیر در شروع حرکت و دوم مسیریابی ضعیف.

### سرپرستی گروه

هر باشگاه ورزشی که دارای فعالیت در منطقه کوهستانی در زمستان و تابستان را دارد باید سرپرست یا مسئول صلاحیت دار و باتجربه داشته باشد. آمار حوادث بهمین نشان می دهد اغلب سرپرستهای گروههای زمستانی درگیر در

حوادث بهمین که گفته شده است دارای سوابق زیاد در فعالیت های کوهستانی در زمستان بوده اند نسبت به مسائل درگیری با بهمین یا اطلاعات ضعیف داشته اند، یا اصلاً اطلاعات نداشته اند. اگر اعضای گروهی دارای قدرتهای صعود متفاوت و تجربیات ناهماهنگ باشند باید از نظر رهبری گروه بسیار دقت شود. باید موارد اساسی درباره سرپرست گروههایی که در مناطق کوهستانی در زمستان یا حتی در تابستان فعالیت دارند در نظر گرفته شود. این موارد جهت یادآوری ارائه می شود و تقریباً یک چک لیست یا فهرست موارد کنترل برای کسانی است که می خواهند برنامه های گردشگری- کوهپیمایی- کوه نوردی و اسکی در مناطق کوهستانی انجام دهند.

۱- برنامه سفر خود را کاملاً "طرح ریزی کنید: طرح برنامه سفر به مسیر حرکت منحصر نمی شود بلکه وسایل و ادواتی که به وسیله اعضای گروه حمل شود را هم شامل می شود.

۲- توانایی و ظرفیت اجرایی هر یک از اعضا گروه را تخمین بزنید: سختی مسیر را با توانایی و ضعف اعضا گروه بررسی کنید.

۳- سرعت حرکت گروه را در نظر بگیرید: در این صورت اعضا گروه زود خسته و فرسوده نمی شوند. سرپرستهای غیر حرفه ای اغلب با به کار بردن سرعت های بی مورد اعضا گروه را تا حد فرسودگی خسته می کنند.

۴- اعضا گروه را نزدیک هم نگهدارید: سعی کنید اعضا گروه پخش نشوند و دور از هم قرار نگیرند ولی در مناطق بهمین خیز اعضا گروه نباید خیلی به هم نزدیک و چسبیده باشند. در گروه های با تعداد اعضا زیاد همیشه باید نفر آخر مشخص و ثابت باشد. در اسکی گروهی باید همیشه در چند نقطه از مسیرهای بلند اعضا کنترل شوند.

۵- انتخاب مسیر: سرپرست گروه باید مسیر را مطابق با قدرت اعضای گروه در نظر و انتخاب کند.

۶- آشنایی با وضعیت برف و وضعیت جوی منطقه: سرپرست گروه باید نسبت به وضعیت برف مطابق با وضعیت جوی در هر فصل و امکان ریزش و سقوط بهمین در آن منطقه آشنایی کامل داشته باشد.

۷- ناوبری (تعقیب مسیر تعیین شده): سرپرست باید اطلاعات و کارایی کامل در نحوه حرکت با استفاده از نقشه و قطب نما را داشته باشد تا در شرایطی که همه چیز در اطراف او در اثر پدیده های جوی نظیر مه غیرقابل تشخیص است، درمانده نشود.

۸- توانایی تعمیر و تعویض وسایل معیوب: سرپرست گروه باید اطمینان داشته باشد که تعداد کافی وسایل یدکی در گروه دارد تا در صورت لزوم بتواند

## دکتر موسی حاتمی عضو گروه کوه نوردی بابک زنجان

به تاریخ ۸۴/۸/۱ بسان پرستوهای مهاجر پر کشید و به ابدیت پیوست.

عزیزی که وقار و آرامش را از سبلان بزرگ بخشندگی و گشاد دستی را از باران های بهاری و هستی سبزش را از جنگل های سرفراز به عاریت گرفته بود.

پرواز فاتح قله های رفیع رادمردی و معرفت بر خانواده های بزرگوار حاتمی و امیری تسلیت باد.

گروه کوه نوردی بابک زنجان

## دکتر حمید مساعدیان

عضو کمیسیون پزشکی اتحادیه جهانی کوه نوردی UIAA

دبیر کمیته پزشکی فدراسیون کوه نوردی

کارشناس پزشکی بیماری های ارتفاع و طب ورزش

سرمازدگی، مشاور صعود ایمن به ارتفاعات بلند

تلفن مطب: ۰۲۲۱-۳۵۸۳۲۶۷

تلفن همراه: ۰۹۱۲-۱۹۱۰۱۰۵

وسایل زمستانی نظیر کراپون- کنگ یخ و نظیر آن‌ها را تعمیر کند. شکسته شدن و از کار افتادن وسایل یکی دیگر از دلایل غیرمستقیم خسارت‌های جانی هنگام درگیری با بهمن می‌باشد.

۹- تجسس و نجات: سرپرست گروه باید کارآیی سازماندهی تیم نجات در مواقع بروز حادثه در اثر سقوط بهمن در مناطق کوهستانی را داشته باشد. به ویژه مناطقی که دور از سکونت باشد. ضمناً سرپرست باید نسبت به کارگیری وسایل کمک‌های اولیه در برابر این نوع حوادث آشنایی کامل داشته باشد تا بتواند نجات یافتگان را تا رسیدن گروه‌های تجسس و نجات اصلی زنده نگهدارد.

فراموش نکنید هرگز در مناطق کوهستانی و بهمن خیز به تنهایی سفر نکنید. بارها مشاهده شده است که شخص حادثه‌دیده در اثر سقوط بهمن حتی جاننش را از دست داده فقط به علت آن که کسی به همراه او نبوده است که او را نجات دهد و یا حادثه را به دیگران برای کمک خبر دهد و او در زیر ۳۰ سانتی‌متر برف مدفون و خفه شده است.

#### انتخاب گروه:

به خاطر بسپارید هنگام انتخاب اعضای گروه کسانی را انتخاب کنید که تقریباً سرعت حرکت آنها یکسان باشد. انتخاب سرعت مناسب برای حرکت گروه باید مطابق با سرعت عضوی باشد که آهسته‌تر حرکت می‌کند. تجربه کم برای کوه نورد و اسکی‌باز توانایی‌های محدود ایجاد می‌کند و عکس آن نیز صادق است هرچه تجربه بیشتر باشد توانایی او هنگام بروز حوادث غیرمترقبه نیز بیشتر خواهد بود. بنابراین در جمع می‌توان چنین نتیجه گرفت یک شخص

کم تجربه با توان کم در اسکی و کوه نوردی سبب کاهش سرعت حرکت و جابه جایی گروه می‌شود. توصیه نمی‌شود چنین اشخاصی کنار گذاشته شوند زیرا در هر حال اشخاص کم تجربه نیز باید روزی دارای تجربه شوند. پس می‌توان در بعضی از برنامه‌ها هدف و فعالیت گروه را کاهش داد و زمان اجرا را طولانی کرد تا آنها نیز بتوانند با دیگر اعضای باتجربه همراه شوند و از آن‌ها کسب تجربه کنند.

در مناطق بهمن خیز گروه باید تقریباً هم‌آهنگ حرکت کند. هیچ یک از اعضا نباید خیلی جلوتر از گروه حرکت کند که فقط زمان صرف نهار گروه به او برسد.

برعکس هیچ عضوی نباید آن قدر عقب باشد و دور از گروه که آخرین نفر قبل از خود را برای چندین دقیقه نبیند. هنگام خراب شدن وضعیت جوی آنهایی که نفرات اول گروه هستند سعی دارند گروه تندتر حرکت کند در حالی که نفرات آخر و ضعیف گروه سعی دارند سرعت حرکت گروه آهسته شود. در چنین حالتی سرپرست گروه باید توجه خود را به کنترل نفرات اول و آخر گروه معطوف دارد و سرعت آنها را یکسان کند. از نقطه نظر روان‌شناسی و از نقطه نظر گرم نگهداشتن اعضا بهتر است که مسیر را با قدم‌های آهسته و مداوم طی شود تا آن که بعضی از اعضا تند حرکت کنند و سپس بایستند و منتظر دیگر اعضا بشوند.

#### یک مسیر مطمئن انتخاب کنید.

اگر برای سقوط یا ریزش بهمن بزرگ یا خیلی بزرگ مثلاً هشدار داده شده است و ممکن است منطقه مورد نظر حرکت شما را دربرگیرد بنابراین شما هم

## کمک‌های اولیه در کوهستان و طبیعت

\* کتابی مفید برای همه کوه نوردان

\* اولین کتاب منتشر شده در مورد اصول امداد در کوهستان

\* شامل:

- اصول اولیه کمک‌های اولیه (علایم حیاتی، شکستگی‌ها، سوختگی‌ها، گزش‌ها و ...)

- مشکلات خاص کوهستان (بیماری کوهستان، گرم‌زدگی، سرمازدگی و یخ‌زدگی)

\* تمام اصول امداد و کمک‌های اولیه به تفصیل در این کتاب آمده است.

\* مطالب این کتاب با زبانی ساده و در عین حال دقیق نوشته شده است تا مورد استفاده همگان قرار گیرد.

\* در پایان هر فصل اقدامات تخصصی جهت استفاده پزشکان بیان شده است.

\* این کتاب به کوشش «دکتر فرید عباسی دزفولی» و «دکتر شهرام دانش فر» که در قطع پالتویی تهیه شده است تا یاور شما در همه برنامه‌های کوه نوردی باشد و هنگام حادثه شما را در تصمیم‌گیری صحیح توأم با آرامش یاری دهد.

جهت تهیه کتاب با شماره همراه ۰۹۱۲۲۷۹۲۹۲۵ تماس بگیرید.



قسمت‌های پیچیده و عملیات مرکب برنامه را حذف کرده و به جای آن برنامه‌ای طرح‌ریزی کنید که ایمنی آن کاملاً رعایت شود. برنامه‌ای در نظر بگیرید که از زیر شیب‌هایی که امکان سقوط بهمن در آن وجود دارد عبور نکنید حتی اگر خود شما نسبت به حوادث سقوط بهمن و عواقب آن کاملاً باتجربه و ماهر باشید. هشدارهایی که از مراکز مختلف صادر شده است در نظر بگیرید و مقایسه کنید آیا این هشدارها که این اشخاص کارشناس صادر کرده‌اند با آنچه که شما تخمین می‌زنید برابر است و یا متفاوت.

#### از شیب‌های تند اجتناب کنید.

هنگامی که هشدار احتمال ریزش بهمن داده می‌شود باید به شیب‌های خارج از بیست اسکی توجه شود زیرا امکان ریزش بهمن در چنین مسیرها وجود دارد. شما باید احتیاط اولیه را در نظر بگیرید و اسکی‌بازها در شیب‌های گسترده باید حدود پنجاه تا یکصد متر دور از هم و در شیب‌های تنگ بلافاصله پس از عبور از هم دور شوند. از اسکی کردن در دامنه‌های خارج از بیست با شیب بیش از ۲۰ درجه اجتناب کنید به عبارت دیگر در شیبی که اسکی‌باز کراس کانتری (اسکی‌باز فرامنطقه‌ای) احساس می‌کند که سرعت حرکت او دو برابر میانگین سرعت او با اسکی است در آن شیب احتمال شکسته شدن برف و حرکت بهمن وجود دارد. امن‌ترین مسیر برای اسکی‌بازان کراس کانتری در پایین‌ترین قسمت شیب و یا در بالاترین قسمت شیب است.

#### غذا و آشامیدنی:

غذا و آشامیدنی به مقدار معمول روزانه بخورید. بسیاری از مردم تصور می‌کنند که فقط با خوردن شیرینی و تنقلات فراوان می‌توانند ضعف و کمبود انرژی خود را در برنامه جبران کنند. در یک شرایط اضطراری ریزش بهمن این خیلی مهم است که نجات‌یافتگان و بازماندگان از حادثه سقوط و ریزش بهمن انرژی کافی برای جستجو و نجات قربانیان دیگر داشته باشند.

#### بهترین مکان توقف:

مکان توقف باید کاملاً دور از منطقه حرکت و پیشرفت بهمن و یا شیب‌هایی که انرژی اولیه سقوط و ریزش بهمن را تامین می‌کند، باشد. خانواده‌هایی که در زمستان یا تابستان هنگام گردشگری عادت به صرف ناهار یا غذا در یک شیب باز با منظره زیبایی طبیعت را دارند ولی بی‌خبر از آن که بهمن آماده ریزش است و ممکن است هر لحظه و در همان زمان بالای سر آنها به حرکت درآید، باید توجه داشته باشند.

#### محل‌های برقراری چادرها و کمپ:

چادر خود را در شیبی که می‌تواند برف کافی جمع کند و آن را به پایین براند برقرار نکنید. بهمن‌های حاصل از برف گسترده و ضخیم و یک تکه می‌توانند حتی در شیب‌های کمتر از ۲۵ درجه نیز شکل گیرند و نکته مهم آن است که خطر ریزش بهمن همیشه مشخص نیست. در منطقه‌ای گروه نجات در حال جستجوی دو دانشجوی مدفون در زیر بهمن بودند و اغلب اعضا گروه نجات خود از پرسنل تجسس و نجات با سابقه بودند. آنها در اثر بی‌دقتی حتی احتمال سقوط و ریزش بهمن دیگر را پیش‌بینی نکرده بودند حتی با آگاهی از آن که آخرین بهمن ۲/۵ روز قبل در همان منطقه سرازیر شده بود. گروه نجات خود گرفتار بهمن دیگری شدند که با سرعت از آن دور شدند. در بررسی انجام شده مشخص شد این شیب که در بالای کمپ کلاس‌های یخ و برف گروه کوه‌نوردان قرار دارد خود برای برف‌نشسته در آن منطقه شرایط ناپایدار ایجاد کرده بود ضمناً

شرایط جوی نیز مزید بر علت گشته و برف سرازیر شده است. برف روی شیب ناپایدار و هوای گرم اواسط ماه آوریل پوسته نازکی از آب و یخ بر روی برف ایجاد کرده و پس از بارش دو روز متوالی برف به ضخامت ۵۰ سانتی‌متر و سپس دما سریع کاهش می‌یابد و چند روز پس از آن ۲۹ کوه نورد برای رسیدن به محل کمپ خود با زحمت از شیب بالا می‌روند. در این روز آسمان صاف و دما هم افزایش می‌یابد انتظار می‌رفت یک وضعیت آب و هوایی خوب در پیش‌رو باشد. اما وزش باد به سرعت شدت یافته و برف را به تدریج برداشته و در مکانی بالاتر از چادرها می‌ریزد پس از چندی تندباد افزایش یافته و برف بیشتری در بالای محل استقرار چادرها جمع می‌کند و شرایط به قدری بد می‌شود که آنها تمرینات کلاس یخ و برف خود را متوقف می‌کنند و پس از آن ساعت ۸/۵ صبح برف عظیمی که در ارتفاعی حدود ۵۰۰ متر بالاتر از محل استقرار چادرها جمع شده بود شکسته شده و به شکل بهمن به پایین و به سوی چادرها سرازیر می‌شود و اعضا گروه را همراه با چادرهایشان به پایین می‌غلطاند و بعضی‌ها را نیز در زیر خود مدفون می‌کند. در این مرحله از سقوط بهمن بعضی‌ها با استفاده سریع از کلنگ برف و یخ و یا حتی تیرک چادر برای سخمه زدن توانستند از حرکت بیشتر چادرها جلوگیری کنند و این عمل کمک موثری بود برای جلوگیری از مدفون شدن تعداد بیشتر آنها در زیر بهمن.

وقتی فکر می‌کنیم که هنگام حادثه بهمن چرا بعضی‌ها می‌توانند جانشان را نجات دهند و زنده بمانند و دیگران جانشان را از دست می‌دهند مشاهده می‌شود اغلب این موارد به استقرار چادر مربوط می‌شود. چادرهایی که برای استقرار حدود ۲ متر در عمق برف موجود در شیب نصب می‌شود. هنگام ریزش بهمن اشخاص داخل چادر همگی زیر بهمن مدفون می‌شوند ولی چادرهایی که در شیب تا حدود ۲۸ درجه و روی سطح برف نصب می‌شود فقط بعضی از افراد داخل چادر زیر بهمن دفن می‌شوند. غارهای برفی یا اطاقک‌های برفی که داخل برف ساخته می‌شود هنگام ریزش بهمن ممکن است ورودی آن مسدود شود بنابراین به همراه داشتن بیل یا بیلچه در داخل اطاقک ضروری است تا هنگام مسدود شدن ورودی آن از داخل نیز امکان نجات فراهم شود. هرچند حفر اطاقک‌های برفی در شیب‌های تند به هنگام لغزش برف و عبور آن از بالای اطاقک‌ها و همچنین خطر کمتر بهمن مفید است ولی باید دقت کرد شیبی انتخاب شود که خطر ریزش بهمن به حداقل خود برسد. چادر خود را در مکان‌ها و شیب‌هایی مثل مسیرهای پیش‌بینی شده حرکت بهمن برف یا بعضاً مسیر حرکت خرده سنگ‌ها مستقر نکنید. در شرایط مساعد نصب چادر حتی در بالای تنگه‌های برفی نیز مناسب نیست حتی در بالای یال آنها. در بررسی درباره علل چهار کوه نوردی که در یک برنامه زمستانی در زیر بهمن قرار گرفتند چنین به دست آمد که آنها در تمامی مدت روز تا بعدازظهر در امتداد یک تنگه و دالان طولانی برف که موازی مسیر تابستانی بود صعود کردند حدود ساعت ۵ بعدازظهر در نزدیکی بالای یال آنها تصمیم گرفتند شب‌مانی را در همان‌جا انجام دهند. برف زیاد و سنگینی که در داخل تنگه و دهلیز تلبار شده بود به وسیله برف ضعیف زیرین و چسبیده به زمین نگهداری می‌شد و قادر بود وزن چهار کوه نورد و برف تلبار شده را نگهدارند ولی وقتی کوه نوردان برای ساختن اطاقک برفی در نزدیکی یال آن را گود کردند مقاومت برف زیرین کم شد و مضافاً بر آن که افزایش دما در طی روز نیز سبب شده بود برف در آن نقطه ناپایدار شود و بهمن از همان ارتفاع حرکت کرده و چهار کوه نورد را به پایین بغلتاند. متأسفانه سه نفر از آنها جانشان را از دست داده و فقط یک کوه نورد نجات یافت. معمولاً یال‌ها از نظر نصب و استقرار چادر مناسب هستند ولی باید نسبت به شیب پشت کوه نیز توجه نمود. در یک حادثه مشاهده شده که در یک وضعیت جوی خیلی بد در اول زمستان برف زیادی در قسمت پشت کوه تلبار شده بود و با پایان یافتن بارش برف

جهت باد دفعتاً عوض شده و تقریباً خلاف جهت قبلی می‌وزد و این باد قوی جدید برف را در قسمتی تلبار می‌کند که قبلاً از نظر چادر زدن محل امن بوده است. برف تلبار شده کتیبه مانند بالا سر کوه نوردان گسترش یافته و تبدیل به توده عظیم برف می‌شود و چند ساعت بعد از نصف شب این برف یک تکه و کتیبه مانند و بسیار بزرگ شکسته و مانند یک تخته یخ بزرگ از جا کنده شده و به سمت پایین حرکت می‌کند. هر چند بعضی اوقات این نوع بهمن پس از حرکت چند تکه شده و خطر آن کاهش می‌یابد ولی با وجود آن موج برف‌های سرازیر شده خطرات جانی به همراه دارد.

#### برگشت پس از پایان برنامه

دو مورد ایمنی نسبت به برگشت از برنامه کوه گشت و کوه نوردی را باید در نظر داشت اول آن که شما در تاریکی نمی‌توانید منطقه و مسیر حرکت را به خوبی تشخیص دهید. مسیری که شما در تابستان و با مشکلات در شب طی می‌کنید همان مسیر در زمستان خطرات زیادی در بردارد.

دوم: اگر شواهدی وجود دارد که برف ناپایدار است مانند نشانه‌هایی مبنی بر بهمن جدیدی که قبلاً در شیب‌های اطراف مسیر حرکت شما ریزش کرده است. فقط زمانی که اطمینان دارید شما در مسیر حرکت بهمن عبور نمی‌کنید می‌توانید آن مسیر را ادامه دهید. بعضی اوقات تصمیم از نیمه راه مسیری که در نظر بود طی شود جسارت فکر و جرات انجام کار می‌خواهد به ویژه برای سرپرست گروهی که اعضای آن یک پارچه هستند. هیچ کس در گروه دوست ندارد برگردد مگر آن که آنها یا ضعیف شده یا سردشان شده باشد در روزهای گرم آفتابی کمتر اشخاصی هستند که درباره بهمن و خطرات ریزش آن فکری کنند حال اگر شما به عنوان سرپرست گروه تصمیم به مراجعت دارید باید تمامی شرایط و دلایل برگشت را برای اعضا کاملاً توضیح دهید.

#### راه پیمایی هنگام طوفان:

بعضی اوقات هنگام بارش برف و طوفان شدید هیچ راهی به جز عبور از منطقه بهمن خیز یا منطقه‌ای که امکان ریزش بهمن وجود دارد نیست. نظر به این که بزرگترین خطر ریزش بهمن هنگام وقوع یا بلافاصله بعد از وقوع طوفان برف می‌باشد بنابراین نهایت کوشش خود را به کار گیرید که در ساعات اولیه بارش برف به یک منطقه امن برسید. افزایش انباشت برف را مرتباً بررسی و مدنظر داشته و به جهت باد نیز توجه نمایید. از رسیدن به مقصدهایی که دارای شیب تند است و مستقیماً بهمن را به حرکت درمی‌آورد خودداری کنید. توجه خاصی به مسیریابی بنمایید و مشکلات حرکت در مرحله‌ای که دید اطراف کاملاً

محو شده است - اصطلاحاً همه چیز بی رنگ شده است - را در نظر داشته باشید. بنابراین وقتی وارد منطقه‌ای می‌شوید که امکان ریزش بهمن وجود دارد قبلاً آن را بررسی کرده نسبت به خطرات آن آگاهی کامل داشته باشید از مقصدها و انتهای مسیرهایی که به منطقه سقوط بهمن ختم می‌شود اجتناب کنید. وقتی که تمامی گروه در یک زمان مواجه با خطر می‌شود. سرعت حرکت افراد کاهش می‌یابد. و همگی تقریباً در یک جا دسته می‌شوند. اتفاقی که در چند سال پیش در گذرگاه سیتادل در منطقه پارک ملی بانف در کانادا برای یک گروه ۲۴ نفره از اسکی‌بازان رخ داد مدنظر می‌گیریم. اسکی‌بازها به طرف نقطه‌ای که وعده ملاقات آن‌ها با هلی‌کوپتر بود اسکی می‌کردند ضمن آن که در همان موقع کولاک برف در حال شکل گرفتن بود و آنها نیز خارج از مسیری که یک یال باز بود و بر اغلب مسیرهای منطقه که دارای درخت‌های جنگلی مشرف بود اسکی می‌کردند. حرکت افقی یا تراورس گروه سبب حرکت زود هنگام برف شده و باعث می‌گردد یکی از نفرات حدود ۳۰ متر به پایین‌تر کشانده شود. راهنما مسیری را انتخاب کرده بود که گروه باید هلی‌کوپتر را ملاقات کند اما وضعیت جوی بدتر می‌شد برف به شدت می‌بارید و دید به چند متر رسیده بود شیب بالاتر از مسیر نیز کاملاً محو شده بود. در ساعت دو بعدازظهر گروه از دامنه‌ای پوشیده از درخت‌های کاج کم تراکم عبور می‌کرد. برف موجود در شیب بالاتر که در اثر حرکت قبلی اسکی‌بازها شکسته شده بود به سمت آنها سرازیر شد و پس از عبور از میان درخت‌ها و برخورد با اسکی‌بازها هفت نفر از آنها را با خود برد و ۵ نفر را نیز در زیر خود مدفون کرد. عملیات سریع جستجو و نجات انجام گرفت و ۴ نفر از قربانیان را تقریباً نجات دادند ولی جسد یک زن اسکی‌باز که حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه پس از این اتفاق پیدا شد. زمانی که از زیر برف خارج کردند بر اثر خفگی مرده بود.

این حادثه مثال بارزی است از انتخاب مسیر بد در شرایط وقوع بهمن‌های عظیم. بنابراین پس از اولین ریزش بهمن که نشان دهنده ناپایدار بودن برف است راهنما یا سرپرست باید در مسیر پیشنهادی یا انتخاب شده تجدیدنظر کند. هنگام عبور عرضی از شیب باید مسیری انتخاب کرد که شیب کمتر باشد حتی اگر طولانی‌تر از قبل باشد و ممکن است سبب تاخیر در زمان ملاقات با وسایل انتقال دهنده گروه باشد ولی ایمنی آن بیشتر است در این حادثه خطای عمده تغییر مسیر اصلی بوده است ولی دو خطای جنبی نیز انجام شده است اول متمرکز شدن اعضا گروه در یک جا و دوم مجهز نبودن گروه به دستگاه‌های تشخیص مکان‌های حادثه دیده در زیر برف و اگر آنها این دستگاه‌ها را که معروف بیکن بهمن است به همراه می‌داشتند و از آن استفاده می‌کردند، تعداد تلفات حادثه کمتر می‌شد.  $\Delta$

**سرکار خانم مهشید مهدیان**  
 صعود جسورانه انفرادی به قله کورژنفسکایا،  
 فرود به انتهای غار پراو، صعود یخچال سیوله  
 در یک فصل را تبریک می‌گویم.  
 به امید صعودهای موفق‌تر  
 حسین عزیزی

**آقای داوود محمدی**  
 زحمات شما را در تهیه و  
 چاپ تاریخ کوه نوردی ایران و  
 روز شمار ورزش کوه نوردی  
 ارج می‌نهم و موفقیت‌های بیشتری  
 برای شما آرزو داریم.  
 از طرف اعضای کانون کوهنوردان تهران  
 محمد حسین خوان یغما



## صاعقه زدگی در کوهستان

دکتر بابک شادگان\*

هر ساله تعداد زیادی از کوهنوردان دچار صاعقه زدگی می شوند و بر اثر صاعقه زدگی یا جان خود را از دست می دهند و یا دچار آسیبهای شدید می شوند. بسیاری از این حوادث با رعایت نکات ایمنی قابل پیشگیری هستند و به همین جهت در این مقاله به بررسی این موارد می پردازیم.

- ۳- هیچگاه چادر خود را به بلندترین درختان اطراف وصل نکنید.
- ۴- در صورت شنیده شدن صدای رعد حتی با وجود آسمان صاف، احتمال وقوع صاعقه بسیار زیاد است. سریعاً خود را به مکان امن برسانید.
- ۵- سعی کنید در کوتاهترین ارتفاع ممکن قرار بگیرید. در کوهستان اگر بالاتر از خط ارتفاع درختان قرار دارید بدان معناست که شما در مرتفع ترین مکان هستید. سریعاً خود را به ارتفاع پایین تر از درختها رسانده و در فضای بین درختان کوتاه پناه بگیرید.
- ۶- وجود ابرهای تیره و افزایش باد خبر از قریب الوقوع بودن صاعقه است.
- ۷- می توان از جلیقه های ضد صاعقه استفاده نمود.
- ۸- در مکان های سرپوشیده به در، پنجره و اجسام فلزی نزدیک نشوید.
- ۹- دستگاه های الکتریکی خود را خاموش کنید.
- ۱۰- طناب هایی را که به همراه دارید بخصوص اگر خیس و مرطوب شده اند، از خود دور کنید.
- ۱۱- تنها در موارد اورژانس از تلفن استفاده کنید. امواج صاعقه به راحتی از خطوط تلفن عبور می کنند و آسیب ناشی از آنها شایع ترین علت صاعقه زدگی در مکانهای سرپوشیده است.
- ۱۲- داخل خودروها معمولاً در برابر صاعقه زدگی امن است.
- ۱۳- هیچگاه به یک خودرو تکیه نکنید.
- ۱۴- از دوچرخه یا موتور فاصله بگیرید.
- ۱۵- در کوهستان از رودخانه ها فاصله بگیرید چرا که آب هادی خوب جریان الکتریسیته است و می تواند جریان الکتریسته را تا فاصله زیادی از آب هدایت نماید.



گاوهایی که بر اثر صاعقه در کنار نرده های فلزی مرده اند

صاعقه نوعی تخلیه الکتریکی قابل رویت است. تخلیه الکتریکی می تواند بین ابر و زمین، ابر و ابر، داخل یک ابر یا بین ابر و هوا ایجاد شود. معمولاً تخلیه الکتریکی چندین بار به طور متناوب صورت می گیرد در نتیجه صاعقه به صورت جرقه های لرزان دیده می شود. اگر از یک صاعقه فیلمبرداری کرده و فیلم را به صورت آهسته نگاه کنیم متوجه می شویم که یک صاعقه از چندین جرقه هم مسیر تشکیل می شود. هنگامی که برق با سرعت بالا یک مسیر را به شدت گرم می کند، گازهای این مسیر سریعاً گرم و منبسط می شوند و این انبساط ناگهانی باعث بروز صدای رعد می شود. دمای تخمینی مرکز یک صاعقه نزدیک به ۵۴۰۰۰ درجه فارنهایت است یعنی ۶ برابر گرم تر از سطح خورشید است. شدت جریان الکتریکی یک صاعقه نیز به طور متوسط ۳۰۰۰۰ آمپر است. یعنی انرژی یک صاعقه می تواند یک لامپ ۱۰۰ وات را تا ۳ ماه روشن نگاه دارد. هر چند دمای صاعقه بسیار زیاد می باشد ولی به علت زمان بسیار کم شارژ الکتریکی معمولاً سوختگی های جدی کمتر برای صاعقه زدگان اتفاق می افتد و تقریباً هیچگاه در اثر صاعقه شعله ایجاد نمی شود. در بسیاری از موارد نیز به علت این که جریان الکتریکی تمایل دارد در سطح اجسام حرکت نماید افراد کمتر دچار آسیب می شوند. بیشترین شیوع آسیبها در مواردی است که جریان الکتریکی از قلب یا ستون فقرات فرد عبور نماید.

### شیوع:

در هر لحظه نزدیک به ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ رعد و برق در جهان اتفاق می افتد. بر اساس آمار موجود در ۳۴ سال گذشته بیش از ۷۰۰۰ آمریکایی به علت صاعقه زدگی فوت کرده اند. یعنی سالیانه حدود ۷۵ تا ۱۵۰ نفر به علت صاعقه زدگی جان باخته و ۳۰ برابر این میزان افراد دچار آسیب می گردند. صاعقه در زمان تغییر فصل بخصوص بین زمستان و بهار و پاییز و زمستان بسیار شایع است اما میزان صاعقه زدگی در تابستان به علت پرداختن بیشتر افراد به فعالیت های ورزشی نظیر کوه نوردی بیشتر است.

### اصول پیشگیری:

رعایت چند نکته در پیشگیری از صاعقه زدگی در بین کوه نوردان بسیار مهم است:

- ۱- در صورت امکان با شروع صاعقه در مکان های سرپوشیده مانند جان پناه ها یا کلبه های کوهستانی پناه بگیرید.
- ۲- همواره برنامه کوه نوردی را طوری تنظیم کنید که بعد از ساعت ۱۱ صبح در مکان های مرتفع نباشید.

- ۱۶- از درختها فاصله بگیرید.
- ۱۷- از هرگونه فلز فاصله بگیرید. حتی در صورتی که وسائل فلزی با خود دارید

آنها را از خود دور کنید. از زنده های فاصله بگیرید.

۱۸- از چوبدستی فلزی استفاده نکنید.

۱۹- یکی از علائم مهم آغاز صاعقه راست شدن موهای بدن یا احساس گزگز و مورمور در پوست است در این حالت سریعاً بر روی زمین نشست، دولا شوید. هرگز به طور مستقیم بر روی زمین دراز نکشید.

۲۰- در صورتی که داخل مکان یا یک خودرو پناه گرفته‌اید تا نیم ساعت پس از شنیدن آخرین صدای رعد از آن مکان خارج نشوید.

۲۱- در شرایط صاعقه از تجمع به دور هم خودداری نمایید.

### در صورت مواجهه با فرد صاعقه زده چه کنیم؟

میزان مرگ و میر ناشی از صاعقه‌زدگی بین ۵ تا ۳۰ درصد می‌باشد. علت اختلاف این آمارها در یک نکته خلاصه می‌شود و آن هم نزدیک بودن فرد آسیب دیده به افرادی است که قادر به انجام احیا قلبی - ریوی (CPR) باشند. در صورتی که چندین نفر دچار صاعقه‌زدگی شده باشند، یک قانون اساسی در مورد ترتیب درمان این افراد وجود دارد: اول مرده‌ها را نجات بده. منطبق این قانون بر این استوار است که اغلب افرادی که بعد از صاعقه‌زدگی به نظر مرده می‌آیند در حقیقت دچار ایست قلبی-تنفسی شده‌اند و انجام سریع احیا قلبی - ریوی باعث نجات جان آنان می‌شود. انجام عمل زیر را به ترتیب مدنظر داشته باشید:

۱- سریعاً با یک مرکز امداد پزشکی تماس بگیرید. حتی اگر شما دانش کافی پزشکی داشته باشید، در نهایت نیاز به بستری کردن فرد صاعقه‌زده دارید.

۲- کمک‌های اولیه را انجام دهید. دقت کنید که راه هوایی بیمار باز باشد (مثلاً غذا یا دندان مصنوعی راه تنفسی را مسدود نکرده باشد) و تنفس و گردش خون وی برقرار باشد. در صورتی که تنفس فرد مختل گردید از تنفس دهان به دهان استفاده کنید.

۳- نبض فرد صاعقه زده را کنترل نمایید و در صورت عدم وجود نبض و ضربان قلب سریعاً به ماساژ قلبی و عملیات احیای قلبی - عروقی CPR بپردازید. بنابر این اگر شما یک کوه نورد حرفه‌ای هستید لازم است قبلاً عملیات احیا قلبی - ریوی CPR را در مراکز آموزشی فرا بگیرید و یا حداقل یک نفر در گروه کوه نوردی دارای این توانایی باشد. زیرا همان طور که قبلاً گفته شد با انجام درست این کار می‌توان به راحتی جان مصدوم را نجات داد.

توصیه اکید ما به شما این است که حتماً اصول اولیه احیای قلبی عروقی را در مراکز ویژه و تحت نظر مربیان مجرب بیاموزید. ولی به یاد داشته باشید که احیای قلبی عروقی دارای سه مرحله مشخص می‌باشد که باید در مورد بیمار صاعقه زده انجام شود.

۱- درخواست کمک:

بررسی نمایید که علائم حیاتی اولیه مصدوم چگونه است. سریعاً با اورژانس تماس گرفته و سپس به کنار مصدوم بازگردید



۲- تنفس

مطابق شکل مصدوم را به عقب برگردانید و تنفس وی را کنترل نمایید. در صورتی که تنفس مصدوم طبیعی نباشد بینی بیمار را با دست فشار دهید و سپس دهان خود را کاملاً بر روی دهان بیمار قرار دهید و در آن بدمید عمل دمیدن را تا حدی ادامه دهید که مشاهده نمایید قفسه سینه بیمار متسع می‌شود. این عمل را ۲ بار انجام دهید. مدت هر بار تنفس باید ۲ ثانیه باشد.



### ۳- ماساژ قلبی:

در صورتی که مصدوم کماکان قادر به تنفس طبیعی نباشد، باید ماساژ قلبی را آغاز نمود. دستان خود را به طور کاملاً عمودی در وسط دو پستان قرار دهید و قفسه سینه را به داخل فشار دهید هر بار باید قفسه سینه حدود ۳ سانتیمتر جابه جا شود. ماساژ قلبی باید به تعداد حداقل ۱۰۰ ماساژ در دقیقه انجام شود.

به ازای هر ۱۵ ماساژ قلبی ۲ بار تنفس دهان به دهان انجام دهید. این عمل را تا رسیدن ماموران امداد ادامه دهید.



۴- بیمار دچار صاعقه‌زدگی ممکن است دچار سوختگی، آسیب سیستم عصبی (نظیر کوری یا کری) یا اسپاسم عروق شود. به علائم این آسیب‌ها دقت کنید.

۵- در صورت سوختگی پوست، عضو آسیب دیده را با پوشش تمیز و استریل پوشانده، بی حرکت نمایید و به اولین مرکز پزشکی انتقال دهید.

۶- در صورت آسیب چشم ناشی از نور صاعقه، چشم آسیب دیده را با پوششی تمیز مانند گاز استریل کاملاً پوشانده و فرد را به اولین مرکز چشم پزشکی انتقال دهید.

### عوارض دیررس صاعقه زدگی:

۱- یکی از عوارض دیررس صاعقه‌زدگی آب مروارید است به این جهت توصیه می‌شود مصدومین تا چندین ماه پس از تریخیص از بیمارستان تحت معاینه چشم پزشک قرار بگیرند.

۲- به علت اسپاسم و تنگ شدن عروق مغز ممکن است فرد در دراز مدت دچار خونریزی مغزی گردد. لذا در صورتی که تا ماه‌ها پس از صاعقه‌زدگی فرد دچار علائم عصبی نظیر کاهش سطح هشیاری شود، باید به متخصص اعصاب مراجعه نموده و بنا بر نظر پزشک سی تی اسکن یا ام آر آی از وی به عمل آید. Δ

### باورهای نادرست و حقایق در مورد صاعقه:

باور: در صورتی که هوا بارانی نباشد صاعقه خطرناک نیست  
حقیقت: صاعقه معمولاً دور از محل باران‌های سنگین اتفاق می‌افتد!

باور: پاشنه پلاستیکی کفش یا لاستیک ماشین ما را در برابر صاعقه محافظت می‌کنند  
حقیقت: این اجسام هیچ گونه حفاظتی در برابر صاعقه ایجاد نمی‌کنند

باور: بدن افراد صاعقه زده دارای بار الکتریکی بوده و نباید به آنها دست زد.  
حقیقت: بدن این افراد هیچ نوع شارژ الکتریکی ندارد و باید سریعاً آنها را درمان نمود.

منبع: از مجموعه مقالات پزشکی کوهستان  
\*متخصص پزشکی ورزشی از دانشگاه لندن  
با همکاری دکتر دلارام مهرداد

# دور اروپا با دوچرخه



در سال گذشته به همراه همسر "خانم شبنم زنده زبان" سفری به دور اروپا با دوچرخه داشتیم که به همراه آن تلاش هایی هم برای صعود قله مون بلان و ماتر هورن انجام دادیم و فکر می کنم این فرصت پیش آمده تا بتوانیم ارمغانی هر چند ناقابل خدمت خوانندگان تقدیم نماییم. تا نظر شما بزرگواران چه باشد! با توجه به این که این سفر حدود ۵ ماه به طول انجامید و یک سال هم برنامه ریزی قبل از سفر ولی تا حد ممکن سعی نمودیم گزارش خود را خلاصه نماییم. برگ سبزی است تحفه درویش با این امید که قبول افتد.

## گزارش: علی جعفر نژاد

ایشان را دیده بودیم درخواست کمک نماییم که بلافاصله دعوت نامه هایی برایمان ارسال کرد و سفارت آن کشور هم نهایت همکاری را با ما داشت و در کمترین زمان ممکن ویزاها را صادر کرد. در طول تمام این مدت تمرینات دوچرخه سواری را ادامه دادیم و به شهرهای مختلف کشور با دوچرخه سفر کردیم و در کل حدود ۳/۰۰۰ کیلومتر رکاب زدیم. همچنین مکاتبات زیادی با سازمان ها، ارگان ها و شرکت های مختلف جهت جذب اسپانسر انجام دادیم که نتیجه چندان خوبی نداشت. فقط از طرف دو سازمان میراث فرهنگی و محیط زیست کمک هایی شاید به اندازه ۱۵٪ این سفر را با ۳۰٪ تخفیف در اختیار ما قرار داد. تصمیم داشتیم علاوه بر سفر و تلاش برای شناخت و آگاهی نسبت به فرهنگ مردم کشورهای مسیر، خودمان هم نسبت به معرفی ایران تا حدی که می توانیم اقدام کنیم. برای همین با کمک و همراهی دوست عزیزمان آقای حمید یعقوبی عکس های بسیار زیبایی از مناظر و آثار باستانی نقاط مختلف کشور جمع آوری کردیم تا بتوانیم در کشورهای مختلف نسبت به برگزاری نمایشگاه عکس و یا اسلاید شو اقدام نماییم. گرفتن ویزا تا اواخر مرداد طول کشید و ما عملاً قسمت عمده زمان سفر را که بهار و تابستان بود از دست داده بودیم. به اجبار برنامه را تغییر داده و روز ۵ شهریور از تهران با پرواز به سوئد که در شمال اروپاست، رفتیم و دوچرخه سواری را از آنجا شروع کردیم تا قبل از فرا رسیدن فصل سرما و یخبندان، آن منطقه را پشت سر بگذاریم.

سوئد کشوری ثروتمند و بسیار منضبط است و تقریباً در تمام شهرها و جاده های بین شهری آن مسیر ویژه دوچرخه احداث شده و با خیال راحت می توان رکاب زد. البته نه تنها در سوئد بلکه تمام کشورهای اروپایی دوچرخه به عنوان یک وسیله نقلیه شخصی جا افتاده و با توجه به هزینه بالای استفاده از خودرو و تسهیلات ایجاد شده برای دوچرخه سواری، اغلب مردم این وسیله را ترجیح می دهند. در استکهلم مهمان یک دوست ایرانی بودیم و بعد از این که یک نمایشگاه کوتاه در مرکز فرهنگی شهر استکهلم برگزار کردیم، رکاب زدن را شروع کردیم و در جهت غرب به سمت "اسلو" پایتخت نروژ حرکت کردیم. مسیر از میان دشت ها و مزارع بسیار

سال ۶۹ اولین بار به طور اتفاقی ولی با اشتیاق تمام به پناهگاه شیر پلا صعود کردم. بعد از سال ها فوتبال و تنیس روی میز بازی کردن، گمشده خود را پیدا کرده بودم این ورزش همانی بود که همیشه در ضمیر ناخودآگاه خود دنبال آن بودم. بودن در دل طبیعت و گشت و گذار در اقصی نقاط کشور و آشنایی با مردم و فرهنگ نقاط مختلف ایران به خصوص روستاها که خودم هم در یکی از آنها متولد شده ام. ۳ سال ملام در اطراف تهران کوه نوردی می کردم تا اینکه در سال ۷۲ با "باشگاه کوه نوردی و اسکی دماوند" آشنا شدم. فعالیت در کنار مربیان و کوه نوردان این باشگاه تمام دیدگاه هایم را نسبت به کوه نوردی تغییر داد. در سال ۷۳ با خواندن کتاب "خاطرات برادران امیدوار" که بزرگترین جهانگردان ایرانی معاصر و نیز اولین هیمالیائوردان ایرانی بودند، از شوق سفر به نقاط مختلف دنیا لبریز شدم ولی به دلایل مختلف موفق به انجام آن نشدم در سال ۷۷ تصمیم جدی برای اجرای یک برنامه دوچرخه سواری گرفتم ولی در یک حادثه امداد و نجات در کوهستان کمرم آسیب دید و حدود ۶ ماه در بستر افتادم، اما این شوق هرگز خاموش نشد تا این که در تابستان ۸۲ صعودی به قله دماوند داشتیم و در همان بالا که معمولاً توقفی چند ساعته داریم دوباره آرزوهای دیرینه به سراغم آمد و این بار تصمیم قطعی برای اجرای سفری طولانی گرفتم. بعد از برگشت به تهران موضوع را با همسرم که معمولاً همراه و همپای سفرهای بی پایانی بوده است مطرح کردم که ایشان استقبال کرده و همراهی خودشان را اعلام کردند. بلافاصله برنامه ریزی اولیه را انجام دادیم و سپس دوچرخه هایی خریدیم و تمرینات جدی را شروع کردیم. هدفمان سفر به اروپا بود و بزرگترین مشکل گرفتن ویزای سفر به اروپا. به تعدادی از سفارتخانه ها مراجعه کردیم و طرحمان را ارائه دادیم ولی یا دعوت نامه و یا معرفی نامه از طرف سازمان تربیت بدنی نیاز داشت. حدود ۵ ماه در اطاق ها و قسمت های مختلف سازمانی اعم از فدراسیون دوچرخه سواری، کمیته ملی المپیک، معاونت ورزشی سازمان و دفتر ریاست سازمان و قتمان تلف شد و آخر سر هم با توجه به بدبینی هایی که معمولاً وجود دارد گرفتن معرفی نامه میسر نشد. آخر سر مجبور شدیم از یک دوست نروژی که فقط یک هفته در ایران



کمیته اطلاع دادند که می‌توانند معرفی نامه‌هایی به کمیته ملی المپیک سایر کشورها بدهند تا در طول مسیر از امکانات آنها بهره‌مند شویم، اما بعد از اینکه در چند کشور شانس مان را در این مورد امتحان کردیم، دیدیم این معرفی نامه هیچ‌گونه ارزش و اعتباری ندارد. همچنین با استقبال و کمک سر کنسول ایران در آن شهر، یک نمایشگاه عکس در فرانکفورت، مصاحبه‌ای با یک روزنامه پرتیراژ و نیز "اسلاید شو" در دانشگاه شهر "ماینز" برگزار کردیم. از حاشیه رود راین به عنوان یکی از زیباترین قسمت‌های سفرمان به سمت شهرهای "بن" و "کلن" ادامه مسیر دادیم. در این شهر هم با همکاری مرکز فرهنگی شهر، نمایشگاه عکسی برگزار کردیم و در گردهمایی‌های مختلف ایرانیان هم شرکت کردیم. بعد به سمت هلند حرکت کردیم. غرب آلمان تماماً دارای مسیر ویژه دوچرخه‌است و در هلند نیز فکر می‌کنم مسیرهای دوچرخه سواری بیشتر از جاده‌های ماشین رو باشد. چراکه علاوه بر حاشیه تمام جاده‌ها و خیابان‌ها، در مناطق جنگلی و دشت‌های وسیع گل نیز مسیر دوچرخه وجود دارد و برای همین هم به بهشت دوچرخه سواری معروف شده است. پارکینگ مخصوص دوچرخه هم همه جا ایجاد شده، حتی پارکینگ‌های چند طبقه! با همکاری سفارت ایران در "دیوان بین‌المللی لاهه" و با همکاری چند نفر از ایرانیان در "دانشگاه آمستردام" برنامه "اسلاید شو" و سخنرانی در مورد ایران اجرا کردیم و مصاحبه‌ای هم با روزنامه‌ها داشتیم. معمولاً هم بعد از هر مصاحبه تعداد زیادی ایمیل از طرف مردم داشتیم که موجب تشویق و دلگرمی بیشترمان می‌شد. چون برنامه "اسلاید شو" دیگری را در شهر کلن داشتیم، دوباره به آلمان برگشتیم و بعد از اجرای برنامه‌ای از پیش تأیید شده، به سمت بلژیک حرکت کردیم و برای کوتاه‌تر شدن مسیر، دوباره وارد قسمت جنوبی هلند شدیم و با گذر از شهر "ماستریخت"، به بلژیک رسیدیم. چون در قسمت عمده‌ای از اروپا مرزها برداشته شده و هیچ‌گونه کنترلی به عمل نمی‌آید برای همین به راحتی می‌توان مسیر دلخواه را انتخاب کرد. در این کشور کوچک که در حقیقت پایتخت اروپاست و پارلمان اتحادیه اروپا در آن قرار دارد، با باران و هوای سرد مواجه بودیم با این حال از اغلب شهرهای آن دیدار کرده و دوستان خوبی هم پیدا کردیم. در آنجا هم با دبیر کمیته ملی المپیک دیدار داشتیم و چون خود او هم در جوانی رکابزن حرفه‌ای بوده و همیشه هم با دوچرخه سرکار می‌آمد، این ملاقات بسیار دوستانه انجام شد ولی باز امکاناتی برای اقامت نداشتند و ما مجبور به اقامت در هتل شدیم که تقریباً گران بود. در بروکسل پایتخت بلژیک اولین بار ترافیک را در اروپا مشاهده کردیم که البته آن چنان سنگین نبود. در آن کشور هم مسیر ویژه دوچرخه سواری در حاشیه تمام جاده‌ها و خیابان‌ها وجود دارد و گرچه هوا سرد بود ولی استفاده از دوچرخه همچنان معمول بود.

از موزه‌ها، بناها و یادبودهای زیادی بازدید کرده و در مسیرمان به فرانسه از بنای یادبود جنگ واترلو (جنگ معروف ناپلئون بناپارت) دیدن کردیم. اواسط آبان ماه وارد فرانسه شدیم. چند کیلومتر اول تحت تأثیر بلژیک، مسیر ویژه ایجاد شده بود ولی در ادامه مجبور به استفاده از جاده ماشین رو شدیم که رانندگانش چندان در قید رعایت مقررات نبودند و رانندگی‌شان بر خلاف سایر کشورهای اروپایی، تفاوت چندانی با رانندگی در ایران نداشت. سربالایی و سرازیری مسیر زیاد شده و هوا اغلب گرفته و بارانی بود و در تمام مناطق مردم مشغول کشت پاییزه با ماشین آلات بزرگ کشاورزی بودند. جالب توجه این که ما در هیچ جای اروپا در حاشیه جاده‌ها مراکز صنعتی تولیدی ندیدیم و این سؤال که این همه تولیدات اروپا در کجا انجام می‌گیرد، همیشه با ما بود. فرانسه یکی از کشورهای بزرگ و قدیمی اروپاست و قسمتی از کوه‌های آلپ در آن قرار دارد و ما تصمیم داشتیم تلاشی هم برای صعود "مون بلان" انجام دهیم. به پاریس رسیدیم، شهر بسیار زیبا و شگفت‌انگیز که بر خلاف سایر پایتخت‌ها در تمام ساعات شبانه روز شلوغ و پر رفت و آمد است. شهریست که تعطیلی ندارد و برای هر کس با هر دیدگاهی امکان سرگرم شدن را داراست. از طرف سفارت مورد استقبال قرار گرفتیم و در مهمانسرای آن اقامت کردیم. با توجه به اینکه مهلت ویزای شینگن مان رو به اتمام بود باید ویزای کشورهای بعدی را می‌گرفتیم که با همکاری سفارت و در کمترین زمان ممکن این کار انجام شد. در دانشگاه سوربن نمایشگاه عکسی برگزار کردیم و مصاحبه‌هایی هم انجام دادیم و در مراسم هفته فرهنگی ایران در پاریس با عنوان "بانو زن ایرانی" حضور پیدا کردیم که کار شبانه به عنوان نمونه‌ای از تلاش یک زن ایرانی معرفی و مورد توجه بسیار قرار گرفت ولی قسمت عمده وقتمان در پاریس صرف بازدید از گالری‌ها، مکان‌های تاریخی و موزه‌ها از جمله "موزه لور" شد که قسمت بزرگی از این موزه به آثار مربوط به ایران باستان اختصاص داده شده و روزانه مورد بازدید هزاران نفر از سراسر دنیا قرار می‌گیرد.

بعد از حدود دو هفته اقامت در پاریس به سمت شرق فرانسه و شهر کوچک شامونی که در بین کوه‌های زیبای آلپ قرار گرفته، حرکت کردیم. هوا رو به سردی بیشتر و بارندگی بود با این حال ۸ روز رکب زدیم و بعد از اینکه شهر "ننسی" را که در ۸۰ کیلومتری شامونی است، پشت سر گذاشتیم بارش شدید برف مانع حرکت مان شد و بقیه مسیر را با قطار طی کردیم. شامونی جایی بود که سالها آرزوی دیدن آن را داشتیم به همراه کوه نوردی و صعود قله "مون بلان" (بلندترین و مشهورترین قله آلپ) که در جنوب آن قرار دارد. شهری در ارتفاع ۱۰۵۰ متری از دریا و احاطه شده در بین کوه‌ها. شهری که با نیم ساعت پیاده روی می‌توان به پای یخچال‌های



به خیابان های صد سال پیش وارد می شوید .  
 از ژنو در حاشیه دریاچه و در مسیر ویژه دوچرخه به سمت شهر "لوزان" (Lausanne) حرکت کردیم . این دریاچه پر از قایق های تفریحی بوده و اطراف آن مثل حاشیه دریای خزر تماما بوسیله خانه ها و ویلاها محصور شده و به ندرت می توان دریاچه را دید . هوا کماکان سرد و برفی و کاملا گرفته بود و ما از طبیعت زیبای سوئیس حاصلی نبردیم . بعد از لوزان بطرف شهر "برن" (Bern) پایتخت سوئیس حرکت کردیم و جاده ای کوهستانی و پربرف را با سرمای سخت پشت سر گذاشتیم . در این شهر دوستان سوئیسی در انتظارمان بودند و در خانه یکی از آنها مستقر شدیم ولی هر روز مهمان یکی از آنها بودیم و یک روز هم ما غذای ایرانی درست کردیم و آنها را مهمان نمودیم . با همکاری یک استاد دانشگاه ایرانی "اسلاید شو" در دانشگاه تاریخ و با کمک دوستان سوئیسی نیز "اسلاید شو" در دانشگاه کشاورزی برن و نیز با هماهنگی سفارت ایران، مصاحبه ای با روزنامه ها داشتیم . به علت برف و سرمای هوا و نیز بیلبط قطاری که دوستانمان هدیه کردند ، تصمیم گرفتیم بقیه مسیر را در سوئیس با قطار طی کنیم .

هدف بعدیمان رفتن به شهر "گرنل وال" (Grindelwald) و صعود تا پای قله "ایگر" (Eiger) و دیدن رخ معروف (North Face) بود . این شهر مکان معروفی برای اسکی است که در طول تمام سال پیست های اسکی فعال هستند و قطاری هم مسافران را تا ارتفاع ۳۴۵۰ متری میبرد و در آنجا هتلی در دل سنگ و یخ ایجاد شده و به "بام اروپا" (Top of Europe) معروف است . هزینه استفاده از این قطار ۱۵۰ یورو و هر شب اقامت در هتل ۲۵۰ یورو می باشد و در حقیقت جای طبیعت دوستان بسیار متمول است . بعد از ظهر روز اول که به این شهر رسیدیم به پای یک یخچال بسیار زیبا و بزرگ که تا نزدیک شهر پایین آمده ، رفتیم و روز بعد اول صبح صعودمان را به سمت "ایگر" که مثل هیولایی عظیم بر سر شهر سایه انداخته ، شروع کردیم و با ۳ ساعت کوه پیمایی در مسیر جاده منتهی به هتلی که در ارتفاع ۲۴۰۰ متری ساخته شده ، به پای دیواره رسیدیم . این دیواره حدود ۱۴۰۰ متر ارتفاع داشته و اغلب دارای شیب ۸۰ و ۸۵ درجه است و در آن فصل اغلب شکاف ها و حفره هایش پوشیده از یخ و برف بود و زیبایی شگفت انگیز و وهم آوری داشت . آرزو کردیم کوه نوردان و فنی کاران کشورمان نیز بتوانند این دیواره عظیم راصعود نمایند . گشتی هم در محوطه هتل و پیست اسکی (Kleine Scheidegg) زدیم که واقعا مجهبود بود ند .

سپس پایین آمده و به شهر "زرمات" (Zermatt) که قله مشهور "ماترهورن" (Matterhorn) در کنار آن قرار دارد ، رفتیم . این شهر در ارتفاع ۱۶۲۰ متری از سطح دریا و در مرز ایتالیا واقع شده قطبهای اکوتوریست اروپاست و سالانه صدها هزار نفر در این منطقه به ورزش های مورد علاقه خود از قبیل کوهنوردی ، اسکی ، سنگنوردی ، دوچرخه سواری کوهستان ، پرواز با پاراگلایدر و ..... می پردازند .

این شهر هم دارای قطارهای مخصوص ارتفاع ، تله کابین ها و پیست های مختلف اسکی بوده و قسمت عمده شهر هم از هتل ها و متل ها تشکیل شده است . روز اول بعد از غروب آفتاب به آنجا رسیدیم و صبح روز دوم اولین منظره ای که از پنجره هتل مشاهده کردیم دیواره عظیم ماترهورن بود که اولین اشعه های خورشید به آن تابیده بود و منظره بدیعی ایجاد کرده بود . هوا صاف بود و ما ابرها را در دره های پایینی پشت سر گذاشته بودیم و برای اولین بار کوهستان های سوئیس را می دیدیم . در حقیقت روزهای متمادی آفتاب درخشان را ندیده بودیم . بعد از جمع آوری نقشه و اطلاعات دقیق باز به دلیل هزینه بالای راهنما و اجاره تجهیزات ، تصمیم به یک صعود سرعتی تا پای گرده اصلی قله گرفتیم . با دوچرخه از مسیر جاده تا ارتفاع

طبیعی سرازیر شده از کوههای آن رسید . شهری که قسمت اعظم ساختمان های آن هتل یا مهمانسرا برای ارایه خدمات به طبیعت گردان است . شهری که در اطراف آن تله کابین ها و قطارهای مخصوص ارتفاع در فصل تابستان انبوه علاقمندان را جابه جا می کنند . شهری که در زمستان ها قسمت عمده مسابقات اسکی اروپا در اطراف آن برگزار می گردد . زمانی که ما به آنجا رسیدیم برف همه جا را پوشانده بود ولی هنوز فصل توریست زمستانی نرسیده بود برای همین هم شهر در حالت نیمه تعطیل بود . به "اداره کوه های مرتفع" Mountains Office High مراجعه کردیم اطلاعات کامل در مورد منطقه گرفتیم . صعود به قله در این فصل بندرت انجام گرفته و حتما هم نیازمند راهنما به خصوص بعد از ارتفاع ۴۰۰۰ متر بود . هزینه راهنما برای دو نفرمان ۲۰۰۰ یورو و هزینه اجاره لوازم مورد نیاز حدود ۵۰۰ یورو می شد که از توان ما خارج بود و برای همین هم تصمیم به یک صعود سرعتی گرفتیم تا در عرض یک روز تا هر ارتفاعی که توانستیم صعود کرده و سپس برگردیم . بعد از ظهر روز اول تا نزدیک قله صخره ای و نوک تیز "آگودومیدی" (Aiguille Du Midi) که یک "تله فریک" عظیم از طریق آن فرانسه را به ایتالیا وصل می کند صعود کردیم . در روز دوم صبح زود که هوا برفی و کاملا گرفته بود با دوچرخه از شامونی به روستای "لشو" (Les Houches) که در ۷ کیلومتری شامونی بوده و مسیر معمولی صعود به قله از آنجا شروع می شود رفتیم و توانستیم تا ارتفاع حدود ۱۸۰۰ متر از طریق جاده ای که برای کلبه های کوهستانی و و ایستگاه های قطار ارتفاعات ساخته شده با دوچرخه برویم ولی برف انبوه از پیشرویمان جلوگیری کرد و ادامه مسیر را با برف کوبی اندک شروع کردیم و از همان مسیر جاده تا ۲۱۰۰ متر و سپس از کنار خط آهن تا ۲۴۰۰ متر جلو رفتیم . برف همچنان در حال باریدن بود و پیدا کردن مسیر و برفکوبی کمی مشکل . ساعت ۱۳ پناهگاه "رفیوج-د-لت-رش" (Refuge De Lete Rousse) را در ارتفاع ۳۲۰۰ متری پشت سر گذاشتیم و تا ساعت ۱۵/۳۰ تا نزدیک پناهگاه "رفیوج-د-گوت" (Refuge De Gouter) در ارتفاع ۳۸۰۰ متری که بعد از آن مسیر تقریبا مشکل می باشد ، صعود کرده و بلافاصله سرازیر شدیم تا قبل از تاریک شدن هوا به به خط آهن برسیم . ساعت ۱۷/۳۰ به خط آهن و ۱۹/۳۰ به محل دوچرخه هایمان رسیدیم . روز بسیار خوب و پر تلاشی را پشت سر گذاشته بودیم و خوشحال بودیم اگرچه اصلا نتوانستیم به علت بدی هوا قله اصلی و اطرافمان را ببینیم . منطقه برایمان جناب بود و دل کندن مشکل . برای همین یک روز دیگر ماندیم و قله ای به نام "ل بروو" (Le Brevent) به ارتفاع ۲۵۲۵ متر را در شمال شامونی صعود کردیم . این قله دید بسیار زیبایی به سمت مون بلان داشت و ما توانستیم عکس های خوبی تهیه کنیم .

روز بعد به سمت سوئیس که به کشور کوهستانهای زیبا معروف است سرازیر شدیم . در شهر ژنو از همکاری مناسب سفارت برخوردار شده و با هماهنگی ایشان دیداری اختصاصی از مقر اروپایی سازمان ملل داشتیم و کنفرانس خبری هم با حضور تعداد زیادی خبرنگار از نقاط مختلف دنیا در مقر سازمان ملل برگزار کردیم . همچنین دیداری با قائم مقام صلیب سرخ جهانی داشته و تشکر و قدردانی خودمان را نسبت به کمک های آن سازمان در فاجعه زلزله شهر بم به ایشان تقدیم نمودیم . شهرهای مهم اروپایی اغلب در کنار رودخانه ها ، دریاها و یا دریاچه ها بنا شده و بافت تاریخی آنها اغلب دست نخورده و سالم حفظ شده اند . ژنو هم در کنار دریاچه "لمان" (Leman) واقع شده و در بالای هر کدام از ساختمانهای زیبا و قدیمی ساحل آرم یکی از ساعت های معروف سوئیس خوندنمایی می کند و محلات شهر هم دقیقا مثل دکور فیلمهای قدیمی است که اگر ماشین ها و تابلوهای پرنور از آنها حذف شود انگار

نخستین سالنامه تخصصی طبیعت گردی  
 و کوه نوردی ایران

**قنوس ۱۲۸۵**

دفتر فروش: ۰۲ - ۶۶۹۰۲۳۸۰

۰۹۱۲۱۸۹۱۳۱۷

۰۹۱۲۳۱۹۷۳۷۹

**دفتر مطالعات کوه های ایران**

کوه نوردان گرمی و هیأت های محترم کشور برای اعتلای فرهنگ طبیعت شناسی و معرفی مناطق طبیعی و ارتفاعات بکر استان خود با ما در ارتباط باشید.

\*\*\*

چاپ کتب - نقشه - کاتالوگ - تقویم با مشاوره و سفارش شما

تلفن: ۰۲۱ - ۲۲۶۱۶۷۶۱ و ۰۹۱۲۱۹۵۴۷۷۴۹

حسین نظر

۱۹۰۰ متری بالا رفتیم ولی ادامه جاده به علت حجم برف مسلود بود و برف کوبی را شروع کردیم. این جاده تا ارتفاع ۲۸۵۰ متری که انتهای یکی از تله کابین هاست، امتداد دارد و بعد از آن با حجم بیشتری از برف مواجه شدیم و از روی یک یال نسبتاً تیره ای خود را به هتل (Berghaus Matterhorn Hutte) که در ارتفاع ۳۳۰۰ متری واقع شده و در تابستان ها فعال هست رساندیم و بعد از آن به ابتدای گرده اصلی که راحت ترین مسیر صعود نیز است، رسیدیم. این گرده شبیه "گرده آلمان ها" در علم کوه بوده ولی با درجه سختی بالاتر و شکاف های یخی بیشتر. عکسی گرفتیم و به سمت هتل حرکت کردیم. یک گروه ۵ نفره آلمانی به آنجا رسیده بودند که تجهیزات فنی کامل داشته و تصمیم به صعود در روز بعد داشتند. اتاقی را که جان پناه زمستان بود باز کرده بودند. داخل که شدیم دیدیم تخت های مرتب، پتو به اندازه کافی، کپسول های گاز، اجاق خوراک پزی، انواع ظروف، تلفن اضطراری و سایر نیازمندی ها موجود است برای همین تصمیم گرفتیم یک شب در آنجا اقامت کنیم که شب بسیار خاطره انگیز بود. صبح روز

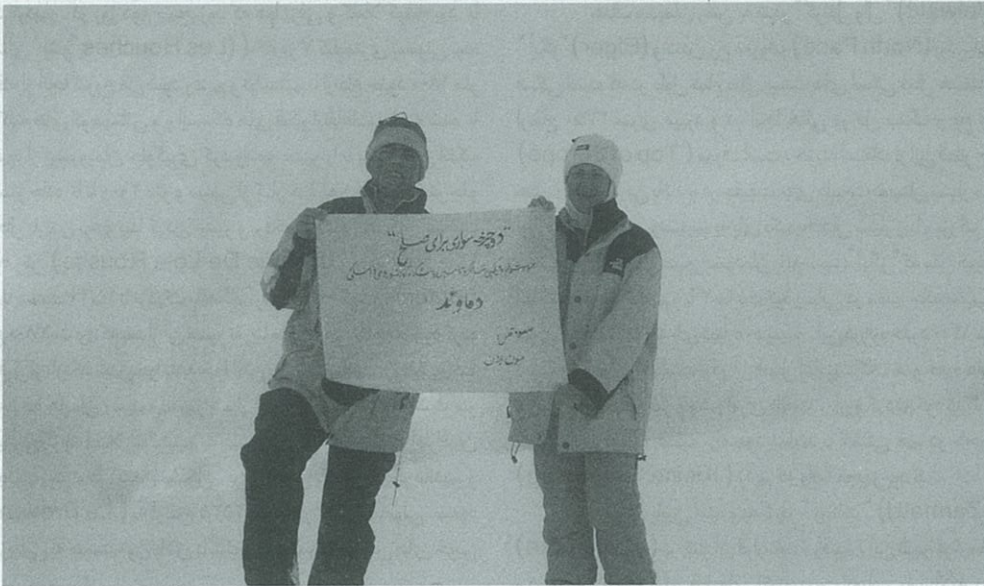
بعد تیم آلمانی بالا رفت ما هم آماده پایین رفتن شدیم بعد از صبحانه دیدیم آن تیم برگشت. ظاهراً یخ مسیر بیش از تصور آنها بوده است. پایین آمدیم و دوچرخه ها را برداشته به هتل رفتیم و لوازممان را جمع کردیم و دوباره بر دوچرخه های نازنینمان سوار شده و راه ایتالیا را در پیش گرفتیم. هوا صاف ولی دو طرف جاده انباشته از برف بود.

سوئیس و جاده های پر برف آن را

پشت سر گذاشته و وارد ایتالیا شدیم. شمال ایتالیا تقریباً هموار و بسیار زیباست بخصوص در زیر آفتاب درخشان از کنار دریاچه های بزرگ و کوچکی عبور کردیم که مناظر زیبایی داشتند. ولی کیفیت خانه های مسکونی و اتومبیل های موجود در جاده ها نشان از سطح رفاه پایین این کشور نسبت به سایر جاهای اروپا داشت و نمای بیرونی خانه ها نشان می داد که هیچ اثری از معماران تاریخ باستان خود نبرده اند. اولین شهر بزرگی که وارد آن شدیم "میلان" (Milano) بود. آثار تاریخی زیادی در این شهر وجود دارد ولی مثل ایران به حال خود رها شده اند و به غیر از قسمت مرکزی شهر، بقیه شهر کثیف بود. بازدید از شهر و نیز ورزشگاه تیم "اینتر میلان" داشتیم. هدف بعدیمان شهر تاریخی "ونیز" (Venezia) بود. از میلان به سمت شرق حرکت کردیم. مسیر هموار و باد موافق هم کمک خوبی برای پیشروی بود. بعد از حدود ۴ ماه حضور در جاده های اروپایی اولین تصادف اتومبیل را دیدیم. همچنین مردم ایتالیا هم به اندازه ما به تمیزی جاده ها اهمیت می دهند و برای همین زیاده در تمام طول مسیر پراکنده است. تکی گری را هم اولین بار در ایتالیا دیدیم. در سایر شهرها مردم هنرشان را ارائه کرده و در مقابل سرگرم کردن دیگران، مبالغ اندکی می گیرند. در مسیرمان از شهر "ورونا" (Verona) که داستان معروف "رمو و ژولیت" اثر شکسپیر در آن اتفاق افتاده گذشتیم که ظاهراً خانه ای هم به یادبود آن عشق بی فرجام بنا شده است. دور تا دور قسمت مرکزی شهر را هم دیوار عظیمی از سنگ مرمر با خنق های کناریش در بر گرفته است. به پشت دروازه ونیز رسیدیم از زمانی که سریال "مارکوپولو" را سال ها پیش دیده بودم آرزوی دیدن این شهر شگفت آور در وجود بود و الان تحقق یافته بود. ونیز شهر بیست جزیره ای که در عمق آبهای دریای "آدریاتیک" (Adriatic) بنا شده است و تنها راه ارتباطی آن به سرزمین مادر، پلی است بطول ۱۲ کیلومتر که در سال ۱۹۳۳ ایجاد شده است. دریا تا کوچه پس کوچه ها و حتی حیاط خانه ها پیشروی کرده و تنها وسیله رفت و آمد، انواع قایق های عمومی و شخصی است که در آبراه های

اصلی و فرعی شهر در حرکتند و گاهی اوقات مردم از قایق مستقیم وارد سالن پذیرایی خانه خود می شوند. کل شهر دقیقاً به یک موزه معماری می ماند. تمام ساختمان ها (به غیر از تاسیسات ایستگاه راه آهن) قدیمی و متعلق به صدها سال پیش می باشد و کوچه ها گاهی اوقات کمتر از یک متر عرض دارند. توریست هایی با ملیت های مختلف و از تمام دنیا را می توان در اروپا مشاهده کرد ولی تنها گروه توریستی ایرانی را که ما در اروپا دیدیم در این شهر بود که هدف اصلی سفر آنها هم تجارت بود نه صرفاً بازدید. گروه بسیار شیکمی بودند که مورد توجه جیب برهای زبردست ونیزی هم قرار گرفته و ۶۰۰ یورو از دست داده بودند البته ما هم خوش شانس بودیم چراکه کم مانده بود دوچرخه هایمان با تمام تجهیزات نسبی این دزدان محترم گردد. از ونیز خارج شده و دوباره در زیر ریزش باران راهی شهر "فلورانس" (ezFren) شدیم. شهری که نامش با هنر و معماری و مجسمه سازی آمیخته. آثار زیادی از "داوینچی" و "میکلانژ" در این شهر وجود دارد. ده ها کلیسای بزرگ و شگفت، با میدان گاه هایی پر از عمارت های زیبا که چشم هر بیننده ای را

محسور می کند و ارزش روزها تماشا را دارد. اطمینان خاطری که در سایر کشورها کسب کرده بودیم باعث شد که کمتر احتیاط کنیم تا دزدان قهار از ما هم بی نصیب نمانده و گوشی موبایلمان را به غنیمت!!! ببرند. مسیر مستقیم به سمت شهر "رم" (Roma) از میان کوهستان های مرکزی ایتالیا می گذشت برای همین تصمیم گرفتیم به



سمت سواحل غربی آن رفته هم شهر "پیزا" (Pisa) و هم برج کج معروف آن را ببینیم. در ایتالیا هیچ جاده مخصوص دوچرخه وجود ندارد و خودروها هم کمتر رعایت حال ما را می کردند برای همین هم هر شب با لباس های خیس و گلی به مقصد می رسیدیم و در چند هفته گذشته به علت سردی هوا در هتل اقامت می کردیم. "پیزا" شهر کوچک است که بیش از نیمی از ساختمان های آن بسیار قدیمی می باشد. و برج معروف آن در هفت طبقه و برای نگهداری ناقوس کلیسای بزرگی که در کنارش قرار دارد ساخته شده ولی بعداً به دلایل زمین شناسی به مرور زمان کج شده و الان بینندگان هر لحظه فکر می کنند برج در حال فرو ریختن است. بعد از "پیزا" بسمت جنوب در طول سواحل دریای "تیرنه" (Tirreno) رکاب زدیم که یکی از زیباترین قسمت های مسیر بود. بخصوص دو روز از سفر را در زیر تابش آفتاب طی کردیم و از مناظر خیره کننده دریا لذت بردیم. اولین روزهای دیمه به شهر "رم" پایتخت تاریخی امپراطوری روم باستان و ایتالیای فعلی رسیدیم و در اینجا هم برخلاف برخورد سرد سفارتخانه، با مهمان نوازی گرم مسئول رایزنی فرهنگی ایران مواجه شدیم ولی با توجه به این که به تعطیلات آخر سال میلادی رسیده بودیم، هیچ فعالیت فرهنگی نکردیم. چند روزی در رم بودیم و از آثار باستانی متعدد و بسیار قدیمی شهر از جمله میلان بازی "گلابیاتورها" و خرابه های شهر قدیم رم بازدید کردیم. ادامه سفرمان به کشور یونان - قاره آفریقا و سپس خاورمیانه بود ولی در جایی که نه انتظارات را داشتیم و نه آمادگیش را، لطف خانوند شامل حالمان شد و متوجه شدیم که باید منتظر تولد کودکی باشیم. برای همین هم مجبور شدیم سفر را متوقف کرده و به ایران باز گردیم. این سفر ۵ ماه طول کشید و در این مدت حدود ۵۰۰۰ کیلومتر در ۹ کشور اروپایی رکاب زدیم. دوستانی که علاقمند به کسب اطلاعات بیشتر باشند میتوانند به سایت اینترنتی ما به آدرس [www.bikingforpeace.com](http://www.bikingforpeace.com) مراجعه کرده و یا با Email: [alijafarne@yahoo.com](mailto:alijafarne@yahoo.com) مکاتبه نمایند. △

# کوه‌ها و آدم‌ها

ترجمه: علی پارسایی

او هیچ گاه اهل ریسک بی مورد نبود و هیچ گاه تا وقتی از لحاظ ذهنی خود را آماده رویارویی با کوهی نمی یافت به سوی آن نمی رفت.

او بارها از یک قدمی پیروزی تنها به همین خاطر بازگشت. بسیاری به خاطر صعودهای موفق او بر روی هشت هزار متری ها، او را یکی از شانس های اولین شدن در صعود چهارده هشت هزار متری می دانستند. اما او به صعود های هفت هزار متری دشوار علاقه مند شد و بدون توجه به هیاهوی دور و برش به سوی علاقه اش حرکت نمود. او حتی حاضر به تبلیغ در باره صعود های خود نبود.



ضمن اینکه به شدت از جنبه های تجاری کوهنوردی پرهیز می کرد و در زمانی که اکثریت کوهنوردان برای انجام برنامه های خود دست یاری به سوی پشتیبانان مالی دراز می کردند او با مناعت طبع از این حیطة نیز دوری گزید.

در سال ۱۹۸۵ به همراه شونر عازم صعود دیواره گاشر بروم چهار شد. دیواره نورانی و شاید یکی از سر سخت ترین جبهه های قره قورم و جهان. روش انتخاب آنها صعود به شیوه سبکبار بود. آنها این مسیر را ظرف ۶ روز در نور دیدند و بعد از رسیدن به خط الرأس ترجیح دادند از رفتن به قله صرف نظر نمایند و راه فرود را از جبهه غربی در پیش بگیرند. ناگفته پیداست در سه روز آخر صعود آنها آذوقه ای نیز نداشتند. این جبهه از آن زمان تا کنون در برابر هیچ تیم دیگری سر تعظیم فرود نیآورده است. و در نظر سنجی هایی که در سال ۲۰۰۰ توسط مجله Climbing صورت گرفت صعود آن به عنوان برترین فعالیت کوه نوردی قرن شناخته شد!

کورتیکا هنوز به دنیای کوه های بلند می رود. همواره ساکت و گریزان از هر حرف و گفته ای و تنها گاهی با شنیدن خبری کوتاه از یک صعود فوق دشوار در دنیای یخ زده و سرد هیمالیا همگان می فهمند کورتیکا باز به خانه باز گشته است.

## برخی از صعود های او:

۱۹۷۸ صعود چانگابانگ ۶۸۶۴ Vi/A۳

۱۹۸۰ داتولاگیری ۸۱۶۷

۱۹۸۱ ماکالو ۸۴۶۳ (صعود آلبی از مسیر جدید تا ۷۶۰۰ متر)

۱۹۸۲ برودپیک ۸۰۴۷ متر (این صعود را فقط برای هم هوایی انجام دادند!) - تلاش بر روی دیواره جنوبی ۸۲ از مسیر جدید به همراه کوشکا تا ۷۹۰۰ متر

۱۹۸۳ گاشر بروم II, I دو مسیر جدید به همراه کوشکا

۱۹۸۴ تراورس برود پیک از مسیر جدید ۸۰۴۷ متر

۱۹۸۵ صعود "دیواره نورانی" گاشر بروم چهار ۷۹۲۵ متر به همراه روبرت شونر

۱۹۸۸ مسیر جدید بر روی دیواره ترانگو تاور ۶۲۵۱ به همراه ارهارد لورتان

۱۹۹۰ مسیر جدید بر روی شیشا پانگما ۸۰۲۷ متر و چوایو ۸۲۰۱

## یک کتاب یک دنیای عمودی

My Vertical World

از کوه نورد فقید و بزرگ لهستانی تنها یک کتاب به یادگار مانده است. دنیای عمودی

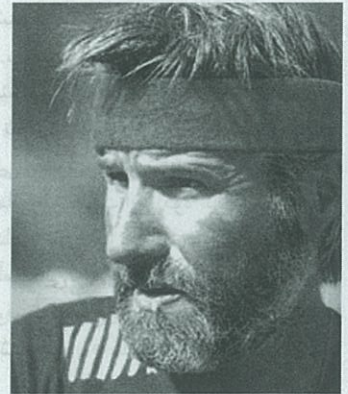
## مارسل رودی

Marcel Rueedi (۱۹۳۸ - ۱۹۸۶)

سال های آغازین دهه ۱۹۸۰ سال هایی بود که یک رقابت پنهان را دل داشت. صعود تمام هشت هزار متری ها.

بازیگران این عرصه نام آورانی بودند که تاریخ کوهنوردی با نام های آنان عجین شده. پیشرو این افراد و اولین آنها رینهولد مسنر بود. کوه نورد با هوش خلاق.

نقش مسنر در تعمیم کوه نوردی در سال های ۱۹۷۰ الی ۱۹۸۰ را هرگز نباید از یاد برد و یا کوچک شمرد. کتاب ها



مقالات و سخنرانی های او سهم به سزایی در ورزش کوه نوردی و شناساندن آن حتی به خود کوه نوردان داشته و دارد.

مسنر در کتاب های خود به شدت از این امر که او نیز در گیر این رقابت برای اولین شدن بود دوری می جوید. اما در هر حال همه می دانند او نیز تلاش زیادی نمود تا در آخرین سال همچنان پیروز باقی بماند. کوشکا - مارسل رودی دو نفری بودند که با وجود فاصله زیاد نسبت به شروع کار توسط مسنر توانستند خود را بسرعت به او نزدیک کنند. کوشکا در زمان پیروزی مسنر دو قله با او فاصله داشت اما مارسل رودی در آن زمان در کوه ها آرام گرفته بود. مارسل رودی کوه نوردی سوئیسی متولد ۱۹۳۸ صعود ۱۴ هشت هزار متری خود را در سال ۱۹۸۰ در سن ۴۲ سالگی آغاز کرد. او هم از مسنر و هم از کوشکا مسن تر بود اما این فاصله سنی باعث نشد تا او به سرعت و پی در پی قله های هشت هزار متری را در هم نوردد.

در سال ۱۹۸۰ داتولاگیری را صعود کرد. در سال ۱۹۸۳ گاشر بروم یک و دو و برود پیک را ظرف ۱۵ روز بالا رفت. در سال ۱۹۸۴ ماناسلو و نانگاپاربات تسلیم او شدند. در سال ۱۹۸۵، K۲، و از آنجا به سمت شیشاپانگما در ماه می سال ۱۹۸۶ چوایو و در ۲۴ سپتامبر بعد از صعود زمستانی ماکالو به دلیل عدم هوایی مناسب دچار اغما شد و چشم از جهان فرو بست. کریستف ویلیکی همورد او در این صعود می گوید: اگر مارسل کمی صبر می کرد اگر فقط چند روز صبر می کرد این اتفاق نمی افتاد. کوهستان برای هیچ کس حریم امنی نیست حتی برای کسی که مدعی صعود بلندترین های آن باشد.

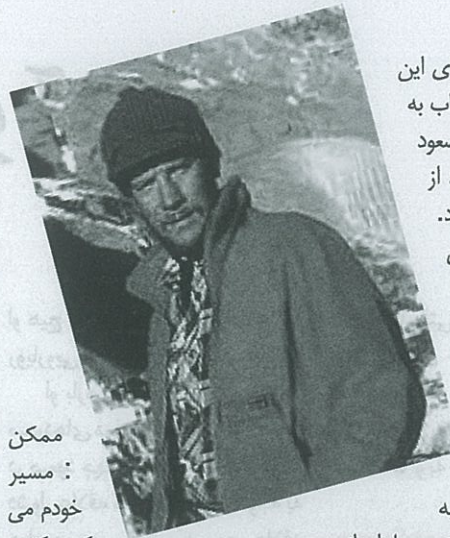
## کورتیکا Wojciech Kurtyka

یک استثنا در بین تمام استثناها

کورتیکا عاشق گمنامی بوده و هست. و این برای شخصی که صعودش بر روی دیواره گاشر بروم IV لقب اعجاب آور ترین صعود تاریخ کوه نوردی را به خود گرفته است کمی عجیب است.

بزرگان کوه نوردی دنیا از نام او همواره با آمیزه ای از تحسین و احترام یاد می کنند. کورتیکا نه تنها به جنبه های جسمی صعود اهمیت می داد بلکه بیشتر از آن در کوه نوردی روحیه و احساس را ارج می نهاد. با وجود صعودهای بسیار دشوار و تهور آمیز

من نامی است که او برای این کتاب برگزید. او در این کتاب به زبانی صادق و ساده به شرح صعود های موفق همبالیایی خود از لوتسه تا شیشاپانگما می پردازد. خواندن این کتاب احساس عجیبی در باره شخصیت نویسنده به خواننده القا می کند. صداقت و صافی برای یک کوه نورد مبتدی گفتن این جمله است چندان آسان نباشد



چنان سخت بود که از ترس به لرزیدم. به طریق اولی گفتن چنین جمله ای از سوی عنوان دومین فاتح تمام هشت هزار متری ها شناخته شده است جرات و جسارت بیشتری می خواهد. او به راستی این شجاعت را داشت. کوهشکا در اولین برخوردش با مسنر آن گاه که مسنر کوه نوردی معروف و او یک لهستانی گمنام بود چنین می گوید: نمی توانستم چشم از لباس های گرانبه ای بردارم. به آرامی گفتم ..... من در نانگاپاربات یک چراغ پیشانی پیدا کردم. فکر می کنم مال شما باشه. مسنر شگفت زده به من نگاه کرد و گفت: آره اون مال برادر منه خدای من شما کجا اونو پیدا کردین؟

و حتی وقتی سابقه صعود ده هشت هزار متری را دارد در تیم بین المللی دکتر کوفر در صعود K2 با شگفتی می گوید: جوراب هایی که این تیم به بار برهای خود داده از آن جوراب هایی بود که من همیشه از روی داشتشان را داشتم. او فرزند رنج و کار بود. پول برنامه های اولیه خود را از پاک کردن برج های صنعتی و دود کش های کارخانه ها جمع می کرد. از ذکر این نکته که: وقتی در طول برنامه اورست سرپرست تیم به آنها یک دلار پول داد تا پیسی بخورند و این برای او یک خاطره فراموش نشدنی بود ابایی نداشت. مشکلاتی که او برای غلبه بر بروکراسی آن زمان مشکلات تامین غذا از بازار سیاه صعود های زمستانی هشت بود. کوهشکا با تمام وجود مسابقه پیروزی بر تمام بر مسنر پیشی بگیرد. این بود اما در این هدف برای گذاشته بود:



من نمی خواستم هشت هزار متری ها مسیری نو یا در انجام دهم.

میزان تحمل او در عرف است. در کمپ آخر صعود به قله نانگاپاربات ذخیره غذایی آنها به اتمام می رسد. شب را بدون آذوقه سر می کنند. فردا به سمت قله می روند. به قله نمی رسند و مجبور به بیواک می شوند. طبعاً بدون غذا فردا قله را صعود می کنند. در بازگشت به محل بیوتوته شب قبل می روند و باز بیواک می کنند. بدون آذوقه و فردا به چادری می رسند که در آن غذایی نبود و باز به سمت کمپ پایین حرکت می کنند.

این کتاب در قیاس با بسیاری از کتاب های کوه نوردی که چاپ شده است یک استثنا بزرگ است. چه از لحاظ متن چه از لحاظ محتوا. او در مقدمه کتاب که چند روز قبل از آخرین سفر بی بازگشتش به همبالیایی بود چنین می نوشت:

من برای کوه نوردی دنبال دلیل نمی گردم. اصلاً نمی توانم دلیلی بیابم. من به کوه می روم. این کافی است.

کوهشکا هیچ گاه انتشار کتابش را ندید. او در دیواره جنوبی لوتسه به کوه ها پیوست. به قول دوستش آن گونه که شایسته او بود: این کوه عظیم یک مسیر نو یک سقوط بلند و پاره شدن طناب. اما ویلیکی نیز می گوید: کاش کوهشکا در بین ما بود. او هنوز آرزوی های زیادی داشت.

## ChangaBang ۶۸۶۴ m

چهار کوهنورد بر فراز قله چانگابانگ ایستادند و اولین صعود جبهه شمالی این کوه را جشن گرفتند. اما آنها نمی دانستند که تنها یک نفرشان باز خواهد گشت.....

چانگابانگ در مقیاس گران کوه های همبالیایی کوه بلندی نیست. اما سختی صعود و دیواره ای یخ عجین شده آن را تبدیل به یکی از با ارزش ترین کوه های فنی برای صعود ساخته است. اولین صعود این کوه توسط کوه نوردان انگلیسی به سرپرستی "سر کریس بانینگتون" در سال ۱۹۷۴ انجام شد. از آن سال جبهه های مختلف این کوه شاهد تلاش گلچینی از برترین آلپینست های جهان بود که هر یک موفق به اجرایی صعودی زیبا شدند. چانگابانگ کوه برترین ها بوده و هست. اما جبهه شمالی پر هیبت این کوه تا این کوه اجازه هیچ صعودی را به هیچ کوه نوردی نداد.

در سال ۱۹۹۷ چهار کوه نورد انگلیسی و آمریکایی برای صعود این جبهه عازم چانگابانگ شدند. آنها موفق شدند ظرف ۱۰ روز صعود و فرود حماسی این دیواره سرکش را مقهور اراده خود نمایند. این صعود با تاکتیک آلی انجام شد و آنها با فاصله دو روز از یکدیگر به سمت دیواره حرکت نمودند.

در روز چهارم تیم دوم به تیم اول رسید و آنها ادامه مسیر تا بخش های انتهایی با یکدیگر طی نمودند. میزان توانایی آنها در این صعود شگفت آور است. یکی از اعضای تیم دچار مشکل می شود و سه نفر بقیه با فداکاری او را حمایت می کنند. بعد از صعود قله در هنگام فرود در حالیکه کمتر از یک طول طناب با بخش ایمن تر مسیر فاصله داشتند. کارگاه مناسبی پیدا نمی کنند.

"برندان مورفی" عضو جوان و شاخص تیم برای برپایی کارگاه چند متر به سمت راست تراورس می کند. حالت یخ برفی مسیر به او اجازه زدن پیچ یخ را نمی داد. او ۲۰ دقیقه تلاش می کند و در نهایت فریاد می زند:

- من یه پیچ محکم زدم. بیاین اینجا ما حالا یه کارگاه مطمئن داریم.

بقیه اعضای تیم از حضور و بودن او شادند. هر جا که مشکلی بود هر جا که کسی احتیاج به کمک داشت این "برندان" بود که آماده کمک بود.

ناگهان سکوت دیواره را غرش بهمنی بزرگ می شکند. یک دو سه بهمین به سمت آنها از بالا سرازیر می شود.

آنها فریاد می زنند "برندان"

او هم بهمین رادیده بود اما هیچ تسمه و ابزاری نداشت که خود را به پیچ یخ متصل کند. ناامیدانه تلاش کرد پیچ یخ را با دست بگیرد. اما بهمین قویتر از او بود.

دوستانش بهت زده به جایی نگاه می کردند که او تا لحظاتی پیش آنجا ایستاده بود.....

.....

.....

آندی کاو "هم طناب او در پایان گزارش صعودشان به چانگابانگ در مجله climbing چنین می نویسد:

من خود را با این فکر که براندان در یکی از زیبا ترین دره های دنیا آرمیده تسلی دادم و فکر کردم بزودی گلهای بهاری در انتهای دره راه خود را به سمت ابتدای یخچال چانگا بانگ می گشایند. ...

قبل از رسیدن به آخرین گردنه برای آخرین بار ایستادم به پشت سرم نگاه کردم و با او بدرود گفتم. Δ

<http://www.acu.rl.ac.uk/brendanmemorial/inmemoriam.html>

<http://www.ai.mit.edu/murphyk/Brendan/brendan.html>

## مرتفع ترین گسل زمین

ترجمه: منیژه برزگر

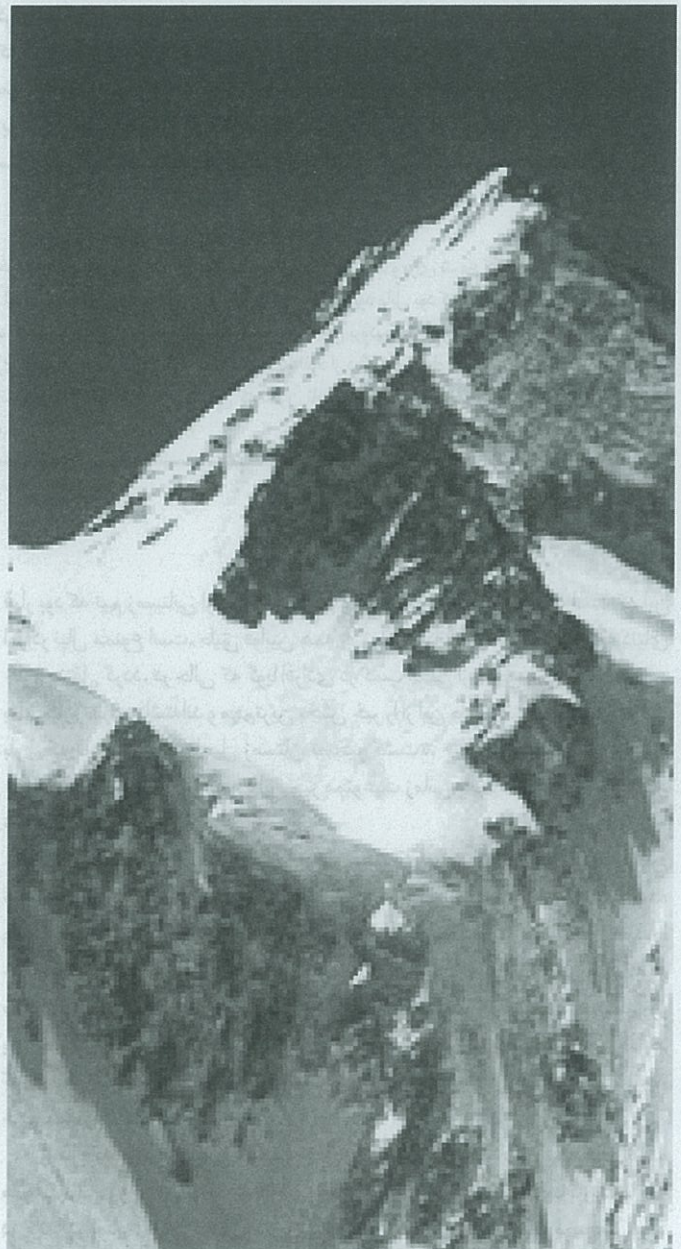
شکل‌گیری گسل‌های عادی این‌طور نیست. در حقیقت آنها باعث نازک شدن و در نهایت شکستگی و گسست طبقات زمین می‌شوند، نه ضخیم شدن آنها. یک دسته کارت بازی را بر روی میزی روی هم قرار دهید و سپس آنها را با دست خود اندکی پراکنده کنید. این امر باعث می‌شود که هر کارت از کارت زیری فاصله بگیرد و از روی آن سر بخورد، در نتیجه کارت‌ها از هم دور می‌شوند. گسل‌های عادی همین‌طور عمل می‌کنند. گسل‌های عادی اکثراً در نواحی که لایه‌های سنگ‌ها نازک و تا حدی پراکنده شده‌اند مانند ناحیه شرق آفریقا ملاحظه شده‌اند، نه در نواحی کوهستانی.

وجود گسل‌های عادی در هیمالیا به این معناست که کوه‌های هیمالیا در یک دوره ممتد تشکیل نشده است، بلکه متناوباً دوره‌هایی از نازک شدن لایه‌ها و سپس خرد شدن را تجربه کرده است. احتمالاً این حالت‌ها زمانی اتفاق افتاد که قشر سطحی آن خیلی داغ و تا اندازه‌ای نازک شده بود و نتوانست سنگینی وارده را تحمل کند. یکی از مناظر زیبا و چشمگیر هیمالیا که در نتیجه گسل عادی ایجاد شده «چومولونگما» است که در نزدیکی قله اورست قرار دارد ولی چون از نظر زمین‌شناسی مطالعه عکس‌های هوایی نشان می‌دهد که این گسل تقریباً حالت افقی دارد و در ناحیه شمال اورست از چندین قله عبور می‌کند و به دره «رنگبوک» می‌رسد.

زمین‌شناسان تشکیلات «چومولونگما» را در کف دره، تحت مطالعه و بررسی قرار دادند و متوجه شدند سنگ‌های آهکی «اردوسین» (۴۹۴ تا ۴۳۴ میلیون سال) را که در قسمت بالاتر قرار گرفته‌اند، از سنگ‌های دگرگونی پایینی که بسیار قدیمی‌تر است جدا می‌کند. یکی از لایه‌های سنگی که درست زیر گسل قرار گرفته مرم‌های زردی است که در زمان کامبرین تشکیل شده است و سپس در دوره میوسن بر اثر دگرگونی به مرم‌ تبدیل شده است.

کوه‌نوردانی که به اورست صعود کرده‌اند، نمونه سنگ‌هایی از نزدیکی قله جمع‌آوری و به زمین‌شناسان تحویل داده‌اند که مطالعه آنها نشان می‌دهد از همان سنگ‌های اردوسین دره رنگبوک است. نتیجه این بررسی توأم با شواهد دیگر زمین‌شناسان را متقاعد کرد که مرم‌های زرد دره رنگبوک در حقیقت از جنس همان سنگ‌های زرد هستند که در مسیر فتح اورست جلب توجه کوه‌نوردان را می‌کند. اگر چنین باشد باید قبول کنیم که تشکیلات چومولونگما در اصل بین سنگ‌های زرد و قله قرار داشته است. برای اثبات این نظریه، اعضای تیم فیلمبرداری اورست نمونه‌هایی از سنگ زرد و سنگ‌های بالاتر جمع‌آوری کردند. نمونه سنگ‌های زرد شباهت زیادی به سنگ‌های مرم‌ کامبرین رنگبوک دارند ولی نمونه‌هایی که از سنگ‌های بالاتر از سنگ زرد جمع‌آوری و مطالعه شده‌اند سنگ آهک نیست بلکه از جنس «شیست» (سنگ رس دگرگونی) است و می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری کنیم که جدا شدن چومولونگما از طبقات بالاتر بوده است. بررسی مطالعات سنگ‌های حاصل از بازدیدهای متعدد کوه‌نوردی چنین نشان می‌دهد که محل گسل در حقیقت در زیر قدمگاه هیلاری است ولی تعیین محل دقیق آن احتیاج به مطالعات بیشتر دارد. به هر حال قطعه جدا شده چومولونگما مسلماً مرتفع‌ترین گسل کره زمین است.  $\Delta$

مأخذ: نشنال جئوگرافیک



# کوکوشکا و ۱۴ قله ۸۰۰۰ متری

اورست مسیر لهستانی ها  
جبهه جنوبی سال ۱۹۸۰  
قسمت سوم

ترجمه: جمشید هدایت نسب

جرزی کوکوشکا مردی با اشتیهای سیری ناپذیر برای صعود مرتفع ترین کوههای جهان به طوری که در مدت هشت سال هر چهارده قله هشت هزار متری را فتح کرد. موفقیت‌های او به واسطه روش‌هایی که در پیش گرفت و نحوه غلبه بر مشکلاتی که با آن روبه رو گشت از اهمیت به سزایی برخوردار است. به جز صعود اولین هشت هزار متری او یعنی قله لوتسه، تمامی صعودهای صورت گرفته یا اولین صعود زمستانی بوده و یا اینکه از مسیری نو راه قله را در پیش گرفته بود، در مورد قله چوآیو هر دو را شامل می‌شد. لذا جبهه جنوبی لوتسه که هنوز صعود نشده بود او را به مبارزه می‌طلبید، مبارزه ای که می‌توانست رشته موفقیت‌های او را محکم تر نماید. اولین تلاش بر روی این مسیر در سال ۱۹۸۵ صورت گرفته بود. در سال ۱۹۸۹ یعنی درست ده سال پس از صعود او از مسیر نرمال شمال غربی او پای در راه دیواره جنوبی گذاشت، دیواره ای که بر اثر سقوط از آن کشته شد. با مرگ کوکوشکا روند فعالیت یکی از برجسته‌ترین و خلاق‌ترین چهره‌های کوهنوردی لهستان متوقف گشت اما نامبرده پیش از اینکه راهی جبهه جنوبی لوتسه شود این کتاب را به پایان رسانده بود که عملاً بیوگرافی وی محسوب می‌شود.

دنیای عمودی من داستان مردی است اهل خانواده و آرام متولد «سیلیزیا» که با نقشمای قاطع کشتی خود را به سوی بوروکراسی موجود در لهستان و نپال می‌راند و برای شروع کار صعودهایش به رنگ زدن دودکش‌های کارخانه‌ها می‌پردازد به لوتسه فکر می‌کند و با درآمدی کم و شعبده بازی غذا و لوازم مورد نیازش را تهیه می‌کند. هر جا که امکانش بود مایل بود که از استیل آلی برای صعود استفاده کند. از برجسته‌ترین کارهای او را می‌توان به صعود انفرادی ماکالو از مسیری جدید اشاره کرد، همچنین اولین تراورس قله شمالی و میانی برودییکه صعود دو قله ۸۰۰۰ متری در فصل زمستان در مدت ۲۵ روز علی‌رغم اینکه سه هزار کیلومتر با هم فاصله داشتند. باز کردن مسیری از میان جبهه جنوبی K۲ در یک تیم دو نفره از دیگر صعودهای شایان توجه لوست. داستان نویسی وی خواننده را به پشت صحنه رشته‌های از موفقیت‌ها می‌برد تا چهره انسانی نوین، انسانی متفاوت را بشناساند. انسانی که نگران نام نیکش است. انسانی که از دست دادن دوستانش او را هوشیار کرده است. انسانی که اشتیاقش به این دنیای عمودی او را به صعود وامی‌داشت.

قرار بود که تیم زمستانی او تماس مستقیم و غیرقانونی با لهستان داشته است که این امر در نپال ممنوع است. طبق قوانین همه چیز باید از کانال آژانس توریستی به دنیای خارج منتقل گردد. در حالی که گویا افرادی در کمپ اصلی از طریق موج کوتاه رادیویی با لهستان تماس داشته‌اند و مهم‌ترین بخش خبر را از این طریق انتقال داده‌اند: «اولین باری که قله اورست در فصل زمستان تسخیر گشت». «توسط ویلیسکی و سیچی» «لطفاً یادآور شوید که در رابطه با این خبر ممنوعیت زمانی وجود دارد، تا ۱۹۰۰ ساعت». تمام.

هزار و نهصد ساعت قرارداد زمان اداری بود که برای ارتباط، بین کمپ و اداره توریسم نپال منعقد شده بود. که متأسفانه پایان زمان مقرر مصادف با روز یکشنبه شده و به تبع آن هیچ‌کس در اداره حضور نداشت. تیم بارها و به دفعات تلاش کرد تا ارتباط خود را برقرار کند، که حاصلی نداشت. در لهستان همه هیجان زده به انتظار بودند که در مدت زمان قید شده در قرارداد، سپری شود تا خبر را به گوشه و کنار دنیا پخش کنند. روز بعد بالاخره در کمپ اصلی موفق شدند که خبر را با اداره توریسم نپال در میان بگذارند که به جای تبریک و تهنیت این موفقیت، خواهان توضیح فوری شدند در مورد آنچه خلاف مقررات صورت گرفته بود.

و حال که «ژاوادا» در این خواب و خیال بود که همه چیز به خوبی تمام شده است، مقامات نپالی در پی آن بودند که هزینه مجوز و مالیات تیم بهار را دریافت دارند. ما هم در کاتماندو بودیم؛ بدون مجوز و سرپرست و بدون پول کافی. وضعیت مضحکی بود،

مدتی در انتظار سپری گشت تا اینکه از اخبار مربوط به تلاش تیم اعزامی لهستان به قله اورست در فصل زمستان مطلع گشتم. علت این تأخیر آن بود که «لژک سیچی» و «کروزک ویلیسکی» با فاصله زمانی و در تاریخ هفدهم فوریه موفق به صعود قله شدند. موفقیت آنها باعث ترغیب احساسات درونی من گشت و در عین حال دلواپسی مرا دوچندان کرد. حال چه باید کرد؟ آیا امکان اعزام تیمی در فصل بهار وجود داشت یا نه؟ زمانی که افکار و ایده‌ها را با «آندره زاوادا» در میان گذاشتم در چهره‌اش مشخص بود که جای امیدواری نیست اما من اعتقاد عجیبی به او داشتم، قابلیت برنامه‌ریزی خاصی که در او بود، او را برای انجام هر کاری هر چند دشوار تشویق و ترغیب می‌کرد.

بعد از صعود زمستانی اورست، وقت آن بود که قله از مسیر جدیدی صعود شود. این تصمیمی بود که از سوی «ژاوادا» اتخاذ شد. وی به همین منظور دو تن از اعضای تیم زمستانی «ژوگا هاینریش» و «والدک اولگ» را در کمپ اصلی به منظور مراقبت از بارها باقی گذاشت.

بقیه نفرات تیم به همراه او به کشور بازگشتند. بازگشت او نه به خاطر جاه‌طلبی و شرکت در مراسم شکوهمند استقبال از تیم بلکه به منظور جمع‌آوری پول بیشتر بود. دشواری اصلی در این راستا زمانی از سر راه برداشته شد که «یولیان گولوسکی» از سویس ضمانت مالی تیم را عهده‌دار شد. در اوایل ماه مارس به اتفاق گروه اول پرواز کردم و «ژاوادا» به منظور جمع‌آوری پول بیشتر در لهستان باقی ماند. «ژاوادا» به درستی مطلع گشته بود که با مشکلات بزرگی در رابطه با بوروکراسی اداری روبروست. داستان از این



در این مرحله از صعود ده نفر بودیم؛ «گینک چروباک» «کریستوف سیلسکی» «آندره ژوک» «روزیک گاجوسکی» «ژوگا هلینریش» «یانوژ کولیس» «والدک اولگ» «کازیک روزیسکی» «وتیک وروژ» و من. «کرنیزوسکی» و «یان سرافین» نیز به عنوان پزشک تیم ما را همراهی می کرد.

طنابها را به سبک سنتی ثابت گذاری کردیم. کمپ سوم روی مسیر جدید استقرار یافته بود و قصد داشتیم ۱۷۰۰ متر را از بین تیغه جنوبی و یال جنوب شرقی بالا برویم.

همه چیز به خوبی پیش می رفت که بازی هواها ما شروع شد و این کمی بیشتر از آنچه که ما فکر می کردیم، زمان می برد. هر روز خدا برف می بارید و امکان سقوط بهمین راه از جناحین بیشتر می کرد.

برای برقراری کمپ چهارم کوشش و تقاضای مضاعفی می بایست صورت می گرفت. دو تن از پیشاپیش صدمتر طناب را نصب و مجدداً به پایین بازگشتند. روز بعد مجدداً دو نفر همان مسیر را طی کردند که برف تازه را کنار بزنند و طنابها را جهت استفاده بیرون بکشند و به همین ترتیب صدمتر دیگر طناب نصب شد....

«وتیک وروژ» و من اولین کسانی بودیم که به محل کمپ چهارم رسیدیم. محل چارچوب چادر را کوبیدیم و آن را مستقر ساختیم. در عین حال دریافتیم که مشکل ترین قسمت برنامه را پشت سر گذاشته ایم. همیشه در هر تیمی لحظاتی وجود دارد که همه به سختی مشغول کارند و پیشرفتی به چشم نمی خورد. اما همین نصب صدمتر صدمتر طنابها به طور ناگهانی امکان پیشروی را به فراهم می آورد و ما آن را می بینیم. محل کمپ را جلوی یک صخره برپا کردیم که نشانی برای مسیر لهستانیها باشد این صخره که می باید از آن عبور می کردیم بلند و حالت عمودی داشت و مهم تر از همه این که بالای ارتفاع هشت هزار متر بود. ژوک، هاینریش، اولگ اولین نفراتی بودند که به این بخش دیواره ای حمله کردند. پس از نصب چهل متر طول طناب بسیار مشکل به پایین بازگشتند. به دنبال آنها «گاجوسکی» و من مسیر را ادامه دادیم، جایی که تا سالها از آن به عنوان دشوارترین مسیر صعود شده خود یاد می کردم، که درجه آن ۷ (پنج) بود. کار روی این قسمت از مسیر توان زیادی را از من گرفت به طوری که بعضی جاها فکر

می کردم شلوارم را خیس کرده ام سر راه شیب برفی، یک طول چهل متری دیگر را طی کردیم که ده متر آن بسیار دشوار و کلیدی بود. پس از نصب طناب پایین آمدیم و زوج بعدی در ادامه کار ما مسیر را تا محل کمپ نهایی در ارتفاع ۸۳۰۰ متری بازگشایی کردند. اواسط ماه مه بود و ما خود را برای حمله نهایی آماده می کردیم. زمان با بی میلی سپری می شد. برای اینکه می توانستیم روی یال جنوبی به سمت قله سوار شویم لازم بود که تا ارتفاع ۸۶۰۰ متری ثابت گذاری را ادامه دهیم.

چادر بسیار شلوغ شده بود و هر کسی چیزی می گفت. من هم نظر خود را بیان کردم: «فکر می کنم حمل این همه طناب تا این ارتفاع کافی است. نصب بیشتر، بالا رفتن و پایین آمدن در این ارتفاع، توان ما را تحلیل می برد و در عین حال زمان کافی نیست. به نظر من بهتر است که در شکل یک گروه بزرگ از کمپ پنجم به قله حمله کنیم. به نظر می رسد که اکثریت با رأی من موافق بودند. «ژوک» هم ایده مرا دنبال کرد:

فکر می کنم بدون اکسیژن راهی قله شویم...  
لحظه مناسبی برای طرح این منظور نبود و تنش و اعتراضات زیادی را به همراه داشت. نمی دانم صدای چه کسی بود که به این قضیه خاتمه داد: «رفتن بدون اکسیژن شانس صعود را کاهش می دهد. ما در اینجا به موفقیت کل تیم فکر می کنیم.»

چادر بسیار شلوغ شده بود و هر کسی چیزی می گفت. من هم نظر خود را بیان کردم: «فکر می کنم حمل این همه طناب تا این ارتفاع کافی است. نصب بیشتر، بالا رفتن و پایین آمدن در این ارتفاع، توان ما را تحلیل می برد و در عین حال زمان کافی نیست. به نظر من بهتر است که در شکل یک گروه بزرگ از کمپ پنجم به قله حمله کنیم. به نظر می رسد که اکثریت با رأی من موافق بودند. «ژوک» هم ایده مرا دنبال کرد:

فکر می کنم بدون اکسیژن راهی قله شویم...  
لحظه مناسبی برای طرح این منظور نبود و تنش و اعتراضات زیادی را به همراه داشت. نمی دانم صدای چه کسی بود که به این قضیه خاتمه داد: «رفتن بدون اکسیژن شانس صعود را کاهش می دهد. ما در اینجا به موفقیت کل تیم فکر می کنیم.»

چادر بسیار شلوغ شده بود و هر کسی چیزی می گفت. من هم نظر خود را بیان کردم: «فکر می کنم حمل این همه طناب تا این ارتفاع کافی است. نصب بیشتر، بالا رفتن و پایین آمدن در این ارتفاع، توان ما را تحلیل می برد و در عین حال زمان کافی نیست. به نظر من بهتر است که در شکل یک گروه بزرگ از کمپ پنجم به قله حمله کنیم. به نظر می رسد که اکثریت با رأی من موافق بودند. «ژوک» هم ایده مرا دنبال کرد:

فکر می کنم بدون اکسیژن راهی قله شویم...  
لحظه مناسبی برای طرح این منظور نبود و تنش و اعتراضات زیادی را به همراه داشت. نمی دانم صدای چه کسی بود که به این قضیه خاتمه داد: «رفتن بدون اکسیژن شانس صعود را کاهش می دهد. ما در اینجا به موفقیت کل تیم فکر می کنیم.»

آندره ساکت بود، من هم چیزی نگفتم هر چند مایل بودم این نکته را ذکر کنم که در چنین صعودی فکر صعود بدون اکسیژن بسیار خام و ناپهنگام است. خوب چه کسی می‌بایست اول راهی شود؟ ظاهر امر این بود که هر هشت کوه‌نورد شانس صعود به قله را داشتیم که در میان آنها می‌شد ستارگان هیمالیانورد لهستان را دید. «ویتک وروژ» و «گنیک چروباک» که علاوه بر صعودهای متعدد در هیمالیا، اولین صعود جبهه جنوبی کانگ چن چونگا را نیز انجام داده بودند، توانایی آنها برای همه ثابت شده بود. «ژوگا هاینریش» با کمی فاصله پشت سر آنها قرار داشت اما مثل یک گاو نر قوی داخل هر تیمی فعالیت می‌کرد و اخیراً جبهه مرکزی کانگ چن چونگا را صعود کرده بود. آندره ژوک و من جوان‌ترین اعضای تیم بودیم و تنها «لوتسه» را صعود کرده بودیم که آن هم از نظر این گروه برجستگان به عنوان کوهی ساده تلقی می‌شد و چندان روی ما حسابی باز نکرده بودند.

بالاخره کدام یک از نفرات به عنوان گروه اول می‌بایست راهی می‌شدند؟ سر و صدایی نبود و در آن میان یکی سکوت را شکست؛ من فکر می‌کنم «وروژ» و «چروباک» و یا «هاینریش» و «ولگ».

به نظر من بهتر است که چهار نفر صعود کنند (من هم خودم را داخل کردم)، شخصاً مایلم با آندره ژوک صعود کنم. در عین حال ما به یک تیم پشتیبانی نیاز داریم. گفته‌های من حسابی جار و جنجال به راه انداخت انگار نه انگار که همین بالای سرمان دیواره سختی در انتظار بود و زبان من به همان اندازه تند و گزنده بود، من این حق را به جوان‌ها می‌دادم و اولویت را هم همین طور.

در میان جوویبار عقاید، یک دید، حاکم شد که از طرف «ژوگا هاینریش» مطرح شد، که جنبه احساسی نداشت و بیشتر منطقی را در خود داشت و آن اینکه من و آندره ژوک به دلیل بیشترین فعالیت در طول کارکرد این تیم کاندید شده بودیم.

آندره زاوادا سرپرست تیم تا به این لحظه فقط به نظرات گوش می‌داد و با شروع صحبت هایش سکوت سنگینی در چادر برقرار گشت؛ من فکر می‌کنم بهتر است که «کوکوشکا» و «ژوک» اول راهی بالا شوند چرا که در بهترین وضعیت فیزیکی بدنی قرار دارند. پشت سر آنها «ژوگا هاینریش» و «ولگ» که ترکیب تیم را چهارنفره می‌کند. بعضی اوقات تصمیم‌گیری برای یک نفر بسیار دشوار است در عین حال که باید احترام همه را نسبت به خود برانگیزد. این را به این خاطر نمی‌گویم که جزو نفرات انتخابی هستم. بحث هنوز تمام نشده بود و ژوگا هاینریش معتقد بود که بهتر است پیش از حمله نهایی قسمت‌های بالای دیواره را نیز ثابت گذاری کنیم تا صعود مطمئن‌تری داشته باشیم.

مقابل نظرش جبهه گرفتم و گفتم که: «زمان برای این کار بسیار کم است یا همین الان باید به قله حمله کرد و یا باید با دست‌های خالی بازگردیم.»

من و آندره به خوبی به این امر واقف بودیم که بسیار دیر است و باید عجله کرد. «ژوگا» اعتراضی نکرد و بدین ترتیب موافقت شد که در شکل تیم چهارنفره راهی شویم. «زاوادا»، «کولیس» و «روزنیک» تا کمپ دوم ما را همراهی کردند. در همین زمان بهمن جاری شده از لوتسه کمپ تیم اسپانیایی را جارو کرد و یکی از شریک‌های آنها را با

## یک هفته دوری از لیدر عزیز

و هم‌نورد بزرگوارمان (بهرام جعفری)

می‌گذرد این ضایعه تأسف بار را

به خانواده محترم ایشان و گروه کوه نوردی

(متاک تور) و تمامی کوه نوردان عزیز ایران

تسلیت می‌گوییم.

یادش و نامش گرامی و راهش پیر رهرو

فرد - هادیان - خسروانی

خود برد. هر چند که پیدایش کردند ولی سه روز بعد درگذشت. این مسأله به طور جدی روی «ژوگا» تأثیر منفی گذاشت: «شانسی نداریم، با این خطرات چه می‌خواهیم بکنیم.» کسی از گفته‌های او آزرده و خشمگین نشد. من به اتفاق «ژوک» به مسیر ادامه دادیم. «ژوگا» و «ولگ» یک روز با ما فاصله داشتند و نقش تیم حمایت را بازی می‌کردند.

با رسیدن به کمپ سوم احساس بسیار خوبی داشتم و ضربان قلبم ریتم بسیار موزونی داشت و دریافتم که چگونه شصت روز کار در ارتفاعات وضعیت بدنی ما را به طوری آماده کرده است که مسیری را که قبلاً در مدت هشت ساعت پیموده‌ایم در مدت دو ساعت و نیم طی کرده‌ایم. بالاخره بدون حادثه پس از عبور از طناب‌های ثابت به کمپ پنجم رسیدیم و داخل چادر بحثی را پیش گرفتیم که از ابتدای کار فکر ما را به خود مشغول کرده بود و آن صعود بدون اکسیژن بود. در کمپ اصلی همه ما را ترغیب به کنار گذاشتن فکر صعود بدون اکسیژن می‌کردند چرا که شانس صعود را برای کلیه تیم کاهش می‌داد. صعود بدون اکسیژن جبهه شمال غربی لوتسه شاید بیشتر به این خاطر محتمل گشت که دشواری تکنیکی نداشت. اورست هم بلندتر بود و هم این که ما اساساً نمی‌دانستیم که قادر به صعود آن هستیم یا نه. داخل کیسه خواب می‌غلطیدم و ناراحت بودم و گفتم که بیا بدون اکسیژن این کار را بکنیم. آندره بر این باور بود که اگر شکست بخوریم به دلیل عدم استفاده از اکسیژن تقصیر کار خواهیم بود. لذا ماسک‌های اکسیژن خود را بستیم و بدون اینکه دچار بدخواهی ارتفاع‌ها و توهم شویم، شب راحتی را سپری کردیم، حتی پیش از خواب دو طول طناب حدود هشتاد متر را مجدداً ثابت گذاری کردیم.

ساعت پنج صبح به راه افتادیم به خاطر بارش برف تازه، حرکت کند بود. فرو رفتن پا داخل برف عمیق از توان ما می‌کاست. با ترک چادر اکسیژن خود را روی یک تا دو لیتر در دقیقه تنظیم کردم که بسیار کم بود و در حقیقت این مقدار در زمان خواب برای بدن کافی بود. در قسمت‌های فنی و دشوار روی هشت لیتر در دقیقه تنظیم‌اش کردم. با این وجود حرکت ما به کندی صورت می‌گرفت. ساعت ۲ بعدازظهر بود که به قله جنوبی رسیدیم. پیش‌روی خود یالی تیز و طولانی داشتیم.

تنفس خود را با گام هایم هماهنگ نمی‌دیدم و در همین حین صدای آندره را شنیدم که از خالی بودن کپسول خود گلایه داشت و بد و بیراه می‌گفت. سیلندر خود را تا آخر باز کردم ولی حال من بهتر نشد و خود را راحت‌تر از او حس نمی‌کردم. «فکر می‌کنم مال من هم خالی شده است.»

پس از تلاش بسیار به قله جنوبی رسیده بودیم، برای یک لحظه به چشمان یک‌دیگر نگاه کردیم و احساس یک‌دیگر را خواندیم.

«پس بریم؟»

البته به قله بسیار نزدیک‌تر از آن بودیم که بخواهیم راه بازگشت را در پیش بگیریم. کوتاه و مختصر با کمپ اصلی تماس گرفتیم و آنها را در جریان قرار دادیم که کپسول‌ها خالی است و ما بدون آن قصد صعود داریم. حال دیگر دینی نداشتیم. شش‌های خود ما بود و تقصیری متوجه ما نمی‌توانست باشد. نفرات کمپ اصلی برای تصمیم‌مان ما را تحت فشار نگذاشتند. خواست خودمان بود. لذا کپسول‌ها را جدا کردیم و به طرف بالا به راه افتادیم.

صدمتر دیگر می‌بایست ارتفاع می‌گرفتیم که در وضعیت مناسب چهل و پنج دقیقه و در بدترین حالت یک ساعت شاید به طول می‌انجامید. گام‌های هیلاری را پشت سر گذاشتیم و حدود ساعت چهار بعدازظهر، یعنی دو ساعت قله جنوبی، پا بر روی قله اورست نهادیم.

با کمپ اصلی تماس گرفتیم که نگران حال ما بودند. آخرین بار ما را روی قله جنوبی دیده بودند پیش از اینکه راهی قله شویم و آنها نمی‌دانستند که آیا ما رفته‌ایم یا نه. وقتی در تماس مجدد صعود قله را به آنها خبر دادیم، سر و صدایی از فاصله دور شنیده می‌شد که نه تنها نشان از شادی و تبریک آنها داشت بلکه آسودگی خاطری را هم برای خود ما به همراه داشت و من دریافتم که پاهایم روی بلندترین قله جهان قرار دارد.

روی بلندترین قله جهان بهتر است که مدت طولانی توقف داشته باشی روی کلنگ خود لم بدهی چون حالت تنفس را به شکل عادی خود بازمی‌گرداند. وظیفه بعدی

در آوردن دوربین سنگین «پراکتیکا» از داخل کوله است، عکس باید گرفته شود. پرچم تیم باسک اسپانیا روی قله بود که سه روز قبل از مسیر نرمال راهی قله شده بودند و ترمومتری که تیم زمستانی لهستان شامل «سیچی» و «ویلسکی» آن را روی قله قرار داده بودند. پرچم لهستان را پشت آن قرار داده و چند سنگ هم روی آن نهادیم. لذا تمام کاری را که یک فرد روی مرتفع‌ترین قله جهان می‌تواند صورت دهد انجام داده بودیم. واقعیت این است که اگر تلاش بسیاری را که برای صعود این قله صورت گرفته بود کنار می‌گذاشتیم خود قله چیز زیادی نداشت و کم کم کسل کننده می‌شد. برف و نقاب‌های قله کوه‌ها همه جا یکسان است.

ساعت پنج بعد از ظهر به طرف پایین راه افتادیم. خیلی خسته و درب و داغان بودم. برای هر گام هفت الی هشت بار نفس نفس می‌زدم. داخل مه بودم، معمولاً همیشه در آخر کار کمی مشکل داشتم. سابق که در مسابقات اسب سواری شرکت می‌کردم یک بار درست پیش از اینکه از خط پایان رد شوم سرم گیج رفته بود و از اسب افتاده بودم. البته در این جا فقدان اکسیژن مسأله را جور دیگری جلوه می‌داد. هوا رو به تاریکی می‌رفت به قله جنوبی رسیدیم و رد پاها را تعقیب کردیم تا خود را به چادرمان برساییم. در جایی که برف تازه باریده بود از ردپا خبری نبود لذا می‌بایست از هوش و غریزه ذاتی خود استفاده می‌کردیم و کمی جلوتر ترجیح دادیم کمی صبر کنیم تا ماه در آید در غیر این صورت قادر به پیدا کردن پایانه طناب‌های ثابت نبودیم. در این فاصله هم می‌توانستیم استراحتی داشته باشیم.

یک جا روی یخ پاهایم از جا کنده شد و مرا به دهلیزی کوچک هل داد که چند متر آن طرف‌تر خودم را کنترل و متوقف کردم. همین طور که قصد داشتم خود را بالا بکشم دستم به چیزی خورد. خوش اقبالی عجیبی بود - طناب! درست همان جایی بود که من قصد بلند شدن داشتم و بدین ترتیب مسیر مطمئن طناب‌ها را ادامه دادیم و حدود ساعت ۹ شب به چادر رسیدیم. بسیار تشنه بودیم. ولی همین که مشغول ذوب یخ و تهیه مقداری آب برای آشامیدن بودیم خواب و خستگی ما را در ربود.

با فاصله کمی بعد از این که خوابمان برده، افکار و توهمات موجود چرت‌ها را پاره کرد، از خواب بیدار شدم و احساس کردم چیزی مرا فشار می‌دهد، چشم‌هایم را باز کردم و مطمئن شدم که ما در معرض بادی سهمگین واقع شده‌ایم قادر به تنفس نبودم، وحشت زده بودم، فکر کردم این تنها بادی که ما را تحت فشار دارد، بهمین است. آندره هم از خواب بیدار شد و به اتفاق به مقاومت در مقابل وضعیت موجود پرداختیم. حسابی ترسیده بودیم، می‌بایست که به نحوی خودمان را از چادر بیرون می‌کشیدیم و روی برف‌ها می‌ایستادیم، هر چند که کفش پایمان نبود.

بیرون چادر برایمان روشن شد که حجمی از برف موجود بالای سرمان به سمت پایین سرخورده و بهمنی در کار نیست ولی با این وجود سر راه خود همه چیز را دفن کرده

است. یک نکته را به درستی به خاطر دارم و آن اینکه آن شب دیگر خوابمان نبرد و استراحتی در کار نبود. در تمام مدت ضمن اینکه جا عوض می‌کردیم، یکی داخل چادر بود و دیگری برف‌های بیرون را پاک می‌کرد که پایانی نداشت. سرانجام سپیده دمید، خسته بودیم داخل کیسه خواب‌ها خزیدیم. صعود قله تمام انرژی ما را گرفته بود و دیگر برایم قابل قبول نبود کمی بعد کفش‌های خود را پوشیدیم اما پاهایمان نای راه رفتن نداشت.

در کمپ چهارم ژوگا و والدک به انتظار ما بودند. جای داغ برایمان تدارک دیده بودند. با ولع خاصی از آن نوشیدیم. ۳۶ ساعت بود که آبی ننوشیده بودیم. حریصانه می‌نوشیدیم و کم کم از بی‌حسی و حالت گیجی درآمد. کمی بعد حالت و توان عادی خود را پیدا کردیم و راه را به سوی کمپ اصلی ادامه دادیم جایی که تبریک گفتن اعضای تیم با در آغوش گرفتنمان و شادی بسیار همراه گشت. ما موفق شده بودیم.

خود را مثل کسی حس می‌کردم که پس از پانزده راند داخل رینگه سعی در کنترل خود دارد و می‌خواهد خستگی خود را نشان ندهد. آندره هم حالت مشابهی داشت. در عمق تمامی این تبریکات و احساسات چیزی بود که ما هنوز قادر به درک آن نبودیم، چیزی که حالت شادی و جشن را از همه گرفته بود.

پس از گذشت پانزده دقیقه همه چیز روشن شد. زمانی که «آندره زاوادا» دریافت که ما تازه ساعت ۱۰ شب خود را به چادر رسانده‌ایم، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که وقتی بهترین‌های تیم از لحاظ فرم بدنی مدت زمان طولانی را برای صعود و مراجعت نیاز داشته‌اند، برای صعود سایرین به مراتب نیاز به زمان بیشتری خواهد بود. لذا تصمیم به قطع ادامه فعالیت و صعودهای دوم و سوم می‌گیرد و پایان کار تیم را اعلام می‌دارد و راه بازگشت به خانه را نشان می‌دهد.

چه بسا که در جریان صعودی چنین پر ماجرا و پرتلاش و خسته کننده، هریک از اعضای تیم در مقاطع مختلف آرزوی بازگشت به خانه را کرده باشند اما حالا دیگر فرق می‌کرد. تعدادی از بهترین آلپینست‌ها در منطقه حضور داشتند که همگی خواهان بالا رفتن بودند و بازگرداندن آنها کار ساده‌ای نبود. چنین به نظر می‌رسید که من دارم خود را گول می‌زنم. آنها ما را در این امر بی‌تقصیر نمی‌دانند، چرا که ما این کار را کرده بودیم. پس از چند روز، فصل بادهای موسمی آغاز گشت و عملاً شانس هر گونه فعالیت دیگر روی قله را منتفی ساخت و بارش برف تا حدودی جاه‌طلبی‌ها را کاهش داد و شاید آخر الامر بتوان این گونه نتیجه‌گیری کرد که «آندره زاوادا» تصمیم درستی را اتخاذ کرده بود.

در فرودگاه خبرنگاران به انتظار ما بودند و مدال‌های طلایی که برای موفقیت بزرگی که در زمینه ورزشی صورت گرفته بود. برای اولین بار در زندگی خود مزه شهرت را لمس کردم که نشان بارز آن را در اولین روز بازگشت به محل کار دیدم. بیرون در ورودی به عنوان یک قهرمان از من استقبال شد. مدیر و کارکنان همه آنجا بودند و پلاکاردی را در دست داشتند. «ورود فاتح اورست را خوش آمد می‌گوییم».


در همین اداره تا همین چند ماه پیش جایگاه مناسبی نداشتیم و همیشه سعی در این داشتیم که باعث ناراحتی کسی نشوم و کارم را از دست ندهم. از این اتاق به آن اتاق دنبال امضا بودم که هزینه‌های پرداخت نشده‌ام را دریافت کنم. بیرون در ورودی افرادی بودند که تا همین چندی پیش می‌گفتند: تعطیلات من دو هفته است، چطور به یکی اجازه می‌دهید دو تا سه ماه مرخصی داشته باشد؟! نه مثل این که فرق کرده بود!

نباید فراموش کرد که چند ماه قبل هم دومین پیروزی بزرگ در هیمالیا یعنی صعود زمستانی اورست توسط «سیچی» و «ویلسکی» صورت گرفته بود که عمداً به آن بهایی داده نشد. خلاصه پس از مدتی ستایش از کار ما برخی اطلاعات تکه پاره از دوستی به من رسید که در آن گفته شده بود:

حال گوش بده! کوه‌نوردی بس است. صعود زمستانی اورست و صعودی دیگر، تو به این کارها چه کار داری؟ همه را فراموش کن. چیز دیگری نیست که از آن صحبت کنی؟

و همین طور شد. ژوئیه سال ۱۹۸۰ بود، چیزی به ماه اوت نمانده بود که «لخ والسا» رهبری اعتصاب کارخانه کشتی سازی «گرانسک» را به منظور تولد دیگری در راستای اتحاد در لهستان عهده‌دار شد. Δ

## خاطرات ۶۰ سال کوه‌نوردی نوشته آقای احمد معرفت منتشر شد.



# در هوای رقیق

قسمت هشتم  
اردوگاه شماره دو  
هشتم اردیبهشت ۱۳۷۵

نوشته: جان کراکوتر  
ترجمه: فاطمه تیموری

## مقدمه مترجم:

دلیل انتخاب کتاب برای ترجمه نگاه عاقلانه و نه صرفاً عاشقانه‌ی عاشقان صعود به کوه‌های رقیق بود. این کتاب ابعاد مختلفی دارد. زیرا نه فقط به مسئله‌ی تکنیکی صعود بلکه به دیگر ابعاد آشکار و پنهان انسان نیز می‌پردازد. وی به طرز چشمگیری ابعاد ناشناخته و بی‌پاسخ انسان را در شرایطی بس بحرانی به تصویر کشیده است. چندملیتی بودن اعضای گروه‌ها بر این جذابیت افزوده است. زبان کتاب همواره زبان عاشق، و عشق به طبیعت و زندگی باقی می‌ماند. یأس در آن راهی ندارد و کلامش مهرآمیز است. و آخر اینکه در گزارش این صعود مرگبار بسیار واقعگرایانه عمل می‌کند و نه صرفاً از روی شایستگی، شاید هم ماندن در کفه‌ی عقل است که او را از مرگ نجات می‌دهد، ولی به چه بهایی؟

## معرفی نویسنده:

کتاب «در هوای رقیق» نوشته‌ی جان کراکوتر در سال ۱۹۹۷ توسط انتشارات ویلارد در نیویورک منتشر شد. کتاب «در هوای رقیق» یک گزارش شخصی از فاجعه‌ی اورست است. در مقدمه‌ی کتاب، او که مامور تهیه‌ی گزارش صعود به اورست برای مجله‌ی اوت ساید بود همراه گروه نیوزیلندی به سرپرستی راب هال عازم هیمالیا شد. وی می‌نویسد: چهار تن از پنج نفر همگروه من که به قله صعود کردند، از جمله راب هال، در یک طوفان مرگبار جان باختند. زمانی که من به کمپ اصلی رسیدم ۹ تن دیگر از اعضای چهارگروه صعودکننده جان باخته بودند.

ما برای خود داستان تعریف می‌کنیم تا باقی بمانیم....

ما در افتخار به دنبال موعظه هستیم. در ارتکاب قتل به دنبال درس اخلاقی یا اجتماعی. ما آنچه را که می‌بینیم تفسیر می‌کنیم، در میان انتخاب‌های متعدد خود آن چیزی را برمی‌گزینیم که عملی‌تر است. به خصوص اگر نویسنده باشیم از طریق افکاری که فراگرفته‌ایم خیال‌پردازی‌های بی‌ثبات خود را که در حقیقت تجارب واقعی ما هستند ثابت کرده و خطر روایت را کاملاً بر تصاویر ناهمخوان تحمیل می‌کنیم.

## جووان دیدیون

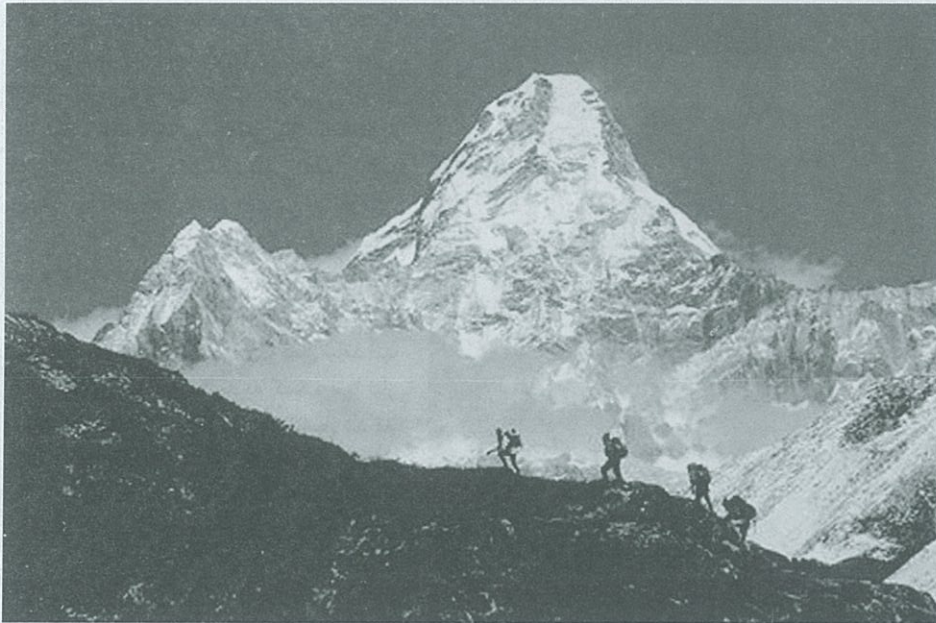
بندهای کرامپون وقت زیادی نداشتیم. وقتی چراغ قوه روی کلاه‌م را روی دماسنجی انداختیم که وصل بود به کاپشنی که از آن به جای بالش استفاده می‌کردم متوجه شدم که هوای داخل چادر تنگ دو نفره ما هفت درجه فارتزهایت زیر صفر است. «داگ» را که در کیسه خوابش فرو رفته و قلمبه شده بود صدا کردم و گفتم: «وقت رفتن است. بیداری؟»

او با صدای خسته و گرفته‌ای پاسخ داد: «بیدار؟ فکر می‌کنی اصلاً توانستم بخوابم؟ حالم خوب نیست. فکر می‌کنم گلودرد دارم. من برای چنین برنامه‌هایی پیر شده‌ام دوست من.»

در طول شب بازدم‌های بدبوی ما روی سطح داخلی چادر متراکم شده بود و یک لایه شکننده برفکی ایجاد کرده بود. من سر جای خود نشستم تا در تاریکی دنبال لباس‌هایم بگردم ولی امکان نداشت که ضمن این کار به دیواره‌های کوتاه چادر

در ساعت چهار صبح قبل از آن که ساعت مچی ام زنگ بزند از خواب بیدار شدم. در طول شب خیلی کم خوابیده بودم چون برای تنفس در هوای رقیق مشکل داشتم. حالا وقت آن رسیده بود تا برای کار شاق بیرون آمدن از پله گرم و نرم کیسه خواب و وارد شدن به فضای یخ زده داخل چادر در ارتفاع ۶۴۹۲ متری آماده شوم. دو روز قبل، روز جمعه ششم اردیبهشت، طی یک روز راه پیمایی مشکل برای شروع آخرین برنامه هم هوایی جهت آمادگی برای صعود به قله، ما از اردوگاه اصلی به اردوگاه شماره دو رسیده بودیم. امروز صبح، طبق برنامه منظم راب، می‌بایستی از اردوگاه شماره دو عازم اردوگاه شماره سه شویم و شب را در ارتفاع ۷۳۱۵ متری بگذرانیم.

راب به ما گفته بود رأس ساعت ۴/۴۵ دقیقه صبح برای صعود آماده باشیم. در نتیجه برای لباس پوشیدن، خوردن یک تکه شکلات و یک فنجان چای و بستن



نخورم و هر تماس باعث می شد تا برفک ها ریزش کنند و روی همه چیز با لایه ای از کریستال های یخی پوشانده شود. در حالی که از سرما می لرزیدم لباس زیرم را که سه لایه ای بود تنم کردم و رویش یک بادگیر از جنس نایلون پوشیدم و بعد کفش های کوهم را به پا کردم. وقتی می خواستم بند کفشم را سفت بندم صورتم از درد درهم کشیده می شد. در دو هفته گذشته وضعیت بد نوک انگشت های ترک خورده و خون آلود پایم در هوای سرد روز به روز بدتر شده بود.

در زیر نور چراغ قوه من به دنبال «راب» و «فرانک» با قدم های آهسته اردوگاه را ترک کردم و با قدم های سنگین از میان برج های یخی و تل های انباشته از سنگ گذشتم تا به توده اصلی یخچال برسیم. طی دو ساعت بعدی ما از شیب هایی در حد پیست اسکی مبتدیان بالا رفتیم و بالاخره به «برگ شروند» رسیدیم که حد بخش فوقانی یخچال خومبو را مشخص می کرد. جبهه لوتسه درست در بالای

آسیب پذیری او تشدید شده بود.

حتی بدتر از آن لطمه ای بود که به جهاز تنفسی او وارد شده بود. کمتر از دو هفته قبل، پیش از ترک نپال، روی گلولی او یک عمل جراحی کوچک انجام شده بود و نای او وضعیت بسیار حساسی داشت. امروز صبح با تنفس هوای سوزدار و برف آلود ظاهراً نای او یخ زده بود. داگ با صدایی که به زحمت شنیده می شد، خس خس کنان گفت: کار من تمام است. صورتش نشان می داد که از پای درآمده است. او ادامه داد: «من حتی نمی توانم حرف بزنم، کار صعود من تمام شد.»

«راب» در پاسخ به او گفت: «حالا زود است که کنار بکشی. صبر کن ببین تا چند روز دیگر حالت چطور است. تو آدم سرسختی هستی. خیال می کنم وقتی خوب شدی شانس صعود به قله را داشته باشی.» «داگ» که قانع نشده بود به چادرمان برگشت و کیسه خوابش را روی سرش کشید. دیدن او در این حالت ناامیدی برایم مشکل بود. در این مدت با هم دوست شده بودیم، دوستی که بی دریغ تجارب صعود ناکام خود را به او رست در سال ۱۳۷۴ در اختیارم گذاشته بود. من آرزو می کردم او به قله برسد، به همان اندازه ای که آرزو داشتم خودم به قله برسیم.

تا پایان آن روز حالت افسردگی و شوک بر فضای اردوگاه حکمفرما بود. کوه حتی بدون آن که بدترین حالت خود را نشان داده باشد توانسته بود ما را در پی محلی امن دوان دوان روانه چادرهایمان کند و این فقط گروه ما نبود که ادب شده بود و احساس عدم اطمینان می کرد. در اردوگاه شماره دو روحیه خیلی از گروه های دیگر هم وضع نامطلوبی داشت.

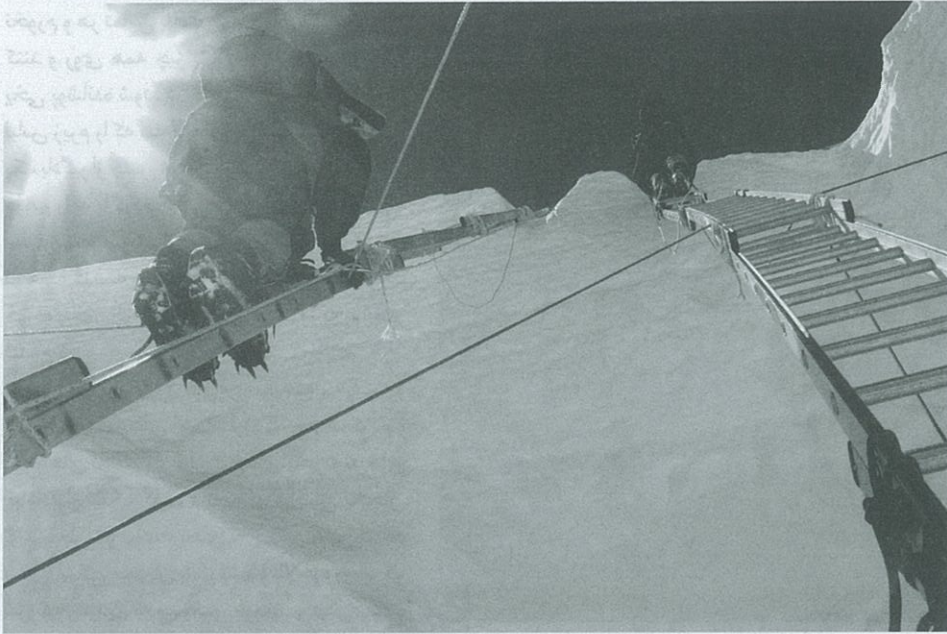
اوقات تلخ موقعی بیشتر بروز کرد که بین «هال» و مسئولان گروه های تایوان و آفریقای جنوبی بر سر تقسیم مسئولیت کشیدن بیش از یک کیلومتر طناب ثابت که لازم بود مسیر صعود را تا بالای جبهه لوتسه ایمن کند اختلاف افتاد. در اواسط اردیبهشت مسیر بین بالای «گوام» و اردوگاه سوم که نصف مسیر صعود بود طناب کشی شده بود. برای تکمیل کار «هال»، «فیشر»، «یان ودوال»، «ماکالوگو» و «تادبرن» توافق کرده بودند تا در ششم اردیبهشت یکی دو نفر از اعضای هر گروه با کمک یکدیگر بقیه مسیر را، بین اردوگاه شماره سه و اردوگاه شماره چهار در ارتفاع ۷۹۲۵ متری، طناب کشی کنند. اما این نقشه طبق برنامه قبلی اجرا نشد.

صبح روز ششم اردیبهشت وقتی «انگ دورچی» و «لاکپا چیری» از گروه هال، «آناتولی بوکریف» از گروه فیشر و یک شریا از گروه برلن اردوگاه شماره دو را ترک کردند قرار بود شریاهای گروه های آفریقای جنوبی و تایوان به آنها پیوندند ولی آنها از زیر کار شانه خالی کردند و در کیسه خواب های خود باقی ماندند. آن روز بعد از ظهر وقتی هال به اردوگاه شماره دو رسید و از این موضوع باخبر شد بلافاصله از طریق

آن سربرافراشته بود، دریای گسترده ای از یخ که در زیر نور سپیده دم می درخشید. از میان این میدان گسترده، یک طناب ۹ میلی متری مرا به خود می خواند. من انتهای طناب را که کمی فرسوده بود به بومار خودم وصل کردم و شروع به بالا رفتن کردم. از زمانی که اردوگاه را ترک کردیم من به شدت احساس سرما می کردم. با توجه به تجربه های قبلی و به علت گرمایی که هر بار با تابش خورشید به دیواره های یخی ایجاد می شد، این بار کم لباس پوشیده بودم. اما امروز صبح با سوز سرمای گزنده بادی که از کوه های بالا می وزید، شاید درجه برودت هوا حدود چهل درجه فارنهایت زیر صفر بود. من یک پلوور پارچه ای اضافی در کوله ام داشتم. اما برای پوشیدن آن در حالی که از طناب ثابت در هوا معلق بودم می باید کوله ام را از پشتم بردارم. دستکش هایم را در آوردم و بادگیرم را در بیاورم و چون می ترسیدم چیزی از دستم بیافتد تصمیم گرفتم تا رسیدن به سطح کم شیب تری از جبهه یخی صبر کنم، جایی که می توانستم بدون آویزان بودن از طناب ثابت حالت تعادلی خود را حفظ کنم. به همین دلیل به صعود ادامه دادم و با ادامه صعود احساس سرمای من بیشتر و بیشتر شد.

باد توده های چرخانی از برف پودر را به هوا بلند می کرد و برف پودر با سرازیر شدن به طرف پایین روی لباس های من می نشست. روی عینکم یخ بسته بود و دید مشکل شده بود. احساس می کردم پاهایم بی حس شده اند، انگشتانم از سرما مثل چوب خشک شده بود. به نظر می رسید تحت این شرایط صعود دائماً خطرناک تر می شود. من نفر اول صف بودم و در ارتفاع ۶۹۹۲ متری پانزده دقیقه جلوتر از «مایک»، راهنمای گروه، قرار داشتم. تصمیم گرفتم بایستم و با او مشورت کنم. اما درست قبل از آن که او به من برسد صدای «راب» از رادیوی بی سیم «مایک» بلند شد و او برای پاسخ دادن به «راب» ایستاد. «مایک» اعلام کرد که «راب» می خواهد «همه برگردند» و بعد برای اینکه صدایش در باد به گوش همه برسد فریاد زد: «از اینجا همه برمی گردیم.»

هنگام ظهر ما به اردوگاه شماره دو رسیدیم و آسیب هایی را که به ما وارد شده بود بررسی کردیم. من خسته بودم ولی ناراحتی دیگری نداشتم. سر انگشتان «جان تاسک» پزشک استرالیایی کمی سرمازده شده بود. «داگ» به شدت آسیب دیده بود وقتی کفش های کوهش را از پای در آورد متوجه شد که تعدادی از انگشتانش را سرما زده است. قبلاً هم، در سال ۱۳۷۴، در اورست قسمت هایی از لایه های گوشت انگشت بزرگ یکی از پاهایش به دلیل سرمازدگی از بین رفته بود که باعث تضعیف جریان گردش خون در انگشتان پا و در نتیجه تشدید افزایش حساسیت آن نسبت به سرما می شد و حالا با این سرمازدگی جدید در شرایط سخت کوه های مرتفع، درجه



رادیو تماس گرفت تا علت عدم اجرای برنامه را جویا شود. سردار شریپاهای گروه صعود تایوان، «کامی دورجی» از او به شدت عنبرخواهی کرد و قول داد تا جبران کند. اما وقتی حال با «ودال» سرپرست بیکنده گروه آفریقای جنوبی تماس گرفت او حال را به باد سخنان زشت و توهین آمیز گرفت. حال از او خواست تا ادب را رعایت کند و اضافه کرد که «به گمانم با هم قرار گذاشته بودیم.» «ودال» در پاسخ او گفت: «شرپاها فقط به این دلیل در چادر مانده بودند که هیچ کس نیامد آنها را بیدار کند و به آنها بگوید به کمک آنها نیاز دارند.» در اینجا حال با صدای بلند پاسخ داد که «انگ دورجی» چندین بار سعی کرده بود آنها را بیدار کند ولی آنها به خواست او توجهی نکرده بودند. در این لحظه «ودال» اعلام کرد که: «با تو خودت دروغگو هستی یا شریپای تو دروغگوست.» بعد هم تهدید کرد که چند شریپا از گروه خودش را می فرستد تا حساب «انگ دورجی» را برسند.

کارهای سخت و استعدادهای ورزشی فوق او باعث شده بود تا مشهور شود. فیشر به من گفته بود که تصور می کند لوپ انگ این قابلیت را دارد که به «دومین رینهولد مسنر تبدیل شود.» مسنر، این آلپینست مشهور اهل تیرول هنوز تا این زمان برجسته ترین کوهنورد کوه های هیمالیا در تمام اعصار به شمار می آید.

«لوپ انگ» برای اولین بار در سال ۱۳۷۲ خوش درخشید زمانی که بیست سال داشت و برای حمل بار به استخدام یک گروه هندی - نیپالی برای صعود به اورست درآمد. سرپرستی این گروه مشترک را یک زن کوهنورد هندی به نام «باچندری پال» برعهده داشت و گروه عمدتاً از زنان کوهنورد تشکیل شده بود. چون «لوپ انگ» جوان ترین فرد گروه بود او را به کار پست تری گماردند، اما توانایی های او آن چنان تاثیرگذار بود که در آخرین دقایق به دسته صعود منتقل شد و در ۲۶ اردیبهشت، بدون اکسیژن کمکی، قله را فتح کرد. پنج ماه بعد از این صعود به اورست، لوپ انگ به «چوایو»، صعود کرد. در بهار ۱۳۷۳ او با فیشر در برنامه صعود به اورست با اهداف زیست محیطی ساگاماتا شرکت کرد و برای دومین بار، باز هم بدون اکسیژن، به قله اورست صعود کرد. در شهریور سال بعد وقتی همراه یک گروه نروژی در حال صعود از تیغه غربی اورست بود، بهمین او را گرفت و با خود برد، و بعد، حدود ۷۰ متر پایین تر توانست به نحوی با کمک کلنگ یخ شکن، سقوط خود را متوقف کند و با این حرکت جان خود و دو نفر از هم طناب هایش را نجات داد اما شریپا «مینگ مانوربو» یکی از عموهایش که به طناب وصل نبود در این حادثه جان باخت. اگرچه این ضایعه به شدت «لوپ انگ» را متاثر کرد. اما از شور و شوق او نسبت به صعود کم نکرد. در اردیبهشت ۱۳۷۴ او برای سومین بار قله اورست را بدون اکسیژن کمکی فتح کرد. این بار در استخدام هال بود و سه ماه بعد در حالی که برای فیشر کار می کرد به برودبیک با ارتفاع ۸۰۴۷ متر صعود کرد. زمانی که لوپ انگ همراه فیشر در سال ۱۳۷۵ به اورست رفت فقط سه سال سابقه کوهنوردی داشت اما طی این دوره سه ساله بیشتر از ده صعود به کوه های هیمالیا انجام داده بود و به عنوان یک کوهنورد برتر و با استعداد کوه های مرتفع شهرت یافته بود. در برنامه صعود سال ۱۳۷۳ فیشر و لوپ انگ به شدت مورد تحسین یکدیگر قرار گرفته بودند. هر دوی آنان بی نهایت پراورزی و از جذابیت مقاومت ناپذیری برخوردار بودند. لوپ انگ که فیشر را یک معلم و یک کوهنورد نمونه تلقی می کرد حتی شروع کرد به تقلید از او موهایش را بلند و دم اسبی کند. اسکات فیشر به اندازه راب زاپنی ها به من مزد نمی دهد اما من به دنبال پول نیستم، من به دنبال آینده هستم و اسکات آینده من است. او به من می گوید: «لوپ انگ شریپای قوی من، تو را مشهور کرد!... فکر می کنم اسکات برای من نقشه های بزرگی در سر دارد.»

بعد از گذشت دو روز از این مشاجره لفظی ناخوشایند، اختلاف بین گروه ما و گروه آفریقای جنوبی هنوز ادامه داشت و چیزی دیگری که به خراب شدن روحیه بد حاکم در اردوگاه شماره دو کمک می کرد خبرهای جسته و گریخته ای در مورد وخامت حال «انگ وانگ تویچه» بود که به اردوگاه می رسید. با وخیم تر شدن حال او، حتی حالا که در ارتفاع کم قرار گرفته بود پزشکان به این فرض مسلم رسیده بودند که شاید بیماری او فقط «هیپ» نباشد بلکه هیپ با سل و یا بیماری ریوی دیگری همراه شده است. اگر چه نظر شریپاها متفاوت بود و آنها بر این عقیده بودند که یک نفر از گروه فیشر خشم «سامارگاتا»، رب النوع آسمان را برانگیخته است و رب النوع آسمان انتقام آن کوهنورد را از «انگوانگ» گرفته است.

کوهنورد مورد نظر با یک نفر از گروه دیگری که قصد صعود به لوتسه را داشتند ارتباط برقرار کرده بود. از آنجایی که در محیط بسته اردوگاه اصلی هیچ چیزی از چشم دیگران پنهان نمی ماند، اعضای این گروه، خصوصاً شریپاها از همه چیز باخبر شدند. اما علی رغم استهزای شریپاها هر وقت هوا بد می شد، یکی از شریپاها با اشاره به ابرهای مترکم با خلوص نیت اعلام می کرد که «یک نفر خطا کرده است. بدشانسی می آورد. حالا توفان از راه می رسد.»

## ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۳

### اردوگاه اصلی اورست (۵۴۹۰ متر)

#### جبهه کانگز هانگ، تبت

در سال ۱۳۷۵ تعدادی از کوهنوردان زنده کوه های هیمالیا در بخش نیپال کوه اورست حضور داشتند. پیش کسواتانی مانند هال، فیشر، بریشیرز، پیت شوئینگ، انگ دورجی، مایک گروم و رابرت شوئر که یک کوهنورد اتریشی در گروه آی مکس بود. اما چهار کوهنورد برجسته دیگر حتی در میان این گروه از کوهنوردان ممتاز می درخشیدند - کوهنوردانی که در ارتفاعات بالای ۷۹۲۵ متر توانایی های اعجاب آمیزی از خود نشان داده بودند و در رده دیگری قرار داشتند. آنها عبارت بودند از: «دویسترز»، کوهنورد آمریکایی که در فیلم IMAX اجرای نقش می کرد، «آنانولی بوکریف»، راهنمای گروه فیشر که اهل قزاقستان بود، شریپا انگ بابو که در استخدام گروه آفریقای جنوبی بود و همچنین لوپ انگ.

لوپ انگ مرد خوش چهره، آسان گیر و به شدت خالی بند و در عین حال دلپذیری بود. تنها فرزند خانواده بود، سیگار نمی کشید و مشروبات الکلی مصرف نمی کرد - چیزی که در میان شریپاها نادر است. دندان جلوییش روکش طلا داشت و خوش خنده بود. اگر چه ریزنقش و کوچک اندام بود اما ظرفیت او برای انجام

# فرهنگ نامه کوه نوردی و غارنوردی ایران

## فراخوان عمومی

نگارش های تاریخ ساز بدون درج در تاریخ، همیشه به یغما رفته است، برای انتقال به نسل های آینده، اسناد و نوشته های خود را به اهل تاریخ و انتشار واگذار کنیم، حیف است ورزش کوه نوردی با این همه وسعت و عظمت، دایره المعارف نداشته باشد، میان داشتن یک فرهنگنامه کامل، با جمع آوری آگاهی ها، از همگان پیوندی ژرف موجود است.

در راستای تحقق انتشار فرهنگنامه جامع کوه نوردی و دستیابی به این هدف بزرگ ملی و برجسته نمودن نقش و اهمیت کوه نوردی کشور، از تمام بانوان، آقایان، کوه نوردان، پیشکسوتان، قهرمانان، مربیان، مدرسان، طراحان، راهنمایان محلی، نویسندگان، علاقه مندان، باشگاه ها، انجمن ها، کانون ها، خانه های کوه نورد، هیأت ها، سازمان ها، گروه ها، دیگر کسان و تشکل ها که با ورزش کوه نوردی، غارنوردی، دیواره، داخل سالن مسابقه و رشته های سنگ، یخ، برف، هیمالیانوردی، فرامرزی و ... دیگر موردها به نوعی سروکار دارند یاری می طلبیم.

خواهشمند است خیلی مختصر (هر مورد فقط در یک برگ کاغذ آ پنج یا چهار) اطلاعات مستند درباره بزرگان، شخصیت ها، نامداران، قهرمانان، از یاد رفتگان، جان باختگان، بیگانگان ایران نورد، کوهستان ها، قله ها، دیواره های طبیعی، مصنوعی، مسیرها، درجات سختی، یخچال ها، برفچال ها، برفخانه ها، حوادث، کمک های اولیه، غارها، آبشار سنگ ها، آبشارهای داخلی غارها، دریاچه ها، رودخانه های غاری، غارزین، چاه غارها، غارهای دیواره ای، آثار باستانی غارها، چکیده ها، چکنده ها، گل سنگ ها، نوادر و ناشناخته ها، دریاچه های کوهستانی، آبشارها، شاخک ها، برج ها، گردنه ها، تنگه ها، تنوره ها، دهلیزها، جان پناه ها، پناهگاه ها و خط الراس ها.

از گذشته های دور تا به امروز، نقشه ها، کتاب ها، گاهنامه ها، بولتن ها، نشریات و تعریف ابزارآلات و وسایل کوه نوردی و غارنوردی از تمام لحاظ و تشریح و معنای لغات، اصطلاحات، فنون و هرآنچه مربوط به رشته کوه نوردی، حتی ذکر نشده در این خلاصه را حداکثر تا پایان فروردین ماه ۱۳۸۵ به نشانی زیر ارسال دارید.

تهران - خیابان خرمشهر - خیابان شهید عربعلی - خیابان سوم پلاک ۴۱ - د. محمدی. کدپستی: ۱۵۳۳۸

بعد از تولید و ساخت فرهنگنامه، بهتر می توان به آن جامعیت بخشید، مهم این است که با هر توانی، حتی با یک سطر نوشته مستند فرهنگ ورزش خویش را غنی تر کنیم، حداقل این که، فشرده سوابق کوه نوردی خود و افراد هم گروه خود را، با ذکر تاریخ همراه با یک قطعه عکس ۶\*۴ و سال تولد، جهت درج در دایره المعارف ارسال دارید، در صورت تمایل اسناد و مدارک ارسالی، همراه با هزاران فیش دست نویس، برای موزه ی کوه نوردی ایران، تا تشکیل آن نگهداری خواهد گردید، یا چنانچه لازم باشد برگشت داده می شود.

با عرض ادب و سلام - داوود محمدی فر

# کوه عریان

## دو دنیای مجزا

قسمت هفتم

نویسنده: رینهولد مسنر

ترجمه: جمشید هدایت نسب

«سرپرست تیم ضمن این که باید حسابگر و خونسرد باشد باید توان و قدرت لازم را برای اداره تیم نیز دارا باشد. از نظر من می توانم سرپرست را با یک فرمانده نیروهای نظامی مقایسه کنم که طرح حمله را می ریزد، هدایت، هماهنگی و حتی قطع عملیات حمله را به عهده دارد ولی خودش هیچ گاه در صف جلو با سربازانش نیست. تا آن جا که من اطلاع دارم این دسته از فرماندهان همیشه فرد مورد اعتمادی را دارند که توصیه های لازم را به فرمانده می کند و حرفش، برش جدی دارد. دکتر هرلیگ کوفر هم همیشه یک چنین مشاوره را به همراه داشت که در مورد خاص ما میشل آندرل اهل برتولتس بود.»

فلیکس کون

«جبهه جنوبی نانگا پاربات، دیواره ای است مملو از شکاف و پرتگاه های عمیق که حتی تلاش کردن روی این مسیر به خودکشی شباهت دارد.»

هرمان بول

سرپرست و سازماندهی او در کمپ اصلی است که این امکان را مهیا می سازد. البته فلیکس در این باره فکر درستی داشت و بدون یک حلقه ارتباطی تدارکات هرگونه فعالیت هیمالیانوردی کلاسیک خیلی زود به آخر خود می رسد. ما به یک ماشین سنگین برف رومی شباهت داشتیم که تیم جلودار راه را باز می کرد و تعداد زیادی در پایین، چپ و راست کمک می کردند و بالاخره یکی که تمام این عملیات را هدایت می کرد.

### بازگشت به کمپ اصلی

در کمپ دوم «یورگن» در حال پاک کردن برف ها بود، «گینه» چادرها را مرتب می کرد، «فلیکس»، «گونتر» و من هم تازه رسیده بودیم. «هرمان» مثل همیشه درحال کمک کردن و با ترموس چای خود از ما پذیرایی کرد. ما همگی او را خیلی دوست داشتیم. من و «گونتر» تصمیم گرفته بودیم به کمپ اصلی برویم و فقط «پیتر» و «گرهارد» در کمپ سوم باقی مانده بودند. در کمپ میانی «ورنر» و «گرت» هم با چای سراغ ما آمدند، آنها هنوز تصمیم داشتند یک روز دیگر را هم منتظر بمانند. روز بعد دستور از پایین آمد که همان بالا بمانند و در کشیدن بارها کمک کنند، علی رغم توفان شدید وظایف خود را انجام می دادند. اما آخر الامر علی رغم دستور، آنها نیز تصمیم گرفتند راهی کمپ اصلی شوند.

در این شرایط خطر بهمن بسیار جدی بود. پس از استراحتی کوتاه هر سه نفر به راه افتادیم و برف تازه را می کوبیدیم. طناب ها یخ زده بودند و برف می بارید. به سختی می شد آنها را از داخل برف بیرون کشید. بعضی وقت ها برف حسابی آنها را

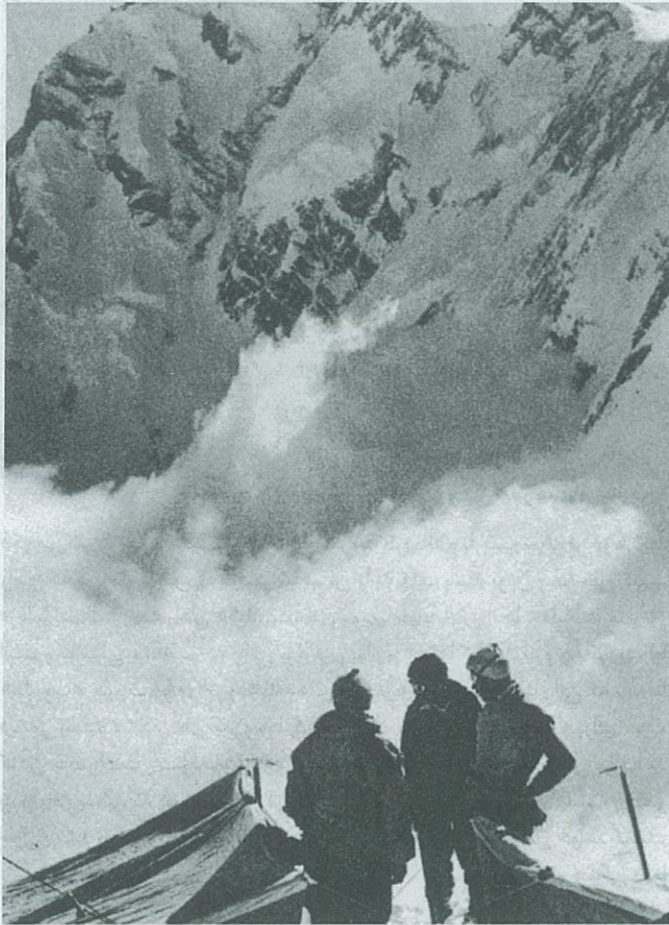
### شک و تردید درباره سرپرست

هرلیگ کوفر: «حال به قدر کافی از مشکلات کوه نوردی در جبهه روپال مطلع بودم و می دانستم که چه کمپ هایی، کجا باید مستقر گردند و این که انتقال تدارکات به کمپ های بالاتر از طریق دیواره یخی «ویلاندر» هم هوایی لازم را نیز به همراه دارد. در ابتدا کمپ دوم و پس از آن هدف این بود که کمپ چهارم را بالاتر در پای یخچال حوزه مرکز برقرار سازیم و آخرین کمپ ما فقط یک چادر بیواک خواهد بود که در ارتفاع ۷۳۵۰ متری در ابتدای دهلیز مرکز برپا خواهد گردید.»

هرچند که سرپرست تیم برای چهارمین بار بود که روی مسیر روپال کار می کرد مشکلات لجستیکی تیم کماکان برایش بیگانه بود. با این که به صحبت ها و توصیه های دیگران و از جمله من هم گوش می کرد اما تا آن آخر هم هیچ گونه اعتماد متقابل بین ما ایجاد نشد.

من همیشه با «کارل» از طریق تماس رادیویی و یا بعداً در کمپ اصلی صحبت می کردم و بحث ما پیرامون استراتژی نوینی برای حمله به قله با در نظر گرفتن راه های دیگر بود. ولی سایر اعضای تیم هم صحبت هایی را با او داشتند که مشخصی بود و هیچ گاه این بحث ها به شکل عمومی مورد بررسی قرار نگرفت. هرکسی سناریوی خود را به او می گفت و این فقط «فلیکس کون» بود که تا به آخر به عنوان فرد مورد اعتماد او باقی ماند.

فلیکس کون: «این طرز تفکر که غالباً هم شنیده می شد که گویا هرلیگ کوفر کوه نورد باتجربه ای نیست را درست نمی دانم. درست است که قضاوت نهایی را کوه نوردانی که در بالا و در مسیر قله هستند انجام می دهند ولی این وجود یک



نمایی از قسمت های بالایی تیغه جنوبی

روز دهم ژوئن هوا کم و بیش آفتابی شد و یک روز بدون باد را پشت سر گذاشتیم. در کمپ های پایین هم تعدادی باز به کمپ های بالاتر رفتند. برف تازه یا از جبهه سرازیر شده بود و یا سفت شده بود. با رینهولد قصد تلاشی را برای رفتن به کمپ چهارم داشتیم که باز ابرهای سیاه نانگا ما را به چادرها بازگرداند و بالاخره این که با خود وعده کردیم در صورتی که نهایتاً تا سیزدهم ژوئن هوا بهتر نشود راهی پایین کوه شویم.

البته هم هوایی خوبی داشتیم ولی بالاخره راهی کمپ اصلی شدیم. پیش بینی هوا از پیشاور پاکستان ادامه و خامت هوا را نشان می داد و لذا ۱۴ ژوئن همه کمپ ها تخلیه شدند و به کمپ اصلی مراجعت کردند. باربران ارتفاعات نیز عملاً از تاریخ سوم ژوئن قادر به انجام هیچ کاری نبودند.

امروز ۱۵ ژوئن همه در کمپ اصلی جمع هستند، ابرها زیر پا هستند و نم بارانی می زند و بهمن ها از رویال سرازیر هستند و نعره آن را می توانید در این سکوت تصور کنید. سکوتی که دلیل آن یابس افراد از نرسیدن به قله است و برخی دیگر هرگونه اقدامی را بی فایده می دانند. ولی هنوز تعدادی اینجا هستند که قصد تسلیم شدن ندارند و حساب می کنند بهتر این است که همین جا بمانیم تا به خانه برگردیم. می خواهیم تا پانزدهم ژوئیه هم اینجا بمانیم. چرا که تجربه نشان داده است که در فصل بادهای موسمی گاهی چند روز هوای خوب داریم. متأسفانه مواد غذایی بسیار کم شده و سعی در جیره بندی آن دارند، لذا قصد ما این است که با خرید یک و استفاده از گوشت آن، تخم مرغ، آرد و... غذاهای کنسروی خود را برای ارتفاعات نگه داریم. حال همگی خوب است و فقط «پیتر فگلر» بیمار است که جوانترین عضو گروه است. او در بازگشتش به کمپ اصلی دچار عارضه شده است.

من و «رینهولد» علیرغم مقداری کاهش وزن و سوختن بینی هایمان خوب هستیم. پستی هر چهار پنج روز یک بار ضمن آوردن تخم مرغ، نامه ها را می برد.

دفن کرده بود و می بایستی اول از طرفین تا زانو برف را می کوبیدیم تا قادر به رها کردنشان می شدیم. برف آن قدر زیاد بود که پیشرفت را کند و همه را خسته کرده بود. «المار» در کمپ اول برایمان غذا آماده کرد و به دنبال آن «فلیکس» من و «گوتتر» راه فرود را ادامه دادیم و روز بعد سائیرین به دنبال مان همین مسیر را پایین آمدند. کمپ اصلی برای همگی مان خوب بود و احساس مطبوعی را به همراه داشت. می نوشتیم، عکس می گرفتیم، بازی می کردیم و بحث های طولانی را داشتیم. «گوتتر» رفته بود روی یک سنگ بالای سر کمپ اصلی و نامه می نوشت برای حفظ تعادل موقع نوشتن، پا را جمع کرده و کاغذ را روی زانو گذاشته بود. این آخرین نامه «گوتتر» بود.

امروز درست یک ماه است که در کوه زندگی می کنیم. روز پانزدهم ماه مه کمپ اصلی خود را در «تاپ آله» برقرار کردیم و طی این مدت حوادث و تغییرات زیادی صورت گرفت. برف آب شده است و گیاهان سبزی خاصی دارند. دشت پر از گل است و بیشتر به یک باغ انگلیسی شباهت دارد. یک های نیمه وحشی و اسب هایی که در زمستان گرسنگی کشیده اند حالت شاعرانه ای را به فضای این محیط اضافه کرده است.

کمی بالاتر از کمپ اصلی نشسته ام و نگاهی به تمام دره دارم. مثل یک میز مسطح است، میانه دره پوشیده از جنگل است و از بهمن و توفان در اینجا اثری نیست. هنگام بعدازظهر باربران چوب های شکسته جنگل را به اینجا حمل می کنند و آتش بزرگی برپا می سازند.

در سمت شمالی، درست بالای سرمان ۴۵۰۰ متر دیواره تا قله قرار دارد که باورنکردنی و بسیار عظیم و باشکوه است. دو تا مورن یخچالی بزرگ این دره را با شرق و غرب آن مرزبندی کرده است. در جنوب خود سایه قله روپال دیده می شود که سوژه مناسبی برای کوهنوردان آماتور ماست که هنوز به قله نرسیده اند. کمپ ما در گوشه شمال غربی دره واقع شده است و دو چشمه آب مشرف به آن است که حدوداً پنج دقیقه با آن فاصله دارد. پانزده چادر در اینجا برپا شده است که شامل وسایل مورد نیاز باربران، آشپزخانه ها، چادرهای عمومی و چادر سرپرستی است. پرچم های آلمان و پاکستان در میان این چادرها روی دیرکی برافراشته شده است. افراد چادرهای خود را دارند و در صورت بارش می توانی داخل آنها بخوابی، بنویسی و وسایل شخصی خود را نگهداری کنی. من و «رینهولد» داخل یک چادر سه نفره هستیم که بسیار راحت است که زیر آن را تشکچه انداخته ایم و کیسه خواب هم داریم. در ضمن کسی اینجا به ما دیکته نمی کند که چطور چادرهای خود را آرایش دهیم.

این نگاه کوتاهی از زندگی ما در کمپ اصلی بود، کمپ مادری که از آنجا تمام وسایل و تدارکات به کمپ های بالاتر منتقل می گردد. نامه ای که از کمپ سوم نوشته بودم هنوز ارسال نشده است و شاید از خود بیرسید که چرا نامه دیگری را می نویسم؟ دلیلش این است که ده روز است علیرغم همکاری و پشتکار دوستانه نفرات تیم، پیشرفتی نکرده ایم و مشکل ما هواست. از سوم ژوئن تا امروز هوا برفی و توفانی است و هیچ گونه نشانی از پایان آن نیست. در کمپ های بالاتر هر روز شاید بیش از یک متر برف باریده باشد. بهمن از جبهه های پرشیب کوه سرازیر می شود. بد نیست که بدانید من و «رینهولد» همه جا چادرها را طوری نصب کرده ایم که در معرض ریزش بهمن نباشد. کمپ اول زیر یک صخره واقع شده است، کمپ دوم زیر یک برج سنگی است که شکاف های سمت چپ و راست آن در بالا باعث می گردد بهمن به طرفین ما سرازیر شود و کمپ سوم هم همان کلیسای یخی است که از بهمن درامان است. در کمپ چهارم هنوز کسی اقامت نداشته است و تاریخ سوم ژوئن که به آنجا رسیدیم به علت توفان شدید مجدداً به پایین رانده شدیم.

آنچه که صعود این جبهه را به طور استثنایی دشوار می سازد ریزش برف تازه است و اگر ببینیم که خطر ریزش بهمن وجود دارد، از هرگونه صعود یا حمل بار پرهیز می کنیم، حتی اگر هوا خوب باشد، تمام کمپ های بالا تخلیه شده و همه نفرات در کمپ اصلی به سر می برند. همان طور که در نامه دیگر خود به آن اشاره کردم من و «رینهولد» ده روز تمام در کمپ سوم بودیم و در هوای توفانی و برفی به انتظار بهتر شدن وضعیت بودیم. علت اقامت طولانی آن بود که فرود بسیار خطرناک بود.



گوتنر مسنر در حال فرود

فکر می‌کنم الان راه «گیلگیت» را دوباره مرمت کرده‌اند و با جیب سریع‌تر خواهد بود راهی که در زمان آمدن ما مجبور شدیم آن را به علت بسته بودن پیاده طی کنیم. فردا با بیست تا نامه راهی «گیلگیت» می‌شویم. خوب الان آنجا تعطیلات مدارس است و ما خیلی مشتاقیم که وقتی برگردیم بدانیم شماها کجا رفتید و چه کردید. آیا «هلموت»، «اریک» و «والتراد» نامه‌های ما را دریافت کرده‌اند؟ مثل این که نامه‌ها دیر می‌رسد و تعدادی هم این وسط گم و گور می‌شود. گوشت گاو حالا برای کباب کردن حاضر است و سبزیجات زیادی را هم همراه آن کرده‌ایم. تا آخر ژوئن می‌توانید به ما نامه بدهید که پست حتی از «راولپندی» هم می‌آید. و این که بازگشتمان چقدر طول بکشد به هوا ربط دارد که از کمپ اصلی حداقل شش روز طول خواهد کشید. به امید دیدار همگی شما گوتنر و رینهولد

شب بود. کمی از آتش باقی مانده کماکان می‌سوخت، تعدادی دور آتش نشسته بودند و صحبت می‌کردند. جرقه‌های آتش به هوا می‌پرید و در میان روشنایی کنده‌ای که می‌سوخت چهره‌ای ظاهر شد. ریشی ژولیده، پوست چروک خورده و بینی شکسته و پوسته پوسته شده بود. به آتش خیره شده بود و در فکر بود. به طرفش رفتم و با او نشستم.

«هانس زالر» یکی از بهترین کوهنوردان تیم بود کسی که «بیتر» مریض‌الحال را از کمپ «وینچ» به کمپ اصلی انتقال داده بود. همچنین جان یکی از باربران را در مسیر کمپ دوم از مرگ حتمی نجات داده بود ولی زیاد صحبت نمی‌کرد. آدم جهان‌دیده‌ای بود، همه جا بوده، داستان می‌نوشت و شعر می‌گفت. یک ماه بود که در



دیواره جنوب شرقی نانگا پاربات

این کوه به سر می‌بردیم و «هانس» سعی داشت که در عالم ناامیدی چیز مثبتی را ارائه دهد و بر این باور بود که هنوز شانس صعود قله وجود دارد. آیا «کارل» دیگر تسلیم شده بود؟ خوب می‌شد اگر می‌دانستیم که او چه فکری دارد. آتش کاملاً فروکش کرد و زغال‌های چوب نیمسوز شده بودند. به گفت و گو ادامه دادیم و هانس گفت:

- یکی گفته که کارل فقط از ما استفاده می‌کند و فقط برای نیازش ما را می‌خواهد.

- در هر حال اون سرپرست است ولی تنظیم کار را یکی دیگه انجام می‌ده. یه سرپرست خوب در تمام مراحل صعود، در غم و شادی، امید و ناامیدی کار تیم، مسیر صعود و خلاصه همه جا با تیم است و با اعضای آن صحبت می‌کند نه اینکه فقط موقع کار تدارکات سرپرست باشد.

هانس ادامه داد:

- ما همین حالا باید یه فکری بکنیم نه اینکه بعداً شرح ماجرا شود. مسئله اینه که کسی نمی‌تونه با «کارل» مخالفت بکنه و از جای دیگه دستور بگیره.

- فکر می‌کنم این براش خیلی گران تموم بشه. این را گفتم و همگی خندیدیم. در واقع اون حتی می‌تونه ادعا کنه که قله هم بوده، چون مابین کوهنوردان آلمانی زبان معروف است.

- نه، فکر نمی‌کنم.

- و ما نباید عوامل این مسئله را نام ببریم.

- بدقابالی خودمونه.

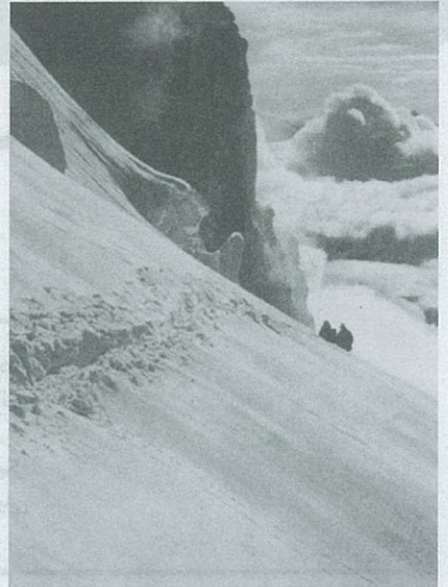
این کار هر روز عصر ما بود، پای آتش نشستن و صحبت کردن. ولی هیچگاه «کارل» به ما در این گفت و گوها ملحق نشد. یک روز صبح که هوا آفتابی بود، «گوتنر» نگاهی به جبهه روپال انداخت، عکسی گرفت و بعد حوله‌اش را گذاشت روی دوشش و رفت که حمام کند. من هم دنبالش رفتم. در محل چادر آشپزی، دیدیم که هونزایی‌ها با روی خوش از ما استقبال کردند، لذا با آنها نشستیم، ما را به چای و نان تازه که آن را «چاپاتی» می‌نامند دعوت کردند، کلی با هم خندیدیم، تشکر کردیم و به دنبال آن در محل آب که حدوداً دویست متر با کمپ فاصله داشت حسابی خود و لباس‌هایمان را شستیم، اما کاری که مدت‌ها بود آن را انجام نداده بودیم دندان شستن بود.

فضای کمپ اصلی سرد و خشک بود، جلوی چادر ایستاده بودم و اطراف خود را نظاره می‌کردم. کارل درب و داغان بود. نشاطی در او دیده نمی‌شد و روحیه خود را از دست داده بود. خسته به نظر می‌رسید. چین عمیقی در چهره‌اش بود، موهایش سفید و چشمانش برق خود را از دست داده بود. با قیافه‌ای غمگین دور خود می‌چرخید درست مثل کسی که هیچ راهی برایش باقی نمانده بود. گه‌گداری خنده‌ای از روی شرمندگی و نه چیزیشتر تسکینی بر دردها بود. قامتش خم شده بود و به آهستگی و سنگینی گام برمی‌داشت. راهی چادرش شد.

آیا مریض بود؟ قیافه‌اش نشان از شکست تیم داشت، از یک آینده ناخوش و پر از انتقاد و بحرانی و پاسخگویی به سوالات تکراری خبرنگاران و عذر و بهانه‌های همیشگی که می‌بایست آورده می‌شد. بعضی وقت‌ها دلم براش می‌سوخت. می‌خواستیم که احساسش را بفهمم ولی متأسفانه قادر به دیدن چهره‌اش در ورای ماسکی که آن را پوشانده بود نبودم.

«کارل» اما یک بار دیگر جان تازه‌ای گرفت. خیلی ناگهانی اتفاق افتاد. وسط اعضای تیم ایستاده بود و شروع کرد به صحبت کردن درباره «هرمان بول» و اینکه توسط دوربین تلسکوپی‌اش شاهد بالا رفتن او از «بخار راخویت» بوده است و خیلی سریع حرکت می‌کرده است. همین طور که صعود می‌کرد طناب‌های ثابت را نیز نصب می‌کرد.

شاید به این ترتیب قصد داشت که خود و افراد تیم را ترغیب کند که آنها نیز می‌توانند مثل «بول» باشند. او نه تنها خود رویای صعود را داشت بلکه به ذکر این مسئله پرداخت که این او بوده است که بول را اینجا آورده و راه ارتفاعات را برایش



فرود پس از هوای بد

بود که کارل را به حرکت وا می‌داشت و ذهنیتی که نسبت به او داشت می‌توانست تیمش را از میان توفان راهی قله کند. او کوه، برادرش و خودش را آن بالا می‌دید و تمام احساسش معطوف قله بود و امیدهایش بدان بسته بود.

بنابراین یا کارل بیمار بود و یا اینکه با خودش نمی‌توانست کنار بیاید. آیا قادر به درک این نکته بود که برای تحقق بخشیدن به آرزوی دیرینش مبنی بر صعود قله برایش بسیار دیر است؟ اما او ۳۶ سال است که فقط با این امید زندگی کرده است و از هیچ‌گونه خدمت مالی و کاری در زمینه تدارکات در تمام این دوران و تیم‌های مختلفش دریغ نداشته است و حال دیگر امیدی را نمی‌دید. چرا که می‌دانست خود شخصاً توان انجام این کار را ندارد. در واقع شانس صعود تقریباً برای همگی اعضای تیم در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته بود و خیلی‌ها پیشاپیش و در خلوت خود تسلیم شده بودند.

### گشت و گذاری به قله هیران

در زمانی که همه اعضای تیم در انتظار بهتر شدن وضع هوا بودند، من و گونتر بدون اطلاع سایرین راهی صعود قله «هیران» شدیم. قله‌ای که کارل آن را «شایگیری» می‌نامید. وی در این باره چنین می‌گوید که روز شانزدهم ژوئن برادران «مسنر» و «راب» و «فن کینلین» از کمپ اصلی خارج شدند. «راب» به کمپ بازگشت ولی سایرین را روز بعد در کمپ اصلی دیدم و فکر می‌کنم برادران مسنر اولین صعود «شایگیری» را به ثبت رساندند که ۵۹۵۰ متر ارتفاع دارد.

گونتر در این باره چنین می‌گوید:

ما این قله را همیشه از محل کمپ سوم نظاره‌گر بودیم فقط اسمش را نمی‌دانستیم. برف زیاد می‌بارید ولی دشوار نبود و ارتفاع آن را هم نمی‌دانستیم ولی مطمئن بودیم که هنوز صعود نشده است. تصمیم ما از اول این بود که یک روز که هوا خوب است راهی مسیر قله می‌شویم و اگر هوا راه داد آن را صعود می‌کنیم. چهار نفره حدود چهار بعدازظهر به راه افتادیم، «المار» هم تا محل پل با ما بود به تاریکی شب خوردیم و بعداً هم ساعت حدود ۹ شب زیر نور ماه صعود را ادامه دادیم. متأسفانه نور ماه پشت جبهه روپال پنهان ماند و «گونتر» که جلوداری می‌کرد با شکاف‌ها و

باز کرده است. برایش در حال حاضر فقط مهم این بود که قله صعود شود، این که آن بالا چه اتفاقی افتاده بود برایش اهمیتی نداشت و دوست داشت که این کار تکرار شود حتی اگر فقط با استفاده از تلسکوپ نظاره‌گر صعود باشد.

وقتی ما را نگاه می‌کرد می‌دانستم که این «بول» و «ولتسنباخ» نیستند که بدان‌ها فکر می‌کنند بلکه «مرکل» برادرش بود. این فکر او

بارش برف مجدداً آغاز شد. کمی دیر شده بود، ارتفاع سنخ ۶۰۲۲ متر را نشان می‌داد. «المار» که از همان ابتدای کار به علت پوشیدن کفش نامناسب به کمپ بازگشته بود و «ماکس فن کینلین» هم کمی پایین‌تر از قله در انتظار ما بود که پاهایش وضع مناسبی نداشت. در مسیر بازگشت از قله اصلی به قله فرعی به جای اینکه مسیر یال را ادامه دهیم نمی‌دانم چطور شد که یک مرتبه وقتی که ابرها یک لحظه کنار رفتند هر دو توافق کردیم که دهلیز

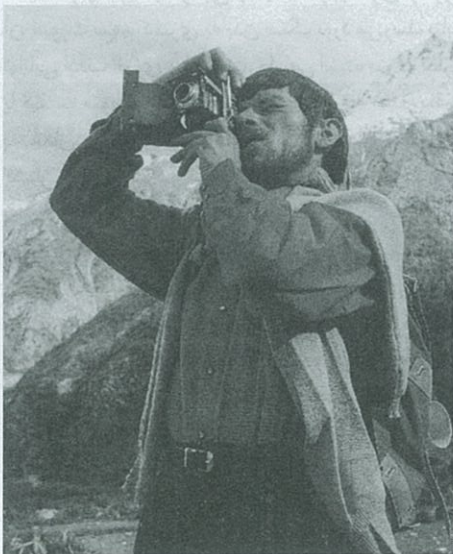
بین این دو را ببریم و مسیر را پایین بیاییم و بعد به سمت چپ کشیدیم تا خود را به «ماکس» برسانیم. درست همان جایی که او را تنها گذاشتیم، اما «ماکس» آنجا نبود، کوله و روکش بیتوته روی تخته سنگی قرار داشت. چیزی روی برف‌ها نوشته شده بود: «دنبال شما رفتیم بالا». «رینهولد» کمی داد زد و صدایش کرد ولی رد پاهای «ماکس» روی برف را به وضوح می‌شد دید. تو این حال و هوا بودیم که چه بکنیم که یک مرتبه سر و کله «ماکس» پیدا شد، خسته بود و روی چوب‌های اسکی‌اش لم داده بود و موفق شده بود تا قله میانی را صعود کند.

ساعت چهار بعدازظهر بعد از ۲۴ ساعت مجدداً در کمپ اصلی بودیم. خیلی سرد ما را تحویل گرفتند مثل این که کار اشتباهی کرده باشیم. «کارل» هیچ‌گاه سعی نکرد مزاحم ما شود و هیچ‌وقت هم جوپا نشد که ما کجا



گونتر و فن کینلین در قله هیران

بوده‌ایم و چه کرده‌ایم. به ما این طور گفته شد که از دست ما شاکتی است به این دلیل که خودسرانه این کار را کرده‌ایم. علیرغم این که خودش روز قبل موافقتش را اعلام کرده بود. تعدادی از اعضای تیم نظر او را جوپا شدند که اگر امکانش باشد صعود دوم این قله را به ثبت برسانند که از طرف کارل رد شد. او این مسئله را وقت تلف کردن و صرف بیهوده انرژی می‌دانست. Δ



گونتر مسنر در کمپ اصلی

# مشخصات فنی طناب‌های کوه‌نوردی

ترجمه: هادی فوقانی\*

طناب‌ها به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: طناب‌های دینامیک برای کوه‌نوردی، سنگ‌نوردی و یخ‌نوردی و طناب‌های استاتیک و نیمه استاتیک برای غارنوردی، امداد و نجات، بارکشی، صعود میمونی و تنگ‌پیمایی یعنی پیمایش دره‌های باریک و تنگ که با فرودهای متوالی همراه است. طبق معیارهای UIAA، اتحادیه بین‌المللی کوه‌نوردی، در حال حاضر طناب‌های کوه‌نوردی دینامیک که در سنگ‌نوردی و یخ‌نوردی مورد استفاده قرار می‌گیرند با هفت مشخصه اصلی و یک مشخصه تکمیلی به شرح زیر شناخته می‌شوند:

## ۱- نیروی ضربه

فرض کنید سنگ‌نوردی هنگام صعود روی یک مسیر طبیعی یا سالنی دچار سقوط شود. اگر تمام سیستم حمایت کاملاً محکم و قدرت جذب هیچ مقداری از انرژی سقوط را نداشته باشد، کل انرژی سقوط باید توسط بدن سنگ‌نورد جذب شود. در این صورت ضربه سختی توسط طناب بر بدن سنگ‌نورد وارد می‌شود که چه بسا از حد تحمل بدن فراتر می‌رود و موجب مرگ یا صدمات جدی خواهد شد؛ و این زمانی است که سیستم حمایت قادر به تحمل این ضربه باشد و خودش در هم نشکند که در آن صورت به اصطلاح حساب سنگ‌نورد با کرام‌الکاتبین خواهد بود! اما خوشبختانه در عمل چنین نیست. در عمل بخشی از انرژی سقوط توسط کل سیستم حمایت جذب می‌شود و در نهایت بدن سنگ‌نورد مقدار بسیار کمتری از کل انرژی سقوط را تحمل می‌کند به طوری که این مقدار معمولاً از حد تحمل او تجاوز نمی‌کند.

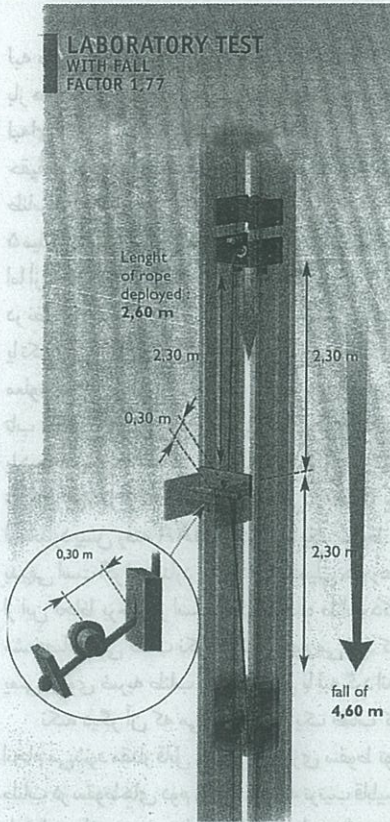
مهم‌ترین عاملی که باعث جذب انرژی سقوط در کل سیستم حمایت می‌شود چیست؟ مهم‌ترین عامل در کل سیستم حمایت برای جذب انرژی سقوط، طناب است. هر چند طناب توانایی جذب مقدار بیشتری از انرژی سقوط را داشته باشد، در آن صورت سهم کمتری به بدن سنگ‌نورد می‌رسد، بنابراین کیفیت طناب از لحاظ توانایی جذب انرژی مهم است. طبیعی است، صرف نظر از این که از انواع مرغوب‌تر یا کیفیت متوسط طناب استفاده کنیم، هرچه مقدار سقوط کمتر باشد انرژی سقوط به همان میزان کمتر خواهد بود و هرچه طول طنابی که در هنگام سقوط تحت کشش قرار می‌گیرد بیشتر باشد، انرژی بیشتری جذب طناب خواهد شد.

با این اوصاف سختی سقوط را چگونه اندازه می‌گیرند؟ سختی سقوط با متغیری به نام «ضرب سقوط» اندازه‌گیری می‌شود. ضرب سقوط طبق تعریف عبارت است از مترای سقوط تقسیم بر مترای طناب تحت کشش، چنان که می‌بینید ضرب سقوط مستقل از این است که از چه نوع طنابی استفاده می‌کنیم. ضرب سقوط از لحاظ تئوریک عاملی است که فقط به دو متغیر بستگی دارد که آن هم در هر سقوطی قابل اندازه‌گیری است: اول مترای سقوط که عبارت است از فاصله سنگ‌نورد در هنگام سقوط تا آخرین حمایت میانی که طنابش را در آن انداخته ضرب در دو؛ (با فرض این که پس از سقوط حمایت میانی از جا کنده نشود). دوم: مترای مؤثر طناب که عبارت است از طول طناب از محل سنگ‌نورد در هنگام سقوط تا کارگاهی که از آن جا حمایت می‌شود.

واضح است که هر چه فاصله سنگ‌نورد در هنگام سقوط از آخرین حمایت

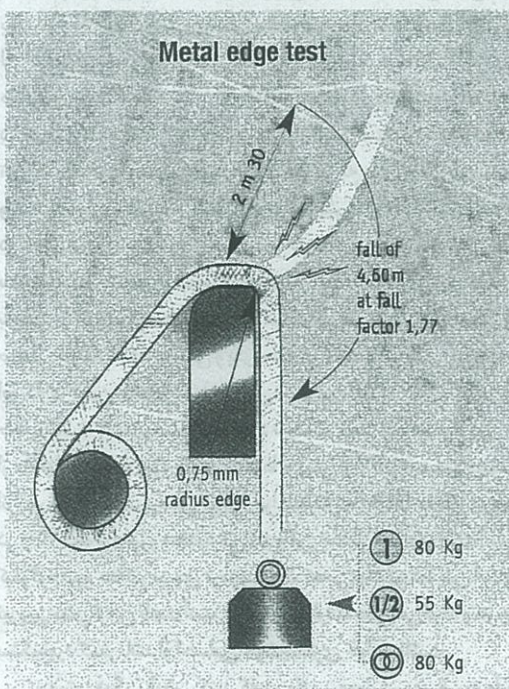
میانی استفاده شده بیشتر باشد، سقوطش سنگین‌تر خواهد بود یعنی انرژی بیشتری خواهد داشت؛ و هر چه فاصله‌اش تا کارگاهی که از آن جا حمایت می‌شود بیشتر باشد طناب بیشتری برای جذب انرژی به کار می‌رود و سقوطش سبک‌تر خواهد بود یعنی انرژی بیشتری توسط طناب جذب خواهد شد. حال که دانستیم ضرب سقوط یک عدد خالص (یعنی به اصطلاح عددی بدون دیمانسیون) است که از تقسیم دو طول

بر هم به دست می‌آید سؤال این است که حداکثر و حداقل آن چقدر است؟ پاسخ این است که حداقل ضرب سقوط صفر و حداکثر آن دو است. فرض کنید هنوز هیچ فاصله‌ای از آخرین حمایت میانی استفاده شده نگرفته‌اید یا فاصله‌ای بسیار اندک از آن گرفته‌اید که کنترل خود را از دست می‌دهید؛ در آن صورت در عمل طول سقوط شما قابل نظر کردن یا در حد صفر است و وقتی بر طول طناب استفاده شده تقسیم شود باز هم صفر می‌شود و این حداقل ضرب سقوط است. حال فرض کنید که در هنگام سقوط مقدار  $m$  متر از کارگاه حمایت فاصله گرفته‌اید ولی هنوز موفق به برپایی یا استفاده از حمایت میانی نشده‌اید که دچار سقوط می‌شوید؛ طول سقوط شما  $ZM$  متر خواهد بود و طول مؤثر طناب هم همان  $m$  متر است پس ضرب سقوط عبارت خواهد شد از  $ZM$  تقسیم بر  $m$  یعنی دو؛ و این حداکثر ضرب سقوط است. حال برگردیم به بحث اصلی یعنی نیروی ضربه. چنان که گفتیم در هر سقوطی مقداری از انرژی سقوط توسط سیستم حمایت (عمدتاً طناب) جذب شده و بقیه آن توسط نیرویی که از طناب بر بدن سنگ‌نورد وارد می‌شود به بدن سنگ‌نورد وارد شده و توسط بدن او جذب می‌شود، این نیرو را «نیروی ضربه طناب» می‌نامیم. طبیعی است هر چه این نیروی ضربه کمتر باشد سنگ‌نورد راحت‌تر و ایمن‌تر است. استاندارد UIAA از سازندگان طناب می‌خواهد که بر روی برچسب طناب تولیدی خویش یا در برگه مشخصات فنی آن نیروی ضربه طناب را بنویسند. می‌دانیم که در عمل نیروی ضربه‌ای که بر بدن سنگ‌نورد وارد می‌شود تابعی از سقوط و سختی آن است. هرچه وزن سنگ‌نورد بیشتر باشد و هرچه ضرب سقوط او بزرگ‌تر باشد طبیعتاً نیروی ضربه بیشتری بر بدن سنگ‌نورد وارد خواهد شد. پس معنی «نیروی ضربه طناب» که بر روی برچسب طناب و در قسمت مشخصات فنی طناب نوشته می‌شود چیست؟ در حقیقت UIAA آزمایش استاندارد را پیشنهاد می‌کند و در این آزمایش استاندارد نیروی ضربه طناب اندازه‌گیری می‌شود و سازندگان طناب این عدد را بر روی برچسب طناب تولیدی خویش می‌نویسند. مثلاً در مورد طناب‌هایی که طراحی شده‌اند تا به طور تکی یا تک رشته مورد استفاده قرار گیرند، UIAA طناب‌هایی را قابل قبول می‌داند که در این آزمایش استاندارد نیروی ضربه آنها از



شکل شماره یک:  
شبهه سازی سقوطی با  
ضریب ۱/۷۷ در دستگاهی  
به نام «برج سقوط»

اگر به شکل یک با دقت نگاه کنیم می بینیم که طناب در نقطه ای ثابت می شود که در حقیقت شبهه سازی کارگاه حمایت است؛ و سپس پس از طولی برابر ۳۰ سانتی متر از سوراخی عبور می کند که در حقیقت شبهه سازی کارابین است و آن گاه به مقدار ۲/۳۰ متر دیگر در استوانه آزمایش بالا می رود و در آن جاذبه ای که وزنه مورد نظر که برابر وزن سنگ نورد است به آن بسته شده در استوانه به طرف پایین سقوط می کند.



شکل ۲ -  
سقوط بر روی  
یک لبه تیز،  
لبه ای با شعاع  
۰/۷۵ میلی متر

۱۲۰۰ کیلوگرم نیرو تجاوز نکند. در حقیقت وقتی می گوئیم که فلان تک طناب از لحاظ نیروی ضربه در حد استانداردهای UIAA است یعنی این که در آزمایش استاندارد اندازه گیری نیروی ضربه، این نیرو مساوی یا کمتر از ۱۲۰۰ کیلوگرم نیرو بوده است و طبیعی است که هر چه عدد به دست آمده کمتر باشد طناب از این لحاظ طناب بهتری است. اما این که در حد استانداردهای UIAA در این مورد تعیین کرده چیست؟ می دانیم که هم از طرف UIAA و هم از طرف سازندگان، طناب های کوه نوردی از لحاظ چگونگی استفاده به سه دسته زیر تقسیم می شوند:

الف - تک طناب: طناب هایی که طراحی شده اند برای این که به طور تکی یعنی تک رشته مورد استفاده قرار گیرند؛ یعنی یک سر طناب به صندلی صعود کننده بسته می شود و او هنگام صعود طناب را از تمام حمایت های میانی عبور خواهد داد. این نوع طناب ها در برجسب طناب با علامت ۱ مشخص می شوند معمولاً قطر آنها بین ۹ تا ۱۱ میلی متر است.

ب - نیم طناب: طناب هایی که طراحی شده اند برای این که به صورت دو تایی مورد استفاده قرار گیرند بدین صورت که سر آزاد هر دو رشته طناب به صندلی صعود کننده بسته می شود و او هنگام صعود طناب ها را یک در میان از حمایت های میانی عبور خواهد داد؛ یعنی از یک حمایت میانی یک رشته طناب عبور می کند و از حمایت میانی بعدی رشته بعدی. این نوع طناب ها در برجسب طناب با علامت ۱/۲ مشخص می شوند و معمولاً قطر آنها بین ۸ تا ۹ میلی متر است.

ج - زوج طناب: طناب هایی که طراحی شده اند برای این که به صورت دوتایی مورد استفاده قرار گیرند بدین صورت که سر آزاد هر دو رشته به صندلی صعود کننده بسته می شود و او هنگام صعود هر دو طناب را همزمان از تمام حمایت های میانی عبور خواهد داد. این نوع طناب ها در برجسب طناب با علامت ۲ یا ۲/۵ مشخص می شوند و معمولاً قطر آنها بین ۷/۵ تا ۹ میلی متر است.

حال برگردیم به آزمایش استاندارد UIAA برای اندازه گیری نیروی ضربه طناب. در این آزمایش استاندارد، تمام انواع طناب در سقوطی با ضریب ۱/۷۷ آزمایش می شوند. در مورد تک طناب ها وزنه ای که به طناب بسته می شود و با آن آزمایش انجام می شود، یک وزنه ۸۰ کیلوگرمی است و نیروی ضربه اندازه گیری شده نباید از ۱۲۰۰ کیلوگرم نیرو تجاوز کند. در مورد نیم طناب ها وزنه ای که به یک رشته طناب بسته می شود و با آن آزمایش انجام می شود یک وزنه ۵۵ کیلوگرمی است و نیروی ضربه اندازه گیری شده نباید از ۸۰۰ کیلوگرم نیرو تجاوز کند. در مورد زوج طناب ها وزنه ای که به هر دو رشته طناب بسته می شود و با آن آزمایش انجام می شود یک وزنه ۸۰ کیلوگرمی است و نیروی ضربه ای که هر دو طناب وارد می کنند نباید از ۱۲۰۰ کیلوگرم نیرو تجاوز نکند.

پس تا اینجا دانستیم که هر تولیدکننده طنابی باید روی برجسب طناب تولیدی خویش اولاً یکی از سه علامت ۱ یا ۱/۲ یا ۲ را مشخص کند و ثانیاً نیروی ضربه اندازه گیری شده طناب خویش را هم بنویسد که چنانچه این نیرو از آنچه UIAA تعیین کرده کمتر باشد یا مساوی آن باشد می گوئیم که استاندارد UIAA در این مورد در این طناب ها رعایت شده است.

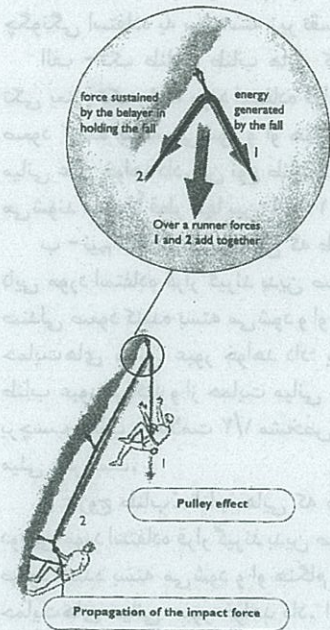
حال این سؤال مطرح می شود که سقوطی با ضریب ۱/۷۷ در آزمایشگاه چگونه شبهه سازی می شود؟ در حقیقت مطابق شکل شماره یک، سقوطی با متر ۴/۶۰ متر بر روی طنابی با طول مؤثر ۲/۶۰ متر شبهه سازی می شود. پس ضریب سقوط برابر می شود با ۴/۶۰ تقسیم بر ۲/۶۰ که مساوی می شود با ۱/۷۷ البته خاطر نشان می سازد که در عمل آرایش کارگاه و حمایت میانی ها به سادگی مدل نشان داده شده در شکل شماره یک نیست و ضریب سقوط عملی، تفاوت هایی با ضریب سقوط نظری پیدا می کند که بحث در مورد آن به مقاله دیگری نیازمند است.

یک نکته ظریف در آزمایش فوق آن است که لبه سوراخی که طناب بر روی آن لبه سقوط می کند دارای چه زاویه ای است؟ اگر لبه سوراخ بسیار تیز باشد آیا طناب باز هم تحمل می کند و در هم نمی شکند؟ به شکل شماره ۲ نگاه کنید. در این شکل لبه ای که طناب بر روی آن سقوط می کند شعاعی برابر  $0.75$  میلی متر دارد. در حقیقت آزمایش استاندارد اصلی UIAA برای طنابها که در جریان آن نیروی ضربه طناب اندازه گیری می شود، لبه فلزی را خیلی گردتر پیشنهاد می کند و شعاع آنها را برابر  $5$  میلی متر در نظر می گیرد تا شبیه سازی به شرایط ابزار واقعی یعنی کارابین نزدیک تر باشد. اما آزمایش استاندارد پیش رفته UIAA این لبه را خیلی تیزتر یعنی با شعاع  $0.75$  میلی متر در نظر می گیرد که برای طناب شرایط بسیار سخت تری است. در این آزمایش پیش رفته یا تکمیلی هدف آن نیست که نیروی ضربه طناب اندازه گیری شود بلکه هدف آن است که معلوم کند آیا طناب در برابر یک سقوط روی لبه تیز مقاومت می کند یا خیر. تمام طنابها تاب تحمل آزمایش با این لبه تیز را ندارند و تولیدکنندگان طنابها باید در برچسب طناب یا در برگه مشخصات فنی طناب مشخص کنند که نیروی ضربه اندازه گیری شده طناب تولیدی آنها در آزمایش استاندارد اصلی UIAA چقدر بوده و نیز مشخص کنند که آیا استاندارد پیش رفته UIAA را در مورد یک سقوط روی لبه تیز هم رعایت می کنند یا نه. بدیهی است اگر استاندارد پیشرفته یا تکمیلی هم رعایت شده باشد طناب از کیفیت برتری از این لحاظ برخوردار است و اگر سازنده طناب دگری از این استاندارد تکمیلی در برگه مشخصات فنی طناب نکرده باشد معلوم می شود که فقط استاندارد اصلی را رعایت کرده یعنی نیروی ضربه طناب را در آزمایش با لبه گرد اندازه گیری کرده است.

نکته دیگر آن که می دانیم وقتی یک طناب کاملاً نو است و اولین سقوط روی آن انجام می شود مقدار قابل توجهی از انرژی سقوط توسط طناب جذب می شود ولی همین طناب در سقوطهای دوم و سوم و... به ترتیب قابلیت جذب انرژی کمتر و باز هم کمتری را خواهد داشت. معنی این سخن آن است که نیروی ضربه یک طناب مشخص در سقوطهای دوم و سوم و... به ترتیب و به طور مدام افزایش می یابد. در حقیقت در آزمایش استاندارد UIAA فرض بر این است که طناب کاملاً نو است و این اولین سقوط آن است. مثلاً اگر روی یک طناب  $10$  میلی متری نوشته شده که نیروی ضربه آن  $900$  کیلوگرم نیرو است معنی آن این است که اگر این طناب در معرض آزمایش استاندارد UIAA قرار گیرد در اولین سقوط نیروی ضربه آن  $900$  کیلوگرم نیرو خواهد بود و بدیهی است که اگر آزمایش تکرار شود در سقوطهای بعدی ممکن است عددی بیش از  $900$  کیلوگرم نیرو به دست آید. سؤال دیگر: آیا ممکن است که طناب فوق که مثلاً  $10$  میلی متری با نیروی ضربه  $900$  کیلوگرم نیرو است در شرایط واقعی و نه آزمایشگاهی، حتی در اولین سقوط، نیرویی بیش از  $900$  کیلوگرم نیرو بر بدن سنگنورد وارد کند؟ پاسخ این است که چنین چیزی از لحاظ نظری ممکن اما احتمال عملی آن کم است. در حقیقت اگر در اولین سقوط روی این طناب، وزن سنگنورد بیش از  $80$  کیلوگرم بوده و سقوط او با ضریبی بیش از  $1/7$  باشد، در آن صورت، سقوط انرژی بیشتری از آزمایش استاندارد UIAA خواهد داشت و از لحاظ تئوریک ممکن است نیرویی بیش از عددی که روی طناب نوشته شده بر بدن سنگنورد وارد شود. ولی واقعیت آن است که در آزمایش UIAA شرایط سختی پیش بینی شده و در عمل عموماً شرایط بهتر است. زیرا در عمل برخلاف آزمایش UIAA که کل انرژی سقوط توسط طناب جذب می شود، عوامل جذب انرژی بیشتر است؛ مثلاً علاوه بر طناب، بخشی از انرژی توسط اصطکاک در کارابینها و ابزارهای دیگر، گرده نوار (اسلینگ)، صندلی صعودکننده، صندلی و بدن حمایت کننده و... جذب می شود. بدین ترتیب احتمال این که در اولین سقوط نیرویی بیش از نیروی ضربه طناب که در برگه مشخصات فنی طناب نوشته شده بر سنگنورد وارد شود کم است زیرا معمولاً وزن سنگنورد خیلی بیش از  $80$  کیلوگرم و به ویژه ضریب سقوط او بیش از  $1/7$  نیست و مهم تر آن که عوامل جذب انرژی هم زیادترند. پرسش دیگر: چرا استاندارد UIAA حداکثر نیروی ضربه تک طناب را در  $1200$  کیلوگرم نیرو محدود می کند و این عدد از کجا آمده است؟ پاسخ آن است که  $1200$  کیلوگرم نیرو حداکثر نیروی ترمزی است که می تواند توسط بدن انسان تحمل شود. اعمال نیرویی بیش از این باعث آسیب جدی و خطرات جانی می گردد و هرچه نیروی وارده بر بدن سنگنورد کمتر باشد او احساس خوشایندتری خواهد داشت.

پرسش دیگر: فرض کنید که در یک سقوط، نیروی ضربه وارده بر بدن سنگنورد

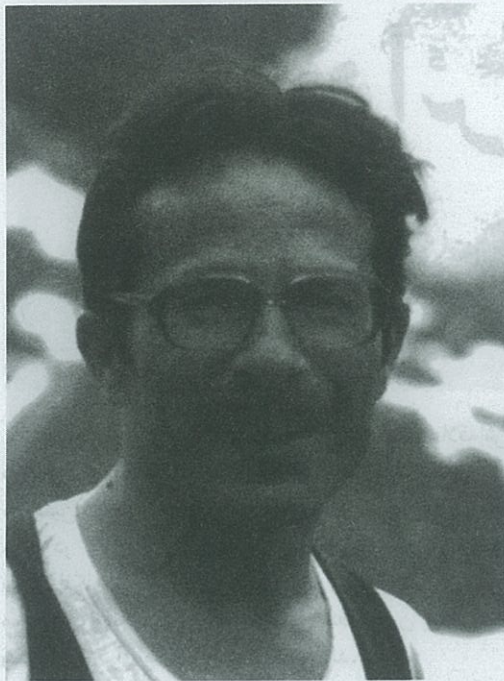
مثلاً  $71$  کیلوگرم نیرو است. بر بدن حمایت چپی یا کارگاه حمایت چه نیرویی وارد می شود؟ پاسخ آن است که به خاطر وجود اصطکاک در کارابینها، این نیرو کمتر از نیروی ضربه وارده بر بدن سنگنورد است و اگر آن را با  $72$  نشان دهیم:  $F_1$  از  $F_2$  کوچکتر خواهد بود. سؤالی دیگر: بر آخرین حمایت میانی که سقوط روی آن انجام گرفته چه نیرویی وارد می شود؟ برای پاسخ ابتدا به شکل شماره ۳ نگاه کنید که در آن اصلی که در فیزیک موسوم به «اصل قرقره» است نشان داده شده است.



شکل شماره ۳ - اصل قرقره؛ نیروی وارده بر حمایت میانی، سنگنورد و کارگاه

طبق این اصلی، نیروی وارده بر آخرین حمایت میانی مساوی است با جمع برداری نیروی ضربه وارده بر سنگنورد و نیروی وارده بر حمایت چپی یا کارگاه حمایت. یعنی اگر نیروی وارده بر آخرین حمایت میانی را  $F$  بنامیم:  $F$  جمع برداری  $F_1$  و  $F_2$  است. قبلاً گفتیم که نیروی وارده بر حمایت چپی یا کارگاه حمایت کمتر از نیروی ضربه وارده بر سنگنورد است. اکنون اضافه می کنیم که نیروی وارده بر آخرین حمایت میانی که سقوط روی آن انجام می شود و جمع برداری دو نیروی فوق است را معمولاً  $1/6$  برابر نیروی ضربه وارده بر سنگنورد می گیرند. یعنی اگر مثلاً نیروی ضربه وارده بر بدن سنگنورد  $900$  کیلوگرم نیرو باشد، نیروی وارده بر حمایت میانی برابر خواهد شد با  $900$  ضرب در  $1/6$  یعنی  $1440$  کیلوگرم نیرو.

نکته آخر: چنانچه مشاهده می کنیم در مورد طنابهای دینامیک که برای کوهنوردی و به ویژه برای سنگنوردی و یخنوردی به کار می روند، نیروی ضربه طناب معیار اصلی برای ارزیابی طناب است نه نیروی تحمل طناب یعنی نیرویی که باعث پاره شدن طناب شود. ولی در مورد طنابهای استاتیک و نیمه استاتیک که معمولاً برای بارکشی، صعود میمونی، غارنوردی، تنگ پیمایی (پیمایش دره های تنگ که با فرودهای متوالی همراه است) به کار می روند و قطر آنها نیز معمولاً بین  $8$  تا  $10$  میلی متر است و در برچسب طناب با علامت C مشخص می شوند (غارنوردی caving یا تنگ پیمایی canyoning)، قضیه برعکس است: در آنجا معیار اصلی ارزیابی طناب، حد تحمل استاتیک طناب است یعنی این که چه نیرویی باعث گسستن یا از شکل افتادن طناب می شود و این مشخصه را در برگه مشخصات فنی طناب می نویسند که معمولاً عددی بین  $1800$  تا  $2800$  کیلوگرم نیرو است. همین جا تذکر دهیم که این اعداد برای طنابی است که گرهی در آن زده نشده است. مثلاً اگر در طول طناب یک گره هشت وجود داشته باشد به مقدار قابل ملاحظه ای حد تحمل استاتیک طناب کاهش خواهد یافت، معنای سخن فوق آن است که یک طناب دینامیک خوب طنابی است که علاوه بر این که پاره نمی شود نیروی ضربه کمتری بر سنگنورد یا یخنورد وارد می کند و یک طناب نیمه استاتیک یا استاتیک خوبه طنابی است که گرچه نیروی ضربه اش، در مقایسه به هر حال زیادتر است اما به ویژه حد تحمل استاتیک آن باید تا حد ممکن بالا باشد. Δ



# یادها و نشانه های فریدون اسماعیل زاده

۱۳۶۴ تلاش برای صعود زمستانی دیواره شمالی علم کوه  
۱۳۶۵ نخستین صعود زمستانی خطالرأس جوپار  
۱۳۶۵ تلاش برای صعود دیواره ها و خطالرأس دنا (زمستانی)  
۱۳۶۶ گشایش «مسیر همدانی ها» روی دیواره علم کوه (این مسیر در سال ۱۳۶۹ بدون حضور اسماعیل زاده تکمیل شد.)  
۱۳۶۸ شرکت در کنگره کوهنوردی کشور (عضو کمیسیون فنی)  
۱۳۶۹ شرکت در برنامه صعود زمستانی دیواره شمالی علم کوه  
۱۳۷۰ پیمایش خطالرأس البرز مرکزی از غرب و دماوند تا جنوب علم کوه  
۱۳۷۱ پیمایش ستیغ زردکوه از گردنه چری تا هفت تنان  
۱۳۷۱ پیمایش زمستانی ستیغ کلاه قاضی - یخچال - کلاغ لان - قزل ارسلان در منطقه الوند  
۱۳۷۲ نخستین پیمایش زمستانی ستیغ خله نو آزادکوه  
۱۳۷۴ همکاری با «کمیسیون صعودهای برگزیده» در فدراسیون کوهنوردان  
۱۳۷۴ تلاش برای پیمایش خطالرأس ماز (دوبرار)  
۱۳۷۵ نخستین پیمایش ستیغ ماز از گردنه امزاده هاشم تا برج قره داغ (و ده هویر)  
از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ صعود چند صد قله در سراسر ایران و شناسایی و تهیه گزارش و عکس از آنها و جمع آوری در یک کتاب که به زودی چاپ می شود اسماعیل زاده طی سالهای طولانی و به شکلی پیوسته کوهنوردی کرد، با عضویت در گروه ها به تربیت جوانان علاقمند پرداخت.  
از ۱۴۰۱۵ سال پیش که سنگ نوردی ورزشی و کار در سالن در ایران باب شد، دست کم هفته ای سه روز می شد اسماعیل زاده را در سالن سنگ نوردی شيرودی دید که با جدیت ساعت ها کار می کرد. او که در زندگی حرفه ای خود سال ها آموزگاری کرده بود، پشتکار و علاقه مندی شگفت انگیزی در کار با نوآمذگان داشت. به جرأت می توان گفت که نسلی از بهترین کوهنوردان و سنگنوردان مسابقه دهنده ایران از آموزش ها و تشویق های او بهره برده اند.  
او به علت سرطان خون که از حدود ۶ ماه قبل به آن دچار شده بود درگذشت. فصلنامه کوه درگذشت این مربی پرتلاش را به جامعه کوه نوردی و دوستانش تسلیت می گوید. Δ

فریدون اسماعیل زاده در سال ۱۳۱۹، در همدان، شهری با سنت های دیرپای کوه پیمایی به دنیا آمد. از اوایل جوانی با عضویت در گروه های کوهنوردی به کار جدی کوهنوردی پرداخت و از حدود سال ۱۳۳۹ شروع به همکاری با هیأت کوهنوردی همدان کرد، در همان سال ها، بازدید از غار علی سرد (علی صدر) داشت و در سال ۱۳۴۲ با دیگر همراهانش در «گروه کوهنوردی متحد» از نخستین کسانی بود که با استفاده از تیوپ خودرو به گشت زنی بر سطح دریاچه غار و شناسایی دلان های آن اقدام کردند. در سال ۱۳۴۴، «در سومین کنگره کوهنوردی کشور» که کوهنوردان همدانی در آن حضور فعالی داشتند، شرکت کرد در کلاس های آن آموزش دید. اسماعیل زاده از نخستین کسانی بود که در همدان کوهنوردی فنی و سنگ نوردی را پایه گذارد؛ او در نیمه اول دهه چهل نخستین صعود کلاهدک قله الوند را به انجام رساند.

در زیر، فهرست مهم ترین کارهای اسماعیل زاده را می بیند؛ باید یادآور شد که او کوهنورد پرکاری بود و ما ریز تمام کارهای او را از جمله مسیرهایی را که در بیستون و روی سنگ کوتاه های بند یخچال باز کرده در دسترس نداریم.  
۱۳۳۹ آغاز همکاری با هیأت کوهنوردی همدان.  
۱۳۴۲ بازدید از غار علی سرد و شناسایی دلان های مختلف آن  
۱۳۴۴ شرکت در کنگره سوم کوهنوردی کشور  
۱۳۴۸ شرکت فعال در ساختن پناهگاه میدان میشان الوند  
۱۳۴۷ شرکت در کلاس هیاس نوشل مربی اتریشی  
۱۳۵۱ صعود زمستانی قله قزل ارسلان  
۱۳۵۲ صعود گرده آلمانی ها در علم کوه (دومین صعود یک گروه شهرستانی)  
۱۳۵۳ صعود دیواره علم کوه از مسیر هاریست - علایی (نخستین صعود یک تیم شهرستانی از دیواره علم کوه)  
۱۳۵۵ نخستین صعود زمستانی قله منشاد (منطقه شیرکوه)  
۱۳۵۶ صعود تکی (مسیر همدانی ها) در بیستون (در گشایش مسیر هم شرکت داشته است)  
۱۳۶۲ نخستین صعود زمستانی قله کل جنو  
۱۳۶۳ صعود زمستانی گرده آلمانی ها (هم زمان با یک تیم دیگر، نخستین صعود زمستانی گرده).  
۱۳۶۴ صعود یخچال هرم داغ (احتمالاً نخستین صعود)

# دائرة المعارف

## قسمت پایانی

ترجمه: جمشید هدایت نسب

دومین کار بزرگ او سفر به آند نام دارد که در سال ۱۸۹۱ به همراه جلد دوم کتاب تاریخ‌های علمی انتشار یافت و او همچنین در سالهای ۱۸۹۱، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷ کتابهای چگونه از هواسنج استفاده کنیم؟ سفر به شامونی و سفر به زرمات را انتشار داد. ویمپر به سختی دوستی با افراد مختلف را می‌پذیرفت، اخلاقی تندخویانه داشت و معمولاً از لحاظ شخصیتی از نزدیکی با دیگران پرهیز می‌کرد. او در سال ۱۹۰۶ ازدواج کرد و در شانزدهم سپتامبر ۱۹۲۱ به طور ناگهانی در شامونی درگذشت.

فریتز هرمان ارنست ویسنر

Wiessner, Fritz Hermann Ernst (b. ۱۹۰۰)

شیمیدان آلمانی - آمریکایی که نقش به‌سزایی در توسعه‌ی کوهنوردی در آمریکا داشت. اولین صعود انفرادی مارمولاد را از مسیر جبهه‌ی جنوبی به انجام رساند و عضو تیم اعزامی مرکل در سال ۱۹۳۲ به نانگاپاریات بود و موفق شد تا یال بین قله راکیوت و سیلبر ساتل پیش برود. در سال ۱۹۳۹ اولین تلاش آمریکایی‌ها روی قله‌ی K۲ را صورت داد و به اتفاق پاسانگ‌داوا به ارتفاع ۲۷۵۰۰ پایی رسید. کمبود تجهیزات و طوفان باعث مرگ سه شریک و وی. ولف گردید که وی را به عنوان سرپرست در وضعیتی بحرانی قرار داد. نامبرده کلیه‌ی قله‌ی ۴۰۰۰ متری آلپ را صعود کرده است.

عامل سرمای باد

Wind Chill factor

سرمای باد می‌تواند به‌طور جدی روی کوهنورد اثر بگذارد طوری که دمای بدن وی را کاهش دهد. لذا در صعودهای ارتفاعات و زمستانی این مورد را به دقت باید در نظر داشت. برای مثال ۲۰ درجه‌ی فارنهایت در ۴۵ m.p.h برابر است با ۱۰ درجه فارنهایت در ۱۸ m.p.h یا ۱۰- درجه فارنهایت در ۷ m.p.h برابر با ۴۰- درجه فارنهایت در ۲ m.p.h است. کل جنوبی اورست در زمستان ۳۰- درجه فارنهایت با ۳۰ m.p.h است.

دره‌ی یوسمیت در کالیفرنیا

Yosemite Valley, California

دره‌ای که در پارک ملی یوسمیت در سیرانوادا واقع شده است که هرچند قله آن همچون هاف دم (۸۸۵۲) به‌طور عمده کوتاه هستند اما دارای دیواره‌های بزرگی هستند که مورد توجه جدی تمامی کوهنوردان است. صعودهای دوران پس از جنگ دوم جهانی در این ناحیه تأثیری بسزا در پیشرفت سنگنوردی به جای گذاشته است به طوری که می‌توان آن را یکی از مهمترین مناطق سنگنوردی جهان دانست. هاف دم، کاتدرا و ال کاپیتان از برجسته‌ترین دیواره‌های منطقه هستند. △

کل دلنت

کل تالفر و آیگولی

پس از سال ۱۸۶۵ صعود آلپی جدی نداشت و علاقه‌اش را متوجه تحقیق و دیدار از گرین لند کرد که طی سال‌های ۱۸۶۷ و ۱۸۷۲ دو بار از آنجا بازدید کرد. وی همچنین در سال ۸۰-۱۸۷۹ از آند و در سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۹ سه بار از رشته کوه راکی در کانادا دیدار کرد. که ر رشته‌ی آند اولین صعودهای قله چیمبورازو، سینچولوگا، انتی سانا، کوتوپاکسی و در رشته راکی قله مون میچل، مون ویمپر، مون وایت مونکر، مون ماریول، قله‌ی منفرد، مون پویلوس، مون کولی، ترولیتندر و کوههای کراو سنست را به انجام رساند.

پس از شش سال نوشتن و ویراستاری مجدد و پروساس کتابهایش سرانجام در سال ۱۸۷۱ کتاب راهپیمایی در آلپ را انتشار داد که یکی از بزرگترین کتابهای کلاسیک ادبیات کوهنوردی است، این کتاب در سال ۱۸۸۰ با نام خلاصه شده‌ی صعود ماترهورن انتشار یافت که تاکنون به چندین زبان مختلف دنیا ترجمه و تجدید چاپ شده است.

دل داده‌ای دیگر در بلندی‌های

وعده گاه عشق جان باخت

رخداد اندوهبار از دست دادن

کوه نورد سخت کوش و شیفته

کوهستان همکار هنرمندان

آقای بهرام جعفری را در بلندی‌های

بام ایران به جامعه ورزش کوه نوردی

و خانواده ارجمندشان تسلیت

عرض می‌نماییم.

شرکت پرسون

بهرروز سعیدی و همکاران

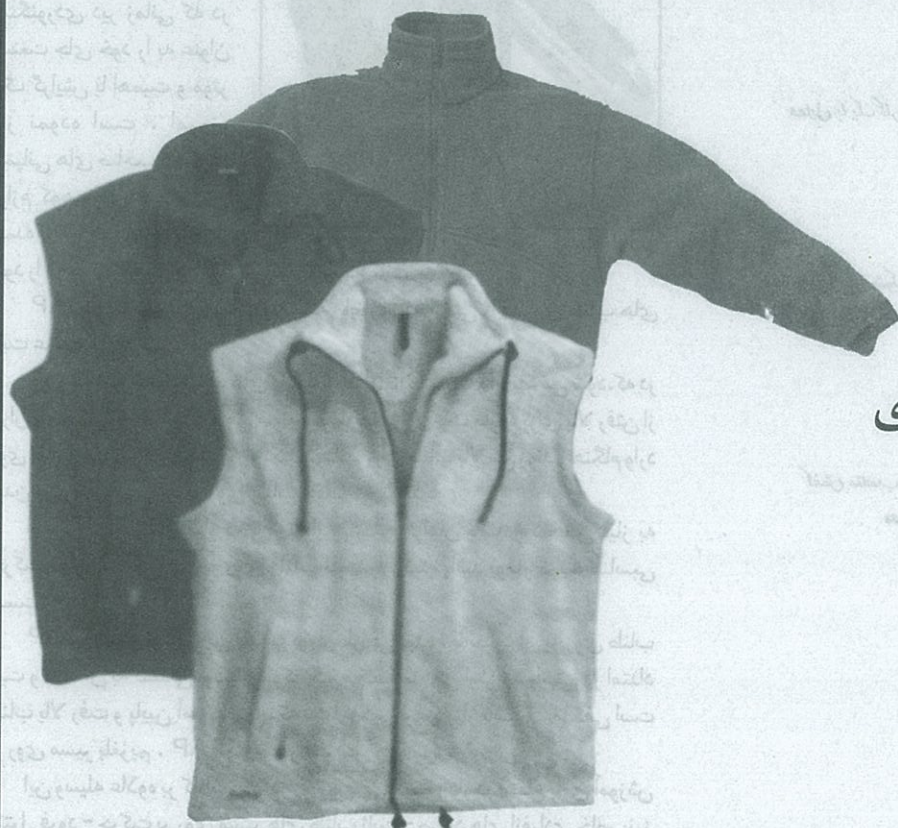


# فرنام

تولید کننده انواع پوشاک پلار در ایران

تولیدی فرنام با نمایندگی های خود در سراسر ایران  
آماده ارائه پوشاک پلار به کوه نوردان می باشد

کوه نوردان و گروه های ورزشی می توانند جهت بازدید از تولیدات  
فرنام و همچنین تجهیز گروه ها به نمایندگی این تولیدی به آدرس  
دفتر مرکزی آمده و از نزدیک محصولات ما را مشاهده نمایند.



آدرس دفتر مرکزی:

تهران، خیابان ولی عصر

پایین تر از چهارراه جمهوری

کوچه نظام، پلاک ۲۳

تلفکس: ۶۶۴۹۱۲۷۳

همراه: ۰۹۱۲۱۸۹۲۵۷۴

<http://www.farnam.net>

E. mail: info@farnam.net

# نکات فنی

ترجمه و تنظیم: علی پارسایی

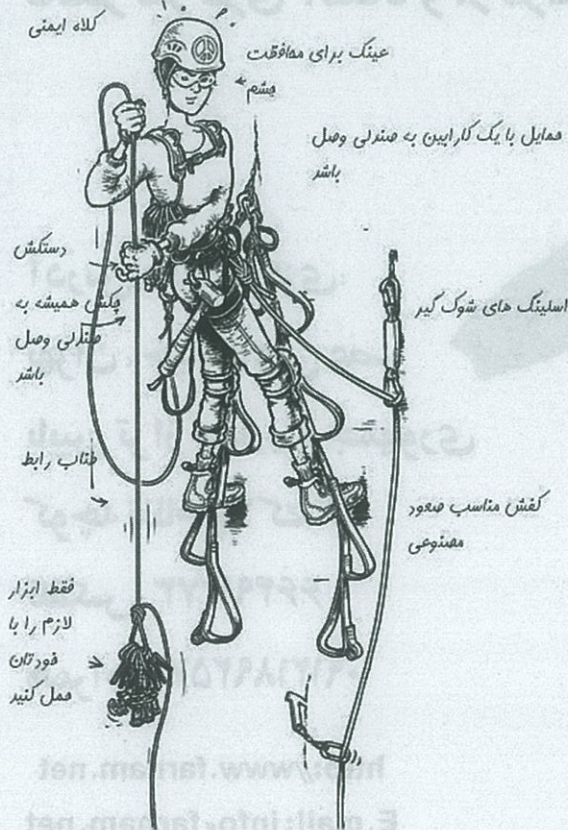
ali:parsaei.com

کوهنوردی فنی می تواند برای مبتدیان و حتی افراد با تجربه بسیار خطرناک باشد. نکاتی که در این صفحه ذکر شده تنها برای آشنایی و بهره گیری آن دسته از افرادی است که صلاحیت و توانایی کافی انجام صعود های فنی را دارند. کوهنوردی فنی احتیاج به ممارست تمرین و یادگیری فن زیر نظر یک مربی مجرب را دارد. نکات ذکر شده تنها بعنوان آشنایی و ایده گرفتن از روش های گوناگون بوده است. خواندن این مطالب به تنهایی نمی تواند از هیچ شخصی یک کوهنورد فنی بسازد. تمامی تلاش هنگام گردآوری این مجموعه صورت گرفته تا مطالب عرضه شده خالی از خطا باشند اما احتمال وجود خطا و یا ناقص بودن هر یک یا تمامی روشها و یا توصیه ها وجود دارد. ضمناً ممکن است روش های بهینه تری برای معرفی ابزار انجام تکنیک ها و یا تاکتیک های کوهنوردی فنی به غیر از آنچه در این مجموعه آورده شده وجود داشته باشد. نگارنده و مجله کوه هیچ گونه مسئولیتی چه مستقیم چه غیر مستقیم در باره حوادث ناشی احتمالی برای افرادی که از این توصیه ها استفاده نموده اند چه مبتدی چه کهنه کار را به عهده نمی گیرد. مسئولیت کامل استفاده از توصیه ها و مطالب و تصاویر این مجموعه بر عهده خواننده است. معرفی ابزار و لوازم فنی تنها جهت آشنایی خواننده با آن ها بوده و هدف تبلیغ ابزار از تولیدی خاصی نمی باشد. علاقه مندان می توانند آرشيو کامل مطالب نکات تکنیکی چاپ شده در مجله را در آدرس <http://www.parsaei.com/techtip> مشاهده کنند.

مناسب است.

Technical specifications : with OK TRIACT automatic locking carabiner ۳۵۰ g + carabiner(۷۷ g)= ۴۲۷ g CE EN ۳۵۳۲

## صعود های مصنوعی Aid Climbing



## ASAP



امروزه دامنه استفاده از لوازم کوهنوردی تنها به کوهستان محدود نمی شود. کار در ارتفاع یا به عبارتی کار بر روی سازه های بلند صنعتی با استفاده از شیوه های سنگنوردی دیر زمانی که در صنعت جای خود را به عنوان یک گرایش با اهمیت و موثر باز نموده است. امروزه کمپانی های صاحب نام تولید لوازم کوهنوردی فنی بخش عمده ای از تحقیقات و تولیدات

خود را در جهت تقویت این گرایش اختصاص داده اند.

ASAP نیز زائیده این نگرش است. ابزاری که ایمنی را بر روی طناب های ثابت عرضه می دارد.

این وسیله در خانواده گیره های طناب Rope Clamper طبقه می شود. که در ایران با نام کلی یومار شناخته می شوند. یومار ها ابزاری یک طرفه برای بالا رفتن از روی طناب های ثابت هستند که از یک جهت بر روی طناب بالا می روند و هنگام وارد شدن وزن بر روی آن ها بر روی طناب چفت می شوند.

اما اگر در مسیری نیاز به بالا و پایین رفتن توامان باشد و شخص نیاز به حرکت مداوم بالا و پایین بر روی طناب ثابت را داشته باشد یومار گزینه مناسبی نیست.

ASAP برای جبران این نقیصه یومار طراحی شده. با نصب آن بر روی طناب ثابت و اتصا آن به صندلی بوسیله شوک گیر مخصوص می اوتن به راحتی در امتداد طناب بالا رفت و پایین آمد بدون اینکه نگران گیر کردن ابزار باشیم. اما کافی است بر روی مسیر بلغزیم. ASAP بسرعت قفل می شود.

این وسیله علاوه بر کارایی بالا در روش های صنعتی کار در ارتفاع برای آموزش کنترل فرود - حرکت بر روی مسیر های طناب ثابت - صعود های انفرادی خاص نیز

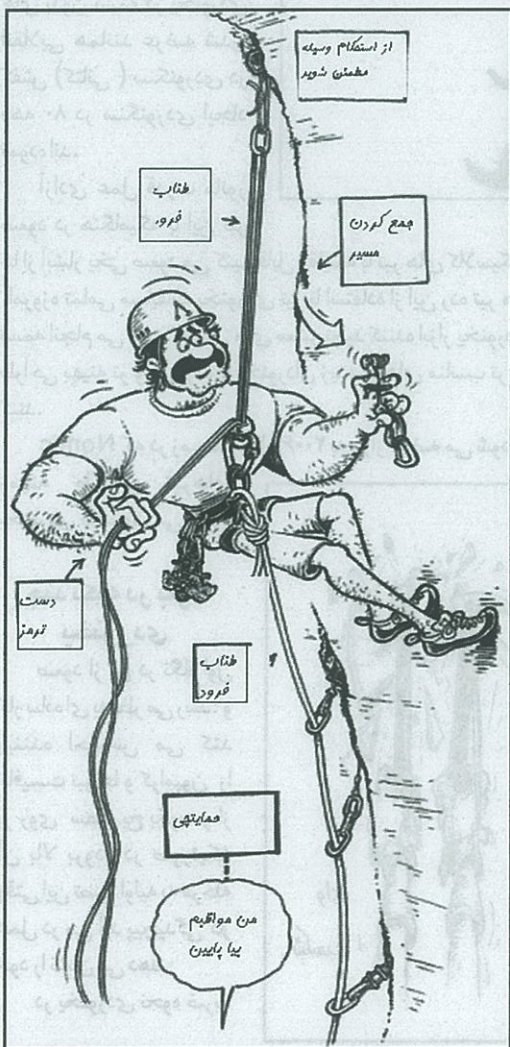
باشد این اسلینگ‌ها بخوبی جوابگوی صعود هستند اما در مواقعی خاص بخصوص در مسیرهای طبیعت سنگنوردان ورزشی احتیاج به حمل اسلینگ‌های بلند تر دارند. در صورتیکه رول‌ها در یک امتداد نباشند طناب اصطلاحاً شکست پیدا می‌کند و سر طناب احساس می‌کند طناب حرکت نمی‌کند. در صورتیکه حمایتچی اعلام می‌کند طناب آزاد است. این امر به خاطر زوایای ایجاد شده در راستای طناب است و حتی گاهی به قفل شدن سنگنورد در مسیر و عدم امکان حرکت او منجر می‌شود. در این شرایط استفاده از یک اسلینگ بلند شکست طناب را می‌گیرد و صعود بهتری را عرضه می‌دارد.

این امر بخصوص در لبه کلاهدک نمود باز تری دارد اگر در لبه کلاهدک از یک اسلینگ کوتاه استفاده شود و صعود کننده پاندول شود ممکن است اسلینگ به سنگ کوبیده شود و صدمه ببیند.

البته اکثر سنگنوردان در صعودهای ورزشی علاقه‌ای به آویزان کردن اسلینگ‌های بلند به صندلی خود ندارند برای کوتاه کردن طول اسلینگ‌های بلند می‌توان مطابق شکل عمل کرد. به همراه داشتن اسلینگ‌های بلند در حین صعود مزایای دیگری مانند امکان تنظیم بازو‌های یک کارگاه صعود - راحتی حرکت در مسیرهای کلاهدکی - و ... را نیز در بر دارد.

### ابزار گذاری

در حال صعود مسیر جدیدی هستید متوجه می‌شوید شکاف مناسبی را انتخاب



نکرده اید و بهتر است از بخش دیگری مسیر را ادامه دهید.

در ضمن نمی‌خواهید یک کارگاه یک بار مصرف بزنید چند ابزار جا بگذارید و بر روی آن فرود بروید.

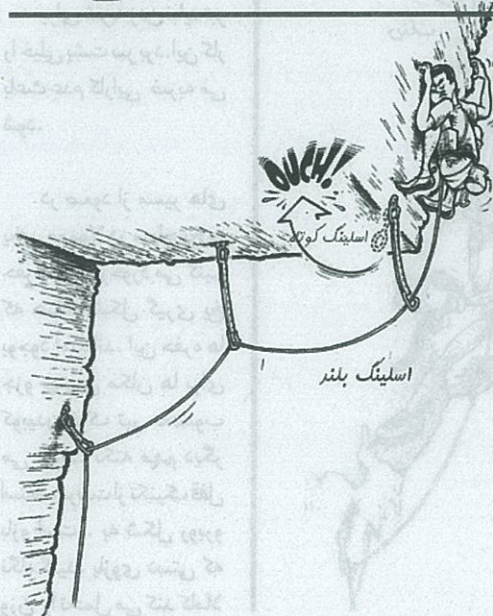
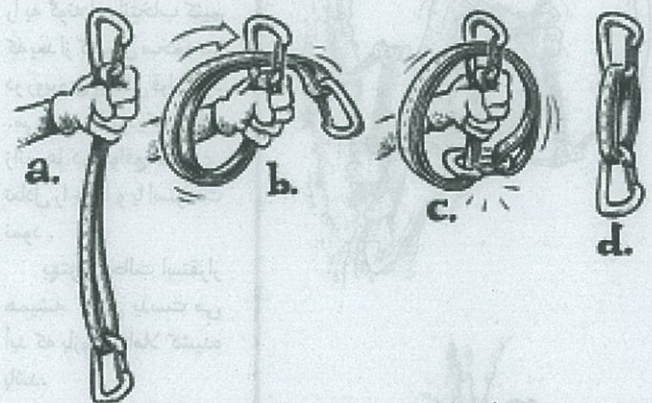
در این حالت اگر یک طناب رابط به همراه داشته باشید و فاصله شما تا کارگاه قبل کمتر از نصف طول طناب رابط بود می‌توانید به روش زیر عمل کنید.

۱- یک میانی کاملاً مطمئن که بتواند بخوبی وزن شما را تحمل کند در بالاترین نقطه قرار دهید. از

در صعودهای مصنوعی رعایت این چند نکته می‌تواند به راحتی و ایمنی شما کمک کند:

- ۱- هیچگاه کلاه ایمنی را فراموش نکنید شما نمی‌دانند کی سنگ ریزش می‌کند!
- ۲- عینک طلایی بسیار برای محافظت چشم در برابر اصابت تراشه‌های سنگ هنگام چکش زدن مفید است.
- ۳- حمایل ابزار خود را بوسیله یک کارابین به صندلی وصل کنید تا حین صعود مزاحم شما نباشد.
- ۴- یک دستکش چرمی که سر انگشتان آن بریده شده دستتان شما در برابر خراش و سایش محافظت می‌کند.
- ۵- وقتی کارت‌تان با چکش تمام شد آن را به صندلی خود نصب کنید. یک اگر سقوط کنید یک چکش آویزان می‌تواند بسیار خطر آفرین باشد.
- ۶- اسلینگ‌های شوک گیر در کاهش انرژی سقوط و مهار سقوط بخصوص در مسیرهایی که میانی‌های مناسبی ندارد بسیار مفید است.
- ۷- طناب رابط را همیشه به همراه داشته باشید از آن می‌توانید برای بالا کشی استفاده کنید.
- ۸- همیشه ابزار را به حد کافی و نه خیلی بیش از حد با خود بالا ببرید. اگر به وسیله خاصی نیاز پیدا کردید می‌توانید وسیله طناب رابط آن را از هم طناب‌تان بگیرید.
- ۹- کفش مناسب کلید راحتی و آسایش در صعود مصنوعی است. کفشی به پا کنید که بتوانید براحتی با آن مدت طولانی بر روی رکاب به ایستید.

### صعودهای ورزشی sport climbing



اسلینگ‌هایی که در صعودهای ورزشی از آن‌ها استفاده می‌شود معمولاً بصورت دوخته شده و در اندازه‌های ۱۵ یا ۲۰ تا ۳۰ سانتی متری مورد استفاده قرار می‌گیرند. در صورتیکه امتداد رول‌های کوبیده شده در مسیر در یک خط

حمایتچی بخواید شما را فیکس نگاه دارد. می توانید از خود حمایت نیز استفاده کنید.  
۲- طناب رابط را دولا از آخرین میانی مورد اشاره عبور دهید. انتهای طناب را گره بزنید. و به پایین بریزید.

۳- ابزار فرود را به طناب متصل کنید. دقت داشته باشد اگر طناب رابط شما قطر کمی دارد. فرود بر روی آن دقت زیادتری را می طلبد.

۴- با هم آهنگی حمایتچی شروع به فرود کنید. هر چه پایین می آید او باید ادامه طناب را داخل وسیله حمایتی جمع کند. طناب حمایت باید بخوبی و هم گام با شما جمع شود.

۵- ابزار روی مسیر را حین فرود جمع کنید تا به کارگاه پایین برسید

۶- از شوک دادن حین فرود به طناب پرهیز کنید. حمایتچی هم نباید طناب حمایت را خیلی محکم به پایین بکشد.

## NOMIC

یخنوردان با شروع فصل

سرما مشتاقانه منتظر تشکیل آبشار های یخ زده هستند. گرایش صود از آبشار های یخی با تیر های بدون تسمه روز به روز مشتاقان بیشتری را جذب خود می کند.

بسیاری بر این باورند تیر های بدون تسمه در یخنوردی انقلابی همانند عرضه شدن کفش (کتانی) سنکوردی در دهه ۸۰ در سنگوردی ایجاد نموده اند.

آزادی عمل قدرت مانور صعود در هنگامیکه با این تیر

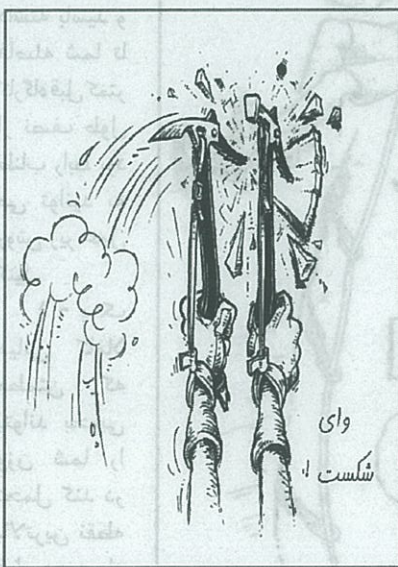
ها از آبشار یخی صعود می کنیم قابل مقایسه با تیر های کلاسیک و تسمه دار نیست. امروزه تمامی مسابقات یخنوردی تیز با استفاده از این رده تیر ها و بدون استفاده از تسمه انجام می شود. کمپانی های معتبر تولید کننده ابزار یخنوردی نیز سعی دارند با طراحی بهینه تر و مشورت با یخنوردان زیده تیر های مناسب تری برای آن ها تولید کنند.

Nomic که در زمستان سال ۲۰۰۶ به بازار عرضه می شود آخرین فن آوری در

زمینه طراحی تیر های یخنوردی محسوب می شود.

## چند نکته در باره یخنوردی

صعود از یخ در نگاه اول کار ساده ای به نظر می رسد. و بیننده احساس می کند کافیسست تیر ها و کرامپون را بر روی سطح یخ بکوبد و از آن بالا برود. در صورتیکه وقتی این تصور اولیه به مرحله عمل در می آید پیچیدگی کار خود را نشان می دهد. در یخنوردی نحوه ضربه



زدن و انتخاب جای مناسب برای کوبیدن نوک تیر و کرامپون اهمیت بسزایی دارد. محلی که برای ضربه زدن انتخاب می کنیم نباید سست و نا پایدار باشد. همچنین رعایت فاصله دو تیر از یکدیگر از دیگر عوامل مهم است.

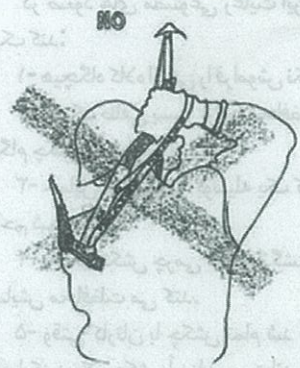
وقتی تیر یخ را در محلی می کوبیم بر روی سطح اطراف آن شکاف هایی پدید می آید که گستردگی این شکاف ها بنا به جنس یخ متغیر است. اگر ضربه دوم را نزدیکی محل تیر اول بزنیم ممکن است بر اثر شکاف های جدید سطح یخ بکلی بشکند و هر دو تیر رها شود. به شکل دقت کنید.

مکان کوبیدن نوک تیر را به گونه ای انتخاب کنیم که بعد از کوبیدن سخمه تیر در روبروی پیشانی قرار گیرد. می توان با نزدیک کردن زانو ها در مواقع ضروری تعادل را حفظ و یا استراحت نمود.

بهترین حالت استقرار همیشه وقتی بدست می آید که بازوان کاملا کشیده باشد.

برای ضربه زدن نباید تیر را خیلی پشت سر برد. این کار باعث عدم کارایی ضربه می شود.

در صعود از مسیر های یخی معمولا در سطح یخ به حفره هایی برخورد می کنیم که هنگام شکل گیری یخ بوجود آمده اند. این حفره ها جزو بهترین مکان ها برای کوبیدن نوک تیر محسوب می شوند. نکته مهم دیگر استفاده درست از تکنیک قفل بازو است. به شکل روبرو نگاه کنید. بازوی دستی که وزن را تحمل می کند کاملا





کرد. در حقیقت از خاصیت کشش و فشار بهره برد.

دامنه این استفاده به خلاقیت شما و توانای خلق موقعیت های جدید بر می گردد. از قابلیت قلاب کردن تیغه تبر بخصوص در اجرای تکنیک یانبرو که در ایران به ۴ (بعلت شباهت بدن به عدد ۴ انگلیسی) معروف است می توان بهره گرفت.

در این حرکت اگر تبر به خوبی قلاب شده باشد بخوبی می تواند بسان یک تکیه گاه مناسب برای تحمل وزن بدن از آن استفاده نمود.

قلاب کردن تبر در بخش های سنگ نیز امکان یجاد موقعیت استراحت برای صعودکننده را نیز فراهم می آورد. فقط باید توجه داشت به محض برداشته شدن وزن از روی تبر حالت استقرار از بین می رود. پس بخوبی وزن تان را بر روی تبر بیاندازید. و مطمئن باشد تبر نمی شکند!! نکته مهم در این کار این است که سنگی که می خواهیم این تکنیک را بر روی آن پیاده کنیم به حد کافی مستحکم باشد چون فشار اهرم کردن تبر که دقیقا مانند دیلم عمل می کند می تواند سنگ های سست را براحتی بشکند...



### دوازده نکته در باره نگهداری ابزار

- ۱- حتما قبل از استفاده بروشور همراه وسیله را کاملا مطالعه کنید.
- ۲- هر وسیله ای که در کوهنوردی فنی استفاده می شود بخصوص ابزار محافظت شخصی (PPE) (equipment personal protective) (دارای حداکثر دوران کارکرد است. که این مدت زمان توسط کمپانی تولید کننده در بروشور همراه ابزار مشخص می شود.
- ۳- امروزه کمپانی های معتبر تولید ابزار این عمر مفید را برای لوازم خود حداکثر ده سال تعیین نموده اند.
- ۴- برای کامل از دوره عمر کاری ابزار محافظت از آن ضروری است. این محافظت شامل زمان استفاده و حتی زمان نگاه داری وسیله می شود. چه در حین کار چه در حین حمل و نقل. از فشار دادن و یا سایش سطوح آن در برابر لبه های تیز خودداری کنید
- ۵- سقوط بلند یا ضربه دیدن: از لوازم خود اگر از بلندی قابل توجهی پرت شده اند یا ضربه شدیدی دیده باشند به هیچ عنوان استفاده نکنید. حتی در صورتیکه که هیچگونه اثر قابل مشاهده از برخورد بر روی بدنه آن دیده نشود ممکن است تغییر شکل و کاهش توانایی کار در قسمت های داخلی در آن ها بوجود آمده باشد که باعث کاهش استحکام و ایمنی می شود.
- ۶- بازبینی = ایمنی
- ۷- در دور ریختن محصولی که آثاری از خرابی و یا فرسودگی در آن وجود دارد تردید نکنید. زیرا این خرابی باعث کاهش استحکام و ضعف کاربردی آن می شود. برای ایمنی شما ما یک روال سه مرحله برای بازبینی پیشنهاد می کنیم. قبل و بعد از استفاده بررسی وضعیت ابزار لازم است.

قفل شده است. و می توان کاملا از طول بازوی دیگر برای هر چه بالاتر زدن نوک تبر استفاده نمود.

بیاد داشته باشیم بعد از اسقرار تبر در محل مناسب سریرا از حالت قفل خارج شده و دستها را کاملا کشیده نگاه می داریم. در یخنوردی هم مانند سنگنوردی دستها باید تا حد امکان کاملا کشیده باشد.

در صعود های ترکیبی یخ و سنگ (Mix) و آبشار های یخی گاه بین دو قسمت یخ فاصله ای بوجود می آید که امکان رساندن نوک تبر به به بخش بالایی در حالتی که دسته تبر یخ را گرفته ایم وجود ندارد.

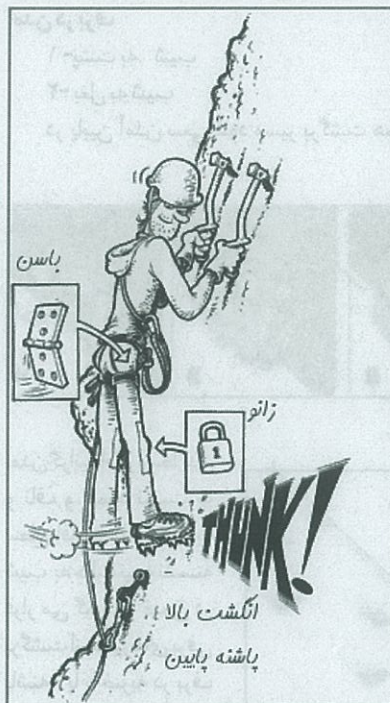
در چنین مواقعی می توان با پرس کردن نوک تبر و گرفتن قسمت بالایی دسته تا حد امکان خود را به بخش بالاتر نزدیک کرد. اگر در سطح سنگ شکافی یا حفره ای وجود داشت می توان با فشار دادن سخمه تبر یا لایخ کردن تبر از آن ها بهره گرفت. بیاد داشته باشیم در صورت تمرین می توان از تیغه های کرامپون مانند کفش سنگ استفاده کرد و با آنها گیره گرفت.

### کلاه ایمنی

در حال صعود یک آبشار یخی هستید. بند کلاه ایمنی را هنگام حرکت محکم بسته اید و کلاه به عقب رفته. یکی از ضربات شما بر روی آبشار باعث کنده شده تکه ای یخ می شود و یخ به پیشانی شما اصابت می کند. یا احساس ریزش خونی که به صورتتان می ریزد با خود می گوئید کاش کلاه را خوب بسته بودم. در هر فصل یخنوردان زیادی بعلت شل بستن کلاه ایمنی دچار حذنه می شوند. وقتی کلاه را بر می گذارید یادتان باشد که را از آن استفاده می کنید. پس آن را بخوبی و تا حد ابروهایتان به پایین بکشید. این کار از اصابت پشت تبر به صورت و یا تکه های یخ جلوگیری می کند.

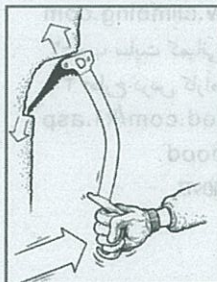
### زاویه مناسب کف پا

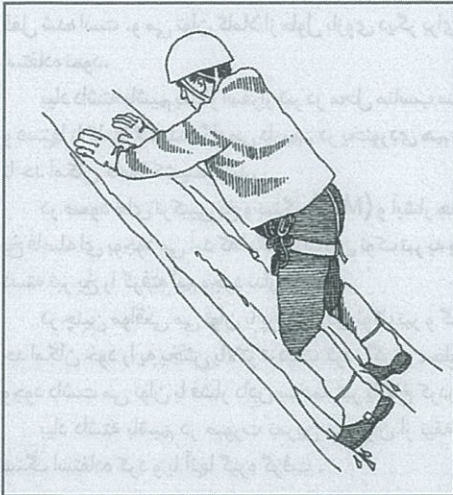
وقتی نیش های نوک کرامپون را یخ کوبیدید پاشنه را کمی به پایین بدهید این کار در حفظ تعادل کمک شایانی به شما می کند. (می توان گفت انگشتان بالا پاشنه پایین). ضمنا زانو ها را کاملا قفل کنید در این حالت باس نیز مانند یک لولا عمل می کند و می توانید به حالت استقرار مناسب برسید.



### قلاب کردن

کاربری تبر یخ تنها کوبیده شدن بر روی سطح یخ نیست با کمی دقت و ممارست می توان از آن برای صعود از ظرفیت ترین عوارض سنگی بهره گرفت. یکی از کاربردهای جالب تبر یخ امکان قلاب کردن آن در سوراخ های سنگ است. همانطور که در تصاویر می بینید. می توان با استفاده از خاصیت اهرم سر تبر را در زوایای مختلف سنگ قرار دادو برای صعود از آن استفاده



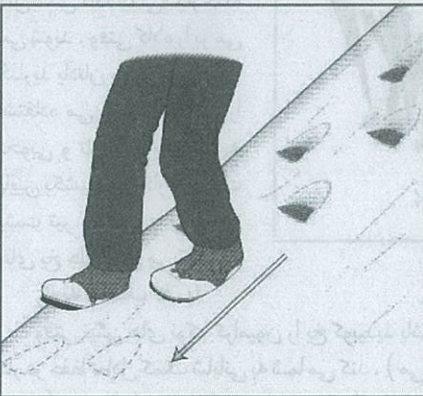
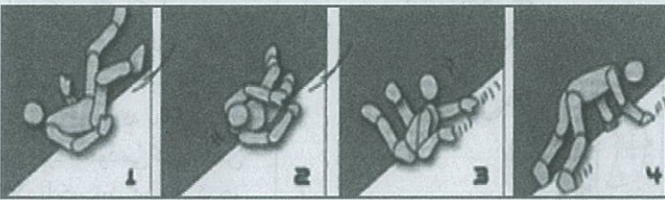


را از سطح برف کمی بالا بکشیم. اگر از پشت سر سقوط کردیم ابتدا سعی شود وضعیت بصورت پا پایین و سر به سمت بالا در آید. در این حالت پاها را از پهلو به سمت پایین چرخانده و بعد همانند روش بالا با کمک ترمز می کنیم.

### روش های پایین آمدن در برف

- ۱- پشت به شیب
- ۲- بغل به شیب

در پایین آمدن سعی شود مسیر برگشت همان مسیر صعود باشد و موقع پایین



آمدن گرانگه در وسط بدن و ناف و عمود نسبت به سطح افق باشد. بدن با شیب به حالت نیمه نشسته قرار می گیرد در ضمن در برگشت از مسیرهای برفی پاشنه پا با ضربه در برف قرار می گیرد. پاها به فاصله عرض شانه از هم باز می شوند و پنجه های پا در جهت مسیری که پایین می آیم قرار می گیرند. Δ مطالب این شماره

ترجمه آزادی از منابع زیر به همراه بخشی از تجربیات نگارنده است:

۱- وب سایت اینترنتی مجله Climbing به آدرس

<http://www.climbing.com> بخش Tech Tip

۲- وب سایت کمپانی petzpet <http://www.petzpet.com>

۳- طرح درس کارآموزی برف و یخ فدراسیون کوهنوردی

<http://www.iranmountfed.com/k1.asp>

۴- The Mountain Skills Training HANdbook

Pete Hill & Stuart Johnston Isbn 0715310917

۵- Mountaineering The Freedom

Of Hills 6th edition Isbn 1 840370017

۸- در حین کار باید بطور مداوم وضعیت ابزار و نحوه اتصال آن با سایر اجزای سیستم کنترل شود. بررسی کامل باید توسط یک بازبین تخصص انجام بگیرد ( بطور متوسط هر سه ماه ای ایمنی بیشتر شما و بهینه سازی روال بررسی پیشنهاد می کنیم برای هر وسیله یک (یادداشت بازرسی) تهیه کنید.

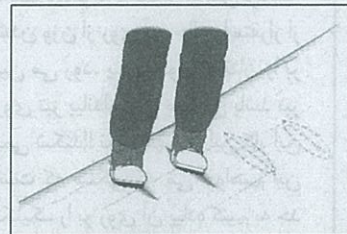
۹- بیاد داشته باشید دوره عمر ابزار بستگی به شدت شیوه و تناوب کاربرد ابزار و محیطی که ابزار در آن مورد استفاده قرار می گیرند دارد.

۱۰- در موقیت های استثنایی ممکن است در همان اولین استفاده آسیب دیدگی یا فرسایشی اتفاق بیفتد که عمر وسیله به اتمام برسد در نتیجه وسیله کاملا خراب شود.

۱۱- مطمئنا عوامل محیطی مانند: نمک - خرده سنگ - یخ - برف - رطوبت - مواد شیمیایی و غیره بر روی عمر وسیله اثر کاهنده دارند.

۱۲- برای اسلینگ های دوخته شده تسمه و ابزار مشابه بدلیل آسیب پذیری آنها در برابر پوسیدگی و همچنین تماس دائم آنها با سطوح ساینده و یا تیز مانند نقاط ایمنی و غیر متوسط عمر مفید آنها ۶ ماه در صورت استفاده فشرده و زیاد ۱۲ ماه برای کاربرد های معمول ۱۰ سال حداکثر برای کاربردهای خیلی خاص برآورد شده است. ۱۳- توصیه می شود این محصولات هر سه ماه کاملا مورد بررسی ریزبینانه قرار

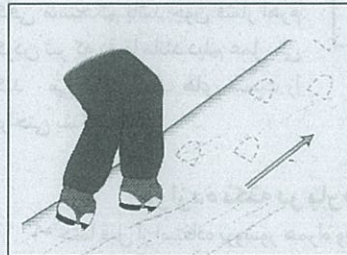
گیرند. اگر بررسی چیزی نشان نداد برای ۳ ماه دیگر استفاده از آنها مورد تایید است.



### پیمایش برف برای تازه کار ترها

#### برگشت در شیب

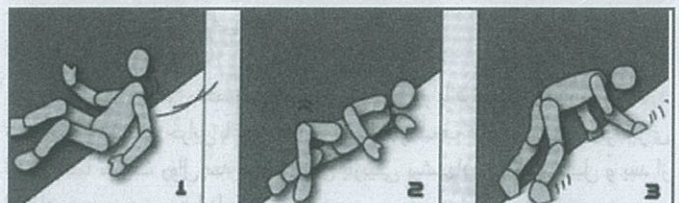
موقع پایین آمدن گرانگه در وسط بدن و ناف عمود نسبت به سطح افق باشد. بدن به حالت نیمه نشسته قرار می گیرد پاشنه پا با ضربه در برف قرار می گیرد. پاها به فاصله عرض شانه از هم باز می شوند و پنجه های پا در جهت مسیری



#### ترمز در برف بدون ابزار:

بعد از بهم خوردن تعادل سعی شود پاها به سمت پایین و سر به سمت بالا قرار گیرد و سینه به رو به شیب قرار گیرد.

بطور همزمان پنجه پا و کف دست ها ( اگر دستکش بدست داریم ) در غیر اینصورت آرنج ها را در برف فرو می بریم تا عمل ترمز انجام پذیرد با فشار در درون برف فرو رود. فاصله پاها نباید خیلی بیشتر از عرض شانه باشد. برای ترمز بهتر است باسن

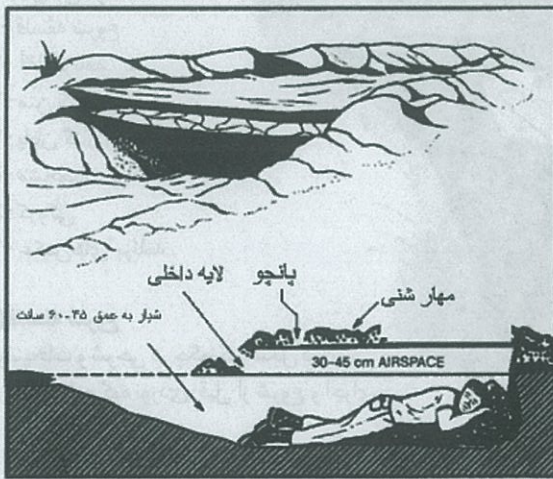


# سرپناه های سنگی

ترجمه: علی عامری  
Ali. Ameri Gmail.com

## قسمت پنجم

- کنید.
- نکته: ممکن است که در طول روز مجبور به تغییر وضعیت دادن آن شوید.
- در نواحی شنی به این گونه عمل کنید:
- ۱- پشته ای از شن جمع کنید یا از یک تپه شنی به عنوان یک طرف پناهگاه خود بهره ببرید.
  - ۲- یک طرف پانچو یا برزنت را بوسیله شن یا هر چیز سنگین دیگری بر بالای پشته شنی ببندید.
  - ۳- طرف دیگر را در جهتی که بهترین سایه را فراهم کند گسترش دهید و آنرا مهار کنید.
- نکته: اگر به اندازه کافی به این مواد دسترسی دارید می توانید با دوتا کردن آن و قرار دادن یک فاصله ۲۵ سانتی هوا در بین دو لایه سایه خنکتری فراهم کنید. اگر مواد شما دارای دورنگ متفاوت است رنگ روشنتر را برای لایه بیرونی و رنگ تیره را برای لایه درونی به کار گیرید.
- سرپناه زیر زمینی شنی:**
- استفاده از چنین سرپناهی می تواند گرمای نیمروز را بین ۱۶ تا ۲۲ درجه سانتی گراد کاهش دهد. این سرپناه در نواحی ساحلی نیز می تواند کاربرد داشته باشد.
- نکته: ساختن این پناهگاه نیاز به کار نسبتا زیاد دارد، برای اینکه به کم آبی ناشی از فعالیت دچار نشوید آن را در ساعات اولیه روز بسازید.
- روش ساخت:**
- ۱- در بین صخره ها یا تپه های شنی شیاری پیدا کنید و یا اگر لازم بود اقدام به حفر آن نمایید. (حدود ۶۰-۴۵ سانت عمق داشته باشد و برای کمترین تابش آفتاب به درون آن در جهت شمالی جنوبی ساخته شود)



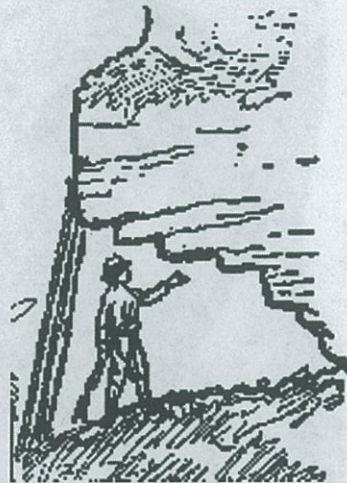
- ۲- شنی هایی را که از کندن حاصل شده اند به صورت توده ای در سه طرف بسیار انباشته کنید.
  - ۳- برای اینکه راحت به بیرون وتو بروید جایی را که برای ورودی در نظر گرفته اید را عمیقتر بکنید.
  - ۴- روی شیار را با پانچو و یا برزنت ببوشانید.
  - ۵- با ریختن شن یا هر چیز سنگینی بر روی آن، آن را مهار کنید.
  - ۶- در صورتی که به مقدار بیشتری از پارچه دسترسی دارید می توانید بر روی مهار شنی یک لایه دیگر از پارچه بکشید و دوباره آن را مهار کنید. این کار دمای داخلی را حدود ۱۱ درجه سانتی گراد کاهش می دهد.
- نکته: در نواحی ساحلی نیز می توانید این سرپناه را درست کنید، در آن نواحی می توانید از چوبهای آب آورده به جای پانچو و یا برزنت استفاده کنید. Δ

برای ساختن این نوع از سرپناه ها عموما از سنگ یا از مخلوط چوب یا سنگ استفاده می شود و عموما مخصوص مناطقی است که که عاری از پوشش جنگلی هستند. برای ساختن این نوع از سرپناه ها باید منطقه را به خوبی برای پیدا کردن عوارض طبیعی مثل غار، تورفتگی ها و شکافهای سنگی و عوارضی از این قبیل جستجو کرد. به طور کل هدف یافتن مکانی است که مصون از جریان مستقیم هوا و در بهترین حالت از سه طرف به طور طبیعی مسدود باشد.

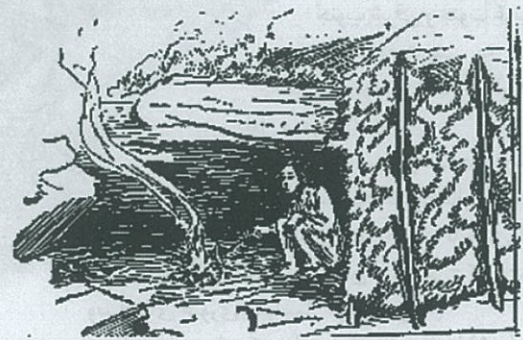
در زیر به ساختن نوعی از این سرپناه ها اشاره می گردد که می تواند به عنوان الگو برای ساختن انواع دیگر به کار رود:

## سرپناه Half-Cave

تورفتگی مطابق شکل زیر پیدا کنید:



مدخل ورودی آن را با استفاده از سنگ یا چوب و علفهای خشک مسدود کنید تا به شکلی مانند شکل زیر برسید:



## سرپناه های بیابانی

### سایه بان

بیابان عموما محیطی است که چیز زیادی در اختیار شما برای درست کردن سرپناه نمی گذارد. پس بنابراین باید از عوارض زمین ( فرورفتگی ها و بیرون زدگی ها، شکاف ها، تپه های شنی و فواصل بین آنها و...) حداکثر استفاده را بنمایید. اگر به چیزهای از قبیل پانچو و یا یک تکه برزنت دسترسی دارید به صورت زیر عمل کنید:

- ۱- یک طرف پانچو و یا برزنت را به یک برآمدگی، سنگ یا هر چیز سنگین دیگری مهار کنید.
- ۲- طرف دیگر را بچرخانید تا بهترین حالت از نظر سایه مهیا شود و در این حالت آن را مهار کنید.

# گزارش و گزارش نویسی

## در برنامه های کوه نوری

مجله علمی و پژوهشی  
 moa.hem@hemA.IA

تهیه و تنظیم: سعید درگاهی

توضیحاتی در روستاها و مکان های عبوری

[...]

### ب (۴) پایان گزارش

قسمت پایانی گزارش که به محل پایان برنامه- ساعت پایان- تعداد نفرات در آخر برنامه- مسیر برگشت به مبدا صعود- برگشت به محل اقامت (شهرستان) و...

### ب (۵) مشخصات برنامه

بعد از قسمت پایانی گزارش یک صفحه و بخشی (صفحه ای جدول بندی شده) به موارد زیر اختصاص می یابد:

- ۱- مبدا حرکت از شهرستان
- ۲- مسیر حرکت به طرف محل اجرای برنامه از لحاظ مختصات جغرافیایی (در صورت داشتن قطب نما: شمال و جنوب و مشرق و مغرب و شمال شرقی و شمال غربی و جنوب شرقی و جنوب غربی و در صورت دسترسی به GPS «سیستم موقعیت یاب جهانی» ثبت

طول و عرض جغرافیایی

۳- مشخصات مسیر از مبدا حرکت تا محل

اجرای برنامه: (آسفالت- خاکی- مالرو...)

۴- نوع وسیله از مبدا حرکت تا محل اجرای

برنامه: (اتوبوس- مینی بوس- شخصی- کرایه- قطار- وسیله های عبوری- هواپیما- دوچرخه و...)

۵ - ثبت ساعت از محل مبدا حرکت تا محل اجرای برنامه: [۵ ساعت (-)

۵/]- [۴ ساعت و نیم (۴/۳۰)- [نیم ساعت (-/۳۰)]

۶- تعداد نفرات برنامه از مبدا حرکت تا محل اجرای برنامه

۷- هزینه سفر از مبدا حرکت تا محل اجرای برنامه

۸- ثبت ساعات توقف در حین سفر از مبدا حرکت تا محل اجرای برنامه: [نیم

ساعت (-/۳۰)- [۱۵ دقیقه (-/۱۵)]

۹- ثبت ساعت حرکت و آغاز برنامه در محل اجرای برنامه

۱۰- ثبت مسیرهای راهپیمایی از لحاظ مختصات و موقعیت جغرافیایی: [طول

و عرض جغرافیایی (GPS) یا جهت های مغناطیسی (قطب نما)]

۱۱- ثبت مسیرهای راهپیمایی و صعود از لحاظ عوارض زمین: (خاکی- مالرو-

پاکوب- بزرو- آزاد- شن اسکی و...)

۱۲- ثبت مسیرهای راهپیمایی و صعود از لحاظ پستی و بلندی: (صعود- فرود-

### الف) تعریف:

گزارش: عبارت از برداشت، شرح و نگارش

ماوقع یک برنامه کوهنوردی.

برداشت: شامل دیدگاه های نویسنده

گزارش از یک برنامه کوه نوردی به

لحاظ ورزشی، اجتماعی، فرهنگی،

عاطفی، احساسی و... می باشد که

می تواند یک یا چند و یا همگی موارد

فوق را در بر گیرد.

شرح: توضیحات در چگونگی

شروع یک برنامه، ادامه برنامه و پایان

یک برنامه کوهنوردی است.

نگارش: ثبت برداشت ها،

دیدگاه ها، توضیحات و... است.

### ب) یک گزارش کامل موارد

زیر را شامل می شود:

۱- فلسفه شروع

۲- آغاز برنامه

۳- متن گزارش

۴- پایان گزارش

۵- مشخصات برنامه

۶- کرویگی

۷- عکس های برنامه

### ب (۱) فلسفه شروع

توضیحات و شرحی در چگونگی شکل گیری و

اجرای یک برنامه کوه نوردی، قبل از شروع و اجرای

برنامه

### ب (۲) آغاز برنامه

توضیحات و شرحی بر چگونگی آغاز برنامه که شامل: (محل شروع برنامه-

ساعت شروع- نوع وسیله نقلیه- نفرات شرکت کننده- نفرات غائب- بدرقه کنندگان-

مهمانان برنامه و...)

### ب (۳) متن گزارش

قسمت اصلی و متن گزارش که توضیحاتی جامع و کامل از آنچه در یک برنامه

کوهنوردی به وقوع می پیوندد شامل: [خاطرات- حوادث- ماجراها- نحوه صعودها و

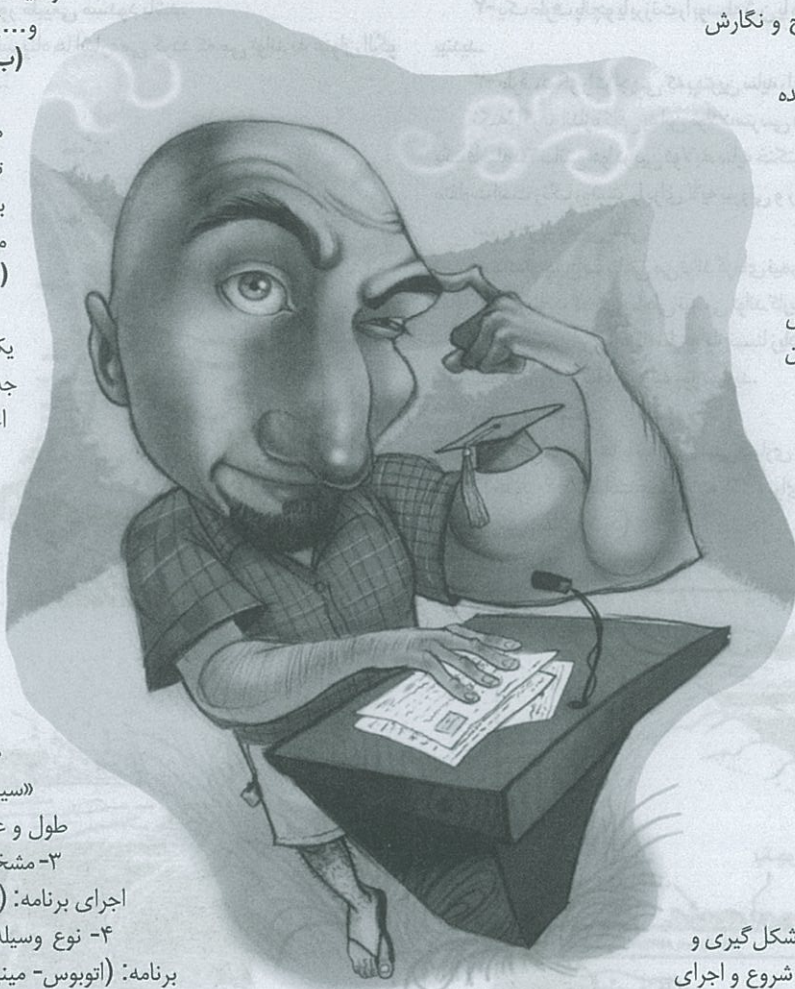
فرودها- استراحت ها- مسائل پیرامون شبمانی- چادر زدن- شیوه راهپیمایی و صعود-

تصمیم گیری های سرپرست و اعضا- تغذیه- آب و هوا و اوضاع جوی- پوشش

گیاهی و تنوع جانوری منطقه- آداب و رسوم و فرهنگ مردمان پیرامون محل اجرای

برنامه- مسیرها (پاکوب- راه خاکی- مالرو- یال- گردنه- گرده- دیواره- جنگلی و...)

گراهای مسیرهای مشخص- مشخصات مسیر- محل های دارای چشمه و آب-



راه‌پیمایی - شن اسکی ...)

۱۳- ثبت ساعات از محل‌های شروع تا محل‌های توقف بعدی

۱۴- ثبت ساعات استراحت در حین اجرای برنامه

۱۵- ثبت ساعات از محل‌های حرکت تا هدف نهایی برنامه: (قله- غار- دریاچه-

آبشار- دیواره و...)

۱۶- ثبت ارتفاع نقاط مشخص

۱۷- ثبت موارد فوق حین برگشت تا مبدا حرکت برنامه و مبدا حرکت از

شهرستان

۱۸- تاریخ روزهای برنامه

۱۹- این صفحه به صورت جداگانه جدول‌بندی و بسته به نوع و مدت برنامه

تهیه و تنظیم می‌شود. (جدول ب ۵)

(ب ۶) کروکی

گزارش کامل یک برنامه کوه نوردی باید به همراه ترسیم نقشه منطقه و کروکی محل اجرای برنامه از آغاز تا پایان برنامه باشد:

۱- نقشه کلی و عمومی منطقه (در چه منطقه و نقطه‌ای از: جهان- کشور- استان- شهرستان و... واقع شده) که می‌توان از نقشه‌های جغرافیایی در دسترس استفاده نمود.

۲- کروکی محل‌های اجرای برنامه از آغاز حرکت تا هدف برنامه و احیانا قسمتی از راه یا مسیر برگشت تا یک نقطه کاملا مشخص طبیعت.

۳- رسم کروکی مسیرها منطبق با مشخصات و مختصات جغرافیایی [طول و عرض جغرافیایی (GPS)- جهت‌های مغناطیسی (قطب‌نما)]

۴- مشخص نمودن مسیرها از لحاظ وضعیت زمین و مسیر (مالرو- خاکی- بزرو- پاکوب- شن اسکی و...)

۵- ثبت ارتفاع محل‌های مشخص و معین (محل‌های چادر- قله- پناهگاه و...)

۶- تعیین ساعت از یک نقطه مشخص تا نقطه مشخص دیگر و ثبت آن بر روی کروکی [(-۲/ ساعت) - (۲/۳۰ - ۲/۳۰)]

۷- استفاده از علائم و راهنماهای استاندارد و شناخته شده در نشان دادن: (شهرها- روستاها- نقاط مشخص مسیر- امکانات- یال‌ها- خط‌الراس- آب‌های جاری- یخچال- چشمه- راه- دیواره- صخره- پرتگاه و...)

۸- ثبت نقاط مشخص و معین در مسیرهای برنامه [طول و عرض جغرافیایی (GPS)- جهت‌های مغناطیسی- قطب‌نما]

۹- تعیین و ثبت مسیر صعود (تا حد امکان استفاده از علائم شناخته شده)

۱۰- تعیین و ثبت مسیر فرود و برگشت (تا حد امکان استفاده از علائم شناخته شده)

۱۱- ثبت نام و نام خانوادگی رسم‌کننده کروکی (با امضا و تاریخ رسم کروکی)

۱۲- استفاده از قلم‌های رنگی در نشان دادن عوارض زمین (آبی برای آب‌ها و چشمه‌ها- سبز برای مناطق با پوشش گیاهی یا جنگلی- سیاه برای خط‌الراس و یال‌ها- قرمز برای راه‌های رفت و برگشت و صعودها و فرودها- قهوه‌ای برای صخره‌ها و...)

۱۳- ثبت شمال مغناطیسی

(ب ۷) عکس‌های برنامه

یک گزارش کامل کوه‌نوردی باید به همراه عکس یا فیلم برنامه نیز باشد:

۱- عکس‌هایی از محل مبدا حرکت برنامه

۲- عکس‌هایی از نفرات شرکت‌کننده در برنامه

۳- عکس‌هایی از محل آغاز برنامه

۴- عکس‌هایی در مورد نشان دادن مسیرهای حرکت و محل‌های چادر و شب‌مانی

۵- عکس‌هایی در ارائه نقاط مشخص برنامه

۶- عکس‌هایی از تاسیسات، روستاها، محل‌های اقامت، در طول اجرای برنامه

۷- عکس پوشش گیاهی (و در صورت امکان جانوری) منطقه

۸- عکس‌هایی از مردمان و آداب و رسوم و فرهنگ زیست محیطی منطقه

۹- عکس هدف برنامه (قله- غار- آبشار- دریاچه- دیواره و...)

۱۰- عکسی در پایان برنامه با کلیه نفرات شرکت‌کننده در برنامه

۱۱- عکس‌هایی در نشان دادن تخریب محیط زیست یا حیات وحش و یا...

۱۲- کلیه عکس‌های برنامه باید پشت‌نویسی شود:

الف) تاریخ

ب) ساعت

پ) عکاس

ت) اسامی نفرات یا اسامی اماکن و یا...

ث) توضیح مسیر (مختصر)

ج) توضیح عکس (مختصر)

پ) رعایت چند نکته در گزارش نویسی برنامه‌های کوه‌نوردی:

۱- نت‌برداری و یادداشت گزارش در محل‌های استراحت و یا در پایان همان روز

۲- رعایت اصول نگارش و املا

۳- حفظ ترتیب روزهای برنامه در گزارش

۴- رعایت ادب و نزاکت در گزارش

۵- رعایت اصل صداقت در گزارش نویسی

۶- طرح انتقادات برنامه (از دید و نظر نویسنده گزارش) در پایان گزارش

۷- طرح پیشنهادات برنامه (از دید و نظر نویسنده گزارش) در پایان گزارش

۸- تقدیر و تشکر از همکاران برنامه (سازمان‌ها- نهادها- ادارات- سرپرستی- نفرات و...)

۹- قید نظرات نویسنده گزارش در مورد، سرپرست و نفرات شرکت‌کننده در برنامه

۱۰- انتخاب خط نگارش مناسب با کادربندی مناسب صفحات

۱۱- بازبینی و تصحیح متن گزارش

۱۲- ارسال گزارش (در صورت صلاح دید و نیاز) به: فدراسیون- هیات‌های کوه‌نوردی- مجله‌های ورزشی- هفته‌نامه‌ها- پیشکسوت‌ها- نفرات برنامه- سرپرست برنامه و...

۱۳- سرپرست برنامه گزارش برنامه را از نفرات شرکت‌کننده در برنامه تحویل و پس از مطالعه دقیق آن، نظرات خود را پیرامون گزارش مکتوب و ضمیمه گزارش می‌نماید.

۱۴- نویسنده گزارش می‌تواند متن گزارش را به صنایع ادبی، فرهنگی، نظم و نثر و... آراسته نماید.

۱۵- یک گزارش خوب و کامل باید راهنمایی دقیق و جامعی جهت استفاده دیگر گروه‌ها و تیم‌ها ارائه کند.

۱۶- گزارش برنامه جهت اعلان در مطبوعات، به طور خلاصه و در عین حال کامل تهیه می‌شود.

۱۷- نویسنده گزارش یک سری از اصل گزارش را در بایگانی خویش محفوظ می‌دارد.

۱۸- لیست برنامه‌ی غذایی در طول اجرای برنامه

۱۹- لیست ابزار و وسایل و تجهیزات مورد استفاده در برنامه (به طور جداگانه و ضمیمه‌ی گزارش)

۲۰- عنوان برنامه (به علاوه نام و نام خانوادگی تهیه‌کننده گزارش و تاریخ اجرای برنامه) در صفحه‌ی اول

ت) برخی از علائم و نشانه‌های عمومی در ترسیم کروکی:

۱- در صورت عدم دسترسی به علائم و نشانه‌های شناخته شده در مورد یک

عارضه (مثال: گوسفند سرا و یا سنگ‌چین‌ها) می‌توان از علامت‌ها و نشانه‌های

ابتکاری استفاده و توضیح آن را در گوشه کروکی و یا در متن کروکی ارائه داد. Δ

# گزارش کار کمپ تابستانی مستقر در بارگاه سوم دماوند (جبهه جنوبی)

تهیه و تنظیم: حمیدرضا باقرپور



## وضعیت دماوند

دماوند به عنوان یکی از نمادی ترین قله ایران زمین با ارتفاع ۵۶۷۱ متر، همیشه کوهنوردان و عاشقان طبیعت را به سوی خود کشانده است. این کوه با تمامی سرسختی‌ها و دشواری‌هایی که دارد، دوستداران خود را در فصل تابستان به سوی خود می‌کشاند و پذیرای هزاران کوهنورد ایرانی و خارجی می‌باشد. دماوند همچنان مقتدرانه پابرجاست. اما افسوس که از لایه لای گل‌های کوچک روییده از دل صخره‌ها با زبانی خاموش از ما یاری می‌طلبد و ما هیچ از سخنش نفهمیدیم تا این که پا را فراتر نهادیم و آنجا بود که از غم دل این کوه خاموش آگاهی یافتیم و درصدد برآمدیم که یاریش کنیم با کمک ریاست محترم فدراسیون کوهنوردی آقای آقاجانی و دست اندرکاران فدراسیون عازم منطقه می‌شویم تا وضعیت کنونی را بهبود بخشیم تا شاید خدمتی به طبیعت و دوستداران طبیعت کرده باشیم.

رها شده کاری غیرممکن نمی‌باشد و این باری عظیم که بر دوش دماوند زیبا سنگینی می‌کرد و چشم هر رهگری را آزرده می‌ساخت از دامن این نماد ملی جمع‌آوری شد و به شهر پلور و به محل دفع زباله انتقال یافت.

## ۲- بارگاه سوم

به دلیل وجود پناهگاه در ارتفاع ۴۱۰۰ متری دماوند و استراحت‌گاه کوهنوردان، این منطقه مملو از زباله‌های مختلف شده است. با تلاش شبانه‌روزی تیم مستقر در بارگاه سوم مشغول به کار می‌شویم از لایه لای سنگ‌ها - داخل پناهگاه - اطراف پناهگاه به شعاع ۵۰۰ متر را نظافت می‌کنیم و این بار برایم باور کردنی نیست بیش از ۵۰ گونی زباله جمع می‌شود و واقعاً تعجب برانگیز بود که چرا باید در این منطقه این مقدار زباله باشد و چرا کوهنوردان زباله‌هایشان را به پایین نمی‌برند تا این حجم زیاد زباله به وجود نیاید. با تلاش شبانه‌روزی و همت بچه‌ها زباله‌ها را در جایی مشخص مستقر می‌کنیم تا توسط قاطر به پایین منتقل شوند و محیط را از آن جلوه بد نجات دهیم که به یاری خاندان این غیرممکن نیز ممکن می‌شود و نفس راحتی می‌کشیم و خود را برای مرحله بعدی آماده می‌کنیم.

## ۳- از بارگاه سوم تا قله و مسیر برگشت

پس از اتمام دو مرحله قبل خود را آماده نظافت از بارگاه سوم تا قله می‌نماییم و برداشتن چندین گونی عازم قله می‌شویم در بین راه زباله‌ها را کم‌کم جمع‌آوری می‌نماییم و خوشبختانه زباله در این مسیر کمتر به چشم می‌خورد و یا شاید هم باد و کولاک زباله‌ها را پراکنده کرده است به هر حال آنچه که در مسیر هست جمع‌آوری می‌شود این مرحله ۴ روز به طول می‌انجامد و هر روز مقداری از زباله‌ها را به پایین منتقل می‌کنیم و در روز پنجم منطقه قله را شروع می‌کنیم و حدوداً ۱۰ گونی زباله جمع می‌شود که با مشقت فراوان آنها را به پایین می‌آوریم و حالا می‌توانیم بگوییم که زباله در منطقه نیست اما به شرط آن که کوهنوردان رعایت این مهم را بکنند و به یاری ما بشتابند و زباله‌های خود را در دامن این کوه زیبا به جای نگذارند خدا را شاکر هستیم که توانستیم کاری بکنیم که شرمند آیندگان و مهمانان این دیار نشویم.

## مرمت و بازسازی بارگاه سوم و سرویس بهداشتی

با وجود سرمای شدید منطقه دماوند و وجود کولاک و بارش برف در زمستان و پاییز

## موقعیت بارگاه سوم تا قله

سالانه هزاران کوهنورد ایرانی و خارجی عازم این قله می‌شوند به دلیل وجود پناهگاه بزرگ و معروف بارگاه سوم و سهولت دسترسی به این منطقه اکثر کوهنوردان از مسیر جنوبی وارد منطقه می‌شوند و این جبهه، از جبهه‌های دیگر بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرد با توجه به خیل عظیم کوهنوردان به این منطقه، پوشش گیاهی منطقه که شامل گون‌ها، شقایق‌ها، بوته‌های خاردار و گونه‌های هزار خار و گل سنگ‌ها و... را مورد تهدید و نابودی قرار می‌دهند قسمتی از کوه نیز به صورت مسیر و راه‌های مال‌رو در می‌آید و همچنین وجود زباله‌های متعدد که عده‌ای بدون مسئولیت و ناآگاهی از خود به جای می‌گذارند، دماوند و مسیر جنوبی‌اش را به زباله‌دانی تبدیل می‌کنند. بنابراین بر آن شدیم که پاکسازی ابتدای مسیر جنوبی از گوسفندسرا در ارتفاع ۲۹۰۰ متر به بارگاه سوم در ارتفاع ۴۱۵۰ متری و از بارگاه سوم تا قله را توسط یک تیم چهارنفره انجام دهیم.

## شروع کار

در تاریخ ۸۴/۳/۳۱ عازم منطقه شدیم و اهبت منطقه و بزرگی قله و دورنمایش چشم‌هر بیننده را خیره می‌کند. اما وقتی پا در میان دره‌های این کوه زیبا می‌گذاریم درمی‌یابیم که باید کاری جدی را آغاز کنیم. با کمک سه نفر دیگر از دوستان بعد از جابه‌جایی وسایل و امکانات به بارگاه سوم مشغول به کار می‌شویم و پس از طبقه‌بندی کارها، امکانات مورد نیاز را تهیه نموده و خود را برای چهار بخش مهم آماده می‌نماییم.

## ۱- پاکسازی منطقه شامل:

الف - گوسفندسرا ب - بارگاه سوم - ج - مسیر قله

۲- مرمت و بازسازی بارگاه سوم

۳- ترمیم لوله‌های آب و آب رسانی

۴- نصب پلاکاردها و تابلوهای راهنما و زیست محیطی

## پاکسازی منطقه

## ۱- گوسفندسرا

پس از تهیه گونی‌های زباله یک تیم ۴ نفره عازم منطقه دماوند شد. زباله‌ها که شامل پوست شکلات، ساندیس، قوطی‌های نوشابه و... توسط نفرات اعزامی در ۲۰ گونی جمع‌آوری گردید و با تلاش دوستان توانستیم به دیگران بقولانیم که جمع‌آوری زباله‌های

طبق سال‌های گذشته در مسیر جنوبی در بارگاه سوم با برپایی کمپ تابستانی آماده پذیرایی از کوه‌نوردان می‌باشد و به یاری آنان می‌شتابد تا شاید آنانی که بنا به دلایلی مختلف از وسایل مناسبی برخوردار نیستند بتوانند با تجهیز وسایل خود طعم شیرینی صعود به قله را بچشند - استفاده از برق و روشنایی در بارگاه سوم و نیز اجاره دادن وسایلی همچون چادر و کیسه خواب در بارگاه سوم می‌تواند کمکی برای کوه‌نوردان باشد.

#### صعود ارگان‌های مختلف و کوه‌نوردان ایرانی و خارجی

در تابستان امسال شاهد حضور ارگان‌های مختلف اعم از ارتش - سپاه پاسداران - جانبازان - بنیاد شهید و گروه‌های مختلف کوه‌نوردی بودیم و همچنین افراد آزاد و نیز کوه‌نوردان خارجی پا به بام ایران نهادند که در این صعودها به طور تقریبی ۱۵۰۰ صعودکننده در این سال به قله رسیدند.

#### نصب لوله‌های راهنمای مسیر

به دلیل ارتفاع بالای تپه گوگردی و شرایط بد آب و هوایی در منطقه بر آن شدیم تا با نصب لوله‌های گالوانیزه سفید از ابتدای سنگ مثلث تا قله، راهنمایی برای افراد باشد تا در شرایط بد جوی بتوانند به راحتی صعود کنند و بدون مشکل برگردند پس از تهیه لوله‌ها و انتقال آن از مسجد به بارگاه سوم ابتدا پایه‌های لوله‌ها را جوشکاری نموده تا به صورت استوار در زمین مستقر شوند و توسط باد و کولاک از بین نروند بعد از تکمیل لوله‌ها آنها را به بالای تپه گوگردی منتقل کردیم و با مهارتی خاص لوله‌ها را در مسیر کار گذاشتیم و از زیر تپه گوگردی تا قله ۱۰ عدد لوله کار گذاشته شد که با رنگ زرد راهنمای مسیر باشد.

#### نصب پلاکاردها و تابلوهای زیست محیطی

با توجه به این که در فصل تابستان دماوند پذیرای همه نوع قشر جامعه می‌باشد لازم دیدیم تا با راهنمایی عزیزان و نصب پلاکاردها و تابلوهای زیست محیطی آگاهی کافی را به اطلاع عزیزان ورزشکار برسانیم و اخطارهای مهم را گوشزد کنیم. △



پناهگاه تا حدودی آسیب دیده بود با امکانات محدودی که داشتیم تا حدودی پناهگاه را مرمت نموده و بیشترین توان خود را برای سرویس بهداشتی آن گذاشتیم با توجه به این امر که دستشویی قدیمی تقریباً غیر قابل استفاده می‌باشد فدراسیون کوه‌نوردی با اختصاص بودجه برای احداث دستشویی جدید اقدام به ساخت سرویس بهداشتی کرد و با تلاش دو جوشکار و دو نفر بنا و خودمان به عنوان تدارکات و کمکی بعد از ۶۰ روز این قسمت نیز به اتمام می‌رسد.

#### ترمیم لوله‌های آب - آبرسانی

در فصل تابستان با توجه به گرمای تابستان و آب شدن برف یخچال‌ها بر آن شدیم که لوله‌های سال‌های گذشته را مرمت نماییم و آب را از یخچال‌های بالای پناهگاه بارگاه سوم به پناهگاه منتقل نماییم. با تلاش فراوان لوله‌های شکسته را از زیر خروارها سنگ بیرون کشیده و آنها را تعویض می‌کنیم و آب را به پناهگاه منتقل کردیم زیرا در این ارتفاع وجود این آب خود نعمتی برای ما و کوه‌نوردان می‌باشد.

ارائه خدمات به کوه‌نوردی ایرانی - خارجی

## فرم اشتراک

### همنورد گرامی توجه فرمایید:

نظر به اینکه تعدادی از حواله‌های واریز شده به حساب مجله فاقد نام پرداخت کننده است و یا آدرس آنها به دست ما نرسیده است لذا ارسال مجله برای آنها مقدور نبوده است. لطفاً کسانی که وجهی پرداخت کرده اند (از ابتدای انتشار مجله تاکنون) و مجله دریافت نکرده اند با دفتر مجله تماس بگیرند.

در صورتی که مایلید فصلنامه‌ی کوه را مشترک شوید، خواهشمندیم به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. حق اشتراک یکساله فصلنامه کوه (۴ شماره در سال) در داخل ایران ۴۸۰۰۰ ریال با پست عادی، با پست سفارشی ۶۰۰۰۰ ریال و خارج از کشور با پست هوایی ۲۰۰۰۰۰ ریال است که این مبلغ باید به حساب جاری ۳۰۷۰ بانک صادرات امین‌الملک کد ۴۷۶ یا سپهر (۰۱۰۰۲۶۲۴۷۴۰۰۰) بانک صادرات به نام فصلنامه‌ی کوه (قابل پرداخت در کلیه شعب) واریز گردد. (لطفاً به بانک تاکید فرمایید که درج نام فرستنده ضروری است.) و اصل فیش بانکی را همراه با فرم تکمیل شده به نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۹۶۱۵/۶۸۶ فصلنامه کوه ارسال فرمایید.
۲. کپی فیش بانک را تا زمان دریافت نخستین شماره مجله نزد خود نگاه دارید.
۳. از فرستادن وجه نقد چک، پست مالی بابت حق اشتراک، جداً خودداری فرمایید.
۴. هرگونه تغییر در نشانی را سریعاً به دفتر مجله اعلام فرمایید.
۵. دوره‌های صحافی شده فصلنامه ۸-۱، ۱۶-۹، ۲۴-۱۷، ۳۲-۲۵، ۴۰-۳۳ موجود می‌باشد.

فتوکپی فرم ارسالی

مورد قبول است.

لطفاً فقط برای یک سال

وجه اشتراک واریز نمایید.

نام و نام خانوادگی: ..... شغل: ..... تلفن: .....

نشانی: .....

کدپستی: ..... صندوق پستی: ..... طی فیش بانکی شماره: ..... به مبلغ: .....

درخواست از شماره: ..... تا: ..... مورخه: ..... کد اشتراک قبلی: .....

مشترک محترم: در صورتی که پس از ۲۰ روز از آغاز فصل، مجله به دست شما نرسید لطفاً اطلاع دهید تا مجدداً ارسال شود.

# اینترنت

علی پارسایی  
aliparsaei.com

توجه: ماهیت ذاتی اینترنت تغییر پذیری آن می باشد. نگارنده و مجله کوه مسئولیتی در قبال تغییر آدرس هایی که در زیر معرفی شده اند و همچنین محتوای سایت ها و وبلاگ ها و مطالب آن ها ندارند.

پاکستان تاثیر منفی نگذارد قیمت های مجوز صعود را باز هم کاهش داده است و مناطق جدیدی برای فعالیت های کوهنوردی را آزاد اعلام نموده است .  
<http://k2climb.net/news.php?id=1139>

نام قله	هزینه مجوز	هر عضو بیشتر
K-2 (8611-M)	\$ 6000	\$ 1000
8001-8500-M	\$ 4500	\$ 750
7501-8000-M	\$ 2000	\$ 250
7001-7500-M	\$ 1250	\$ 150
6001-7000-M	\$ 750	\$ 100

## Action Direct

کوهنورد فقید آلمانی ولفگانگ گولیچ در زمان حیات خود مسیری را صعود کرد که بعقیده بسیاری از سنگنوردان سخت ترین مسیر صعود ورزشی دنیا بود . مسیر Action direct با درجه ۵.۱۴d سال ها آزمونی سخت برای مدعیان سخت ترین صعود دنیا بود و گواه این امر تنها ۵ صعود موفق طی ۱۳ سال گذشته بود. اما در چند ماه گذشته این مسیر سه بار آن هم بصورت redpoint توسط سنگنوردان صعود شد!  
<http://climbing.com/news/actiondirecte>

## سن و سال خیلی مهم نیست!

یک سنگنورد ۵۹ ساله موفق به صعود یک مسیر ۵.۱۴ شد. باور نمی کنید!!  
آدرس 514 <http://climbing.com/news/shefftel> را ببینید!

## داستان کوه

وبلاگ داستان کوه توسط کوهنورد نام آشنا رامین شجاعی نوشته می شود . وی که در تابستان گذشته تلاشی برای صعود قله برادپیک در پاکستان انجام داده است در این وبلاگ علاوه بر مقالاتی در باره کوهنوردی به گوشه هایی از ماجراهای این صعود پرداخته است .  
<http://dastanekouh.blogspot.com/>

## کوهنوشته

نام و بلاگ خبرنگار علاقمند حسن رضایی است . او که مسئولیت روابط عمومی فدراسیون کوهنوردی را نیز بر عهده دارد در این وبلاگ به ارائه بازخوردها و ارائه نظرات در خصوص کوهنوردی ، ارتباطات و رسانه و موضوعات اجتماعی با رویکرد شخصی پرداخته است . در این وبلاگ تقریبا هر روز می توان نوشته های جدیدی پیدا نمود.  
<http://koohevesht.blogfa.com/>

## یاران کوه

وبلاگی خاص با نوشته های صمیمانه و جذاب کوهنوردی که عاشقانه از خود و احساساتش در کوه می نویسد . قلم روان و با حوصله این نویسنده که نامی از خود در وبلاگش نبرده خواننده را همراه او به کوهستان می برد و محیطی آرام و لذت بخش برای علاقه مندان به زیبایی های ذهنی کوهستان را شکل می بخشد. Δ  
<http://yaranekoohe.persianblog.com>



## یک اطلس اینترنتی

کمپانی google در بین کاربران اینترنتی بسیار نام آشنا است . می توان گفت در اینترنت مطلبی نداشته باشد که موتور

جستجو این شرکت آن را ایندکس نکرده باشد. گوگل اخیرا با ارائه نرم افزار earth چشم انداز تازه ای به پهنه اطلاع رسانی باز نموده است . شما می توانید دریافت فایل از آدرس <http://earth.google.com> و نصب آن بر روی سیستم خود دنیا را صفحه مانیتور خود ببینید. یک نقشه کامل سه بعدی از تمام دنیا. با قابلیت دید هوایی و حرکت و نمای های سه بعدی. بیشک علاقه مندان از دیدن نقشه سه بعدی قله دماوند و بسیاری از کوه های دنیا ( در حقیقت تمام آنها ) بسیار شگفت زده خواهند شد. این نرم افزار علاوه بر این بعنوان یک نقشه بسیار دقیقی از اکثر شهر های دنیا با ذکر نام خیابان و اطلاعات بسیار دیگر قابل استفاده است . یک اطلس کامل که هر روز در حال کامل تر شدن است .

## مسنر و آزمایش DNA

هر چند با وجود پیدا شدن بقایای پیکری که رینهولد مسنر آن را بعنوان برادرش شناسایی کرد تا حد زیادی ادعای مسنر در باره چرایی مرگ برادرش تایید شد اما برخی مطبوعات و منقدین سعی در ارائه این نکته داشتند که استخوان های پیدا شده متعلق به گونتر مسنر نیست . مسنر استخوان ها را به آزمایشگاه فرستاد تا با تست DNA صدق گفتار خود را ثابت کند.

[www.reinhold-messner.de/](http://www.reinhold-messner.de/)

برای دیدن مقالات می توانید نام او (reinhold messner) را در موتور جستجو GOOGLE تایپ کرده و بخش NEWS را انتخاب کنید

## کوهنوردان روس و هدفی سخت تر

سال گذشته کوهنوردان روس بر روی جبهه شمالی اورست مسیر مستقیمی را تا قله پیمودند. صعودی که برای آنها جایزه تیر زرین را در بر داشت . این تیم برای سال آینده هدف دشوار تری را در نظر دارد. دیواره صعود نشده جبهه غربی K2 آنها تلاش بر روی این دیواره توسط تیم بریتانیایی به سرپرستی سر کریس بانگتون بود که با فاجعه مرگ مایک اسکوارت کوهنورد سرشناس پایان یافت .  
<http://k2climb.net/news.php?id=1080>



## کاهش هزینه مجوز صعود در پاکستان

وزارت توریسم پاکستان بخاطر اینکه زلزله اخیر بر روی روند ورود کوهنوردان به

در آستانه برگزاری بیستمین دوره مسابقات المپیک زمستانی

## جذاب ترین رقابت ها

## در المپیک زمستانی

## تورینو ۲۰۰۶ ایتالیا

پیام نظر

ایتالیا

بودجه هنگفتی را

برای تامین امنیت بازی ها در

نظر گرفت تا طی ۱۷ روز برگزاری،

مسابقات از امنیت کافی برخوردار باشد.

### ○ پیش بینی اسطوره اسکی جهان برای کسب مدال

«هرمن مایر» پدیده اسکی آلپاین جهان طی مصاحبه ای با شبکه

یورواسپرت گفت: برای کشور اتریش ۳ مدال طلا را از مسابقات المپیک

زمستانی هدیه خواهیم برد. وی که در المپیک ناگانو ژاپن ۲ مدال طلا را به گردن

آویخت و پس از مدتی به علت سانحه تصادف با موتور از المپیک آمریکا ۲۰۰۲ بازماند. او

قصد دارد در المپیک بیستم ۳ مدال طلای آلپاین را از آن خود نماید. مایر قصد دارد در رشته های

سرعت، ماریپیچ سرعت و ماریپیچ بزرگ بر سکوی نخست المپیک بایستد.

### ○ بودی میلر در المپیک حضور می یابد

«بودی میلر» قهرمانی فصل گذشته اسکی آلپاین جهان از شرکت خود در

رقابت های المپیک زمستانی تورینو خبر داد. در حالی که میلر پیش از این از عدم

حضور خود در رقابت های المپیک به علت تعهداتش به حامیان مالی و وظایفش

نسبت به رسانه ها و هواداران صحبت کرده بود، اما در مصاحبه ای با خبرنگار

سی.ان.ان. گفت: قصد دارم در این مسابقات شرکت نمایم و رقیب سرسختی برای

مایر باشم. او در ادامه خاطر نشان کرد: در حالی که مسابقات خواهیم رفت که شرایط

حاکم بر بازی های المپیک زمستانی را مثبت و مناسب نمی دانم و فکر می کنم من

نیز مانند دیگر ورزشکاران تسلیم جو موجود در این رقابت ها شوم.

### ○ علیداد اسکی باز مطرح ایران در المپیک

این برای سومین بار است که اسکی باز ایرانی پس از انقلاب اسلامی در این

رویداد مهم شرکت می نماید. در سال ۱۹۹۸ حسن شمشکی نماینده ایران در اسکی

آلپاین بود که در رشته ماریپیچ کوچک به رقابت با حریفان خود پرداخت و در سال

۲۰۰۲ و در آمریکا باقر کلهر در آلپاین و مصطفی میرهاشمی در اسکی صحرانوردی

در این مسابقات حضور یافت. اما این بار پیش بینی شرایط بهتری در این مسابقات

است، کارشناسان حضور بهتری را برای «علیداد» اعلام کردند و او در مصاحبه ای

اعلام کرد که تلاش می کنم تا در بین ۳۰ نفر اول المپیک باشم. «علیداد ساوه

شمشکی» که در سال گذشته مجوز حضور در این مسابقات را در چندمین مسابقه

ورودی به دست آورد با امتیاز فدراسیون جهانی (FIS) ۵۷/۰۲ در ماریپیچ کوچک و

۶۷/۱۵ در ماریپیچ بزرگ برای اولین بار در دو رشته مذکور شرکت می نماید. نماینده

ایران در المپیک بیستم در حال حاضر در اردوی تدارکاتی به سر می برد تا زیر نظر

مربی فرانسوی «نیکولازول» نتایج قابل توجهی در این مسابقات به دست آورد.

### ○ نماینده اسکی صحرانوردی ایران در المپیک

فدراسیون اسکی در تلاش است تا بهترین ورزشکار این رشته را نیز به المپیک

اعزام نماید. از میان دو برادر مصطفی و مجتبی میرهاشمی که در سال گذشته امتیاز

فدراسیون جهانی را کسب کردند یک نفر با کسب امتیازات بهتر و لازم و با تشخیص

کمیته فنی در این مسابقات حضور خواهد یافت.

بیستمین دوره بازی های المپیک زمستانی ۲۰۰۶ از روز ۲۲ بهمن ماه امسال به

مدت ۱۶ روز در شهر تورینو ایتالیا برگزار خواهد شد که ۸۵ کشور جهان با ۲۵۰۰ ورزشکار

و ۲۴۰۰ مربی و سرپرست و ۳ هزار نفر همراه در این بازی ها شرکت خواهند کرد. ▽

بیستمین

دوره بازی های

المپیک زمستانی در شهر

تورینو ایتالیا در حالی برگزار

خواهد شد که ۸۵ کشور جهان از جمله

ایران با بهترین ورزشکاران خود در این رویداد

مهم شرکت می نمایند. پیش از این «جانی پتروچی»

رئیس کمیته ملی المپیک ایتالیا که در مسابقات دوره قبل یعنی

سالت لیک آمریکا در سال ۲۰۰۲ نیز حضور داشت اطمینان داد که با

توجه به هنر دیرینه ایتالیا و گرایش مردم این کشور به ورزش های زمستانی به

طور حتم المپیک بهتر و کامل تری را نسبت به دوره های قبل برگزار خواهیم کرد.

ایتالیا تلاش می نماید تا از نمایندگان ۸۵ کشور جهان به نحو مطلوبی پذیرایی

نماید و یکی از بهترین دوره های المپیک را در کارنامه خود ثبت نماید. البته تجربه

این کشور را برای میزبانی این مسابقات نباید نادیده گرفت چرا که در سال ۱۹۵۶

شهر «کورتینودامپرو» میزبان هفتمین دوره این مسابقات بوده است.

### ○ مشعل المپیک ۲۰۰۶ روشن می شود.

مشعل بازی های المپیک زمستانی برای نخستین بار در تاریخ این بازی ها از

منطقه باستانی المپیا روشن خواهد شد و با عبور از مرکز بازی های اسکیت روی یخ

یونان به مرکز بازی های المپیک زمستانی تورینو خواهد رسید. «استفانو بالریانی»،

قهرمان مارتن المپیک ۲۰۰۴ به عنوان نخستین ایتالیایی این مشعل را حمل خواهد

کرد، رئیس بخش تورهای ورزش تورینو نیز اعلام کرد، همه مردم ایتالیا از سازماندهی

و برگزاری چنین مراسم مقدس و آئینی خوشحال هستند. ما رویای المپیک را که

بخشی از زندگی روزمره مان شده به حقیقت تبدیل کرده ایم و حالا به خاطر این پیروزی

به خود می بالیم، چرا که مشعل المپیک تا چند ماه دیگر در کشور ما شعله خواهد افکند.

### ○ ارتش ایتالیا حفاظت از بازی های المپیک را به عهده گرفت

«ماریو پسکانته» رئیس کمیته برگزاری بازی های زمستانی تورینو اظهار داشت.

دولت ایتالیا پیشنهاد کمک سازمان پیمان آتلانتیک شمالی «ناتو» را برای تامین

امنیت این بازی ها رد کرد. پیش از این اعلام شده بود که ماهه است نظامیان

ایتالیایی اماکن مربوط به المپیک زمستانی در شهر شمالی تورینو را تحت حفاظت

شبهانه روزی قرار داده اند اما تیم های مختلفی از جمله آمریکا اعلام کرده که با

نیروهای امنیتی خود به این بازی ها اعزام خواهد شد. در این خصوص نیز دولت

صعود قله ۵۱۳۷ متری آراغات ترکیه شدند. صعود کنندگان عبارتند از: آقایان دکتر محمود نوالی، دکتر خلیل سلطان القزایی، دکتر غفار فرزندی، غلامرضا زرشگی، یوسف یوسفی مرزی، بیوک لطفی فر، یوسف دهقان، محمد مفیدی، حسن واحد، تیمور جلالی، هوشنگ حلاجی، محمد برازنده، احد مجربی تبریزی، کیومرث چلیبانی، دکتر



○ یک تیم ۱۵ نفره از گروه بانوان کوهنورد شریف یزد برای اولین بار و از طریق یال جنوبی به قله دماوند صعود کردند. شرکت کنندگان خانم‌ها: شریف، کاجوری، غفورپور، فلاح، کشفی، طاهری، زارع، نقیب‌زاده، احمدی، ریحانی، بانماز، جوادی، رفیعی و باشی.



امین فر، دکتر انصارین، دکتر مجنولو، سام میرزا علیلو، نژادفر، دیاوند، جمشیدی، عزیزاده، نهایی، همدانلو، همتی.

○ گروه کوهنوردی طبرستان جوان بابل در تیر و خرداد ماه ۱۳۸۴ موفق به صعود قله‌های شاهوار در شاهرود، سبلان در استان اردبیل شدند اسامی افراد صعود کننده



خانم‌ها: احمدی، صبوری، امیرکیان، عسگریان، حق شناس، نصراللهی، وثوقی راد. آقایان: لقابی، حسین زاده، کرامتی، فروزش، ربیعی، اکبریان، ارمغان، چوبچیان، آرام نژاد، کوهستانی، علی‌زاده، خسروی، کاظمیان صنم‌ا سرپرست گروه به عهده حسن لقابی و راهنمایی گروه به عهده مجتبی کاظمیان و سیدمجتبی سیدهاشمی بوده است.

○ گروه کوهنوردی پتروشیمی تبریز در سومین صعود برون مرزی خود با موفقیت به قله ۵۰۴۷ متری کازیک گرجستان صعود کرد.

این کوه پربرف در ۱۶۰ کیلومتری شمال تفلیس پایتخت گرجستان و در مرز این کشور با روسیه واقع شده است و یکی از ارتفاعات یخچالی ماورای قفقاز می‌باشد. اعضای تیم: علیرضا صدری، محمدعلی محاسنی، یعقوب شجری، حسین جلیلی، ایوب جاهدی، حمید نظرزاده، جبرئیل کبیری، عبدالحسین شکوهی، رضا کمالی، عیسی گواهر، محمدمهدی کاظمی، یعقوب مختارپور، رضا سیاحی، یوسف سیفی، سیفعلی لطفی و اتابک خبازی از پتروشیمی تبریز، شمس امیری و اسمعیلی

○ یک تیم ۱۵ نفره دوچرخه کوهستان از گروه سیمرخ گلپایگان طی یک برنامه ۵ روزه از مسیر گلپایگان - خمین - الیگودرز - شول آباد به دریاچه گهر رسیده و از طریق گردنه پنبه کار و درود مجدداً به شهر خود برگشتند. افراد گروه: احسان الله انصاری - محسن ابراهیمی - بهنام افشار - وحید احمدیه - علیرضا باقری - سیدابراهیم بهرامی - مجید جهانبخشی - سیدحسن حسینی - ابوالفضل رزاقی - پیام رستگاری - محمود شریعت - علی اصغر مهاجری - مسعود مهاجری - سعید مهاجری - امیرحسین نیکنام - محسن نیکنام.

○ گروه کوهنوردی ستاره بانوان شهرستان دزفول موفق به صعود قله ۵۶۷۱ متری دماوند شدند. صعود کنندگان عبارتند از: مهین ماسچی زاده - زیبا اشکانی پور - فریده جوهر قلی‌زاده - فرخنده پرتو - ناهید ساکی پور - نرگس پورانوری. سرپرستان برنامه: غلامرضا مریدنژاد و عبدالحسین آذرباد.

○ به مناسبت میلاد باسعادت امام علی (ع) گروه کوهنوردی سهند بانوان شهرستان دزفول موفق شد قله ۴۸۱۱ متری سبلان را صعود نماید. در این صعود ۱۶ نفر از بانوان کوهنورد دزفول شرکت داشته و همگی موفق به فتح قله شدند و در مسیر برگشت اقدام به پاکسازی مسیر جبهه شرقی کردند. این صعود با همکاری هیات کوهنوردی شهرستان دزفول برگزار گردید.

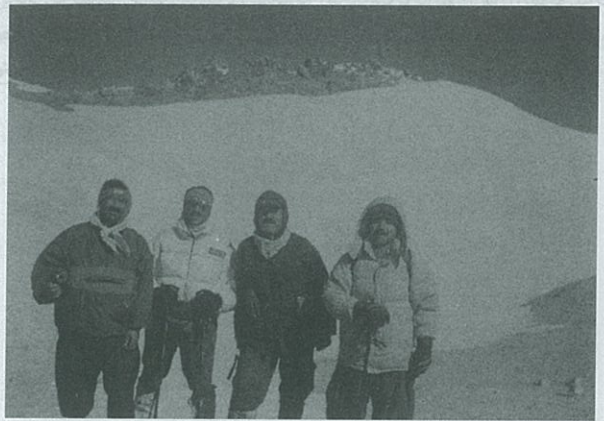
○ گروه کوهنوردی آذرخش، دنا و ارتباطات شهرستان دزفول در یک صعود مشترک موفق به صعود قله ۴۲۲۵ متری دنا در یاسوج شدند در این صعود مشترک ۳۵ نفر از کوهنوردان دزفولی شرکت داشتند.

○ گروه بانوان کوهنوردی شکوه دزفول به مناسبت گرامیداشت میلاد حضرت فاطمه (س) موفق به فتح قله ۳۹۷۱ متری توچال تهران شدند و به همین مناسبت نیز گروه تازه تأسیس سالار آقایان موفق به فتح قله مذکور گردیدند. ۲۵ نفر اعضای گروه کوهنوردی استادان و کارکنان دانشگاه تبریز موفق به

خطیر، کوهنوردان مهمان از پتروشیمی بندرامام .



○ هیات کوهنوردی شهرستان دیواندره در روزهای سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه ۱۱ تا ۱۳ مرداد ۱۳۸۴ از جبهه شمال شرقی قله دماوند را صعود کردند و ساعت ۱۰/۵ صبح روز سه شنبه ۱۳ مرداد بر بلندای دماوند ایستادند و برای آرامش در این



جهان نأرام دعا کردند. افراد صعود کننده: سلام اسماعیل سرخ (سرپرست گروه) - عثمان زارعی - حامد کنعانی - محمود بهرامی

○ یک تیم ۸ نفره از کوهنوردان اصفهان در تیرماه سال جاری موفق به صعود به قله آزارات در کشور ترکیه شدند. اعضای گروه عبارتند از: عبدالله خلیفه سلطانی - محمدرضا مشکوه - عباس محلوجی - نرگس گلبن - منیره خدابنده - محبوبه شایان - فاطمه ابراهیمی - علی ابراهیمی. لازم به ذکر است که آقای عبدالله خلیفه سلطانی سرپرست گروه کرکس اصفهان و از پیش کسوتان کوهنوردی برای سومین بار موفق به صعود قله



فوق گردید.

ضمناً یک گروه ۴ نفره از کوهنوردان نجف آباد شامل: قاسم نمازیان - مصطفی پورمحمدی - حمید غلامی - مهدی خیری و خانم فرح بابایی از شیراز و ۷ نفر از تبریز: پوراصغری - علی نجفی - هدایت قلی زاده - مسعود حسین زاده - امیر کمال خوانی - عبدالله محمدی - جعفر جعفری، همراه تیم فوق به قله صعود کردند.

○ یک گروه ۹ نفری از کوهنوردان پتروشیمی تبریز به قله دماوند صعود کردند. اعضای این گروه متشکل از آقایان پورحسن، جاهدی، ناجی، عفتی، احمدیان، بینش، گواهر و حاجی زاده به سرپرستی جبریل کبیری در یک برنامه هماهنگ موفق به صعود



شدند.

○ در استمرار برنامه‌های کوهنوردی توسط هیات کوهنوردی سازمان آب و برق خوزستان دو صعود کوهنوردی همگانی در تاریخ‌های زیر برای بانوان و آقایان به کوه منگشت در شرق روستای مال آقا از توابع شهرستان ایذه در شمال شرقی خوزستان انجام گرفت. این کوه پوشیده از درخت‌های بلوط و بن و کلخونگ و بید با صخره‌های بلند و باشکوه و چشمه ساران بسیار و با آبی فراوان یکی از زیباترین کوه‌های رشته کوه زاگرس جنوبی است.

صعود اول بانوان در تاریخ‌های ۲۳ و ۲۴ شهریور ۸۴ به تعداد ۳۹ نفر  
صعود دوم آقایان در تاریخ‌های ۶ و ۷ مهرماه ۸۴ به تعداد ۴۰ نفر

○ هیات کوهنوردی شهرستان نظرآباد موفق به چاپ گاهنامه کوهنوردی شدند. در این نشریه می‌خوانیم: با شهرستان نظرآباد آشنا شویم - برنامه‌های انجام شده سال ۱۳۸۴ - اخبار ورزشی و زیست محیطی - آشنایی با تپه ۹ هزار ساله ازبکی. برای هیات فوق موفقیت آرزو می‌کنیم.

○ کوهنوردان استان آذربایجان غربی در دومین سالگرد درگذشت زنده یاد محمد اوراز



به قله دماوند صعود کردند.

○ گروه کوهنوردی «سیدداغی» ماکو در شش ماهه اول سال ۸۴ تمام برنامه‌های از پیش تعیین شده را به مرحله اجرا درآوردند. همچنین سنگ‌نوردان گروه موفق به بازگشایی مسیر جدیدی بر روی دیواره ماکو شدند. این گروه عبارت بودند از اصغر مهدیزاده - کیوان

سلیمانی - عارف نجف پور - احمد محمودی.

○ به همت هیات کوهنوردی شهرستان ازنا «خانه کوهنوردان» افتتاح شد تا کوهنوردانی که در هنگام صعود به قله اشترانکوه از نا توقف می کنند از آن استفاده نمایند. لازم است قبلاً هماهنگی به عمل آید. تلفن (۴۲۲۱۵۸۲۱ محمودی) - (۴۲۲۴۵۵۲ هاشمی) (۰۹۱۶۶۴۱۱۷ محمودی)

○ آقای شهرام نوریان از گروه «بال ها رود» مغان به قله سبلان صعود کردند.  
○ گروه کوهنوردی پتروشیمی امیرکبیر در برنامه های تابستانی خود موفق به فتح قله دماوند شدند. در این برنامه آقایان جعفر زاده (سرپرست)، علیپور، اکبری، بشیری، شهریار، سعادت شرکت داشتند.

○ کارکنان کوهپیمای منطقه ۲ آموزش و پرورش زیر نظر انجمن کوهنوردی این منطقه موفق شدند که از تاریخ ۸۴/۵/۲۰ تا ۸۴/۵/۲۵ با یک برنامه از قبل تعیین شده قله های دماوند، سهند و سبلان را صعود کنند.

اعضای تیم: کریم واعظی - فریدون رضوانی - جواد خیرخواه - احمد سرواحد - غلامعلی نورمحمدی - محمد محمدی - کامیار توکلیمان - غلامرضا توکلیمان.

○ کوهنوردان شرکت های وابسته به وزارت نیرو و به میزبانی شرکت آب و منطقه ای آذربایجان غربی به قله اورین در شهرستان خوی صعود کردند. کوه اورین با ارتفاع ۳۵۰۰ متر در فاصله ۳۵ کیلومتری غرب شهرستان خوی در استان آذربایجان غربی بین دشت الند و دره قطور مشرف بر جلگه خوی واقع گردیده است.

در این برنامه ۹ نفر از کوهنوردان آب و برق خوزستان به اسامی: مریمی امیری - مهناز افشاری - نسرین توانایی - مجتبی لونی - ایرج مرادی - علیرضا میرزایی - محمدرضا بصیرزاده - شاپور کیان ارثی - محمد ابراهیم شجاع نژاد شرکت داشتند.

○ گروه کوهنوردان بانوان چیا کردستان در طی ۸ سال فعالیت خود توانستند بارها به قله ها صعود کنند. اسامی قله :

دماوند - سبلان - توجال - شاهو - دالام پر - پراو - دالاهو - علم کوه - اشترانکوه -

خشچال - یافته - تفتان - شیرکوه - دالاخانی - قندیل - لوند و یخچال همدان و تمامی کوه های استان کردستان - قله خلنو.

○ با عنایت و لطف پروردگار اولین جان پناه کوهستانی استان خوزستان در تاریخ ۸۴/۸/۲۰ در منطقه کوه سفید بهبهان در ارتفاع ۲۳۰۰ متری این کوه نصب گردید. نصب این جان پناه بالغ بر ۶۰ میلیون ریال هزینه در بر داشته که با همکاری کارخانه سیمان بهبهان و نیکوکار محترم آقای حاج اسداله محمدی به بهره برداری رسید. در ساخت این جان پناه که تقریباً یک ماه به طول انجامید تمام گروه های شهرستان بهبهان و افراد محلی منطقه شرکت داشتند.

○ به همت هیات کوهنوردی استان فارس روز ۱۳ آبان ۱۳۸۴ در تمام شهرهای استان روز کوهنورد را گرامی داشتند. این مراسم در شیراز در کوه دراک با حضور جمع کثیری از علاقه مندان برگزار گردید.

تعداد ۷۱ نفر از اعضای گروه های کوهنوردی مخابرات استان های آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، بوشهر، چهارمحال بختیاری، خراسان شمالی، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، کرمانشاه کردستان، فارس، همدان، هرمزگان، مرکزی و تهران به سرپرستی آقای ساریخانی در سومین صعود سراسری کوهنوردان مخابرات در تاریخ ۸۴/۵/۱۰ موفق به صعود قله های خلنو و پالون گردن شدند. ضمناً ۹ نفر از اعضای گروه مخابرات استان تهران در تاریخ ۸۴/۴/۲۰ موفق به صعود قله ۵۶۴۲ متری البروس در روسیه شدند. △



## اخبار فدراسیون

رئیس این اتحادیه هر دو سال یک بار انتخاب می شود. همایون بختیاری به عنوان خزانه دار اتحادیه کوهنوردی آسیا انتخاب شد وی همچنین به عنوان داور مسابقات سنگنوردی المپیک آسیایی داخل سالن برگزیده شد. مقرر گردید جلسه آتی شورای اتحادیه کوهنوردی آسیا در تایوان و مجمع عمومی این اتحادیه در چین برگزار شود.

در جلسه مجمع عمومی جهان:  
○ از صعود بانوان ایرانی به قله اورست تقدیر به عمل آمد.

○ از تیم پزشکی فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از فعال ترین تیم های پزشکی جهان نام برده شد و از دکتر حمید مساعدیان به عنوان یکی از پزشکان فعال فدراسیون جهانی تقدیر شد (مساعدیان دبیر کمیته پزشکی فدراسیون کوهنوردی است)

○ فدراسیون سنگنوردی روسیه از همایون بختیاری به دلیل فعالیت مستمر در اتحادیه آسیا و جهان تقدیر به عمل آورد و به ایشان مدال افتخار اهدا کرد.

○ از فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در رقابت های جهانی کوه اسکی دعوت رسمی به عمل آمد.

○ مقرر گردید جلسه آتی سال ۲۰۰۶ فدراسیون جهانی در کانادا، سال ۲۰۰۷ در ژاپن و سال ۲۰۰۸ در جمهوری اسلامی ایران برگزار شود.

○ رئیس فدراسیون جهانی کوهنوردی که از کشور انگلستان است استعفا داد و قرار است در ۳ ماه آتی از طریق انتخابات الکترونیکی رئیس جدید انتخاب شود. △

شرکت دو نماینده ایران در کمیسیون پزشکی اتحادیه جهانی کوهنوردی دکتر جلال الدین شاهبازی رئیس کمیته پزشکی فدراسیون کوهنوردی به همراه دکتر حمید مساعدیان دبیر این کمیته جهت شرکت در کمیسیون پزشکی اتحادیه جهانی کوهنوردی عازم آلمان شدند. به گزارش روابط عمومی فدراسیون کوهنوردی، در این کمیسیون آخرین دست آوردهای پزشکی ارتفاع ارایه گردید، ضمن اینکه همزمان سمپوزیوم پزشکی کوهستان نیز برگزار شد. این کمیسیون از ۶ سپتامبر به مدت ۶ روز در شهر آخن برگزار می شود.

گزارش نماینده ایران از مجمع سالیانه اتحادیه کوهنوردی آسیا و جهان  
همایون بختیاری مسئول کمیته روابط بین الملل فدراسیون کوهنوردی که به منظور شرکت در مجمع عمومی اتحادیه کوهنوردی جهان و آسیا عازم سنگاپور شده بود پس از بازگشت گزارش خود را از این مجمع ارایه کرد. در گزارش همایون بختیاری که به عنوان دبیر کل اتحادیه کوهنوردی آسیا در جلسات ۶ روزه اتحادیه کوهنوردی آسیا و جهان که همزمان برگزار شد شرکت کرد چنین آمده است: جلسه مجمع عمومی آسیا با ریاست جمهوری اسلامی ایران برگزار شد و مواردی به این شرح تصویب و مقرر گردید:

صادق آقاجانی رئیس فدراسیون کوهنوردی کشورمان که به مدت ۲ سال رئیس اتحادیه کوهنوردی آسیا بود این بار به عنوان نایب رئیس این اتحادیه انتخاب شد. ضمن این که ژاپنی ها به عنوان ریاست جدید اتحادیه کوهنوردی آسیا انتخاب شدند. شایان ذکر است

# اخبار انجمن کوهنوردان ایران

○ فریدون اسماعیل زاده، متولد ۱۳۱۹ همدان، و از پیش کسوتان کوهنوردی فنی کشور، پس از آن که حدود شش ماه با بیماری سرطان خون دست و پنجه نرم کرد، در روز ۱۶ آبان ۱۳۸۴ چشم از جهان فرو بست.

اسماعیل زاده از ۱۳۳۹ عضو هیات کوهنوردی همدان و «گروه کوهنوردی متحد» آن شهر بود، از ۱۳۶۳ شروع به همکاری با گروه کوه نوردان آرش (تهران) کرد و به عضویت آن درآمد، در مقاطعی با فدراسیون کوهنوردی همکاری داشت، همچنین از پایه گذاران گروه کوهنوردی بابک (همدان) و عضو انجمن کوهنوردان ایران بود. اسماعیل زاده عضو نخستین تیم شناسایی کننده دالان‌های غار علی صدر بود، چندین کار نو روی دیواره‌های بیستون و علم کوه به انجام رساند و نیز چندین یک‌سره نوردی و صعود زمستانی دشوار داشته است. او طی چند دهه، به جوانان زیادی آموزش کوهنوردی داد و تعدادی از بهترین سنگ‌نوردان و کوهنوردان کشور نزد او آموزش دیده‌اند. انجمن کوهنوردان ایران درگذشت فریدون اسماعیل زاده، کوهنورد و مربی پر کار کشور را به خانواده آن زنده‌یاد و همه‌ی کوهنوردان کشور تسلیت می‌گوید.

○ سی و نهمین نشست ماهانه انجمن در روز چهارشنبه ۱۲ مرداد برگزار شد. در این نشست، تعدادی از اعضای هیات کوهنوردی کهگیلویه و بویراحمد گزارشی درباره کوه‌های منطقه و کوهنوردی در آن استان دادند. همچنین خسرو یزدانی، برادر ابوالقاسم یزدانی، کوهنورد اهل سوادکوه که در بهمن ماه گذشته در حوالی «بشار یخی» دماوند گم شد، گزارشی از این حادثه داد.

○ مجمع عمومی عادی سالانه انجمن در روز ۸۴/۸/۱۸ برگزار شد. این مجمع به شنیدن گزارش هیات مدیره و بازرس اختصاص داشت و به دنبال آن «مجمع فوق‌العاده» تشکیل شد و در آن ماده‌ای به اساسنامه اضافه شد، مبنی بر این که بازرس انجمن برای یک سال انتخاب می‌شود.

○ از ۸/۲۲ تا ۸/۲۹، انجمن با همکاری فرهنگ‌سرای نیاوران، نمایشگاه عکس «کوه و طبیعت» به همراه آثار عکاسی فریدون اسماعیل زاده، در فرهنگ‌سرای هنر (تهران، خیابان شریعتی) برگزار شد. این نمایشگاه‌ها با تلاش «کانون تصویرگران کوهستان» که یکی از گروه‌های کاری انجمن است، شکل گرفت.

○ دفتر نمایندگی انجمن در سیستان و بلوچستان، در شهر زاهدان آغاز به کار کرد. علاقمندان می‌توانند از طریق تلفن ۱۲ و ۳۲۲۹۴۱۱ (۰۵۴۱) (نجارپیشه) با این دفتر تماس بگیرند. همچنین دفتر نمایندگی انجمن در استان بوشهر با همت گروهی از کوهنوردان برازجان در شرف تأسیس است. ○ انجمن با پی‌گیری‌های گروه دیده‌بان کوهستان و همکاری باشگاه فرهنگی ورزشی آرات، همایش دوستانه‌ای را به مناسبت روز جهانی کوهستان (۱۱ دسامبر) در روز ۲۵ آذر در محل باشگاه آرات برگزار کرد.

## دیده‌بان کوهستان

○ شماره یک نشریه گروه دیده‌بان کوهستان (وکا) با عنوان «کوهبان» در شهریور ۱۳۸۴ منتشر شد. این شماره به موضوع سیل در استان گلستان اختصاص دارد. ○ به مناسبت روز پاسسازی کوهستان (۴ مهرماه)، گروه‌ها و انجمن‌های گوناگون، در روزهای جمعه اول و هشتم مهرماه به تبلیغات زیست‌محیطی و پخش کردن کیسه‌های زباله در میان کوه‌پیمایان پرداختند. انجمن کوهنوردان، به این مناسبت فراخوانی داد و از کوهنوردان درخواست کرد که در این فعالیت‌ها شرکت کنند.

○ به گفته محمدحسن نجاریان و مصطفی سلاخی، عملیات ساخت سد به منظور ایجاد دریاچه تفریحی در ۵۰۰ متری غار کتل خور ادامه دارد. لازم است که کوهنوردان، به ویژه کسانی که در آب‌شناسی و زمین‌شناسی تخصص دارند، موضوع را از نظر تأثیر احتمالی بر حجم آب ورودی به غار و تأثیر بر سازندهای آن مورد توجه قرار دهند.

○ در چند ماه گذشته، جاده معدن پوکه قرقه (دماوند) تعریض شد و ظاهراً برنامه‌هایی برای برداشت بیشتر این ماده معدنی در حال اجرا است. برداشت پوکه، چهره باشکوه دماوند را که «چشم‌انداز سرزمینی» ایران است، به شدت خدشه‌دار کرده است.

○ در حدود یک سال است که اهالی کلاردشت، با ابراز مخالفت‌ها و اقدامات خود، مانع فعالیت «شرکت سنگ تزئینی کلاردشت» در منطقه اکاپل و ... شده‌اند. اهالی کلاردشت، همچون دیگر دوستداران محیط‌زیست و عموم کوهنوردان کشور، معتقدند که این منطقه واجد چنان ارزش‌های طبیعی است که هیچ فعالیت اقتصادی مخربی نباید در آن انجام شود.

○ تجاوز به حریم منابع طبیعی که ثروت عمومی و متعلق به همه مردم ایران است، ابعادی بی‌سابقه یافته است. برای مثال در لواسانات و رودبار قصران (شمال خط‌الراس توجال) ساخت و ساز در حریم رودخانه‌ها چنان افزایش یافته که راه دسترسی به کوه‌ها در بسیاری نقاط بر کوهنوردان بسته شده است. همچنین راه دسترسی حیات وحش منطقه به آبشخورها و چمنزارهای کنار رودخانه که به ویژه در زمستان برای آنها حیاتی است، بسته شده است.

○ حمید مختاری مسئول امور ورزشی سازمان تأمین اجتماعی رفسنجان در نامه‌ای به اداره محیط زیست و فرمانداری آن شهرستان، از مسدود شدن راه روستایی جریسکوه توسط یکی از مالکان (با نصب درب و زدن قفل) خبر داده است.

○ ظاهراً یکی از شیوه‌های ترویج طبیعت‌گردی در کشور، ما، ساده‌سازی راه‌های دسترسی به طبیعت و از میان بردن جلوه‌های طبیعی است! چند سالی است که تب احداث تله‌کابین در مناطق کوهستانی کشور بالا گرفته است و این پروژه‌ها دقیقاً اندک چشم‌اندازهای طبیعی باقی مانده در نزدیکی شهرها را نشانه گرفته‌اند؛ عملیات ساخت خط دوم تله‌کابین در کوه مدوبن (نمک‌آرود چالوس)، شیطان کوه لاهیجان، رامسر، گرگان، طاق‌بستان کرمانشاه و در لوند همدان، تعدادی از این طرح‌ها هستند.

○ «آن چه احداث آزادراه قزوین - رشت را با تاخیر مواجه کرده، انجام مطالعات نادرست این پروژه بوده که به گفته کارشناسان سازمان مدیریت، زبان‌های فراوانی به پروژه و بودجه عمومی دولت وارد کرده است ... در محدوده طرح که بخشی از منطقه البرز است ... شیب‌های ناپایداری وجود دارد که موجب لغزش‌های بزرگی شده است ... مسیر آزاد راه فاقد هرگونه بررسی‌های زمین‌شناسی است. کارشناسان مدیریت معتقدند که دستگاه اجرایی باید در مورد چنین عملکردی توضیحات کافی ارائه دهد.» (روزنامه اطلاعات، ۲۶ مهرماه ۱۳۸۴). △

خبرهای مربوط به محیط‌های کوهستانی منطقه خود و پیشنهادها و اقدامات را در زمینه حفاظت میراث کوهستانی کشور با «گروه دیده‌بان کوهستان» در میان بگذارید.

انجمن کوهنوردان ایران - تهران، خ انقلاب، نبش لاله‌زار، ساختمان ۶۰۹، واحد ۱۲، کد: ۱۱۴۵۷، تلفن ۶۶۷۱۲۲۴۳، ۶۶۷۱۲۴۲۱

## ورزش کوهنوردی، ورزش مظلوم در نظام ما

سیدعباس محمدی

با سلام و تبریک و تهنیت فراوان به شما دست اندرکاران فصلنامه وزین کوه و به همه کوهنوردان و عاشقان راستین کوه و طبیعت پاک به خاطر فتح قله اورست توسط اولین بانوان ایرانی و نیز عرض تسلیت به مناسبت این همه بی توجهی و نامهربانی ارگان‌ها و سازمان‌های مسئول و غیرمسئول و مردم عاشق ورزش و عاشقان پاک باخته ورزش فوتبال و با اظهار یک دنیا تأسف و تألم به مقاماتی که با بیان تبریک به فوتبالیست‌ها و همه مردم به خاطر راه‌یابی تیم فوتبال ایران به جام جهانی آنها را امیدوار و شاد کردند.

اما در مورد صعود به بام دنیا توسط خانم‌های ایرانی و یا به قول وسایل ارتباط جمعی، اولین زنان مسلمان که حتی در برنامه به خانه برمی‌گردیم شبکه ۵ در عصر ۸۴/۳/۲۵ دعوت شده بودند و از عدم هرگونه عکس‌العمل و تشکر گله‌مند و شاک‌ی بودند می‌تواند فی‌الواقع بیانگر این عرض تسلیت باشد. با این فتح بزرگ واقعاً باید گریست، باید اشک ریخت برای این همه بی‌مهری و بی‌توجهی، نمی‌دانم آیا حداقل هر فردی در عمرش یک بار راه صاف و طولانی را پیاده نرفته است؟ تا حدی که خسته شود و بفهمد که پیاده روی طولانی یعنی چه؟ تا چه رسد به طی یک مسیر سربالایی نیم‌ساعته که با هن و هن و ریختن عرق فراوان به هدفش برسد. حال چگونه این ملت نمی‌داند و نمی‌تواند درک مشقات و سختی‌های صعود سنگین اورست را که آن هم توسط خانم‌ها این موجودات لطیف و ظریف خداوند داشته باشد واقعاً افسوس و صدافسوس که باید گفت. این نامهربانی‌ها از جانب مقامات مسئول درگذشته نیز تکرار شده است آیا صحیح نبود در سالی که قهرمان قهرمانان را انتخاب می‌کردند حداقل نامی از زنده یاد محمداوراز برده می‌شد و یا صحیح‌تر، اهدای جایزه‌ای به خانواده‌اش؟ یاد او گرمی باد و جای او خالی. در این صعود و فتح بزرگ! ▲

### توضیح و پوزش: در مورد چاپ دو عکس در

شماره ۴۰ در قسمت از دریاچه دوربین شما، عکسی که دو کودک را در خورجین یک الاغ نشان می‌داد توسط آقای دکتر فروغی از دیواندره گرفته شده بود که به اشتباه سلام اسماعیل سرخ نوشته شده بود. و همچنین عکس پیرزنی که یک تنه درخت را حمل می‌کرد مربوط به آقای سعید اردبیلی از همدان می‌باشد. و نیز در شعر «کوه را عشق است» جمله کوهساران جای کرکس نیست، اشتباهاً کلمه «هست» جایگزین شده است.

## دشت لاله‌های واژگون، واژگون می‌شود

فؤاد رضایور

استان چهارمحال و بختیاری یکی از زیباترین استان‌های کشورمان و دارای تاریخی کهن و طبیعتی بکر و زیباست که با توجه به وجود کوهستان‌های صعب‌العبور زردکوه و گردنه‌های مرتفع تا حدود زیادی دور از دسترس باقی مانده است. یکی از بدیع‌ترین چشم‌اندازهای منطقه، دشت لاله‌های واژگون است که به علت موقعیت جغرافیایی کم‌نظیر و عوامل آب و هوایی منطقه پذیرای گونه‌های کم‌نظیر و زیبا از لاله‌های واژگون (اشک مریم) می‌باشد که با تراکم بالا در دشتی به مساحت چند کیلومتر مربع در کنار هم روئیده‌اند.

از آنجا که عمر هر زیبایی کم و زودگذر است هر ساله تنها به مدت کوتاهی در اوایل اردیبهشت ماه این منطقه زیبا بسان بهشتی یکپارچه رنگارنگ خودنمایی می‌کند. اما درین که همان مدت کوتاهی است تا خیل مسافران و طبیعت گردان ناهل و نامهربان را از طریق جاده‌ای که به تازگی یکپارچه جایگزین دشتی از قوطی‌های کنسرو و آب‌میوه و انواع و اقسام زباله‌های پلاستیکی کنند. نگارنده چند سال پیایی است که از منطقه دیدن می‌کند و هر سال افسوس سال گذشته را می‌خورد که دشت انبوه و سرخ‌چگونه به دست هم میهنانمان به زوال کشیده می‌شود، که پای هر گلبنی زباله‌ای روئیده است.

گیاهی که دور از این آب و خاک تنها چند ساعت دوام می‌آورد چگونه در شهرهای نزدیک به قیمتی گزاف فروخته می‌شود.

این فرهنگ غلط را چه کسی جا انداخته که برای بوییدن گلی، اول باید آن را چیده، بعد بویید! و جای تأسف دارد که بزرگترها در این کار از بچه‌ها پیشی گرفته‌اند. چه کسی بدعت‌گزار و چه کسی پاسخگوست؟

وای به ما! که اگر این گونه پیش برویم دیگر نه اثری از لاله‌ای به جای خواهد ماند و نه دشتی که لاله‌ای در آن بروید و اکوسیستمی که هر ذره خاکش صدسال زمان نیاز دارد تا به وجود آید، در عرض چند سال به زوال کشیده خواهد شد و آنچه باقی می‌ماند تنها چهره تلخی از خاکروبه‌های حلیبی و پلاستیکی و... است.

همان بهتر که آن جاده، خاکی باقی می‌ماند و نه کسی اسمی از دشت لاله می‌شنید نه کسی نشانی از آن داشت که طبیعت گردی این گونه، بدون آموزش و فرهنگ درست، چیزی جز ضرر و زیان به بار نخواهد آورد و این زنگ خطری است که ناهلان گوش شنیدن آن را ندارند. بیایید تا دیر نشده این آخرین بازمانده‌های میراث طبیعی کشورمان را حفظ کنیم.

با آموزش صحیح و به کارگیری فرهنگ طبیعت گردی و طبیعت دوستی می‌توان جلوی تخریب بیش از اندازه این گونه مناطق را گرفت تا اگر روزگاری من و شما برای آرامش جسم و روان و فرار از روزمرگی و زندگی ماشینی چندساعتی به چنین جایی پناه آوریم بیش از این شرمسار نباشیم. ▲

### درج نام

حسین دانشمند (آلمان) - تهران: اسماعیل وطن نژاد - ناصر رستمی - اصغر کلانی - امید اورنگی - محمد ریگی (خاش) - گروه کوهنوردی مترو - گروه کاوه بروجرذ - گروه بانوان بامداد بروجرذ - گروه دنا اصفهان - گروه چکادشت - پرویز نوری، آستارا - ابوالفضل عظیمی - گروه چکاد اصفهان - گروه کرکس اصفهان - گروه هفت خوان کرج - قلمرو کوهستانی ایران - هیات کوهنوردی آذربایجان غربی - خانه کوهنوردان کرج



hills, which are called KOLUT and are unique to this desert, cover an area 150 km by 75 km in the western desert. Kolut are very large dunes which have hardened over time and, thanks to the forces of erosion, taken on rather peculiar shapes. Upon seeing their first Kolut, many people think they have come across a ruined fortress. The naturally-formed, high, perfectly vertical walls which surround most Kolut lend them this effect. In fact, many early visitors to the Lut named these hill clusters "Lut Village" or "Abandoned Town." According to experts, the Kolut are totally unique – and no one knows exactly how they were formed.

Sandy dunes cover part of the eastern desert. The highest point of the Lut lies at 1,060 meters above sea level; the lowest lies at 200m. Small swamps are interspersed throughout the desert in depressions where rainfall gathers. A number of rivers and streams enter the Lut from the Kerman Mountains, all of which are seasonal save one, the "Kal va Rudshur" ("Salty River"), which flows year round because the soils of its bed are not absorbent.

The Salty River eventually enters an area called the "Salt Depression." Keeping in mind that the central desert often does not see rainfall for years at a time, the average yearly rainfall for the western villages is 5 mm, making the Lut one of the driest places in the world.

After reading Dr. Gabriel's reports, one may conclude that attempting to cross the Lut desert is too dangerous to be considered, but that isn't the case. Erosion has hardened the dunes and hills and opened up numerous gaps and corridors, so they can be negotiated easily. The traveler need only be wary of the swamps, which can contain quicksand, but these are easily recognized and avoided. With a GPS device, camels, a local Baluchi guide, and adequate supplies and equipment the desert explorer can start from NOSRAT ABAD (a town which can readily supply camels) and cross the desert to KESHEET in six days. To avoid dangerously high temperatures such a trip should take place between late fall and early spring. At night, temperatures decline dramatically and winter clothes are a must. The slightest amount of neglect or carelessness in planning can doom the whole expedition.

According to the researchers who have found themselves in the Lut during late August, the temperatures in that season are around 60 degrees centigrade (140 degrees Fahrenheit). If these readings are accurate, the Lut is unofficially the hottest place in the world. Even bacteria have a hard time surviving on the surface of the Lut; mummified camel carcasses, preserved for thousands of years by the heat, aridity, and sterility of the environment, are frequently found. We can, and in fact must, say that the Lut Desert is top dog among the deserts of the world.△

# Iran's "Top Dog" Desert

Mostafa Salehi

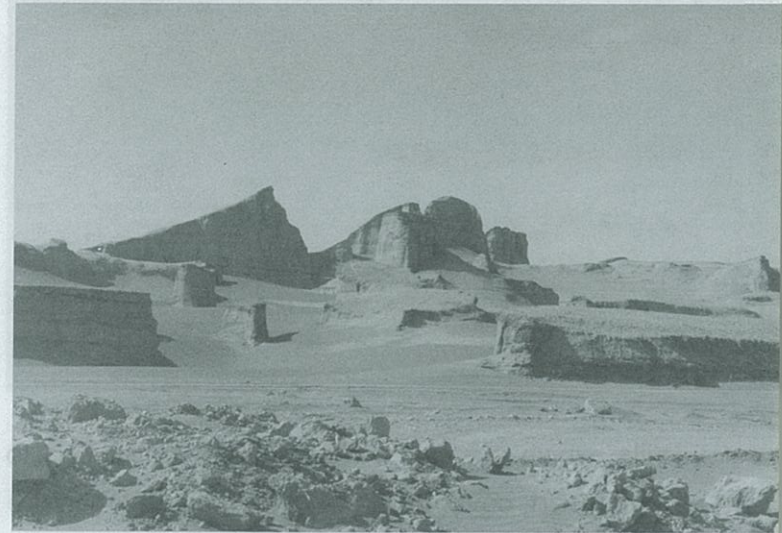
Translated by *TehranAvenue.com*

The LUT DESERT, in southeastern Iran, is roughly egg-shaped and 150 kilometers across at its widest point. Unique among the deserts of the world, it is still largely *terra incognita*. One desertologist described the Lut's landscape as similar to the surface of the moon.

The following information is derived from the writings of both Iranian and non-Iranian researchers, from visits to villages at the edge of the desert, and from a one-time passage from Seif village to Salm village. "Kavir" means desert, devoid of life; "Lut" means completely empty, which is the adjective that must be emphasized here.

Scientific study of the Lut began in the early 20th century with visits from several European scientists. Austrian Dr. {Alfonso Gabriel} and his wife carried out two separate expeditions to the area in 1927 and 1933, each lasting several months and covering both the Lut and the central deserts. Gabriel recounts his experiences in a number of reports and a book, *Travels In Iran's Deserts*. The addition of a "Lut Desert Studies" section to Geography Department at Tehran University prompted more extensive study, both on the ground and by air, with the participation of both Iranian and non-Iranian scientists.

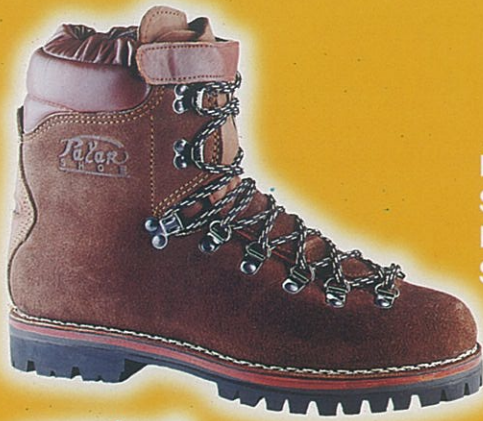
Bordering the desert on the west are the north-south Kerman mountain ranges, with numerous summits exceeding 4,000 meters in altitude. Moving to the east (toward the desert) the range



becomes lower and lower until all that remain are dome-shaped eroded hills. In a north-south direction along the western edge lie a string of villages, which get their drinking water by way of a *qanat* (underground canal) system, traveling under the hills to the foot of the mountains. The largest of these villages is SHAHDAD, with a population of 8,000. In the eastern desert there are some scattered villages, among which DAH SALM, NAKHEELE and NOSRAT hold significance for those wishing to cross the Lut.

The Lut is divided into three regions: northern, central, and southern or "Zangi Ahmad." According to the local Baluchis, {Zangi Ahmad}, a famous bandit used the southern desert as his hideaway and so this region was named after him.

Today's Lut Desert was once the bed of a large sea. The surface of the desert has now hardened into a crust of salt and other minerals. Clustered



MODEL : CASINGER کاسینگر  
SOLE : vibram  
LINING: GORE-TEX water prof  
SIZE : 36 - 48



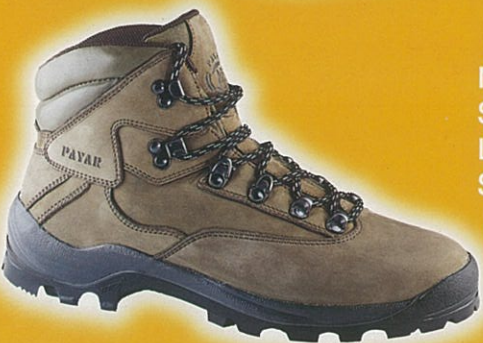
MODEL : NORDICA نوردیکا  
SOLE : vibram  
LINING: GORE-TEX water prof  
SIZE : 36 - 48



MODEL : LOWE لووا  
SOLE : vibram  
LINING: GORE-TEX water prof  
SIZE : 36 - 48



MODEL : ALPE آلپ  
SOLE : vibram  
LINING: GORE-TEX water prof  
SIZE : 36 - 48



MODEL : AMIR پامیر  
SOLE : vibram  
LINING: GORE-TEX water prof  
SIZE : 36 - 48

تولید کننده انواع کفشهای کوهنوردی  
همگام با مدل‌های فنی اروپا ، پنج لایه  
با لایه گورتکس و ضد آب و فرسوده  
کلیه لوازم کوهنوردی و کمپینگ  
طرف قرارداد با کلیه سازمانها ارگانها  
و مراکز دولتی

آدرس: خیابان ولیعصر ، بین میدان منیریه و خیابان امام  
خمینی (سپه) مقابل خیابان صنایعی پور (مهدیه) پلاک ۱۲۶۹

تلفن : ۶۶۴۹۵۳۵۰ - ۹۱۲۳۱۰۲۶۴۶

# بزودی طرحی نو

آنچه سنگنوردان انتظارش را داشتند!

تلفنکس  
۰۲۱ ۷۷۳۳۲۰۹۰۹ - ۷۷۳۳۲۰۹۰۹  
۰۲۱ ۷۷۳۳۲۰۹۰۹